

شهاب میراث

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
«گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی»

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی

شناسه پستی ۳۷۱۵۷

تلفن: ۸ - ۷۷۴۱۹۷۰ نمابر: ۷۷۴۳۶۳۷

www.marashilibrary.com...or net or org

E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سید محمود مرعشی نجفی

سر دبیر: محمد اسفندیاری

حروفزنی و صفحه آرایی: قرآنشر، محمد محمدی

- میراث شهاب، مشتمل بر اخبار کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است و در ضمن آن به مسایل ذیل می پردازد:
- معرفی نسخه های خطی کتابخانه.
- تصحیح رساله های خطی کتابخانه.
- معرفی کتابهای چاپی نفیس کتابخانه.
- معرفی انتشارات کتابخانه.
- گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه.
- مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی.
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی.
- مقالات ویژه معرفی کتابخانه ها.

- هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.
- مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نمی شود.
- میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.
- میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.

فهرست مطالب

۳ گفتگو با ریاست و تولیت کتابخانه.....

گذشته و حال کتابخانه

مصاحبه

۷ سید محمود مرعشی نجفی.....

نسخه‌های خریداری شده

۲۶ علی رفیعی علامرودشتی.....

شیفتگان کتاب

۴۰ حسین بن محمدحسن قمی.....

تحفة الفاطمین

۴۸ مریم اردستانی.....

فهرست آثار رازی به روایت بیرونی

۵۱ سیدحسن فاطمی.....

تصحیحات شیخ آقابزرگ تهرانی

۶۱ عبدالله امینی.....

مخطوطات آیت‌الله سید مصطفی خمینی

پژوهش و نگارش

۶۴ سید محمود مرعشی نجفی.....

گزارش سفر به کشور مغرب

سفرنامه

۸۳ یادگارنوشته‌های دانشوران در دیدار از کتابخانه.....

بازتاب دیدار

۸۸ ○ آمار فعالیتهای کتابخانه ○ توافق‌نامه همکاری ○ درگذشت همکاری دانشمند.....

اخبار

۹۲ مکتوباتی به تولیت کتابخانه و مجله میراث شهاب.....

نامه‌ها

گذشته و حال کتابخانه

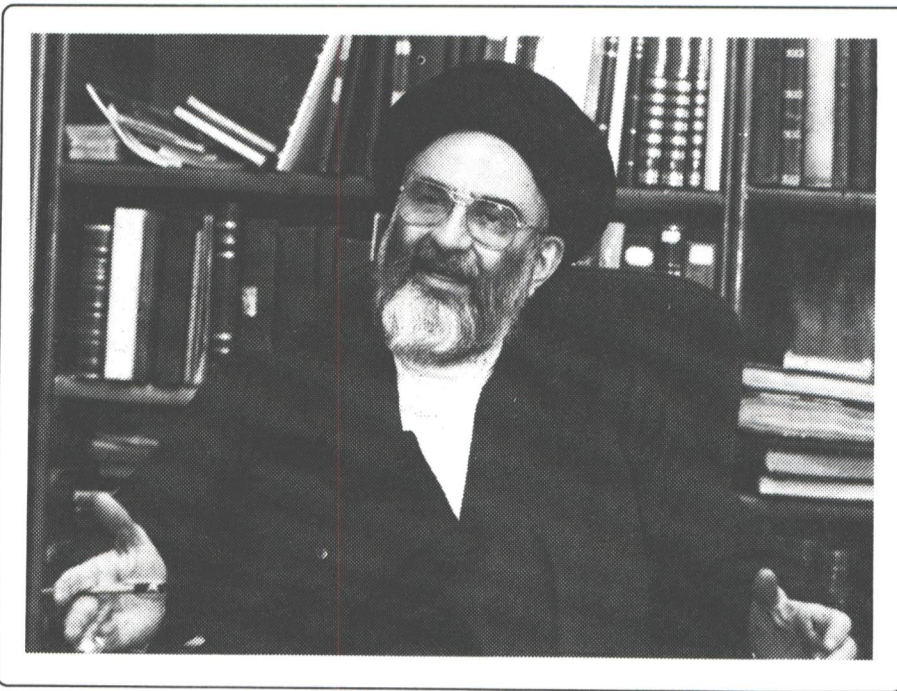
گفتگو با ریاست و تولیت کتابخانه

در سی و پنجمین سالگشت تأسیس کتابخانه

ششصد هزار جلد کتاب چاپی است که سابقه چاپ برخی از آنها به بیش از چهار سده بالغ می‌گردد؛ بیش از سی و یکهزار جلد نسخه خطی که این مجموعه شامل بیش از شصت و دو

۱. کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته در چه سالی تأسیس شد و در آن هنگام، چه تعداد کتاب و چه امکاناتی داشت؟

این کتابخانه رسماً در نیمه شعبان ۱۳۸۶/۲۵ آبان ۱۳۴۵/۱۰ دسامبر ۱۹۶۶ با ۱۰۳۰۰ جلد کتابی چاپی و دو هزار جلد نسخه خطی در طبقه سوم مدرسه شهابیه بنیاد گذارده شد؛ اما دیری نپایید که به سبب کمبود فضا، قطعه زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر تهیه شد که محل کنونی این کتابخانه است و آن نیز در تاریخ نیمه شعبان ۱۳۹۴/۱۲ شهریور ۱۳۵۳/۳ سپتامبر ۱۹۷۴ با زیربنای ۳۵۰۰ متر مربع در پنج طبقه و با موجودی شانزده هزار جلد کتاب چاپی و خطی گشایش یافت.



۲. اینک کتابخانه چه تعداد کتاب خطی و چاپی دارد و نفایس

آن چیست؟

تعیین تعداد دقیق کتابهای چاپی و مجموعه خطی به علت افزایش روز افزون آن از محل خریداری و اهدایی به سختی ممکن است، ولی اجمالاً این کتابخانه اکنون دارای بیش از

هزار عنوان نسخه خطی است؛ و همچنین ۲۵۰۰ عنوان نشریه به زبان‌های مختلف؛ بیش از چهار هزار مجلد نسخه عکسی که از نسخه‌های خطی نفیس کتابخانه‌های خارج از کشور و اندکی هم از کتابخانه‌های داخلی تهیه شده است؛ بیش از صد هزار سند دستنویس از پنج سده قبل تا کنون و صدها اثر

نفیس غیرمکتوب، مانند سکه‌های قدیمی، اسطرلاب و فولاد. و اما نفیس آن؛ در این کتابخانه بیش‌تر خطوط عالمان، کاتبان مشهور و و مصنفان بنام جهان اسلام وجود دارد که گاه در جهان نظیری برای آن نمی‌توان یافت. تعداد این نفیس چنان است که در این مختصر نمی‌گنجد.

۳. تجهیزات و امکانات پیشرفته کتابخانه چیست و چگونه فراهم شده است؟

به تعدادی از این امکانات، فهرست‌وار اشاره می‌شود: یک. بخش مراقبت و حراست، از امکانات پیشرفته و ویژه‌ای برخوردارند، به گونه‌ای که تمام قسمت‌های کتابخانه را زیر پوشش دارند.

دو. در بخش اعلام و اطفای حریق نیز کتابخانه علاوه بر آموزش افراد، از سیستم پیشرفته اطفای حریق خودکار نیز برخوردار است.

سه. بخش مرمت و بازسازی نسخه‌های خطی از امکاناتی شایسته برخوردارند، به گونه‌ای که می‌توانند با مواد اولیه طبیعی، تمام نیازهای خود را برطرف سازند و در بازسازی و مرمت نسخه‌ها به گونه شایسته و بایسته انجام وظیفه کنند و در این بخش نیز پیش از کار بر روی نسخه‌های آفت‌زده، مدتی آن را در بیمارستان ویژه کتاب قرنطینه می‌نمایند. این واحد همه ساله میزبان کارشناسانی از کشورهای مختلف، از جمله یمن و آسیای میانه، بوده که برای آموزش مرمت نسخه‌های خطی به مدت یک ماه آموزش دیده و از سوی متولی کتابخانه به اخذ گواهی نامه مربوط، دست یافته‌اند.

چهار. آزمایشگاه ویژه کتاب که در نوع خود کم نظیر و دارای تجهیزات مدرن از قبیل میکروسکوپ‌های بسیار پیشرفته و دیگر تجهیزات است.

پنج. تجهیزات میکروگرافی کتابخانه، یکی از جدیدترین تجهیزات به کار گرفته شده در کتابخانه‌های جهان است. این بخش علاوه بر سه دستگاه دوربین میکروفیلم ۳۵ میلیمتری و سایر تجهیزات وابسته به آن از دو سال پیش به سیستم اسکنر کتاب و اسکنر میکروفیلم مجهز شده است. این بخش هم‌چنین قادر به تهیه کپی میکروفیلم و سایر خدمات مربوط است.

شش. در بخش اطلاع رسانی و پژوهش‌های کتابداری نیز این کتابخانه دارای تجهیزات مدرن رایانه‌ای است.

۴. کتابخانه چند عضو دارد و ارائه سرویس به آنان چگونه است؟

این کتابخانه، با در نظر گرفتن واحد خواهران، چهل هزار عضو دارد که روزانه به طور متوسط دو هزار نفر در دو نوبت صبح و بعد از ظهر از ساعت ۷ صبح تا ۲۲/۳۰ از خدمات این کتابخانه استفاده می‌کنند.

روزهای یکشنبه تا پنجشنبه ارائه سرویس ویژه برادران و جمعه‌ها در یک نوبت صبح و شنبه‌ها در دو نوبت صبح و بعد از ظهر ویژه خواهران است. این خدمات برای اعضای عادی کتابخانه، شامل ارائه سرویس کتاب‌های چاپی در سالن مطالعه است و آنان مجاز به خارج کردن کتاب از کتابخانه نیستند. علاوه بر اعضای عادی، واحد محققان نیز دارای اعضای ویژه است که از متفکران و محققان حوزه و دانشگاه و نیز محققان خارجی هستند که علاوه بر خدمات کتاب‌های چاپی و مرجعی، از خدمات نسخه‌های خطی نیز برخوردارند.

۵. چه تعداد از نسخه‌های کتابخانه فهرست شده است و اینکه آهنگ فهرست‌نویسی چگونه است و چه زمانی به فرجام می‌رسد؟ تاکنون ۱۲/۲۰۰ نسخه خطی در سی مجلد فهرست، منتشر شده است و این آهنگ همچنان ادامه دارد و تاریخ فرجام آن نیز به درستی روشن نیست؛ زیرا مرتب بر این مجموعه، از محل خرید یا اهدا، افزوده می‌شود و در نتیجه این آهنگ ادامه می‌یابد.

۶. در حال حاضر کتابخانه با چند مؤسسه و کتابخانه در جهان ارتباط دارد و در چه زمینه‌هایی همکاری می‌کند؟

اکنون با بیش از چهارصد مؤسسه فرهنگی، دانشگاه و کتابخانه در خارج از کشور در ارتباط هستیم که این ارتباط بیش‌تر در زمینه مبادله آثار فرهنگی و به ویژه مواد کتابخانه‌ای است.

احساس همیشگی این جانب این بوده است که روح بزرگوار بنیان‌گذار کتابخانه همیشه ناظر بر کتابخانه و اعمال ماست و از توسعه و پیشرفت آن شاد و خشنود است؛ لذا این جانب نیز از این احساس برخوردارم و رضایت ایشان و سایر بزرگوارانی که این کتابخانه حافظ آثار گران‌بهای آنان است و رضایت ولی عصر - ارواحنا فداه - و خداوند تبارک تعالی را برای خویش مغتنم می‌شمرم. باور کنید اگر از صبح تا شب در این مجموعه مشغول به کار باشم هیچ‌گاه احساس خستگی یا کسالت نمی‌کنم و دلیل موفقیت نسبی این جانب در طول بیش از سی و پنج سال مسئولیت کتابخانه، نخست رضایت خداوند و ائمه اطهار علیهم‌السلام و آن‌گاه پدر بزرگوارم است که هر لحظه ناظر بر اعمال این جانب و دیگر کارکنان کتابخانه است.

۱۱. بنای ساختمان جدید کتابخانه از چه زمانی آغاز شد و مشخصات آن چیست؟

چون مشکل کمبود جا در پی توسعه مجموعه کتابخانه و نیز استقبال روزافزون مراجعہ کنندگان بار دیگر رخ نمود، ناگزیر به فکر چاره افتادیم و در نتیجه مذاکره با حضرت امام خمینی علیه‌السلام ایشان دولت وقت را مأمور فراهم ساختن امکانات گسترش کتابخانه کردند و بنابراین قطعه زمینی به مساحت ۲۴۰۰ متر مربع خریداری و کلنگ بنای آن، به دست بنیان‌گذار فقیدش، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - در تاریخ ۲۰ ذالحجه ۱۴۱۰/۲۳ تیر ۱۳۶۹/۱۴ ژوئیه ۱۹۹۰ زده شد. این ساختمان با حدود شانزده هزار متر مربع زیر بنا در هفت طبقه و با ظرفیت بیش از سه میلیون کتاب چاپی و یکصد و بیست هزار جلد نسخه خطی به امید خدا امروز پس از ده سال کار و تلاش و رنج فراوان افتتاح می‌شود.

۱۲. مطلع شدیم که سرکار حاجیه خانم مرعشی در بخش خواهران کتابخانه فعال است و منشأ خدماتی در این بخش شده. درباره این بخش و نقش ایشان نیز توضیحاتی بیان فرمایید. با وجود همه مشکلاتی که در خصوص کمبود اعتبارات مالی داشته‌ایم احساس می‌شد که راه‌اندازی واحد خواهران ضرورت دارد. لذا از چند سال قبل، در هفته، دو روز

۷. کتابخانه چه تعداد میکروفیلم و میکروفیش و میکروژاکت دارد؟

دارای بیش از پانزده هزار حلقه میکروفیلم است؛ همچنین تعداد بسیاری میکروفیش و میکروژاکت دارد که از آن جمله، میکرو فیش‌های عناوین کتاب‌های کتابخانه کنگره آمریکا است که پنجاه میلیون عنوان کتاب‌های چاپ شده در جهان به زبان‌های گوناگون را دربرمی‌گیرد.

۸. آیا سایت کتابخانه فعال است و کاربرد دارد؟

بله، این واحد در طول شبانه‌روز فعال (Online) باز است و کتابخانه می‌تواند از آن استفاده و یا ارائه اطلاعات کند. عده کاربران آن نیز متغیر است که بنابر مقتضیات زمانی بین پنج تا ده نفر هستند و روزانه بین پنج تا پنجاه نفر و گاه بیش‌تر از آن دریافت اطلاعات می‌دارند.

۹. سالانه چند نفر مهمان از کتابخانه بازدید می‌کنند و چه احساسی دارند؟

شمار مهمانان کتابخانه متغیر و روزافزون است و آمار درستی را نمی‌توان برای آن ذکر کرد، ولی در سال گذشته بیش از هفت هزار تن این مجموعه را دیده‌اند و همیشه از این همه فداکاری و مشقت که بنیان‌گذار بزرگوار آن در راه گردآوری آن کشیده، با عظمت و احترام یاد نموده‌اند. نمونه‌های این یادها، که بر دفتر یادبود کتابخانه نقش بسته است و هر فصل در فصلنامه میراث شهاب، گزیده‌هایی از این نوشتارها می‌آید، گواه این مدعاست. یادآوری می‌شود که بیش‌تر میهمانان از شخصیت‌های سیاسی علمی فرهنگی و اجتماعی کشورهای مختلف هستند.

۱۰. اکنون که ساختمان جدید کتابخانه در پی سال‌ها کوشش و تکاپوی حضرت عالی افتتاح می‌شود، چه احساسی دارید؟

خطوط، لباس‌ها و اشیای شخصی ایشان را به نمایش خواهیم گذاشت.

۱۴. مشکلات و کمبودهای کتابخانه چیست و چه انتظاری از مسئولان امور دارید؟

مشکلات کتابخانه، نخست کمبود اعتبارات جاری است. متأسفانه با آن که در حال راه اندازی ساختمان جدید هستیم، مسئولان درخصوص تأمین بودجه راه‌اندازی آن اقدامی نکرده‌اند، به ویژه با توجه به این که ما نیاز مبرم به گزینش افراد متخصص داریم و با تأسف نتوانستیم حتی یک نفر را گزینش کنیم و قهراً این کمبود باعث بروز مشکلات بسیاری در مجموعه خواهد شد. چنانچه مسئولان برای این مهم چاره‌جویی کنند به یاری خداوند کتابخانه از رشد چشمگیری برخوردار خواهد شد؛ زیرا برنامه‌های علمی - فرهنگی بسیار مهمی در مد است که با تأمین اعتبار کافی انجام خواهد شد.

۱۵. افق آینده کتابخانه را چگونه می‌بینید و چه تدبیراتی برای آن اندیشیده‌اید و به نسل‌های آینده چه توصیه‌ای می‌کنید؟

کتابخانه جایگاه خود را در داخل و خارج کشور یافته و از شهرت جهانی برخوردار است. این سرمایه عظیم که حاصل عمر هزاران دانشمند اسلامی است، با حوادثی در طی قرون و اعصار گذشته مواجه بود، و این مقدار که به ما رسیده، باید به نسل‌های آینده تحویل شود. امیدوارم نسل آینده ما از این سرمایه عظیم نهایت بهره را ببرد و آن را به نسل‌های بعد تحویل دهد.

جمعه و شنبه، کتابخانه اختصاص به خواهران دارد و کارمندان نیز از خواهران هستند و مسئولیت این بخش بر عهده همسر این‌جانب سرکار حاجیه خانم مرعشی است؛ البته خواهران محقق چنانچه نیاز به استفاده از نسخه‌های خطی کتابخانه داشته باشند، می‌توانند با معرفی کتبی از مراکز علمی یا استادان شناخته شده حوزه و دانشگاه، علاوه بر دو روز یاد شده، از بخش محققان نیز استفاده کنند. هم‌اکنون متقاضیان عضویت خواهران بسیارند و همیشه تالارهای مطالعه در روزهای ویژه استفاده خواهران مملو از مطالعه‌کنندگان است.

۱۳. باخبر شدیم در کنار فعالیت‌های جنبی کتابخانه، مانند دایره انتشارات و دائرةالمعارف کتابخانه‌های جهان و مجله میراث شهاب، در نظر دارید موزه و مرکز اسناد کتابخانه را نیز فعال سازید. لطفاً در این زمینه نیز توضیحاتی ارائه فرمایید.

بله، چون در کتابخانه اسناد دستنویس بسیاری موجود است، در نظر داریم بخشی را به آن اختصاص دهیم و در آینده آن‌ها را نمایه‌سازی کنیم تا علاقه‌مندان بتوانند از آن‌ها بهره گیرند. البته این نیز بستگی به تأمین اعتبار بیشتر دارد. موزه اشیای غیرمکتوب این کتابخانه شامل فولاد، سکه، اسطرلاب، و اشیای دیگر است که در نظر داریم بخشی را به نمایش این گونه آثار اختصاص دهیم.

ضمناً در نظر داریم بخشی را هم به آثار علمی و لباس‌های بنیان‌گذار کتابخانه اختصاص دهیم که در آن، آثار تألیفی،

نسخه‌های خریداری شده

سید محمود مرعشی نجفی

به ترتیب ذیل معرفی می‌نمایم.

لازم به یادآوری است که ارائه این بخش گزارش و چاپ آن در این فصلنامه، موجب شده است تا برخی از پژوهشگران، که برای تحقیق و انتشار آثار خود نیاز به نسخه‌های بسیار نفیس دارند، از وجود این نسخه‌های کهن مطلع شوند.

برای نمونه چند روز قبل، استاد فرزانه و دانشمند بزرگوار جناب آقای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، که این جانب احترام خاصی برای ایشان قایل هستم و ایشان نیز به این جانب عنایت دارند، تلفنی جویای نسخه کهن تذکرة الاولیاء عطار شدند که چندی قبل نسخه‌ای بسیار کهن و نفیس از آن را، که در اواخر سده هفتم کتابت شده است، در شماره‌های پیشین این فصلنامه معرفی نموده بودم. ظاهراً ایشان در حال تحقیق و تصحیح و انتشار این اثر بودند و نیاز به تصویر نسخه کهن داشتند؛ این جانب با اشتیاق تصویربرداری نمودم و برای استاد ارسال داشتم. هم‌چنین در میان نسخه‌های خریداری شده، چند نسخه بسیار نفیس و کهن دیگر وجود دارند که در کتابخانه شخصی یکی از مجموعه‌داران در تهران قرار داشت و پس از درگذشت او، بازماندگانش آن‌ها را به برخی از دلّالان و سوداگران فروخته و بخشی از آن به خارج از کشور منتقل شده بود. بحمد الله، موفق شدم طی دو مرحله، تعدادی از آن‌ها را در یکی از کشورها برای این کتابخانه بزرگ خریداری کنم و به کشور مسترد نمایم. یقین دارم روح بلند

طبق روال گذشته، از آغاز تا پایان شهریور ماه سال جاری تعداد ۱۹۰ نسخه خطی بسیار نفیس برگزیده، برای این کتابخانه بزرگ تهیه گردیده که از این تعداد ۶۵ نسخه اهدایی و سایر نسخ خریداری شده‌اند. این نسخه‌ها مربوط به چند کتابخانه شخصی علمای گذشته‌اند که یک مجموعه آن دارای نسخه‌های بسیار نفیس و کهن شیعی است و برخی از آن‌ها کهن‌ترین نسخه در جهان به‌شمار می‌آیند. مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله علیه - بنیانگذار این کتابخانه بزرگ و پدر معظم این جانب، از سال‌های دور در پی تهیه و خریداری این نسخه‌های بی‌نظیر توسط این جانب بوده‌اند و متأسفانه صاحب آن آمادگی فروش و واگذاری آن‌ها را نداشت. بحمد الله، اینک با لطف پرورگار و دعای خیر آن پیر روشن‌ضمیر، موفق شدم آن‌ها را خریداری کنم که برخی از آن‌ها را در این گزارش معرفی نموده‌ام.

هم‌چنین مجموعه‌ای حاوی بیش از ۶۰ نسخه خطی مربوط به یکی از علمای بحرینی مقیم ایران نیز در آن‌ها وجود دارد و نسخه‌هایی نسبتاً نفیس در میان آن‌ها یافت می‌شود که گزیده‌ای از آن‌ها را نیز آورده‌ام. اگرچه در شش ماهه سال جاری، تعداد نسخه‌های خطی خریداری شده کتابخانه نسبت به سال‌های قبل کم‌تر است، اما از لحاظ نفاست، بسیار قابل توجه می‌باشند.

در این گزارش، گزیده‌ای از مجموعه نسخه‌های خطی خریداری شده در شش ماهه نخست سال جاری (۱۳۸۱) را

است. یک وقفنامه مهم از یکی از افراد خاندان «آلبارسلان» در سال ۶۵۰ هـ ق در پشت برگ آغازین این نسخه آمده است، ولی متأسفانه آن را با آب دهان محو نموده‌اند و برخی مطالب آن مشخص نیست. برخی از مطالب آن چنین است: «... المنصور الملك مظفر فى الدنيا والدين السلطان ... جامع للعزة ... ارسلان بن الملك ... الفتح العادل الملك ابى منصور ناصرالدين ابى المكارم ... ابن ارسلان خلد الله ملكه هذا الكتاب على المسلمين ... و شرط آن ... انشاهها برفص ماردین ... یبدلونه ... و كان ذلك فى سنة ... خمسين و ستمائه و الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد النبى و آله و سلم.»

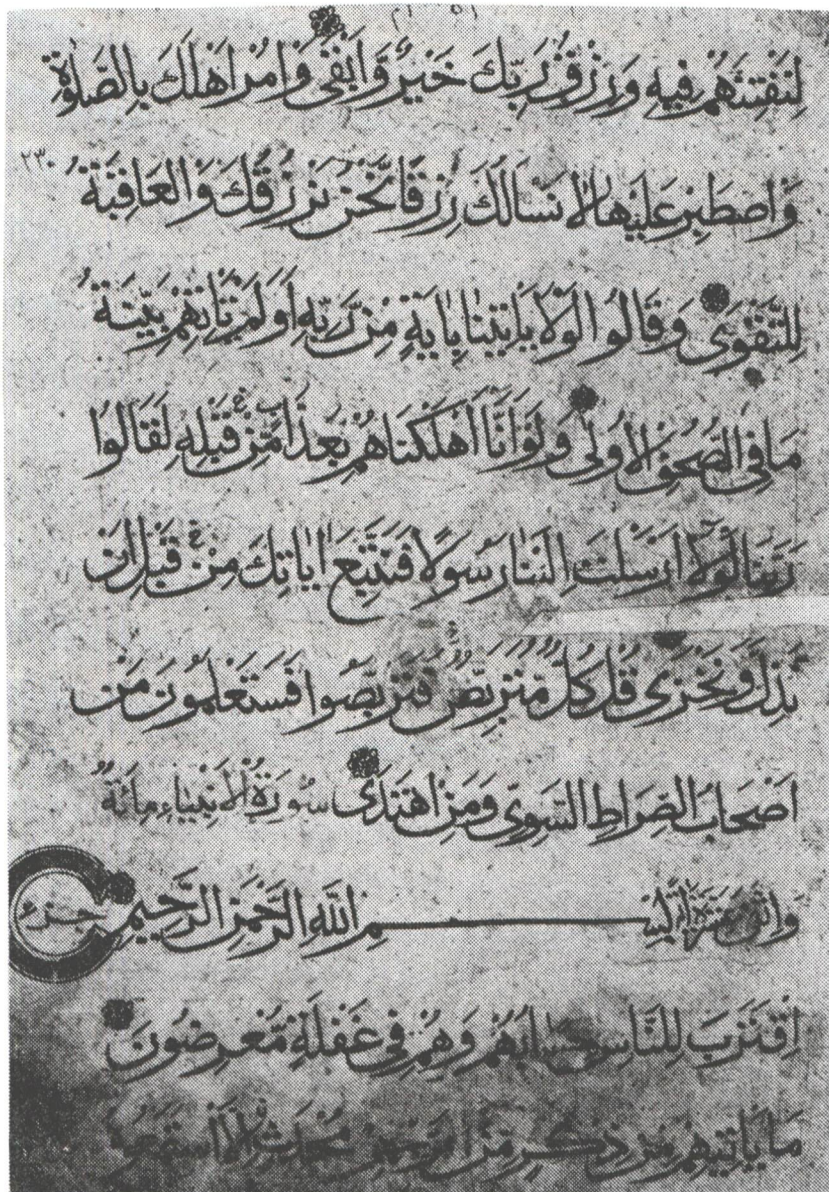
پدر بزرگوارم از جمع‌آوری این ذخایر و معرفی آن‌ها به جامعه اسلامی بسیار مسرور شده، و موجب توفیق بیشترى برای این جانب و سایر همکارانم در این کتابخانه بزرگ و گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی خواهد بود.

پس از رحلت ایشان، طی دوازده سال گذشته، بالغ بر ده هزار جلد نسخه خطی گزینش شده را برای این کتابخانه فراهم نموده‌ام که بجز بخش اندکی، که اهدایی است، بقیه را خریداری کرده‌ام و چنانچه این اقدامات صورت نمی‌گرفت، هم‌اکنون بیش‌تر آن‌ها به خارج از کشور رفته بود. با درود به روح بلند آن عالم ربانی و بزرگ فرهنگیان میراث اسلامی که

این سرمایه عظیم فرهنگی - اسلامی را با مشقات بسیار، جمع‌آوری و سرانجام، آن‌ها را به رایگان به جامعه اسلامی اهدا نمود تا پژوهشگران و علاقه‌مندان از آن‌ها بهره‌گیرند.

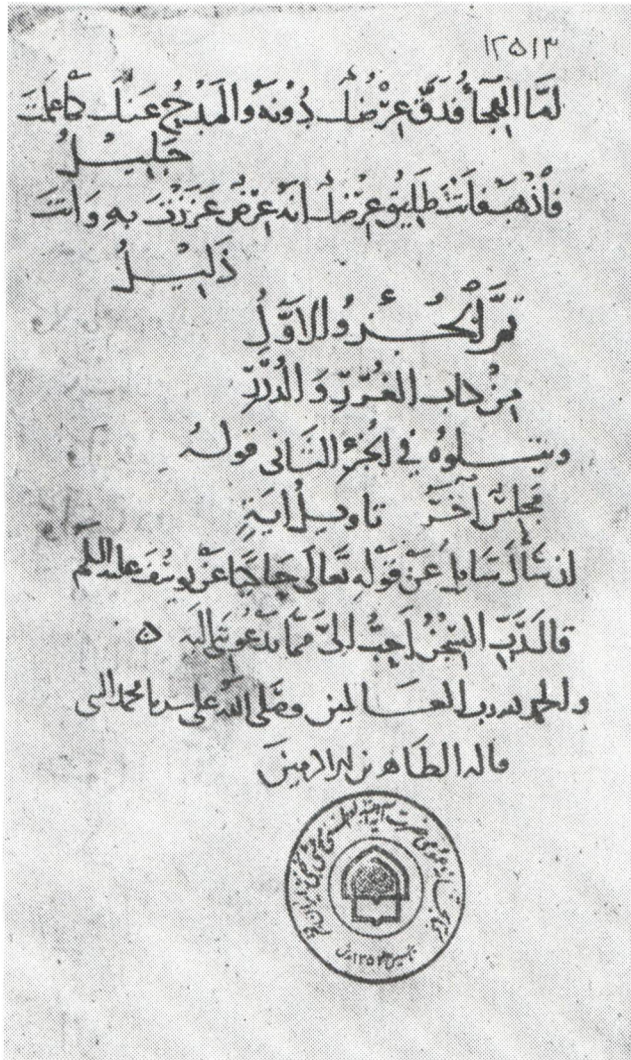
۱ - قرآن کریم، نسخه بسیار مهم و نفیس و کهن و گران‌بها. این نسخه، که به خط ثلث بسیار زیبا در اواخر سده ۸ هـ ق در قطع سلطانی کتابت شده است، بسیار قطور و بزرگ بوده و وزن آن بسیار سنگین و بالغ بر پانزده کیلوگرم می‌باشد، متأسفانه کمی فرسوده شده بود که در بخش «مرمت» این کتابخانه بزرگ، بازسازی شده. این کلام الله بسیار نفیس ظاهراً مدت‌ها در «داغستان» روسیه قرار داشته است. خدای را سپاس که نصیب این کتابخانه گردید.

۲ - کتاب غرر الفوائد و درر القلائد از «سید مرتضی علم الهدی»، معروف به امالی سید مرتضی. این نسخه که از نفایس نسخه‌های خطی شیعه است، بسیار کهن و نفیس بوده و در اواخر سده ۶ هـ ق به خط نسخ خوش کتابت شده. قطع کتاب وزیرى



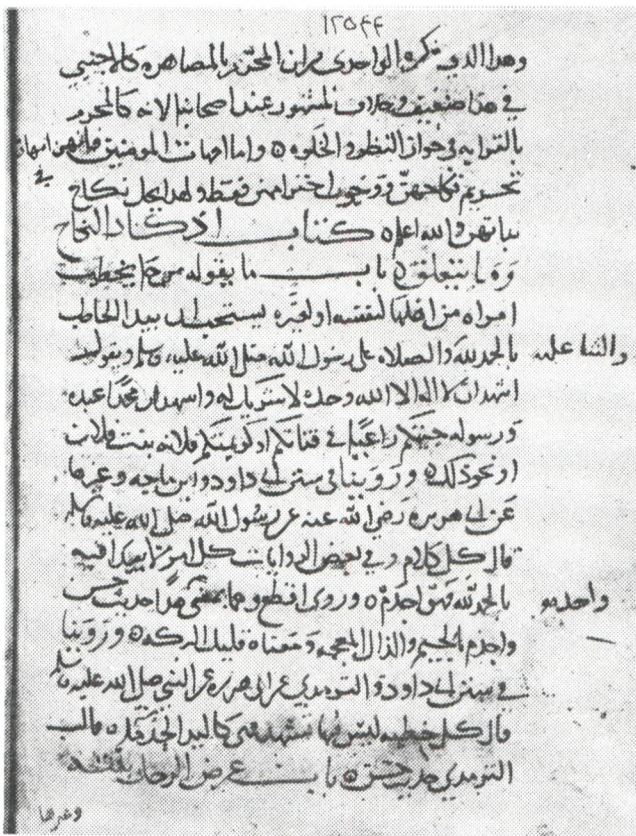
وقف گردیده است. نسخه مزبور بسیار نفیس و اصل، به خط نسخ می‌باشد. مهر واقف در بیش‌تر صفحات مشهود است. قطع کتاب وزیری بزرگ است. شماره «۱۰۰۵۵»

این نسخه یکی از نفیس‌ترین و نایاب‌ترین و کهن‌ترین نسخه‌های شیعی می‌باشد. شماره «۱۲۵۱۳»



امالی سید مرتضی، مورخ سده ۷ ق، شماره «۱۲۵۱۳»

- ۳ - جلد دوم کتاب الاذکار النوویة به عربی در اذکار متفرقه، تألیف «نووی». این نسخه بسیار نفیس و کهن در اواخر سده ۸ هق، به خط نسخ نگاشته شده است. عناوین آن قرمز، قطع آن وزیری و جلد آن تیماج قهوه‌ای با لبه برگردان است. نسخه اندکی آسیب دیده است. شماره «۱۲۵۴۴»
- ۴ - ترجمه دفتر اول مثنوی، به ترکی از «لطف‌الله بن ابی‌یوسف الحلمی». نسخه نفیس و چاپ‌نشده‌ای که در سال ۹۷۳ هق، به خط نستعلیق در قطع رقعی نگاشته شده است. شماره «۱۰۰۵۴»
- ۵ - مجموعه چند وقف‌نامه به عربی که برای «الازهر» مصر به منظور چند رقبه در سال ۱۰۹۲ هق از سوی واقف



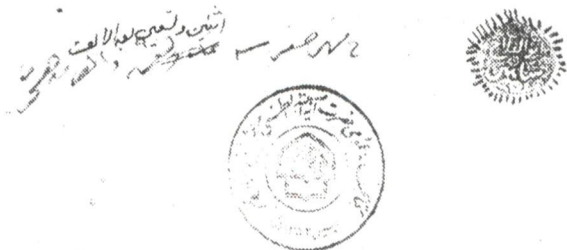
الاذكار النوویة از نووی، مورخ اواخر سده ۸ ق، شماره «۱۲۵۴۴»

المعجم او عهد سده ۸ هق على الراجح في قولنا في ذلك وانتم على

المعجم بذلك محمد بن ابي في صفة من عادات المستور عندنا كما نالنا في المحرم

وهذا الذي ذكره الواحدي عن ابن المحسن المصاهرة كالاخيبي

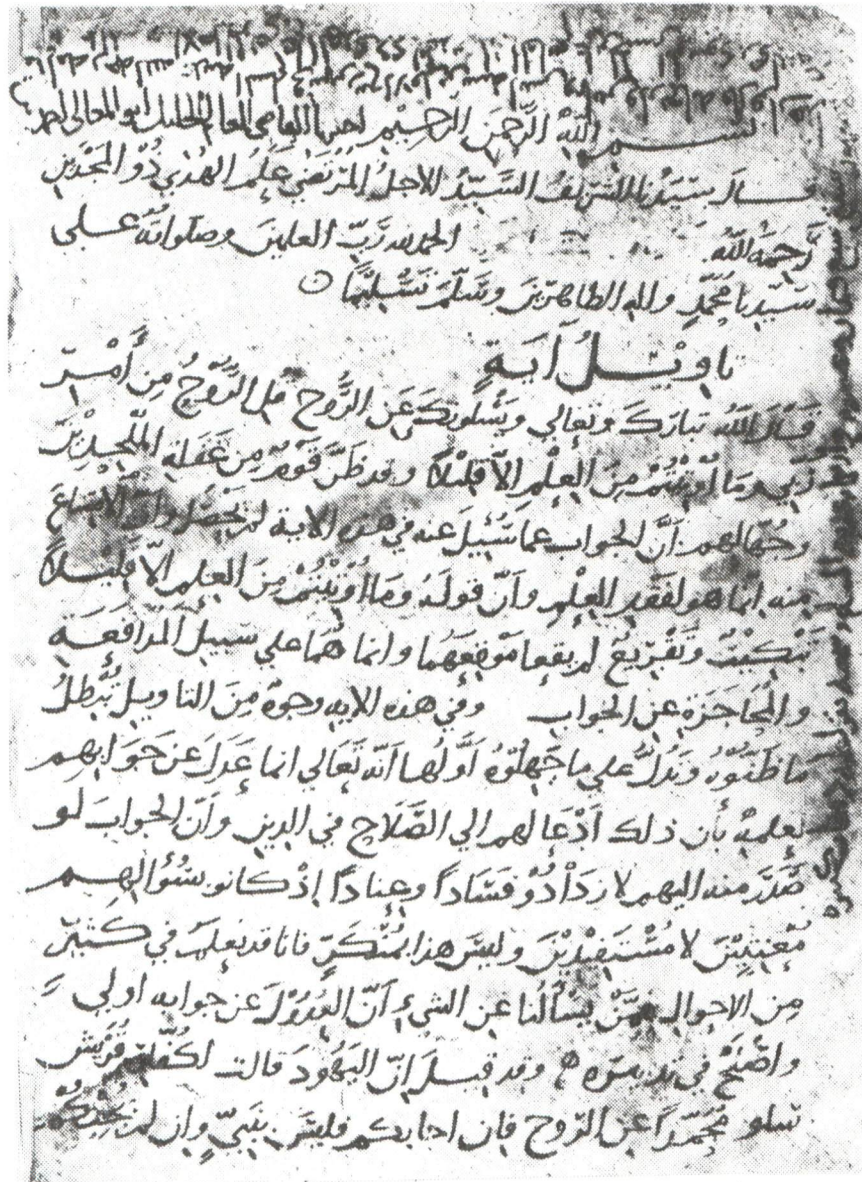
في هذا صفة من عادات المستور عندنا كما نالنا في المحرم بالتراية وحوال النظر الخوه واما اجناس المؤمنين فلهذا تخويم فكلهم في ذنوبهم ختم من قسطه لهذا جعل نكاح بناقرن الله اعراه كتاب اذكار الخ وهو ما يتعلق بباب ما يقوله من في خطه امراه من قلها لنفسه اوله يستعمل بيد الخاطب والتعاله بالمجده والصله على رسول الله صلى الله عليه اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واسمها محمد درسوله جهم راعيا في قنانه او كذا يترجمه بنه بنه او نحو ذلك وروينا في سننك داود وروينا في عن كاهن من رضى الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه قال كل كلام في اجزاء الروايات كل امرئ ابي بالمجده فهو اجده وروى في قطعها معنى هذا حديث واجده واجزم الجيم والذال الجمه ومعناه قليله كده وروينا في سننك داود التومدي عن امرئ من النبي صلى الله عليه قال كل خطبه ليس لها شئ مني كالبير الجدره طالب التومدي حديثه ما يتبعه من الرضا عليه



برگ پایانی مجموعه وقفنامه الازهر، شماره «۱۰۰۵۵»



۶- کتاب غرر الفوائد و درر القلائد معروف به امالی سید مرتضی علم الهدی، از «ذی المجدین، ابوالقاسم علی بن ابی احمد موسوی»، از علمای برجسته و مشهور شیعه در نیمه نخست قرن پنجم هق، به عربی. این نسخه از نسخه‌های بسیار نفیس جهان و فوق العاده گران بها و بسیار کهن است که چنانچه در مجموع کتابخانه‌های جهان پنجاه نسخه خطی اسلامی را به عنوان نفیس ترین‌ها انتخاب کنیم، به یقین یکی از اولین آن نسخه‌ها همین نسخه خواهد بود؛ زیرا اولاً این نسخه در ربیع الاول سال ۴۸۲ هق در شهر بغداد کتابت شده است و بحمدالله، تاکنون، که قریب یک هزار سال از عمر آن می‌گذرد، در شرایط نسبتاً مناسبی نگه داری شده و سالم مانده و کامل است؛ از آغاز و انجام افتادگی ندارد. از دیگر مزایای مهم این نسخه،



برگ آغازین امالی سید مرتضی، نسخه بسیار کهن، مورخ ۴۸۲ق، شماره «۱۲۳۷»

بن الحسین العلوی الحلبي ادام الله عليه و اخبرته اننى قرأت هذا الكتاب ... على الشريف المرتضى رضى الله عنه فى شهر سنتى سبع و ثمان و عشرين و اربعمائة و كتب احمد بن على بن قدامه فى شعبان من سنة اربع و ثمانين و اربعمائة حامد الله تعالى و ... على نبيه محمد و آله الطاهرين.»

هم چنین بر فراز برگ آغازین نسخه نیز این عبارت آمده است: «اخبّرنا القاضى العالم الجليل ابوالمعالي احمد بن قدامه رحمة الله عليه بمدينةنة السلام فى شهر ربيع الاول من سنة اثنين

آن که تمامی آن بر یکی از علمای بزرگ شافعی مذهب، به نام «احمد بن علی بن قدامه» معروف به «ابن الانباری» قاضی «انبار» و ساکن بغداد توسط مالک نسخه، سید ابوطالب حمزة بن علی بن حسین علوی عمری حلبی - که خود از علمای شیعه نیمه دوم قرن پنجم هجری بوده - در ماه شعبان سال ۴۸۴ هق قرائت و تصحیح شده و دست خط ابن الانباری در برگ پایانی نسخه چنین آمده است: «قرأ على هذا الجزء قراءة تأمل و تبیین و مراجعة السيد الاجل السيد ابوطالب حمزة بن على

و مرحوم آقا از بیش از سی سال قبل تا هنگام رحلت، بسیار مشتاق خریداری این مجموعه بودند. به یقین، روح بزرگوار

برای تصویربرداری به منظور چاپ، بحمدالله برای نخستین بار، به چاپ رسیده است.

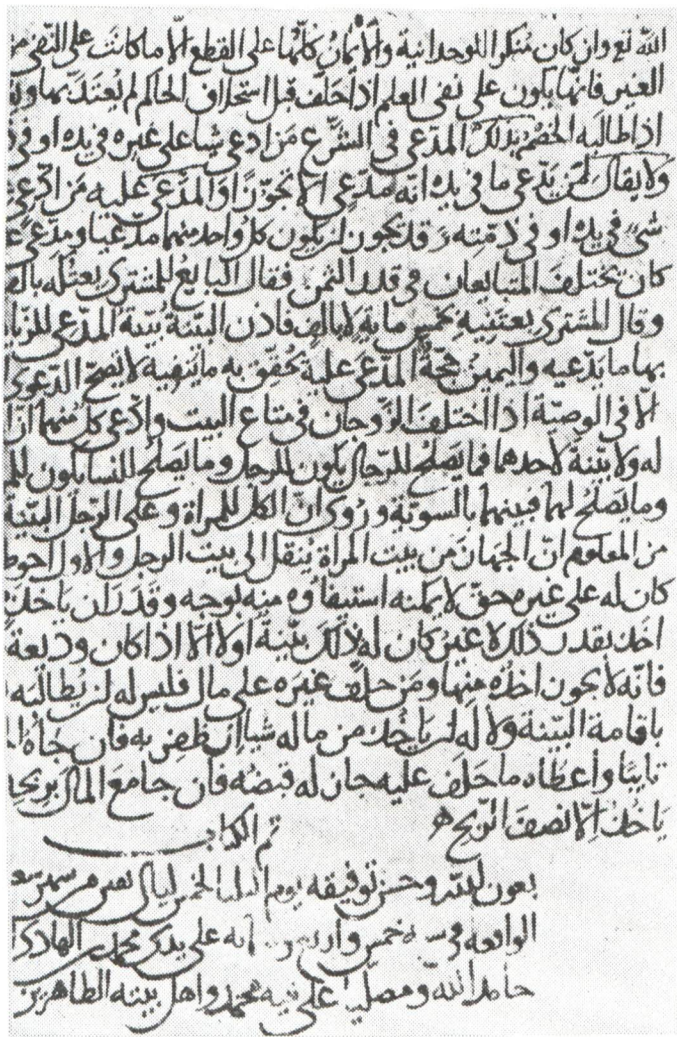
این نسخه مهم و گران بها و بی نظیر در روز ۳ شنبه ۲۵ شعبان سال ۶۴۵ هـ ق به خط نسخ خوش و مُعرب توسط محمد بن الهادی کتابت شده است. عنوان کتاب شنگرف و قطع آن رقعی خِشتی چهارگوش می باشد. چند برگ از آغاز نسخه در سده ۱۳ نو نویس شده است. این نسخه قبلاً در تملک مرحوم آیه الله سید نصرالله بن حسین حسینی، مدرّس شهید، بوده و دست خط مبارک ایشان در برگ های قبل از آغاز کتاب مشهود می باشد. هم چنین در برگ های قبل از آغاز نسخه، رونوشت اجازه شیخ ابو جعفر نصیرالدین عبدالله بن حمزة بن عبدالله طوسی آمده که برای مؤلف کتاب در ماه رمضان سال ۵۹۶ هـ نوشته است. نسخه اندکی فرسوده شده و نیاز به ترمیم علمی دارد که این کار در واحد «مرمت کتابخانه به خوبی انجام می شود. شماره «۱۲۳۷۴»

۹ - کتاب الخلاف در فقه شیعی، به عربی، تألیف شیخ الطائفة «محمد بن حسن طوسی»، متوفی ۴۶۰ هـ، از دانشمندان طراز اول شیعی. این نسخه بسیار مهم و نفیس، گران بها بی نظیر و بسیار کهن در تاریخ پنج شنبه نیمه جمادی الآخر سال ۶۵۰ هـ ق کتابت شده است. در برگ پایانی نسخه، دو عالم و دانشمند برجسته شیعی به نام های «شیخ الفقهاء جعفر بن سعید حلّی» مشهور به «محقق حلّی» مؤلف کتاب مشهور شرائع الاسلام در فقه شیعی به تاریخ

دوشنبه ماه صفر سال ۶۵۶ هـ ق و نیز علامه «شیخ یوسف بن مطهر حلّی» پدر بزرگوار علامه حلّی، در سال ۶۵۷ هـ ق و عالم دیگری، که مشخص نیست، در تاریخ ۶۵۲ هـ ق، این نسخه بر آن ها خوانده شده و خطوط مبارکشان در این صفحه مشهود است.

قطع کتاب وزیری، به خط نسخ و عناوین آن ثلث مشکی درشت تر از متن هست. برگ آغازین افتاده و نسخه اندکی فرسوده شده است و نیاز به ترمیم دارد.

این نسخه هم چون چهار نسخه قبلی، که خریداری شده اند، از جمله مجموعه ای است که در عالم تشیع نظیر ندارد



برگ پایانی نسخه بسیار کهن کتاب اصباح الشيعة، مورخ ۶۴۵ ق، شماره «۱۲۳۷۴»

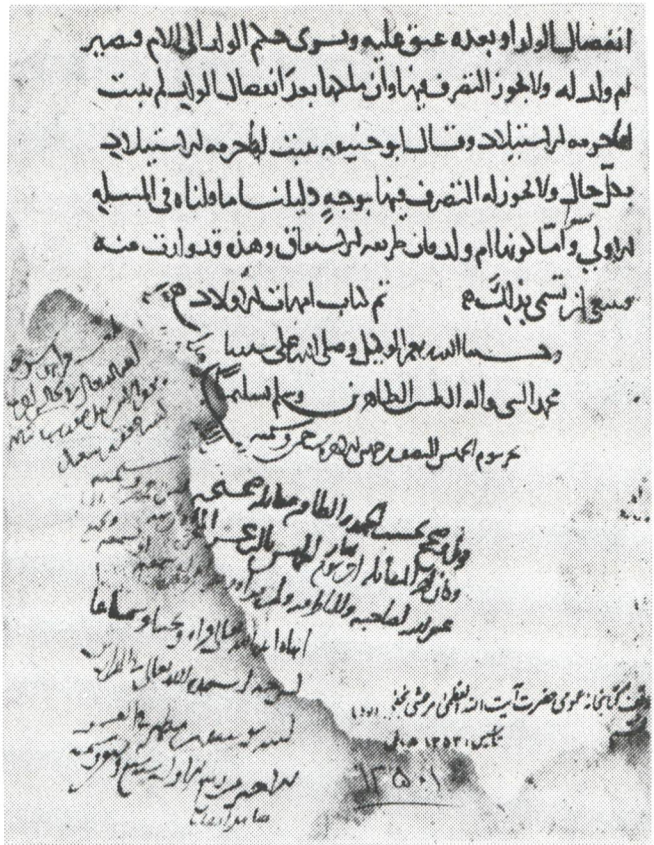
ایشان از این اقدام شایسته و بایسته خشنود خواهد شد. خدای را سپاس که این نسخه بی نظیر نصیب این کتابخانه گردید. شماره «۱۲۵۰۱»

۱۰ - کتاب غنية النزوع في الاصول والفروع، به عربی، از عالم بزرگ شیعی «عزالدین ابی المکارم حمزة بن علی بن زهرة بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق ابن الامام جعفر الصادق ابن الامام محمد الباقر عليه السلام». این نسخه کهن ترین و نفیس ترین نسخه موجود در جهان می باشد که تاریخ کتابت آن ظهر جمعه، دوم ماه ذی الحجه سال ۶۶۲ هـ ق به خط نسخ محمد بن ابی نصر بن محمد، در قطع

۱۳۰۱ هـ» در پشت برگ آغازین نسخه آمده است. شماره «۱۲۵۶۱»

۱۲ - کتاب کیمیای سعادت در اخلاق، به فارسی از «ابوحامد غزالی» متوفی ۵۰۵ هـ، به فارسی. نسخه‌ای بسیار مهم و نفیس و کهن که برای خزانه یکی از سلاطین سده هشتم هـ بوده و به خط نسخ ممتاز و زیبای محمد بن الحاج دولت‌شاه بن یوسف شیرازی در روز یکشنبه دوم ربیع‌الاول سال ۷۵۴ هـ در مقام «قربم» کتابت شده است. عناوین آن شنگرف، صفحات مجدول به شنگرف، در قطع وزیری و قطور، برگ‌ها بسیار سالم و صفحه اول آن هم چون نسخ خطی قرآن‌های مذهب، تذهیب همزمان با کتابت شده و با آب طلائی ناب و لاجورد و شنگرف آرایش یافته است و دو کتیبه در بالا و پایین صفحه دارد که در بالایی عبارت «الحمد لله رب العالمین» دیده می‌شود. شماره «۱۳۲۵۶»

۱۳ - جلد دوم کتاب جُدد الترشاد به فارسی، شامل مطالب گوناگون در تحقیق علم و علما و مسائل اخلاقی و آداب اجتماعی و غیر آن، تألیف مرحوم «آیة‌الله حاج میرزا یحیی بن محمد اسماعیل نوری

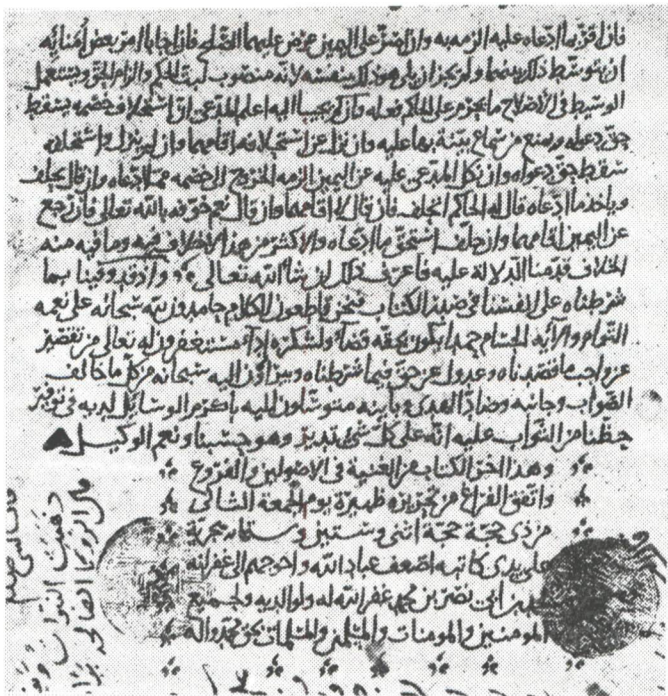


برگ پایانی کتاب الخلاف شیخ طوسی، که بر محقق حلی، صاحب شرایع و پدر علامه حلی خوانده شده است. نسخه بسیار نفیس و کهن، مورخ ۶۵۰ ق، شماره «۱۲۵۰۱»

رقعی خشتی چهارگوش و به خط نسخ خوش، دارای عناوین شنگرف می‌باشد. برگ آغازین آن افتاده، فهرست کتاب در آغاز، در هفت صفحه به خط نستعلیق آمده و یک مهر مدور، که در آن خط کوفی حک شده، در برگ پایانی و در نیمه کتاب مشهود است. این گونه نسخه‌های کهن شیعی بسیار کمیاب هستند و گاه هر بیست سال یکبار چنین نسخه‌هایی یافت می‌شوند.

شماره «۱۰۱۹۶ م»

۱۱ - کتاب القانون در طب، به عربی از «ابن سینا». این کتاب نسخه بسیار نفیس و کهن، شامل بخشی از کتاب قانون است که در سده ۸ هـ، به خط نسخ ریز و با عناوین شنگرف، در قطع وزیری نگاشته شده است. این نسخه بدون جلد و اندکی فرسوده شده است. «تملك محمود الشهير بقره چلبی‌زاده» و نیز «تملك عبدالعلی طباطبائی رضوی نائینی در سال



برگ پایانی کتاب غنیة النزوع از ابن زهره، مورخ ۶۶۲ ق، شماره «۱۰۱۹۶ م»

ذی قعده سال ۱۳۲۷ هـ ق کتابت شده بوده، استنساخ نموده و درحقیقت، نسخه حاضر دومین نسخه اصل می‌باشد. این کتاب بسیار نفیس، در قطع رقعی، به خط نسخ مؤلف و دارای عناوین مشکئی است. شماره «۱۰۱۵۷» م ۱۵ - مجموعه‌ای شامل چند رساله کوچک از جمله:

۱. «رساله در مقتل امام حسین (ع)»، از مؤلفی مجهول؛
۲. «حاشیه بر کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال صدوق»، از «عبدالحسین هندی» معروف به «صمصام الدوله»؛
۳. «رساله در تلخیص کتاب منهاج العارفين و معراج العابدین»، از مؤلفی مجهول.
۴. «اول ما خلق الله نور حضرت محمد (ص)»، با استفاده از آیات و روایات؛
۵. «کتاب ارث»، از «سید حسین عاملی»؛
۶. «رساله در انساب پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و بعد از امام



برگ آغازین نسخه بسیار نفیس کیمیای سعادت غزالی، مورخ ۷۵۴ق، شماره «۱۳۲۵۶»

- عصر (عج) و شرح حال علما و شرح توقیعات ولی عصر (عج)»؛
 - تألیف «عبدالحسین هندی الاصل کربلائی المسکن بن محمد عبدالهادی جعفری طیار» معروف به «صمصام الدوله»؛
 ۷. «رساله تولدیه حضرت مهدی (ع)»، از همان مؤلف؛
 ۸. «شرح قصیده تائبیه علامه مجلسی» که شارح آن را در سال ۱۲۶۹ هـ ق نگاشته است؛
 ۹. «نثر اللثالی علی ترتیب حروف المعجم»، از مؤلفی مجهول.
 ۱۰. «قصیده سید اسماعیل حمیری»؛
 ۱۱. «شرح قصیده سید اسماعیل حمیری»، از «کمال‌الدین بن معین‌الدین فسوی».
- این مجموعه به خط نستعلیق و توسط یک کاتب در نیمه دوم سده ۱۳ هـ ق کتابت شده و در قطع وزیری است. شماره «۱۰۰۶۲» م

- ۱۶ - جنگ شامل اشعار ترکی و مطالب گوناگون فارسی و ترکی و رساله‌ای در «احتجاجات امام حسین (ع) و شرح اخبار حضرت رسول (ص) و مدح ائمه معصومین (ع)»، از «ملا یوسف بکری» و دیگران، به خط نستعلیق و کتابت سده ۱۳ هـ در قطع رقعی کوچک. شماره «۱۰۰۶۳» م
- ۱۷ - تعلیقه یا استدراک کتاب مختلف الشیعه علامه حلی، به عربی، از «صدرالدین محمد بن محمد الرضوی». این نسخه نفیس و چاپ نشده به خط نسخ در سده ۱۳ هـ ق با عناوین قریب کتابت شده است. قطع کتاب رقعی، و برگ پایانی آن افتاده است. شماره «۱۰۰۳۹» م
- ۱۸ - مناقب مرتضوی در فضایل و مناقب ائمه اطهار (ع)، به فارسی، که یکی از علمای عصر صفوی در سال ۱۰۵۸ هـ ق آن را نگاشته است. این نسخه بسیار نفیس تاکنون چاپ نشده و در هیچ‌یک از منابع نامی از آن نیست. این کتاب غیر

و شامل قصاید و غزلیات می‌باشد. شماره

«۱۰۰۴۱ م»

۲۰ - کتاب شرح اربعین حدیث، به فارسی، از «سید مهدی رکن‌الدینی حسینی عزآبادی یزدی»، از علمای معاصر. این نسخه اصل به خط مبارک مؤلف، در سال ۱۴۲۰ هـ ق در سن هفتاد سالگی نگاشته شده است. وی آثار دیگری نیز دارد که برخی چاپ شده‌اند. برگ پایانی این کتاب افتاده، خط آن نسخ و قطع آن رقی است. شماره «۱۰۰۴۲ م»

۲۱ - کتاب بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، به عربی، از «عمادالدین طبری» از دانشمندان نیمه دوم سده ۵ هـ و اوایل سده ۶ هـ و از شاگردان ابوعلی حسن ملقب به «مفید ثانی»، فرزند شیخ طوسی. تمامی این نسخه به خط عالم معاصر، سید مهدی رکن‌الدینی حسینی عزآبادی یزدی و در شب ۲۱ ماه صفر ۱۳۹۷ هـ کتابت شده است. قطع کتاب رقی بزرگ، به خط نسخ خوش و دارای عناوین قرمز است. شماره «۱۰۰۴۳ م»

۲۲ - اتمام الدرایة لقرء النقایة، به عربی، از «شیخ جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی شافعی»، متوفی ۹۱۱ هـ تمامی نسخه به خط عالم معاصر، سید مهدی

رکن‌الدینی حسینی عزآبادی یزدی، در تاریخ ربیع الثانی ۱۳۹۷ هـ به خط نسخ و در قطع رقی نگاشته شده است. شماره «۱۰۰۴۴ م»

۲۳ - مجموعه دو کتاب به خط عالم معاصر، سید مهدی رکن‌الدینی حسینی عزآبادی یزدی:

۱. مصباح الشریعة منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، به عربی در تاریخ شب پنجشنبه ۲۲ ربیع المولود ۱۳۹۸ هـ؛
۲. رساله در نیت عبادات، به عربی، از «آقا جمال خوانساری» به تاریخ ۹ جمادی الاول سال ۱۳۹۲ هـ، در قطع جیبی و به خط نسخ و با عناوین قرمز. شماره «۱۰۰۴۵»



برگ پایانی کیمیای سعادت غزالی، نسخه بسیار نفیس، مورخ ۷۵۴ ق، شماره «۱۳۲۵۶»

از کتاب مناقب مرتضوی ترمذی است که فقط در خصوص امیرالمؤمنین علیه السلام نگاشته شده و چند نسخه از آن در این کتابخانه بزرگ موجود است. خط کتاب نستعلیق بوده و در پنجشنبه، غرة شوال سال ۱۲۵۹ هـ ق به خط نستعلیق علی بن حسین خوانساری، با عناوین قرمز و در قطع رحلی کتابت شده است. شماره «۱۰۰۴۰ م»

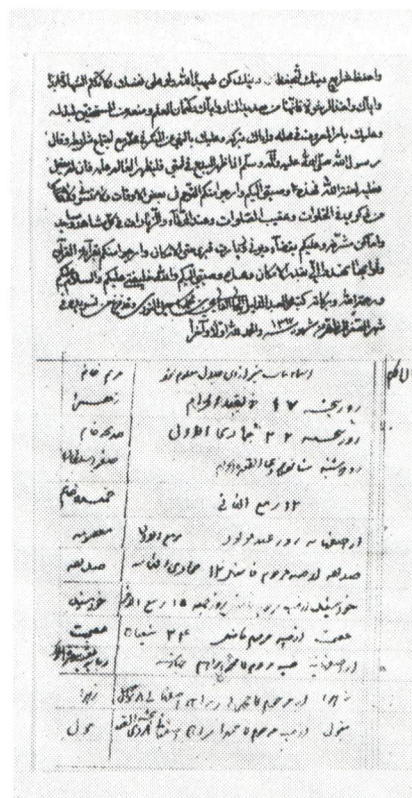
۱۹ - دیوان فارسی، از «گلشن شیرازی (محمدعلی)»، پدر میرزا حبیب‌الله قآنی در سده ۱۳ هـ ق. این نسخه نفیس چاپ نشده، به خط نستعلیق، با کاغذ آبی فرنگی، در نیمه دوم سده ۱۳ هـ ق، در قطع رقی نگاشته شده است. برگ پایانی افتاده



برگ پایانی کتاب شرایح، مورخ ۹۸۰ ق، شماره «۱۰۰۳۲ م»

۲۵ - مجموعه سه رساله عربی:

۱. «رساله فی علم النفس»، از «خواجه نصیرالدین طوسی»، به خط نستعلیق فرج‌الله بن هاشم حسینی علوی فاطمی در ذی‌الحجه سال ۱۲۹۳ هـ ق؛
۲. «رساله فی حدوث العالم»، از «ملا صدرا» به خط همان کاتب، که خود ظاهراً از علمای تهران در عصر قاجار بوده؛
۳. «رساله تحقیق مسئله اتحاد بین عاقل و معقولات»، از «ملا صدرا»، به خط همان کاتب. در ماه رمضان سال ۱۲۹۴ هـ ق در تهران که از روی نسخه اصل به خط مبارک مصنف کتابت شده است. در این مجموعه بسیار نفیس رساله اول و دوم از روی خط مصنف کتابت شده است. خط این مجموعه



برگ پایانی کتاب جدد الزشاد از حاج میرزا یحیی نوری طبرسی، شماره «۱۲۲۰۶»

۲۴ - مجموعه چند رساله عربی و فارسی به خط عالم معاصر، سید مهدی رکن‌الدینی حسینی عزآبادی یزدی:

۱. «صحیفه الرضویة»، به عربی، در تاریخ ۷ صفر ۱۳۹۸ هـ؛
۲. «قصیده هائیه منقوله من کتاب کرامات الرضویة»، از «حاج شیخ علی اکبر مروّج مشهدی»؛
۳. «قصیده عربی در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام)»؛
۴. «قصیده بُردة»، به عربی، به تاریخ ذی‌الحجه ۱۳۹۸ هـ؛
۵. «قصیده منسوب به امام سجاد (علیه السلام)»، به عربی؛
۶. «رساله اثنا عشریه فی الصلوة الیومیة»، به عربی، از «شیخ بهاء‌الدین عاملی»، به تاریخ یکشنبه ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۹۸ هـ در قطع جیبی به خط نسخ و با عناوین قرمز. شماره «۱۰۰۴۶»

نستعلیق، در قطع جانمازی و دارای عناوین قرمز است.

شماره «۱۰۰۴۸ م»

۲۶ - دیوان فارسی ناظم هروی. این نسخه نفیس و چاپ

نشده به خط نستعلیق، در سده ۱۳ هـ در آسیای میانه، در شهر سمرقند یا بخارا کتابت شده و در قطع جانمازی است. شماره «۱۰۰۴۹ م»

۲۷ - کتاب المنصوری در طب، به عربی، از «محمد بن زکریا رازی». این نسخه نفیس به خط نستعلیق قطب‌الدین محمد بن غیاث‌الدین محمد بن نورالله بن محمد طیب اصفهانی در چهارشنبه ۲۴ ماه صفر سال ۱۰۰۸ هـ در مسجد جامع اصفهان، در قطع رقعی، به خط نستعلیق خوش با عناوین شنگرف کتابت شده است. نسخه اندکی موربانه خورده است. شماره «۱۰۰۱۹ م»

۲۸ - کتاب وسائل الشیعه، به عربی، از «شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی». این نسخه بسیار نفیس و گران‌بها را یکی از علمای بزرگ بحرین به نام «شیخ خلف بن عبدعلی بن احمد بن ابراهیم اوالی بحرانی» در معیت «شیخ شمس‌الدین محمد طریحی نجفی» در سال ۱۱۹۶ هـ ق مقابله و تصحیح کرده و در آخر به آن تصریح نموده است. هم‌چنین شیخ خلف نیز در سال ۱۱۹۴ هـ ق قبل از مقابله نسخه، یک صفحه در خصوص مقابله به خط خود در پشت برگ آغازین نوشته است. قطع کتاب رحلی، به خط نسخ، با عناوین شنگرف است.

شماره «۱۰۰۲۶ م»

۲۹ - مجموعه سه رساله فارسی:

۱. «قربادین» از «مطبّب سبزواری» به خط نسخ که در تاریخ اواسط رجب المرجب سال ۱۲۹۰ هـ ق کتابت شده است.
 ۲. «قول جالینوس حکیم». در طب که خط نسخ همان کاتب با عناوین قرمز کتابت شده است.

۳. «جامع الفوائد» در طب، از «حاجی نوائی» که به خط نسخ توسط همان کاتب با تاریخ کتابت: در رمضان سال ۱۳۲۴ هـ ق کتابت شده است. عناوین این رساله قرمز، و قطع آن جیبی است. شماره «۱۰۰۰۱ م»

۳۰ - مناظره فیما بین امیر یوسف علی حسینی استرآبادی و مرحوم قاضی نورالله شوشتری مرعشی شهید به سال ۱۰۱۹ هـ در هند. این نسخه بسیار نفیس، که تاکنون چاپ نشده، به خط نسخ خوش، زبان فارسی و عناوین شنگرف، به تاریخ

میراث شهاب

۱۲۸۳ هـ، ظاهراً در هند کتابت شده است. قطع کتاب رقعی کوچک بوده و اندکی فرسوده شده است. شماره «۱۰۰۰۲ م»
 ۳۱ - مجموعه دو کتاب:

۱. بخشی از کتاب کلمة المرام فی شرح قواعد الاحکام «علامه حلّی»، به عربی، از مؤلف ناشناخته به زبان عربی.

۲. منظومه عربی در خصوص صیام، به زبان عربی. از «سید محمد بن عبدالصمد شهبهانی اصفهانی». وی دارای تألیفات بسیاری است که بیش‌ترین آن‌ها در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد. برگ پایانی رساله اولی افتاده است.

شماره «۱۰۰۰۵ م»

۳۲ - رساله فارسی در «ترجمه برخی سوره‌های قرآن کریم»، از «عبدعلی بن محمد بن حسین» که در سال ۹۲۶ هـ آن را نگاشته است. این نسخه نفیس چاپ نشده، به خط نستعلیق، دارای قطع رقعی و عناوین شنگرف است. برگ پایانی آن افتاده و نسخه شدیداً آسیب دیده است. شماره «۱۰۰۰۶ م»

۳۳ - شرح دعای صباح به فارسی، از «نصیرالدین محمد شریف قمی ابن محمد مقیم». نام این نسخه نفیس در الذریعه نیامده و تاکنون چاپ نشده است. قطع نسخه جانمازی جیبی، به خط نسخ مُعرب، صفحات آن مجدول و عناوین آن شنگرف، در اوایل سده ۱۳ هـ کتابت شده است.

شماره «۱۰۰۰۷ م»

۳۴ - بخش سوم تاریخ اسلام، به فارسی، از «عبدالحسین بن طهماسب میرزا مؤیدالدوله» که در یکشنبه ۱۸ شوال ۱۳۳۰ هـ آن را آغاز نموده است.

این نسخه را ظاهراً برای چاپ سنگی در همان سال آماده کرده بوده‌اند. قطع آن رقعی، به خط نستعلیق خوش و عناوین آن مشکی درشت هستند. شماره «۱۰۰۰۸ م»

۳۵ - جلد نهم ریاض الاحزان موسوم به ابواب الاحزان، به فارسی، از «مولی محمد علی برغانی قزوینی».

این کتاب ظاهراً از ده جلد متجاوز باشد و هر جلد آن نامی خاص دارد؛ مانند همین نسخه و جلد ۸ آن که جنة الرضوان نامیده شده و تاکنون چاپ نگردیده است. این نسخه در عصر مؤلف در پنج‌شنبه ۲۰ جمادی‌الاول سال ۱۲۶۶ هـ ق به خط محمد مهدی بن کربلائی حسینعلی برغانی الاصل کتابت شده و قطع آن رقعی، به خط نسخ و نستعلیق و عناوین آن قرمز رنگ است. شماره «۱۰۰۰۹ م»

۳۶ - کتاب الدر الثمین فی التعلیقہ علی القوانین، به عربی، از مؤلف ناشناخته.

این نسخه اصل، به خط مؤلف و بسیار نفیس است و تاکنون چاپ نشده. کتابت آن اواخر سده ۱۳ یا اوایل سده ۱۴ هـ در نجف اشرف به خط نستعلیق و در قطع رقعی صورت گرفته است. شماره «۱۰۰۱۶ م»

۳۷ - کنز العرفان فی فقه القرآن، از «فاضل مقداد»، به عربی. این نسخه در فقه، به خط نسخ خوش محمدشاه بن صدرالدین بن حسین الحسینی مرعشی شوشتری در تاریخ ۱۰۰۴ ق کتابت شده است. عناوین آن شنگرف و برخی نانوشته، نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی و تملک محمدعلی موسوی خوانساری با مهر بیضی «عبد محمدحسین الحسینی» و مهر هدایی آیه‌الله حاج سید محمدعلی خوانساری به کتابخانه آیه‌الله العظمی مرعشی اهدا شده است. ایشان فرزند مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری بود و کتابخانه نفیسی داشت که تمامی آن از نسخه‌های چاپی قدیمی و حسب الوصیه آن مرحوم، توسط بازماندگانش به این کتابخانه اهدا گردیده است. نسخه مقاله شده و علامت بلاغ دارد. قطع این نسخه وزیری است. شماره «۱۰۱۷۹ م»

۳۸ - مجموعه ۴ رساله فارسی:

۱. «رساله در تجوید قرآن کریم»، از «محمد بن علی بن محمد الحسینی».

۲. نظم تجوید «نظم حافظ»، از «عزالدین».

۳. «شرح عوامل»، از «محمد بن علی کاشانی».

۴. «در تجوید مخارج حروف»، از مؤلف ناشناخته.

این مجموعه به خط نسخ کاتب ابوالحسن بن عبدالهادی الحسینی الفائزی الحائری الموسوی در روز جمعه پنجم محرم الحرام سال ۱۱۲۴ ق، با عناوین و نشانی‌های شنگرف نگاشته شده است. نسخه مصحح و با کاغذ شرقی بوده، از آغاز افتادگی دارد. شماره «۱۰۱۸۴ م»

۳۹ - مبین الحقایق الیقین و صراط نجات المکلفین، به فارسی، از «شیخ ابراهیم کاشی».

این کتاب، که به خط نستعلیق تحریری در سده ۱۳ ق کتابت شده، بر روی برگ آغاز آن تملک حسین علی بن ملا حسن به سال «۱۲۸۹ ق» آمده است. اندکی حاشیه‌نویسی و تصحیح گردیده، از انجام افتادگی دارد، عناوین آن مشکی

و کاغذ آن فرنگی نخودی است. شماره «۱۰۱۷۳ م»

۴۰ - شرح حاشیه ملا عبدالله، به فارسی، از «شیخ علی اکبر مهدوی».

نسخه اصل، به خط مؤلف (شارح)، در سال ۱۳۳۷ ش کتابت آن را آغاز و در سال ۱۳۴۰ ش به پایان رسانده است. حاشیه نیز به خط مؤلف می‌باشد. کاغذ آن فرنگی خط‌دار سیمی، قطع آن وزیری و بدون جلد و به خط نسخ و نستعلیق تحریری است. شماره «۱۰۱۶۸ م»

۴۱ - منهج الیقین، از «علاءالدین محمد بن ابی‌تراب الحسینی» (محمد گلستانه)، به فارسی و به خط نسخ زیبای محمد رضا بن محمد هاشم هرمنجردی که در سده ۱۲ ق کتابت گردیده است. کاغذ این کتاب شرقی نازک آهارشده است که برگ‌های آغاز و انجام آن مرمت گردیده، نسخه مصحح بوده و بر روی برگ آغاز آن مهر بیضی «عبدالراجی مسیح الموسوی ۱۲۹۲» و «محمد بن زین‌العابدین موسوی» آمده است. قطع نسخه رقعی پالتویی و عناوین و نشانی‌های آن شنگرف هستند. شماره «۱۰۰۶۸ م»

۴۲ - سؤال و جواب در عقاید به انضمام «رساله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ابوبکر در مورد فدک»، به عربی، از «محمد باقر بن علی بن نعمت‌الله یزدی»، به خط نسخ که در سده ۱۳ ق، کتابت شده است. نسخه مصحح بوده، عناوین آن شنگرف و کاغذ آن فرنگی آهارنشده است.

شماره «۱۰۰۶۹ م»

۴۳ - اصول کافی، از «کلینی»، به عربی، به خط نسخ عبدالله بن شیخ علی اسدی که در سال ۱۰۲۶ ق کتابت شده است. این نسخه مصحح، دارای عناوین شنگرف، مقابله شده با عنوان «بلغ بلغ مقابله فی المرتبة الثالثة، ثم بلغ قرأة آیده الله تعالی» با کاغذ شرقی و فرنگی نخودی و اندکی مرمت شده. علامت بلاغی نیز با عنوان «بلغ مقابله ثانی مرّة علی حلیفة العلماء مولانا ملا محمد امین» و در انجام آن دست‌خط مبارک قوام‌الدین محمد بن شرف‌الدین ابراهیم الحسنی الحسینی نسابه دارد. شماره «۱۰۰۶۴ م»

۴۴ - مجالس المتقین، از «مولی محمد تقی بن محمد برغانی قزوینی»، به فارسی، به خط نستعلیق و اندکی نسخ، کتابت اواخر سده ۱۳ ق، بدون آغاز و انجام است. از مجلس دوم تا دوازدهم برگ‌ها جابه‌جا شده، نسخه مجدول مشکی،

۵۰ - مجالس الاحزان فی مرانی الغریب العطشان، دارای ۳۰

مجلس، به عربی، از «عبدالرضا بن علی المعلم النارونی». نسخه اصل، به خط مؤلف و در سال ۱۲۹۴ ق به خط نسخ و با عناوین شنگرف کتابت شده است. نسخه آسیب دیده، بخش دو آن اسیدی و موربانه خورده، کاغذ آن ضخیم فرنگی، برگ آغاز آن افتاده و قطع آن وزیری است.

شماره «۱۰۱۱۱ م»

۵۱ - مجموعه رساله:

۱. «محاسن الاعتقاد»، به عربی، از «شیخ حسین بن محمد

آل عصفور».

۲. «ارجوزة المعارف الخمسة»، به عربی، از «شیخ حسن بن

محمد الدمیثانی».

کاتب آن، علی بن عباس بحرانی الکرزکانی، به سال ۱۲۶۸ ق آن را کتابت کرده است. نسخه مصحح و مقابله شده و عبارت «بلغ تصحیحاً و مقابله» بر آن مشهود است. عناوین آن شنگرف است و مطالب آن قلم خوردگی دارد. مهر مربع «الواثق بالوالی بن عباس علی» بر آن حک شده، کاغذ آن فرنگی و قطع آن وزیری است. شماره «۱۰۱۰۶ م»

۵۲ - الانوار و مفاتیح السرور و الافکار، به عربی، از

«ابوالحسن احمد بن عبدالله الکبری»، به خط نسخ علی بن احمد الساری که به سال ۱۱۶۸ ق کتابت گردیده است. عناوین و نشانی‌های آن شنگرف و کاغذ آن فرنگی ضخیم نخودی است که آثار رطوبت خوردگی روی برگ‌ها مشاهده می‌شود. قطع کتاب وزیری، نسخه مصحح و با وقف‌نامه‌ای در انجام نسخه به سال ۱۱۹۸ ق همراه است.

شماره «۱۰۱۰۷ م»

۵۳ - رسالة الصلواتیة، به عربی، از «شیخ یوسف بحرانی»

(صاحب کتاب حدائق)، که به خط شیخ عباس بن علی بن بحرانی در تاریخ ۱۲۵۶ ق کتابت گردیده است. نسخه مصحح، دارای اندکی حاشیه نویسی، کاغذ فرنگی نخودی و عناوین و نشانی‌های شنگرف و مشکی است که برگ‌هایش اندکی اسیدی شده، تقریظ مختصری بر روی برگ آغاز آن آمده و قطع آن وزیری می‌باشد. شماره «۱۰۱۰۸ م»

۵۴ - انیس النفوس و مزیل البوس، به عربی، از «شیخ علی بن

عبدالله البحرانی»، به خط نسخ «شیخ علی بن عباس بحرانی» که به تاریخ ۱۲۸۴ ق از روی نسخه‌ای که از روی نسخه اصلی

کاغذ آن فرنگی آهار شده و در حاشیه تصحیح گردیده است. لبة برگ‌ها اندکی آسیب دیده‌اند. قطع این کتاب رحلی است. شماره «۱۰۰۶۰ م»

۴۵ - کتاب شرائع الاسلام، از «محقق حلّی»، به عربی، این نسخه قدیمی در روز پنجشنبه سال ۹۸۰ هـ ق به خط نسخ خوش کتابت شده و صفحات آن مجدول و عناوین آن شنگرف هستند. شماره «۱۰۰۳۲ م»

۴۶ - مجموعه:

۱. «السوانح فی شرح البدایة الحرّیة»، از «شیخ حسین

آل عصفور»، به عربی.

۲. «رساله فی احکام کافی و مجموعه مسائل»، از «شیخ علی

بحرانی»، به عربی.

این مجموعه به خط نسخ علی بن عباس بحرانی است که به سال ۱۲۷۰ ق کتابت گردیده، نسخه مصحح، عناوین و نشانی‌های آن شنگرف، در متن و حاشیه مهر مربع با عبارت «الواثق برب الرحمة کاظم ناصر بحبل الرحمة» مشهود است. کاغذ آن فرنگی ضخیم و قطع آن وزیری است. شماره «۱۰۱۱۴ م»

۴۷ - شهاب الثاقب فی بیان معنی الناصب، به عربی، از «شیخ یوسف بن احمد بحرانی»، به خط نسخ علی بن عباس البحرانی الکرزکانی که در تاریخ ۱۳۰۱ ق کتابت گردیده است. نسخه مصحح، عناوین آن شنگرف و وجود مهر بیضی با عبارت «العزة لله عبده علی» بر آن مشهود است. کاغذ آن فرنگی، قطع آن وزیری و برگ‌های آن اسیدی گردیده‌اند. شماره «۱۰۱۱۲ م»

۴۸ - سداد العباد و رشاد العباد، به عربی، از «شیخ حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم الدرازی البحرانی»، به خط نسخ که در اواخر سده ۱۳ ق کتابت شده است. این کتاب بدون انجام، نسخه مصحح، دارای عناوین شنگرف و کاغذ فرنگی است. این نسخه، که بر اثر موربانه خوردگی آسیب دیده، قطع آن وزیری خشتی بزرگ است. شماره «۱۰۱۱۳ م»

۴۹ - حیاة القلوب که در دو بخش جداگانه آمده است، به عربی، از «شیخ علی بن عبدالله بن یحیی بحرانی» که به خط نسخ خوش حسین بن زین‌الدین الکرزکانی البحرانی در تاریخ ۲۶ ذیحجه سال ۱۲۸۳ ق کتابت گردیده است. نسخه مصحح و دارای عناوین شنگرف است و مطالب مختصری در آغاز و انجام آن آمده است. کاغذ آن فرنگی نخودی می‌باشد که اسیدی شده و قطع آن وزیری است. شماره «۱۰۱۱۰ م»

کتابت شده بوده، نگاشته شده است. نسخه مصحح، دارای عناوین شنگرف و درشت‌تر از متن در متن و حاشیه، بدون آغاز، دارای کاغذ فرنگی ضخیم و قطع وزیری است.

شماره «۱۰۱۰۹ م»

۵۵ - مجموعه رسایل عربی:

۱. اجوبه مسائل، «شیخ اسماعیل المقدّس» و «شیخ لطف‌الله»؛

۲. رساله محمدیه فی احکام المیراث الابویه؛

۳. رساله اجوبه مسائل، «شیخ محمد بن احمد بن علی الفاطمی»؛

۴. اجوبه مسائل، «الشیخ محمد بن احمد آل عصفور»؛

۵. اجوبه مسائل، «محمد بن احمد النیسابوری»؛

۶. اجوبه مسائل، «شیخ علی فردوس»؛

از «شیخ یوسف بحرانی» و دیگران، به خط نسخ متنوع محمد بن احمد آل عصفور به سال ۱۲۵۰ ق و شیخ علی بن عباس الکرزکانی بحرانی به سال ۱۲۷۰ ق کتابت گردیده است. نسخه مصحح، دارای عناوین و نشانی‌های شنگرف و برخی مشکی و درشت‌تر از متن، کاغذ فرنگی و قطع وزیری خشتی کوچک است. شماره «۱۰۱۰۴ م»

۵۶ - مجموعه دو رساله به عربی:

۱. رساله فی مدار استدلال الاخباریین؛

۲. هدایه الابرار الی طریق الائمه الاطهار؛

از «شیخ بهاء‌الدین عاملی»، این مجموعه به خط نسخ علی بن عباس بحرانی به سال ۱۳۰۲ ق کتابت گردیده است. رساله اول بدون آغاز و انجام، نسخه مصحح، عناوین شنگرف و مشکی، کاغذ سفید و نخودی در قطع وزیری می‌باشد که اسیدی شده است. شماره «۱۰۱۰۵ م»

۵۷ - مجموعه رسایل عربی:

۱. «رسالة الفروق بین الاخباریین و الاصولیین»، از «سید شبر بحرانی»؛

۲. «معراج التحقيق الی منهاج التصديق»، از «سلیمان آل عبدالجبار»؛

۳. «شرح منظومه»، از مؤلف ناشناخته؛

۴. «مزیلة الشبهات عن المانعين عن تقليد الاموات»، از «شیخ خلف آل عصفور»؛

۵. «فوائد مختلفة»، از مؤلف ناشناخته؛

۶. «نزاع بین شیخ محمد علی و میرزا علی فی صدور الاخبار عن النبی وآله»، از مؤلف ناشناخته.

این مجموعه به خط نسخ شیخ علی بن عباس البحرانی به تاریخ ۱۲۷۳ ق کتابت گردیده و دارای عناوین و نشانی‌های شنگرف و کاغذ فرنگی نخودی است که در اواخر نسخه برگ‌ها اندکی اسیدی شده‌اند. نسخه مصحح، در قطع وزیری خشتی کوچک است. شماره «۱۰۱۰۲ م»

۵۸ - مجموعه سه رساله به عربی:

۱. «فی حدیث یوم الجمیل»؛

۲. «حدیث محمد بن ابی بکر و عبد‌الله بن عمر»؛

۳. «خمس و خمسون حدیث».

این مجموعه که مؤلفان آن ناشناخته‌اند، به خط نسخ علی بن عباس البحرانی به سال ۱۲۸۰ ق کتابت گردیده و عناوین و نشانی‌های آن مشکی و درشت‌تر از متن و بخش آغازین آن نانوشته است. نسخه مصحح و دارای کاغذ فرنگی نخودی است که برگ‌ها اندکی اسیدی گردیده‌اند و قطع آن وزیری خشتی کوچک است. شماره «۱۰۱۰۳ م»

۵۹ - مجموعه رسایل عربی:

۱. «فصول المنقاة من العیون و المحاسن»، از «شیخ مفید»؛

۲. «اجوبه مسائل ابن طوقان»؛

۳. «اجوبه محمد بن الدمنایی»؛

۴. «اجوبه ابن طوقان»؛

۵. «اجوبه خاقان بحرین»؛

۶. «اجوبه سید محمد القاری»؛

۷. «اجوبه مسائل شیخ علی بحرانی»؛ همگی از شیخ «احمد احسائی».

این مجموعه به خط نسخ محمد بن عبدالکریم و علی بن عباس البحرانی به تاریخ ۱۲۷۶ ق کتابت شده است. نسخه مصحح، عناوین و نشانی‌های آن شنگرف با کاغذ فرنگی و در پایان برخی رسایل با خودکار آبی و قرمز مطالبی درباره نسخه آمده است. قطع این نسخه وزیری است. شماره «۱۰۱۰۰ م»

۶۰ - مجموعه رسایل عربی:

۱. «اجوبه مسائل» (چاپی)، از مؤلف ناشناخته؛

۲. «فائدة مکملة فی الوضع»، از مؤلف ناشناخته؛

۳. «شرح المفاتیح»، از «شیخ حسین آل عصفور»؛

۲. «ارجوزه»، از «شیخ حسین آل عصفور»؛
 ۳. «خلاصة الوسائل فی شرح المسائل»، از «علامه حلّی»؛
 ۴. «شرح باب حادی عشر»، از مؤلف ناشناخته؛
 ۵. «شرح الفیه»، از «شیخ عبدالعلی کرکی».
- علی بن عباس بحرانی به سال ۱۲۷۱ ق با خط نسخ این مجموعه را نگاشته است. عناوین آن مشکی و درشت تر از متن و نشانی‌هایش شنگرف هستند. آثار رطوبت و موریانه‌خوردگی در نسخه وجود دارد. کاغذ آن فرنگی، نسخه مصحح و قطع آن وزیری است. شماره «۱۰۰۹۷ م»
۶۴. کتاب المجلی لمرات المنجی، به عربی، از «محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور الاحسائی». این کتاب به خط نستعلیق شکسته خوش در سده ۱۰ و ۱۱ ق کتابت شده است. نسخه مصحح، با ذکر نسخه بدل‌ها و دارای علامت بلاغ با کاغذ فرنگی سفید آهار شده می‌باشد. نسخه بدون انجام و دارای عناوین و نشانی‌های شنگرف است و بر روی برگ آغاز آن تقریظی از محمد هاشم الموسوی به تاریخ ۱۱۳۲ ق آمده است. قطع آن وزیری کوچک می‌باشد.
- شماره «۱۰۱۴۷ م»
۶۵. مجموعه سه رساله عربی:
 ۱. «کتاب الطرائف فی مذهب الطوائف»، از «سید بن طاووس»؛
 ۲. «رساله فی فضل القرآن»، از مؤلف ناشناخته؛
 ۳. «منتخب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام»، از مؤلف ناشناخته.
- مجموعه به خط نسخ علی بن عباس ... البحرانی به تاریخ ۱۲۸۳ ق کتابت گردیده است. نسخه مصحح و مقابله گردیده و عبارت «بلغ تصحیحاً و مقابله» بر آن حک شده است. عناوین و نشانی‌های آن شنگرف و مشکی و درشت تر از متن می‌باشند. در انجام نسخه رساله اول مهر هشت‌گوش «العزة لله عبده علی بن عباس» آمده است. کاغذ آن فرنگی و قطع آن وزیری می‌باشد. شماره «۱۰۱۴۹ م»
۶۶. مجموعه دو رساله به عربی:
 ۱. «رساله رضاعیه للحدائق الناظرة»، از «شیخ یوسف بحرانی»؛
 ۲. «رساله فی اثبات التوحید و النبوة و الامامة و المعاد»، شرح الرسالة فی العقائد»، از «علی بن عباس بحرانی الکرزکانی».
- خط نسخ مؤلف رساله دوم از علی بن عباس بحرانی است

۴. «اجوبه»، از «سید علی بن سید عبداللطیف».
- این مجموعه به خط نسخ در سده ۱۳ ق کتابت شده و به سال ۱۲۸۷ ق در کتابخانه احمد بن علی بن عباس البحرانی برده شده با مهر بیضی‌شکلی ممهور گردیده است. کاغذ این نسخه فرنگی اسیدی و عناوین و نشانی‌هایش شنگرف هستند. نسخه آسیب دیده و آثار موریانه‌خوردگی بر روی برگ‌های آن وجود دارد و قطع آن رقی می‌باشد.
- شماره «۱۰۱۰۱ م»
۶۱. مجموعه رسائل عربی:
 ۱. «احکام مبطلات نماز»، از «شیخ خلف بن عبد علی آل عصفور»؛
 ۲. «رساله فی السهو و الشک و الظن»، از «شیخ خلف بن عبد علی آل عصفور»؛
 ۳. «الوجیزة فی اصول الدین»، از «شیخ احمد بن محمد آل عصفور»؛
 ۴. «المیقة الحلیة»، از «شیخ احمد بن محمد آل عصفور»؛
 ۵. «البیان»، از «شهید اول»؛
 ۶. «الوجیزة فی الدرایة»، از «محمد بهاءالدین العاملی»؛
 ۷. «الخلاصة فی معرفة الرجال»، از «علامه حلّی»؛
 ۸. «شرح الوجیزة فی العقائد»، از «حسن بن (?)».
- این مجموعه به خط نسخ احمد بن علی بن عباس الکرزکانی بحرانی به سال ۱۲۸۲ ق کتابت گردیده و دارای عناوین و نشانی‌های شنگرف است. نسخه حاشیه‌نویسی دارد و در حاشیه تصحیح گردیده است. کاغذ آن فرنگی و قطع آن وزیری می‌باشد.
- شماره «۱۰۰۹۸ م»
۶۲. مجموعه دو رساله به عربی:
 ۱. «حیة القلوب و غایة المطلوب»، از «شیخ علی بحرانی»؛
 ۲. «دلالة فیما نزل بالقائم علیه السلام»، از «سید هاشم بحرانی».
- این دو رساله به خط نسخ شیخ احمد بن بحرانی در سده ۱۳ ق نگاشته شده‌اند. رساله اول تعلیقاتی از شیخ حسن بن علامه بحرانی «آل عصفور» دارد. عناوین آن شنگرف، نسخه مقابله شده و تصحیح گردیده و با مهر بیضی «البحرانی» ممهور گردیده است. کاغذ آن فرنگی و قطع آن وزیری می‌باشد.
- شماره «۱۰۰۹۹ م»
۶۳. مجموعه عربی:
 ۱. «منهاج الکرامه فی اثبات الامامة»، از «علامه حلّی»؛

که به تاریخ ۱۲۹۷ ق آن را کتابت کرده است. نسخه مصحح و دارای اندکی حاشیه‌نویسی است. کاغذ آن فرنگی تیره می‌باشد که آثار رطوبت و اسیدی آن نمایان است. این نسخه بدون آغاز، با عناوین شنگرف و در قطع رقعی بزرگ است. شماره «۱۰۱۵۱ م»

۶۷ - مجموعه چهار رساله به عربی:

۱. «هدایة المؤمنین و تحفة الراغبین»، از «سید نعمت‌الله الحسینی الجزایری»؛

۲. «رسالة فی النکاح و تقسیماته»؛

۳. «رسالة فی خواص سورة القرآن»؛

۴. «مجموعه متفرقه در فقه»، همگی از مؤلف ناشناخته.

مجموعه به خط نسخ در سده ۱۲ ه کتابت شده است. نسخه تصحیح گردیده و مقابله شده، عناوین و نشانی‌های آن شنگرف، کاغذ آن شرقی، برخی رساله‌هایش بدون آغاز و انجام و قطع آن جیبی است. شماره «۱۰۱۵۲ م»

۶۸ - مجموعه سه رساله عربی:

۱. «رسالة فتح الوهاب فی شرح ...»، از «سید محمد حسن

پاشازاده»؛

۲. «رسالة الاداب»، از مؤلف ناشناخته؛

۳. «رسالة الاداب» حسینی الادب»، از مؤلف ناشناخته.

به خط نسخ نازیبا محمد صالح بن احمد بن علی یزدی به سال ۱۲۵۹ ق نگاشته شده است. عناوین و نشانی‌های آن شنگرف، کاغذ آن فرنگی، نسخ مصحح، حواشی نسخه بدون مطالب و قطع آن وزیری است. شماره «۱۰۱۵۴ م»

۶۹ - مجموعه دو رساله عربی:

۱. «حرب البسوس»، از «محمد بن اسحاق مطلبی»؛

۲. «حدیث الحرفا بنت النعمان بن المنذر ملقب به ماء السماء»، از مؤلف ناشناخته.

آن را علی بن عباس البحرانی به سال ۱۲۸۱ ق به خط نسخ کتابت کرده است. نسخه دارای عناوین شنگرف و بدون آغاز است. نسخه مصحح با کاغذ فرنگی نخودی است که برگ‌های آن اسیدی شده‌اند و قطع آن وزیری می‌باشد. شماره «۱۰۱۴۰ م»

۷۰ - مجموعه دو رساله عربی:

۱. معراج النبى الاكرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، از مؤلف ناشناخته؛

۲. حدیث المحشر، از مؤلف ناشناخته.

این دو رساله به خط نسخ خوش شیخ احمد بن علی بن عباس البحرانی الکرزکانی در سده ۱۴ ق، کتابت شده و بدون آغاز و انجام دارای کاغذ فرنگی و عناوین و نشانی‌های مشکی و درشت‌تر از متن و قطع وزیری است.

شماره «۱۰۱۴۱ م»

۷۱ - مجموعه دو رساله عربی:

۱. «شرح مقدمة الفوائد الضیائیة»؛

۲. شرح تعریف الفصاحة، هر دو از مؤلف ناشناخته.

این مجموعه به خط نسخ و نستعلیق تحریری، در سده ۱۳ ق کتابت شده و در آغاز نسخه، تملک احمد بن خلف بن عبد علی البحرانی با مهر بیضی «احمد خلف عبد علی» آمده است. نسخه مصحح، دارای عناوین مشکی و کاغذ فرنگی است و برگ‌های آن رطوبت دیده‌اند. قطع کتاب جیبی است.

شماره «۱۰۱۳۳ م»

۷۲ - کتاب البيعات فی مواظب البریات، به عربی، از «ابونصر

محمد بن عبدالرحمن همدانی».

این کتاب که به خط نسخ متنوع احمد بن شیخ علی بحرانی در سده ۱۳ ق کتابت شده، بر اثر رطوبت و مورینه‌خوردگی صدمه و آسیب دیده، عناوین آن شنگرف، و کاغذ آن فرنگی نخودی است. نسخه مصحح بوده، رساله اول آن به خط شیخ مبارک بن سلمان بن موسی کتابت گردیده و قطع آن جیبی است. شماره «۱۰۱۳۴ م»

۷۳ - مجموعه دو کتاب عربی:

۱. «تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام»، از «حضرت امام حسن

عسکری علیه‌السلام»؛

۲. «انیس النفوس و مزیل البوس»، از «علی بن عبدالله بن

یحیی البحرانی».

هر دو کتاب به خط نسخ، کتابت سده ۱۳ ق هستند. نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی و مقابله با عبارت «بلغ مقابله و تصحیحاً»، دارای عناوین شنگرف و مشکی، کاغذ فرنگی، قطع رحلی و بدون انجام است. «تملك عبدالحليم بن شيخ حسين ... خلف الکرزکانی به سال ۱۳۸۲ ق» و تملک احمد بن علی بن عباس بحرانی با مهر دایره احمد بن علی بر آن مشهود است. شماره «۱۰۱۳۶ م»

۷۴ - الانوار و مفاتیح السرور و الافکار، به عربی، از

«ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری». این کتاب، که در سال

کاغذ آن فرنگی، برگ‌ها اسیدی و آسیب‌دیده و قطع آن وزیری کوچک است. شماره «۱۰۱۲۱ م»

۷۸ - رساله فی الدعاء «ادعیه و الختوم»، به عربی، از «شیخ احمد بن فهد حلی» که از روی نسخه اصل (خط مؤلف) کتابت شده است. خط این کتاب نسخ محمد کاظم بن فتح‌الله به سال ۱۲۷۳ ق است. نسخه مصحح، عناوین آن شنگرف، برگ‌های آغاز و انجام آن بر اثر آسیب‌دیدگی افتاده، کاغذ آن شرقی نخودی ضخیم و قطع آن جیبی پالتویی می‌باشد.

شماره «۱۰۱۲۲ م»

۷۹ - مجموعه دو رساله عربی:

۱. «توجیه رساله فی آن وصی النبی ﷺ بعیش ثلاثین سنة»؛

۲. «معتمد المسائل بتنقیح الدلائل». با حواشی سید شبر بن سید علی محدث.

هر دو رساله از «شیخ عبدالله بن عباس بحرانی» می‌باشند و خط نسخ شیخ علی بن عباس بحرانی به سال ۱۲۶۵ ق و حسن بن زین‌الدین به سال ۱۲۷۰ ق کتابت گردیده‌اند. نسخه مصحح، عناوین و نشانی‌های آن شنگرف، کاغذ آن فرنگی نخودی، برگ‌هایش موربانه خورده و قطع آن وزیری کوچک است. شماره «۱۰۱۲۳ م»

۸۰ - رساله فی الهیئة فی سنین و الشهور و الساعات و الالهة، به عربی، از مؤلف ناشناخته. کاتب آن، شیخ محمد علی بن محمد بن عبدالله بحرانی، به سال ۱۲۶۸ ق آن را نگاشته است. این کتاب بدون آغاز است و از انجام، بخشی افتادگی دارد. کاغذ آن فرنگی و برگ‌هایش موربانه خورده و آسیب‌دیده‌اند. نسخه مصحح و قطع آن رقیعی بزرگ است. شماره «۱۰۱۲۴ م»

۸۱ - مقتل، به عربی، از «محمد بن یوسف بن علی البحرانی». کتاب به خط نسخ خوش محمد علی است که در ۲۲ ماه محرم سال ۱۲۲۸ ق آن را کتابت کرده است. آغاز و انجام ندارد، عناوین آن شنگرف، کاغذ آن فرنگی آسیب دیده و اسیدی گردیده و قطع آن رقیعی بزرگ می‌باشد. شماره «۱۰۱۲۵ م»

۸۲ - مجموعه دو رساله به عربی:

۱. «رساله فی الصلاة»، از «شیخ حسین بن شیخ عباس بحرانی».

۲. «النفحة القدسیة فی احکام الصلاة الیومیة»، از «شیخ حسین بن محمد آل عصفور».

۱۳۰۳ ق به خط نسخ کتابت شده است. از انجام افتادگی دارد و کاغذ آن فرنگی نخودی است که اسیدی گردیده. کتابت انجام نسخه نسبت به آغاز آن درشت‌تر است. «تملک علی بن شیخ احمد بن علی بن عباس بحرانی» به سال ۱۳۴۲ ق در انجام نسخه آمده که شجره خود را تا شیخ خلف بحرانی رسانده است. قطع کتاب رحلی است. شماره «۱۰۱۱۸ م»

۷۵ - مجموعه چهار رساله عربی:

۱. «شرح ارشاد»، جلد ۵، از «شیخ علی بحرانی»؛

۲. «مسئله فقهی ملخص تمامه الحدائق»، از «شیخ علی بحرانی»؛

۳. «اجوبة مسائل»، از «شیخ خلف بن عبد علی آل عصفور»؛

۴. «رساله فی الرضا»، از «محمد بن عبدالعزیز علی نیسابوری علوی کاظمی».

مجموعه به خط نسخ علی بن عباس بحرانی در سال ۱۲۷۱ ق کتابت گردیده، نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی، دارای عناوین شنگرف در متن و حاشیه است. برگ‌ها موربانه خورده، کاغذ آن فرنگی، نسخه مقابله شده و قطع آن وزیری می‌باشد. شماره «۱۰۱۱۹ م»

۷۶ - مجموعه چهار رساله به عربی:

۱. «الجنة الوافیة فی احکام التقیة»، از «شیخ حسین بن محمد الدرازی بحرانی»؛

۲. «وسيلة الیقین للاعمال الشرعیة»، از «شیخ سلیمان بن عبدالله البحرانی»؛

۳. «شرح حدیث ابی لبید مخزومی»، از «شیخ سلیمان بن عبدالله البحرانی»؛

۴. «مسئله فی النذر»، از «شیخ محمد بن احمد آل عصفور». خط این مجموعه نسخ و کتابت علی بن عباس البحرانی به سال ۱۲۶۹ ق است. نسخه مصحح، عناوین آن در متن و حاشیه شنگرف، کاغذ آن فرنگی ضخیم و قطع آن وزیری است. شماره «۱۰۱۲۰ م»

۷۷ - مجموعه دو رساله به عربی:

۱. «وجیزة فی العقائد»، از «شیخ عباس بن علی بحرانی»؛

۲. «التحفة الواصلة فی اجوبة العشرین مسئله»، از «شیخ عبد علی آل عصفور بحرانی».

خط هر دو رساله نسخ علی بن عباس بحرانی الکرزکانی در سده ۱۳ ق است. عناوین و نشانی‌ها شنگرف، نسخه مصحح،

نسخه اصل و به خط نسخ شیخ حسین بن شیخ عباس بحرانی الکرزکانی است، که به تاریخ ۱۲۹۰ ق کتابت گردیده، بدون آغاز، لبه برگ‌ها کاملاً اسیدی شده، عناوین آن شنگرف، کاغذ آن فرنگی، و قطع آن جیبی می‌باشد. شماره «۱۰۱۲۶ م»

۸۳ - مجموعه چهار رساله کوچک به عربی:

۱. «کلمات فی الطريقة المهدویة»، از «میرزا محمد خراسانی»؛

۲. «رسالة فی حد کتاب و السنة»، از «شیخ عباس البحرانی»؛

۳. «مصباح الیقین دماء الظن و التخمین»، از «میرزا محمد خراسانی»؛

۴. «السلطان المبین لمعرفة اصول الدین»، از مؤلف ناشناخته.

مجموعه به خط نسخ علی بن عباس بحرانی در سده ۱۳ ق کتابت شده، آغاز و انجام نسخه افتادگی دارد، عناوین و نشانی‌های شنگرف و کاغذ آن فرنگی است که برگ‌هایش اندکی اسیدی شده‌اند و قطع آن جیبی پالتویی کوچک می‌باشد. شماره «۱۰۱۲۷ م»

۸۴ - شرح الصدر بشرح استزال بالتوسل باهل البدن، به عربی، از «شهاب‌الدین احمد بن علی المیسنی دمشقی»، خط این کتاب نسخ متنوع، کتابت سده ۱۱ و ۱۲ ق است که نسخه مصحح و مقابله شده با علامت بلاغ می‌باشد. آغاز و انجام نسخه آسیب دیده و اندکی مرمت شده، از انجام افتادگی دارد. کاغذ آن فرنگی نخودی است که لبه برگ‌هایش اسیدی شده، عناوین و نشانی‌ها و اشعار آن به شنگرف آمده و قطع آن جیبی می‌باشد. شماره «۱۰۱۲۸ م»

۸۵ - مجموعه دو رساله عربی:

۱. رساله فی الصلاة؛

۲. شرح رساله فی الصلاة.

رساله‌ها هر دو از «شیخ عبدالله بن شیخ مبارک» می‌باشند که به خط محمد بن علی بن محمد الحجری البحرانی در ۱۵ جمادی‌الاول به سال ۱۲۳۵ ق کتابت شده‌اند. روی برگ آغاز و انجام تقریظی به منظور وقف برای محدثان شیعه امامیه و روح عباس‌المحسیناوی و خادم الشریعة محمد بن میرزا

علی به سال ۱۲۶۷ ق با مهر مربع «الوائق بالوالی عبده عباس بن علی» مشهود است. عناوین کتاب شنگرف، کاغذ آن فرنگی و قطع آن جیبی است. شماره «۱۰۱۲۹ م»

۸۶ - الدور الاغلی الواقعة شرحاً للدور الاعلی، به عربی، از «محمد التافلانی». این نسخه به خط نسخ در تاریخ ۱۲۳۶ ق

در مسجد «الکلالی» در محله «بالکان» کتابت گردیده و بدون آغاز است. نسخه مصحح و مقابله شده، عناوین دعا به شنگرف آمده، کاغذ آن فرنگی نخودی است که اسیدی شده و قطع آن جیبی می‌باشد. شماره «۱۰۱۳۰ م»

۸۷ - مجموعه دوازده رساله عربی در موضوعات گوناگون:

۱. «رسالة فی العقائد»، از «شیخ احمد احسائی»؛

۲. «اجوبة مسائل محمد بن حسین بن خلف آل عصفور»، از «سید کاظم رشتی»؛

۳. «اجازة الی آخوند ملا محسن»، از «سید کاظم رشتی»؛

۴. «رسالة فی المعارف الالهية»، از «سید کاظم رشتی»؛

۵. «وجیزة فی فقه الصلاة»، از «حسن بن علی (کوهکن)»؛

۶. «رسالة فی الصوم»، از «شیخ محمد بن عبدالعلی بن عبدالجبار خطی بحرانی»؛

۷. «رسالة فی احکام الصلاة»، از «شیخ احمد بن محمد بن آل عصفور بحرانی»؛

۸. «کلمات فی اصول العقائد»، از «سید محمد بن سید علی العلامه»؛

۹. «رسالة فی علم العدد و الاوزان»، از «احمد بن الحسینی المیمنی»؛

۱۰. «رسالة فی معرفة الاوزان و المقادیر»، از مؤلف ناشناخته؛

و ...

این مجموعه به خط نسخ شیخ علی بن عباس بحرانی و حسن بن زین‌الدین بحرانی است که به سال ۱۲۶۶ ق آن را نگاشته‌اند. نسخه مصحح، عناوین و نشانی‌های آن شنگرف، کاغذ آن فرنگی و قطع آن جیبی می‌باشد.

شماره «۱۰۱۳۱ م»

شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

بخش هفدهم

بوده، واداشت که به تعریف از وی بپردازند؛ چنانکه ثعالبی، ابن جوزی و ابن خلکان وی را دبیری زبردست، توانا، استوارنویس و خبره معرفی کنند.^۳

ابن خلکان افزون بر این، دربارهٔ ابونصر نوشته است: او مردی ادیب، مردم‌دار، فضیلت‌پرور بود؛ چنان‌که کفایت و درایت یک‌جا در وی جمع شده و منزلش خاستگاه و محل تجمع شاعران و ادیبان و اهل علم و ادب بود.^۴

۵۸. ابونصر شاپور بن اردشیر بن فیروز شیرازی (۳۳۶-۴۱۶ ق / ۹۴۷-۱۰۲۵ م) ادیب، کاتب و وزیر دانشمند، با کفایت و نامدار شیعی آل‌بویه.

او در سال ۳۳۶ قمری^۱ و در پادشاهی عضدالدوله بویه‌ی و حکومت وی بر خطهٔ حاصل‌خیز و ادب‌پرور فارس، در شیراز چشم به جهان گشود. عضدالدوله خود مردی ادیب و دانشمند و در عین حال تجمل‌دوست بود و در نظر داشت دربار خویش را هم‌تراز مقرر خلافت بغداد سازد و از آبادانی آن سامان و جمع‌آوری ادیبان و دانشمندان، از بذل مال دریغ نمی‌کرد. شیراز نیز در آن روزگار، عروس بلاد پهناور اسلامی به‌شمار می‌رفت. ابونصر شاپور از موقعیت ارزشمندی که عضدالدوله به‌وجود آورده بود و به مدد استعداد فراوان و هوش سرشاری که خداوند به وی عطا کرده بود، دامن همت را در طلب دانش استوار ساخت و در همان زادگاهش به‌خوبی پرورش یافت و از خرمن فضل و ادب دانشمندان آن دیار بهره‌آفی برد و در سلک ادیبان و کاتبان برجستهٔ روزگار خویش درآمد.^۲

مقام و مکان علمی

پرورش و تربیت در محیط علمی و ادبی شیراز، شاپور بن اردشیر را به چنان موقعیت علمی- ادبی و مکانی اجتماعی رساند که افرادی چون ثعالبی، ابن جوزی، ابن خلکان، یاقوت حموی، ذهبی و دیگران را با این‌که شاپور فردی شیعی مذهب

۵۸. بیتمه الدهر، ۱۲۴/۳ - ۱۳۱؛ المنتظم ابن جوزی، ۲۲/۸ - ۲۳؛ وفيات الاعیان، ۳۵۴/۲ - ۳۵۶؛ الکامل فی التاریخ، ۷۷/۹، ۷۹، ۹۰، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۶۲، ۱۶۸، ۳۵۰؛ البداية و النهاية، ۱۹/۱۲ و موارد دیگر؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۸۷/۱۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۴۰۱ - ۴۲۰ ق)، ص ۴۰۱؛ معجم البلدان، ۷۹۹/۱؛ العبر ذهبی، ۱۶۲/۲؛ النجوم الزاهرة، ۱۶۴/۴؛ شذرات الذهب، ۴۳۳/۴۵؛ تاریخ ابن‌خلدون، ۹۰۷/۳، ۹۰۹، ۹۱۴، ۹۱۵؛ دائرة المعارف الاسلامیة، ۳۵/۱۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۲۶۲/۱؛ اعیان الشیعة ۱۶۹/۷، ۳۲۶؛ الوافی بالوفیات، ۷۳/۱۵؛ الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات، ۲۳۶/۱؛ معجم الادباء یاقوت، ۲۶۷/۱۷ - ۲۶۸؛ البلدان یعقوبی، ص ۱۴؛ المسالك و الممالک، اصطخری، ترجمه، ص ۵۹؛ کتاب و کتابخانه در اسلام، ص ۸۷ - ۹۴؛ مقدمهٔ رجال شیخ طوسی، ص ۱۳ - ۱۶؛ تاریخ اسلام، دکتر فیاض، ص ۲۵۲؛ تاریخ الخلفاء سیوطی، ص ۴۴۳؛ خزائن الکتب القدیمة فی العراق، ص ۱۴۰ - ۱۴۵؛ درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان، ص ۴۱.

۱. وفيات الاعیان، ۳۵۴/۲.

۲. کتاب و کتابخانه در اسلام، ص ۸۸.

۳. بیتمه الدهر، ۱۲۴/۳؛ المنتظم، ۲۲/۸؛ وفيات الاعیان، ۳۵۰/۹.

۴. وفيات الاعیان، همانجا.

یاقوت حموی در دو کتاب خود وقتی از کتابخانه وی تعریف می‌کند، او را می‌ستاید و کتابخانه‌اش را از بهترین کتابخانه‌های آن روزگار حتی در دنیا به‌شمار می‌آورد.^۱ ذهبی هم در تمجید از او می‌نویسد: وی مردی توانمند، هوشمند، باابتهت، باکفایت، بخشنده و مورد ستایش شاعران و ادیبان بوده است^۲ و این نشان می‌دهد که او غیر از فضل و دانش و چیرگی در دبیری، مردی ثروتمند بوده است.

مشاغل اداری

تعریف‌هایی که در منابع از شاپور بن اردشیر شده، حکایت از موقعیت علمی، ادبی و اجتماعی وی دارد و نشان می‌دهد که او فردی موقعیت‌شناس، هوشمند و کاردان بوده است و همین فضایل کافی بود که بتواند در دستگاه آل‌بویه و عضدالدوله دیلمی پذیرفته شود و به خدمت آنان درآید. در منابع اشاره‌ای به این نشده که وی در دربار عضدالدوله، دارای چه شغل و مقامی بوده است، اما می‌توان دریافت که با داشتن توانایی‌ها و موقعیت علمی و ادبی، می‌بایست در دیوان رسائل عضدالدوله و آل‌بویه، به کار دبیری و کتابت پرداخته باشد، به‌ویژه که در منابع، او را دبیری چیره‌دست معرفی کرده‌اند.^۳ پس از مرگ عضدالدوله که فرزندانش بر سر قدرت و حکومت با یکدیگر به جنگ و ستیز برخاستند، ابونصر شاپور بن اردشیر، به وزارت شرف‌الدوله انتخاب گردید و بر اثر کفایت و کاردانی وی، شرف‌الدوله بر برادر خویش، صمصام‌الدوله که بغداد را در تصرف خود داشت، در سال ۳۷۶ قمری پیروز شد و گویا تا هنگام مرگ شرف‌الدوله، در این مقام باقی بود.^۴

شرف‌الدوله در سال ۳۷۲ قمری در شیراز به سلطنت رسید و در سال ۳۷۶ قمری بغداد را تصرف کرد و برادرش صمصام‌الدوله را دستگیر و زندانی نمود. شرف‌الدوله در ۳۷۹ قمری در بغداد دیده از جهان فرو بست و برادرش صمصام‌الدوله را که در دیلمی جانشین وی شد و برادرش صمصام‌الدوله را که در فارس زندانی بود، آزاد ساخت.^۵ بنابراین، شاپور بن اردشیر اگر در سال ۳۷۲ قمری به وزارت شرف‌الدوله رسیده باشد، مدت هفت سال در زمان شرف‌الدوله، مقام وزارت را به‌عهده داشته است و پس از درگذشت وی و روی کار آمدن بهاء‌الدوله دیلمی، بار دیگر شاپور در سال ۳۷۹ قمری^۶ - و به

روایتی دیگر در ۳۸۰ قمری -^۷ به وزارت منصوب گردید؛ اما طولی نکشید که در ۳۸۱ قمری در اهواز، از جانب بهاء‌الدوله برکنار شد و به‌جای او ابوالقاسم عبدالعزیز بن یوسف به وزارت رسید.^۸

بار دیگر در سال ۳۸۲ قمری پس از برکناری ابوالقاسم علی بن احمد از مقام خود، شاپور به وزارت رسید و در ۳۸۳ قمری از جانب بهاء‌الدوله، برای تحصیل اموالی برای حکومت بهاء‌الدوله به واسط رفت و در همین سال هنگامی که در بغداد بود، با شورش دیلمیان روبه‌رو شد و خانه‌اش مورد چپاول قرار گرفت. در این هنگام شاپور پنهان شد و بار دیگر ابوالقاسم علی بن احمد به وزارت رسید؛ اما وی نیز چون توان مقابله با دیلمیان را نداشت فرار کرد. پس از فرو نشستن شورش بار دیگر ابونصر به وزارت رسید و در فاصله این سال تا سال ۳۸۶ قمری پس از عزل و نصب‌های پیاپی بار دیگر به وزارت رسید؛ اما بیش از دو ماه در این مقام باقی نماند و به بطیحه رفت و منصب وزارت مدتی خالی ماند. پس از چندی ابوالعباس بن سرجس وزیر شد و بار دیگر شاپور در سال‌های بعد به وزارت رسید؛ به‌ویژه در سال ۳۹۰ قمری و در ۳۹۱ قمری هنگامی که نیابت سلطان بهاء‌الدوله را در بغداد به‌عهده داشت، با شورش ترک‌ها روبه‌رو گردید، ولی توانست خود را از مهلکه برهاند. آتش فتنه‌ای بزرگ که به دست ترک‌ها و پشتیبانی اهل سنت از آن‌ها روشن شده بود، مردم و اهالی شیعی کرخ بغداد را گرفتار ساخت و بسیاری کشته شدند.^۹

ابونصر شاپور در طول سلطنت بهاء‌الدوله، چند بار به وزارت منصوب شد. بنابراین، مدت وزارت وی به اضافه ایام فترتی که در انتظار خدمت به‌سر می‌برد، ۳۱ سال می‌شود که هفت سال آن در زمان شرف‌الدوله و ۲۴ سال آن در دوران بهاء‌الدوله بوده است و این زمان، مصادف با خلافت الطائع

۱. معجم‌الادباء، ۲۶۷/۱۷؛ معجم‌البلدان، ۷۹۹/۱.

۲. سیر اعلام النبلاء، ۳۸۷/۱۷؛ تاریخ‌الاسلام ذهبی، ص ۴۰۱.

۳. منابع پیشین.

۴. وفیات الاعیان، همانجا.

۵. فهرس‌التواریخ، ص ۸۸، ۸۹ و ۹۰.

۶. وفیات الاعیان، همانجا.

۷. الکامل فی‌التاریخ، ۷۷/۹.

۸. همان، ۹۰/۹ - ۹۱.

۹. الکامل فی‌التاریخ، ۹۴/۹ - ۹۷، ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۶۲ و ۱۶۸.

میراث شهاب

کتابخانه‌های عمومی و همگانی در جهان اسلام تأسیس شد. چهار کتابخانه و مرکز علمی در این دوره ایجاد شد که از قضا، هر چهار تا را رجال ایرانی و شیعی به وجود آوردند که این، بیانگر توسعه فکری و پیشگامی آنان در علم و ادب و فرهنگ است. این کتابخانه‌ها عبارت بودند از: کتابخانه صاحب بن عباد در ری؛ خزانه و کتابخانه ابن‌سوار در بصره و رامهرمز و کتابخانه شاپور بن اردشیر در بغداد.^۲

شاپور بن اردشیر که در سال ۳۷۹ قمری با روی کار آمدن بهاءالدوله دیلمی به وزارت رسیده بود، از این آرامش و فرصت طلایی پدید آمده در بغداد بهره برد و با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی و امکانات مالی فراوانی که داشت و علاقه‌اش به علم و ادب و کتاب، به فکر تأسیس مرکزی علمی و ایجاد کتابخانه‌ای همگانی افتاد و در سال ۳۸۱ یا ۳۸۳ قمری، دارالکتب و دارالعلمی در محله بین‌السورین در کرخ بغداد تأسیس کرد که نخستین مرکز علمی و کتابخانه از نوع عمومی در آن‌جا به‌شمار می‌رفت. البته سیوطی تاریخ تأسیس آن را، ۳۸۲ قمری نوشته است.^۵

در الوافی بالوفیات، تاریخ تأسیس دارالعلم را سال ۶۳۰۱ قمری نوشته که قطعاً اشتباه است و به احتمال زیاد، تحریف از نسخ یا غلط چاپی ناشی شده است.

در این‌که تأسیس دارالکتب و دارالعلم از جانب ابونصر شاپور بن اردشیر، در فاصله بین سال‌های ۳۸۱ تا ۳۸۳ قمری انجام گرفته، شکی نیست، اما این‌که بعضی ۳۸۱ و برخی ۳۸۳ قمری نوشته‌اند، شاید ناشی از این باشد که وی در سال ۳۸۱ قمری به تأسیس دارالکتبی در بغداد پرداخت و در ۳۸۳ قمری آن را توسعه داد و به دارالعلم تبدیل کرد. چنان‌که از سخن برخی برمی‌آید نام آنچه وی در ۳۸۱ قمری ایجاد کرده، «دارالکتب»^۷ بوده و آنچه در ۳۸۳ قمری به وجود آورده «دارالعلم»^۸ نام داشته است.

عباسی (۳۶۳ - ۳۸۱ ق) و القادر عباسی (۳۸۱ - ۴۲۲ ق) بوده است. او سیزده سال پس از درگذشت بهاءالدوله (متوفای ۴۰۳ ق) در سال ۴۱۶ قمری دیده از جهان فرو بست و در بغداد چهره در نقاب خاک فرو کشید.^۱

شیفتگی وی به کتاب

بغداد از زمان هارون‌الرشید و مأمون عباسی مرکزیت علمی یافت و به‌ویژه در زمان مأمون به اوج شکوفایی خود رسید. تأسیس بیت‌الحکمه نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز علمی، به این شهر رونق فراوانی بخشید و پس از آن در این شهر تأسیس کتابخانه‌ها، دارالعلم‌ها، دارالکتب‌ها آغاز شد. اما پس از مأمون این شکوفایی علمی - فرهنگی دچار رکود شد و جنگ و ستیزها و ناآرامی‌ها باعث گشت که رونق علمی خود را تا حدود از دست بدهد؛ ولی بار دیگر در خلافت طولانی القادر عباسی - که حدود ۴۱ سال ادامه داشت - این شهر رو به آبادانی نهاد و به آرامش نسبی رسید و از فتنه‌ها، ناآرامی‌ها و جنگ و ستیزها کاسته شد و فرصتی برای شکوفایی علم و فرهنگ پیش آمد و به گفته برخی، بغداد عصر طلایی خویش را آغاز کرد و مراکز علمی همانند دارالحدیث‌ها، دارالعلم‌ها و کتابخانه‌ها، تأسیس و رو به گسترش نهادند و عالمان، ادیبان و دوستداران علم و ادب و کتاب و کتابخانه‌ها، در آن جاگرد آمدند و فعالیت علمی روز به روز توسعه یافت. در چنین دوره‌ای بود که شاپور بن اردشیر، به دلیل علاقه فراوان به علم و عالمان، و شیفتگی بسیار به کتاب و نیک‌اندیشی و نیک‌خواهی نسبت به جامعه اسلامی، یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی - فرهنگی و کتابخانه‌ها را تأسیس و آن را وقف عامه مسلمانان کرد.

گفتنی است که تا نیمه‌های سده چهارم هجری، تمام کتابخانه‌های کشورهای اسلامی خصوصی بودند و همه افراد نمی‌توانستند از آن‌ها استفاده کنند. فقط خواص دربار و بعضی از عالمان و ادیبان و رجال مهم می‌توانستند به این کتابخانه‌ها راه یابند و استفاده کنند. حتی از کتابخانه‌های رجال علمی و ادبی و درباری - که قهراً محدودیت کتابخانه‌های درباری و سلطنتی و حکومتی را نداشت و موانع ورود به آن‌ها کمتر بود - نیز دانشجویان به‌ندرت می‌توانستند بهره ببرند. از این‌رو می‌توان ادعا کرد که از نیمه دوم سده چهارم هجری بود که

۱. المنتظم، ۲۳/۸؛ الکامل فی التاریخ، ۳۵۰/۹؛ تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.

۲. کتاب و کتابخانه در جهان اسلام، ص ۸۴.

۳. المنتظم، ۲۲/۸؛ الکامل فی التاریخ، ۳۵۰/۹.

۴. الکامل فی التاریخ، ۱۰۱/۹؛ العبر، ۱۶۲/۲.

۵. تاریخ الخلفاء، ص ۴۴۳.

۶. الوافی بالوفیات، ۷۳/۱۵.

۷. نک: الکامل فی التاریخ، ۳۵۰/۹.

۸. همان، ۱۰۱/۹؛ العبر ذهبی، ۱۶۲/۲.

داستان تأسیس این دارالکتب یا دارالعلم را منابع چنین نوشته‌اند که شاپور بن اردشیر در محله «بین السورین» که خود محله‌ای از محله بزرگ کرخ یکی از محلات بغداد بود، خانه‌ای خرید و آن را دارالکتب یا دارالعلم نامید و بیش از ده هزار جلد کتاب و رساله و دفتر، شامل علوم و آداب را تهیه و گردآوری کرد و به آن خانه منتقل نمود و آن را وقف عامه مسلمانان کرد. آن کتاب‌ها به خطوط پیشوایان معتبر علم و ادب تحریر شده بودند^۱ و به گفته یاقوت، در دنیا بهتر از آن کتاب‌ها یافت نمی‌شد.^۲

شاپور بن اردشیر برای اداره دارالعلم و نظارت بر آن، افرادی مانند ابوالحسین محمد بن حسین بن ابن‌شبیبه حسنی و ابو عبدالله محمد بن احمد حسنی - که هر دو نفر علوی بودند - و قاضی ابو عبدالله حسین بن هارون ضبی را انتخاب کرد و ابوبکر محمد بن موسی خوارزمی را نیز به عنوان بازرس دارالعلم برگزید.^۳

محل دارالکتب، چنان‌که اشاره شد، در یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین محله‌های بغداد بوده است به نام کرخ که به دلیل مشروب شدن این محله از نهر کرخا که از فرات جدا می‌شده، به کرخ شهرت یافته است. امتداد این محله دو فرسخ در یک فرسخ بوده است و برای هر صنف از تجار، خیابانی اختصاص داشته که شامل کاروان‌سراها و دکان‌های فراوانی بوده و هیچ‌یک از اصناف تجار، با دیگری اختلاط نداشته و هر خیابان و بازاری مخصوص قومی و گروهی و حرفه‌ای خاص بوده است و بدین وسیله مکان حرفه‌ها را از یکدیگر جدا و ممتاز کرده بودند.^۴

به گفته اصطخری، این بخش از شهر بغداد، علاوه بر وسعت - که به شکل شهری مستقل بود - از لحاظ اهمیت نیز مهم‌ترین بخش از بخش‌ها و محله‌های آن‌جا بود و مهم‌ترین مرکز تجاری برای بازرگانی و بازرگانان، به‌شمار می‌رفت.^۵ ویژگی دیگر این محله که شاپور بن اردشیر آن را برای تأسیس دارالعلم برگزید این بود که شیعیان در آن، سکونت داشتند. به همین دلیل نیز بیشتر فتنه‌ها، آتش‌سوزی‌ها و جنگ و ستیزها در همین محله اتفاق می‌افتاد؛ زیرا این بخش آباد و پرجمعیت شیعه‌نشین، به واسطه تراکم جمعیت و ثروت و آبادانی، همیشه مطمح‌نظر ماجراجویان و مخالفان شیعیان قرار داشت و اختلافات فرقه‌ای بین شیعیان و اهل سنت نیز

مزید بر علت شد. از این‌رو شیعیان ساکن این محله، برای در امان ماندن از شر و فتنه دشمنان خویش، حصاری در بازار آن ساختند، ساختمان این دیوار، با تشریفاتی خاص و کم‌نظیر انجام گرفت آجرهایی که برای ساختن این دیوار می‌آوردند، در طبقه‌هایی بود که روانداز دیبا بر آن‌ها انداخته بودند و رجال مهم این محله بر حمل آنها افتخار می‌کردند. ساکنان محله مجاور که دشمنان شیعیان بودند وقتی این منظره را مشاهده کردند، در مقابله با ساکنان کرخ، بر آن شدند که با تشریفاتی بیش‌تر، حصاری در مقابل حصار اهل کرخ برای محله خویش بکشند. حدفاصل این دو دیوار (دوسور) را «بین السورین» نامیدند و شاپور در حدفاصل بین این دو دیوار، دارالعلم خویش را بنا نهاد^۶ و خانه‌ای را به نام «دار الغزل» برای آن وقف نمود و خدمت‌گذاران و خزانه‌دارانی برای آن تعیین کرد. به گفته صفدی این کتابخانه حدود ده هزار جلد کتاب، در اصناف علوم داشت و تنها از مصحف بنومقله، صد نسخه در آن‌جا وجود داشت.^۷

وضعیت کتابخانه

نامی که شاپور بن اردشیر بر این کتابخانه نهاد، حکایت از این دارد که ساختمان دارالعلم، فقط یک کتابخانه نبود، بلکه مرکزی برای تعلیم و تعلم به‌شمار می‌رفت و یا همانند «دارالحکمه»، مرکز تألیف و ترجمه و استنساخ کتاب‌ها و تکثیر نسخه‌های انحصاری بود. اگر این احتمال درست باشد، می‌توان ادعا کرد که دارالعلم، از قدیمی‌ترین مدارس اسلامی به‌شمار می‌رود؛ چه این‌که دوازده سال پیش از دارالعلم قاهره که به امر خلیفه فاطمی مصر تأسیس شده بود، بنا گردید. به هر حال این کتابخانه یا خزانه دارالعلم و یا دارالکتب، حتی در زمان‌های بعد از غنی‌ترین کتابخانه‌های اسلامی به‌شمار می‌رفت؛ زیرا این مرکز و کتابخانه، همزمان با عصر طلایی

۱. المنتظم، ۲۲/۸؛ معجم البلدان، ۷۹۹/۱؛ الکامل فی التاریخ، ۱۳۱/۹، ۳۵۰؛ الوافی بالوفیات، همانجا.
 ۲. معجم البلدان، همانجا.
 ۳. المنتظم، ۲۳/۸؛ الوافی بالوفیات، همانجا.
 ۴. البلدان یعقوبی، ص ۱۴.
 ۵. المسالك و الممالک، ص ۵۹.
 ۶. کتاب و کتابخانه در اسلام، ص ۸۷-۸۸.
 ۷. الوافی بالوفیات، ۷۳/۱۵.

وی بزنند و موجبات عظمت این خزانه و دارالعلم را، بیش از پیش فراهم آورند.

۳. در اختیار داشتن گروهی از افراد خوش خط و تذهیب‌کاران و جلدسازان نامور آن روزگار، شاپور را واداشت تا از این موقعیت برای هر چه بهتر ساختن این مرکز علمی بهره گیرد و به وسیله آنان آثار و کتاب‌های نفیسی را استنساخ، تذهیب و تجلید کند و موجبات عظمت این مرکز و شهرت آن را فراهم آورد.

۴. عمومی بودن دارالعلم و کتابخانه شاپور و شهرت نیک‌نفسی و حسن‌نیت مؤسس آن در افواه عامه، موجب ترغیب جمعی از اهل خیر شد تا با اهدای کتاب‌ها و نسخه‌های نفیس، به کمک وی بشتابند؛ به‌ویژه عالمان شیعی آنچه را از آثار روایی عالمان بزرگ و متقدم شیعه، مانند اصول اربعه‌ا در اختیار داشتند و تا آن روزگار مخفی بود، در اختیار این وزیر کتاب‌دوست و دانشمند قرار دادند تا آن‌ها را از شر چپاول و دستبرد دشمنان حفظ و نگاهداری و استنساخ و تکثیر کند. اتفاقاً چنین هم شد و به برکت همین کتابخانه و ویژگی‌های یاد شده «کتب اربعه شیعه» از روی اصول اولیه گردآوری و تدوین گردید.^۱

۵. عامل دیگری که موجب عظمت، شهرت و باقی ماندن نام این کتابخانه شد، شیعه بودن بانی و مؤسس آن است؛ به‌ویژه که وی اعتقاد راسخی به مذهب خویش داشت و فردی مستدین بود و به ادای فرائض، سخت مقید بود؛ چنان‌که نوشته‌اند هنگامی که مؤذن بانگ فرا رسیدن وقت نماز سر می‌داد، وی دست از هر کار مهمی که داشت می‌کشید و به ادای این فریضه می‌پرداخت.^۲

تعریف از کتابخانه شاپور بن اردشیر

در منابع و مآخذی که به بیان این کتابخانه و شرح زندگانی شاپور بن اردشیر پرداخته‌اند، بیش و کم نکاتی جالب توجه راجع به این کتابخانه آمده است که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) ابوالعلاء معری، ادیب و شاعر نامور آن روزگار، در قصیده‌ای طولانی که به قصیده «لامیه» معروف است، در

نهضت علمی، به دست مردی دانشمند و کتاب‌شناس که حظی عظیم از مال و منال دنیا داشته، بنیان نهاده شد و به دستگیری وجوه شیعه که ثروتمندان بغداد در آن روزگار بودند و کتابخانه را از آن خویش می‌دانستند تکمیل شد و به پایان رسید و با حضور و نظارت و ریاست شخصیت‌های بزرگ علمی شیعه، به حد کمال رسید.

کتاب‌های این کتابخانه، بیش از ده هزار جلد بوده که بخشی از آن‌ها به دست پیشوایان علوم و عالمان متقدم نوشته شده بود؛ زیرا چنان‌که می‌دانیم، در حدود دو قرن از آغاز تدوین علوم در اسلام بیش نگذشته بود که این کتابخانه تأسیس شد و در طول این دو قرن، به سبب گرانی و کمیابی کاغذ، نسخه‌برداری از کتاب‌ها بسیار محدود بود. بنابراین در میان ده‌هزار جلد کتاب، قهراً کتاب‌های بسیار به خط مؤلفان بوده و به اصطلاح، نسخه اصل وجود داشته که از نفایس این کتابخانه و موجب اهمیت بیش از حد آن بوده است.

گذشته از وجود نسخه‌های اصلی و نفایس، علل دیگری نیز موجب عظمت و اعتبار و اهمیت آن شده که به اختصار عبارت‌اند از:

۱. طول عمر مؤسس آن، شاپور بن اردشیر که بیش از هشتاد سال عمر داشته و از جوانی به فکر ایجاد دارالعلم یا کتابخانه عمومی بوده است. عشق وافر وی به دانش و دانشمندان و دانش‌طلبان و شیفتگی بیش از حد او به کتاب و ایمان استوار وی به مسائل مذهبی، باعث شد مرکزی که بنا نهاده بود، به یکی از مراکز علمی و کتابخانه‌های مهم جهان اسلام تبدیل شود.

۲. استفاده شاپور بن اردشیر از ثروت و مکانت پدر و مال و اعتبار خویش و گردآوری بهترین نسخه‌ها و فراهم آوردن گروهی عالم از بهترین دانشمندان آن روزگار، برای اداره و نظارت بر دارالعلم، عامل دیگری در اهمیت و جاودانگی بخشیدن به آن بوده است. ثروت و موقعیت اجتماعی و سیاسی شاپور از یکسو، و کتاب‌دوستی و کتاب‌شناسی وی، طی دوران طولانی وزارت و استفاده کردن از کلیه وسائل و امکانات خویش در گردآوری این گنجینه نفیس از سوی دیگر، گروهی را تشویق کرد تا کتاب‌های نایاب و ارزشمند را به طمع پول، بر او عرضه کنند و دسته‌ای را نیز بر آن داشت تا دست به تألیف و اهدای آن به این وزیر دانشمند و دارالعلم

۱. کتاب و کتابخانه در اسلام، ص ۹۰-۹۳.

۲. رجال طوسی، مقدمه، ص ۱۵.

وصف این کتابخانه و دارالعلم، به نکاتی اشاره کرده که شنیدنی است و نشان می‌دهد که دارالعلم، چنان‌که اشاره شد، صرفاً یک کتابخانه نبوده، بلکه مرکزی علمی، برای پژوهش، تحقیق، استنساخ کتب و تألیف و تصنیف و حتی تعلیم و تربیت نیز بوده است. یکی از ابیات آن قصیده این است:

و غنت لنا في دار سابور قِيَّةً

من الوُرُقِ مطراب الاصائل ميهال^۱
 ب) یاقوت حموی گوید: شاپور بن اردشیر، در بهترین و آبادترین محله کرخ بغداد و در «بین السورین»، کتابخانه، و به تعبیری «خزانه الکتبی» بنا نهاد که در دنیا بهتر و نفیس‌تر از کتاب‌های آن یافت نمی‌شد و آن را وقف عام کرد.^۲

رؤسا و کتابداران دارالعلم

چنان‌که از منابع استفاده می‌شود، گویا نخستین رؤسای کتابخانه و دارالعلم که از طرف خود شاپور بن اردشیر انتخاب شدند، ابوالحسین محمد بن حسین بن ابی‌شیبۀ حسنی علوی و ابو عبدالله محمد بن احمد بطحائی حسنی علوی بودند و سپس قاضی ابو عبدالله حسین بن هارون ضبی سرپرستی و نظارت بر آن را به‌عهده گرفت.^۳ به گفته یاقوت، پس از مرگ شاپور بن اردشیر ریاست دارالعلم به سید مرتضی علم الهدی ابوالقاسم علی بن حسن موسوی، برادر شریف رضی رسید که نقیب طالبیان بود و او شخصی به‌نام ابو عبدالله بن حمد را به‌عنوان مدیر دارالعلم برگزید. گویا در همین دوره شخصی به‌نام محمد بن احمد بن طاهر بن حمد ابومنصور نیز از جانب سید مرتضی کتابدار دارالعلم بوده است و ظاهراً ابو عبدالله بن حمد با ابومنصور دشمن بود و همیشه به اذیت و آزار وی می‌پرداخت. روزی به ابومنصور گفت: کتاب‌ها و نسخه‌های موجود در دارالعلم دارد از میان می‌رود و آسیب می‌بیند و بیشتر کتاب‌ها از بین رفته است. ابومنصور با ناراحتی پرسید: کتاب‌ها به چه وسیله و چگونه آسیب دیده و از بین رفته است؟ گفت: به‌وسیله حشرات و موریانه (کیک) که کتاب‌ها را فاسد می‌کنند. ابومنصور پرسید: چه باید کرد؟ ابو عبدالله گفت: نزد سید اجل شریف مرتضی برو و او را از حقیقت حال و ماجرا آگاه کن و از او بخواه تا دارویی را که برای از میان بردن این حشرات دارد، به تو بدهد و تو آن را در میان اوراق کتاب‌ها بریزی و از فاسد شدنشان جلوگیری کنی.

ابومنصور نزد سید مرتضی رفت و با کمال متانت و آرامش و از باب احتیاط و نصیحت به سید مرتضی گفت: اگر سرورم به این خازن، مقداری داروی از بین‌برنده کیک و حشرات بدهد بسیار خوب است؛ زیرا کتاب‌های خزانه دارالعلم مشرف به فساد است، تا به‌وسیله این داروها به‌سرعت از فساد کتاب‌ها جلوگیری شود. سید مرتضی با شگفتی گفت: کیک؟! و این کلمه را چند بار تکرار کرد، سپس فرمود: خدا لعنت کند ابن حمد را؛ زیرا جز طنز و مسخره کردن کاری ندارد. ای شیخ! به دارالعلم برگرد و از این پس به هیچ نصیحتی و سخنی از ابن حمد گوش فرا نده.^۴

تا زمانی که دارالعلم تحت نظارت افراد یاد شده بود، کسی متعرض آن نشد، اما پس از این‌که شاپور بن اردشیر از مقام وزارت کناره‌گیری کرد و در اواخر عمر پس از بهاءالدوله، دعوت فرزند وی را برای وزارت نپذیرفت و گوشه‌انزوا را برگزید و وزارت به بنو عبدالرحیم رسید، آنان برخی از اشیاء و نسخه‌های نفیس کتابخانه دارالعلم را به غارت بردند.^۵

عمر این کتابخانه کوتاه بود، اما تأثیر شگفتی که از خود در آن روزگار باقی گذاشت و نام و خاطره آن تاکنون باقی است. اما دریغ و صد افسوس که این کتابخانه و مرکز علمی نیز، از تطاول روزگار و تعصبات کور فرقه‌ای و ستیزها و فتنه‌های آشوب‌طلبان و افراد نادان و ستمکاران درآمان نماند و با آمدن طغرل بیک سلجوقی متعصب و فتح بغداد به دست وی و حمله به محله بین السورین و کرخ و دامن زدن به آشوب‌های فرقه‌ای و شوراندن سنیان بر ضد شیعیان و تخریب محله کرخ و کشتار شیعیان، دارالعلم شاپور که کتابخانه و مرکز علمی عمومی و وقف بر همه مسلمانان بود، از دستبرد و حمله طغرل و اهل عامه درآمان نماند و در آتش کینه و حقد و حسد آنان گرفتار آمد. اینان آن مرکز و کتابخانه را به آتش کشیدند و آن‌جا پس از هفتاد سال (فاصله سال‌های ۳۸۱ تا حمله طغرل سلجوقی در ۴۵۱ ق) از میان رفت و غارت شد. فقط شخصی عالم به نام کُندری توانست برخی از

۱. الوافی بالوفیات، همانجا؛ الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات، ۲۳۶/۱.

۲. معجم البلدان، ۷۹۹/۱.

۳. الوافی بالوفیات، همانجا.

۴. معجم الادباء، ۲۶۷/۱۷-۲۶۸.

۵. الوافی بالوفیات، همانجا.

آورد؛ مجموعه‌ای نفیس که پس از الحکم خلیفه اموی در اندلس، هیچ‌کس همانند آن را نداشت.

نمونه‌ای از این مجموعه ارزشمند است: اصلاح المنطق، به خط ابوعلی قالی؛ الغریب المصنف؛ اصل ابوعلی؛ نوادر ابن اعرابی به خط ابوموسی حامض و تاریخ ابوجعفر طبری، همراه صله فرغانی و به خط ابن ملول و شقی.^۳

پس از مرگ او کتاب‌ها و مجموعه نفیسی را که سال‌ها، تهیه و گرد آورده بود، فروختند و آنقدر قیمت نسخه‌های آن را بالا بردند که یک برگ از آن‌ها را به ربع مثقال طلا خرید و فروش می‌کردند. وی در ۴۳۳ قمری دیده از جهان فرو بست و در روز پنجشنبه سوم جمادی الآخر همان سال در مقبره امسلمه به خاک سپرده شد.^۴

۶۰. ابوالقاسم علی بن الحسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن الامام موسی الکاظم علیه السلام، ملقب به «علم الهدی» و «سید مرتضی» یا «شریف مرتضی» و «ذوالمجدین» (۳۵۵ - ۴۳۶ ق / ۹۶۶ - ۱۰۴۴ م) فقیه، اصولی، متکلم، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی، شاعر و از بزرگ‌ترین و نامورترین دانشمندان شیعه و نقیب النقباء طالبیان و علویان.

۱. المنتظم، ۲۲/۸؛ الکامل، ۳۵۰/۹؛ الوافی بالوفیات، همانجا.

۲. معجم البلدان، همانجا.

۵۹. التکملة لکتاب الصلة ابن ابار، ۳۸۷/۱، ۶۲۱-۶۲۲، ۶۸۷؛ الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات، فؤاد ایمن سید، ۲۶۸/۱.

۳. التکملة لکتاب الصلة، ۳۸۷/۱. فؤاد ایمن در اینجا پس از نقل این مطالب و کتاب‌ها، به کتاب «معجم الادباء یاقوت حموی، ۱۸۸/۱۵» آدرس داده که در هیچ‌یک از چاپ‌های این کتاب چنین مطلبی یافت نشد.

۴. التکملة لکتاب الصلة، همانجا.

۶۰. جمهرة انساب العرب، ص ۵۶-۵۷؛ یتمة الدهر، ۵۳/۱؛ تاریخ بغداد، ۴۰۲/۱۱ - ۴۰۳؛ تاریخ فارقی، ص ۱۶۳؛ المنتظم ابن جوزی، ۱۱۹/۸ - ۱۲۹ (۱۲۹۴/۱۵) - ۳۰۰؛ الکامل فی التاریخ، ۵۲۶/۹؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۸۴ - ۴۸۵؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۲۸۸ - ۲۹۰؛ رجال نجاشی، ص ۱۹۲ - ۱۹۳؛ انباه الرواة قطعی، ۲۴۹/۲ - ۲۵۰؛ الذخیرة فی محاسن اهل الجزیرة، ۴۴۵/۲/۴ - ۴۷۵؛ المجدی، ص ۱۲۵ - ۱۲۶؛ تهذیب الانساب، ص ۱۵۴، ۲۱۸؛ الاصلی، ص ۱۷۵ - ۱۷۷؛ الفخری، ص ۱۰ - ۱۱؛ الشجرة المباركة، ص ۸۳؛ جامع الاصول ابن اثیر، ۲۲۲/۱۲؛ معالم العلماء، ص ۶۰ - ۶۲؛ رجال ابن داود، ص ۲۴۰؛ وفیات الاعیان، ۳۱۶ - ۳۱۳؛ دمیة القصر باخرزی، ۲۶۴/۱، ۲۹۲، ۲۹۵؛ معجم الادباء، ۱۴۶/۱۳ - ۱۵۷؛ المختصر فی اخبار البشر، ۱۶۷/۲؛ رجال علامه حلی، ص ۹۴ - ۹۵؛ میزان الاعتدال، ۱۲۴/۳؛ الاعلام بوفیات الاعلام، ص ۱۸۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۵

نسخه‌های نفیس آن را از معركة آتش نجات دهد، اما بقیه، یا در آتش سوخت و یا غارت شد.^۱

یاقوت آتش زدن این مرکز و کتابخانه را در سال ۴۴۷ قمری نوشته است.^۲

۵۹. ابوالولید محمد بن یحیی بن یحیی غافقی قرطبی، معروف به «ابن موصول» (متوفای ۴۳۳ ق / ۱۰۴۱ م) عالم، ادیب، کاتب و کتاب‌شناس.

تولد و زادگاه وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز آگاهی اندکی در دست است. یگانه کسی که از او نام برده ابن ابار است و از متأخران هم، فقط فؤاد ایمن سید از او سخن به میان آورده؛ البته او صرفاً نوشته‌های ابن ابار را تکرار کرده است.

ابن ابار از دو نفر نوادگان وی نیز سخن گفته است که نخستین آن‌ها ابوعبدالله محمد بن علی بن محمد بن یحیی بن یحیی غافقی است که در اصل اهل شاره از اعمال بلنسیه بوده و به همین دلیل به همین نسبت، شهرت داشته. وی از ابوالعباس ابن ادریس حدیث شنیده و فقه را از ابومحمد بن عاشر فرا گرفته. قرائات را نیز از ابونصر فتح بن یوسف معروف به «ابن کبه» آموخته و در فتنه ۵۶۲ قمری، به سبته رفته و در آن‌جا سکونت یافته و در ۶۲۴ قمری، در حدود نود سالگی، در گذشته است. دومین آن‌ها هم، علی بن محمد بن علی بن محمد بن یحیی غافقی ابوالحسن شاری الاصل است که در ۵۷۱ قمری دیده به جهان گشوده و از ابومحمد بن عبیدالله حدیث شنیده و از ابوالحسن بن خیر، برخی اشعارش را شنیده و عربی را از ابوذر خشتی و ابوالحسن بن خروف آموخته و در ۶۴۹ قمری، دیده از جهان فرو بسته است.

به هر حال به نوشته ابن ابار ابن موصول مردی ادیب و کاتب بود؛ چنان‌که خبرگی بسیاری در شناخت کتاب داشت و از دوران کودکی و نوجوانی، به گردآوری دفتر و کتاب بسیار علاقه‌مند بود. او به دلیل سال‌ها تجربه و خبرگی در شناخت آثار گذشتگان و کتاب‌های آنان، می‌کوشید که از میان آن آثار و تألیفات، بهترین آن‌ها را برگزیند. هم‌چنین به علت شناخت خطوط مؤلفان این آثار، می‌کوشید ارزشمندترین آن‌ها را انتخاب کند و برای خریداری آن‌ها از بذل مال دریغ نمی‌کرد؛ تا این‌که تعداد زیادی از آثار و تألیفات عالمان پیشین را گرد

درباره علت اشتها وی به «علم الهدی»، شهید ثانی چنین نوشته است: ابوسعید محمد بن حسین بن عبدالرحیم بغدادی (متوفی ۴۳۹ ق/ ۱۰۴۷ م) در سال ۴۲۰ قمری بیمار شد و بیماریش به طول انجامید، تا این‌که شبی امیرمؤمنان، علی علیه السلام را به خواب دید و آن حضرت به وی فرمود: به «علم الهدی» بگو برای دعا کند تا از این بیماری شفا یابی. ابوسعید گوید از آن حضرت پرسیدم: «علم الهدی» کیست؟ فرمود: علی بن حسین موسوی است. پس از خواب بیدار شدم و نامه‌ای به سید مرتضی نوشتم و از او خواستم برایم دعا کند تا بهبودی حاصل کنم، و او را در نامه به همان لقب «علم الهدی» مورد خطاب قرار دادم؛ اما سید مرتضی در جواب نامه‌ام نوشت: خدا را خدا را که اگر این لقب را بپذیرم بر من امری شنیع است (یعنی من کجا و این لقب کجا؟! و امتناع کرد. بار دیگر در نامه‌ای برای او نوشتم: من این لقب را به تو نداده‌ام، بلکه جدت امیرمؤمنان علیه السلام این لقب را به تو داده و مرا امر کرده است که به این لقب بخوام که مرا دعا کنی تا از این بیماری رهایی یابم. پس از بهبودی صورت واقعه و رؤیای خویش را برای خلیفه عباسی، القادر، عرضه کردم و او نیز سید را به پذیرش همان لقب عنایتی جدش تشویق کرد.^۱

دلیل ملقب شدن سید مرتضی به «ذوالمجدین»، شاید جامعیت او در شرافت علم دینی و ریاست دنیوی و یا توأم بودن شرافت علم و کرامت نسب وی باشد و یا به دلیل آن‌که پدر و مادرش هر دو از خاندان بزرگ سادات بودند و نسب سیادت و ریاست را توأمان داشتند. زیرا پدرش ابواحمد حسین بن موسی در بنی‌عباس و دستگاه آل‌بویه، دارای مقام و منزلتی بزرگ و مورد احترام بود و مقام نقابت اشراف را به‌عهده داشت و مادرش فاطمه، دختر حسین بن احمد بن حسن ملقب به «ناصر الاصم» علوی و معروف به «ناصر الحق» و «ناصر الصغیر» نقیب علویان در بغداد بود.^۲

علت ملقب شدن وی به «سید مرتضی» یا «شریف مرتضی» نیز روشن است. شاید هم به این دلیل است که در میان اجداد و نیاکان او کسی به این لقب ملقب بوده و وی نیز، به این لقب خوانده شده است.^۳

سبب ملقب و مشهور شدن وی به «ثمانینی» را این دانسته‌اند که هشتاد سال و هشت ماه زندگی کرد و هشتاد قریه داشت و کتابخانه‌اش دارای هشتاد هزار جلد بود و کتابی

هم به نام الثمانین، نوشت و خلاصه از هر چیزی پس از خود هشتاد عدد باقی گذاشت.^۴

شریف مرتضی در رجب ۳۵۵ و به قولی ۳۵۳ قمری^۵ در بغداد، در میان خاندانی از اشراف و از سادات علوی و روحانی و اهل علم و تقوا و فضیلت، دیده به جهان گشود و در دامان همین خاندان پرورش یافت و مقدمات علوم را فرا گرفت.

او سپس نزد استادان و دانشمندان بزرگ آن روزگار، مانند سهل بن احمد دیباجی، ابو عبدالله مرزبانی، ابن‌نباتة خطیب معروف، حسین بن علی بن بابویه قمی، برادر شیخ صدوق، تلعبکری، ابوالحسین احمد بن علی بن سعید کوفی، ابوالحسین

۵. ۵۸۸/۱۷ - ۵۹۰: دول الاسلام، ۲۵۸/۱، العبر، ۱۸۶/۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۴۲۰ - ۴۴۰ ق)، ص ۴۳۳ - ۴۳۴؛ تلخیص ابن‌مکتوم، ص ۱۳۴ - ۱۳۵؛ تاریخ ابن‌وردی، ۳۴۹/۱؛ عون التواریخ، ۲۰۴/۱۲ - ۲۰۸؛ الوافی بالوفیات، ۴۰/۱۲ - ۴۲ (مخطوط)؛ مرآة الجنان، ۵۷ - ۵۵/۳؛ البدایة و النهایة، ۵۳/۱۲؛ الوفیات ابن‌قفذ، ص ۲۴۱؛ لسان المیزان، ۲۲۳/۴ - ۲۲۵؛ النجوم الزاهرة، ۳۹/۵؛ بغیة الرواة، ۱۶۲/۲؛ عمدة الطالب، ص ۲۰۴؛ اربعون حدیثاً شهید ثانی، ص ۲۳/۵۱؛ شذرات الذهب، ۲۵۶/۳ - ۲۵۸؛ دیوان الاسلام، ۱۵۳/۴ - ۱۵۴؛ مجالس المؤمنین، ۵۰۰/۱؛ نزهة الجلیس، ۳۷۳/۲ - ۳۷۴؛ کشف الظنون، ۷۴۸/۱، ۷۹۴، ۱۳۸۶/۲، ۱۹۹۱؛ مجمع الرجال قهپائی، ۱۸۹/۴ - ۱۹۱؛ امل‌الآمل، ۱۸۲/۲ - ۱۸۵؛ الدرجات الرفیعة، ص ۴۵۸؛ کنکول شیخ بهائی، ۳/۲ و موارد دیگر؛ منتهی المقال، ص ۲۱۴؛ منهج المقال، ص ۲۳۱ - ۲۳۲؛ تنقیح المقال، ۲۸۴/۲ - ۲۸۵؛ ریاض العلماء، ۱۴/۴ - ۶۵؛ هدیة المحدثین، ص ۲۱۵؛ لؤلؤة البحرين، ص ۳۱۳ - ۳۲۲؛ روضات الجنات، ۲۹۴/۴ - ۳۱۲؛ ایضاح المکنون، ۵/۱، ۱۳۶؛ هدیة العارفین، ۶۸۸/۱؛ الفوائد الرجالیة، ۱۲۶/۳ - ۱۵۵؛ نقد الرجال، تفرشی، ۲۵۴/۳ - ۲۵۵؛ قاموس الرجال، ۴۴۱/۷ - ۴۴۵؛ تأسیس الشیعة، ص ۲۱۴ به بعد؛ ریحانة الادب، ۱۸۳/۳ - ۱۹۰؛ شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳/۱ - ۱۴؛ اعلام العرب، ۲۲۰/۱؛ جامع الرواة، ۵۷۵/۱؛ اعیان الشیعة، ۲۱۳/۸ به بعد؛ مستدرکات اعیان الشیعة، ۱۳۳/۴ و ۲۷۶/۵؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الخامس)، ص ۱۲۰ - ۱۲۱؛ الذریعة، موارد متعدد (نک فهرس اعلام الذریعة، ۲۲۶۳/۳ - ۲۲۶۵)؛ الاعلام زرکلی، ۲۷۸/۴؛ معجم المؤلفین، ۸۱/۷ (۴۳۵/۲ - ۴۳۶)؛ مقدمه امالی المرتضی، مقدمه کتاب‌های دیگر وی؛ معجم رجال‌الحديث، ۳۷۰/۱۱ - ۳۷۴؛ معجم المخطوطات المطبوعة، ۸۵/۲؛ التراث العربی، ص ۵۲ - ۵۳؛ بروکلان، ۴۰۴/۱ - ۴۴۵ و ذیل ۷۰۴/۱ - ۷۰۶؛ دائرة المعارف اسلام انگلیسی، ۷۸۶/۲؛ مجلة عرفان، ۳۲/۲ - ۳۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۲۶۵، ۲۷۰، ۳۵۷ - ۳۶۳ و ۱۵۱۱/۳۵ - ۱۵۱۴؛ مجلة المقتبس، ۲۵۵/۲ - ۲۵۶؛ مجلة المجمع العلمی العربی بدمشق، ۴۳۷/۴۷ - ۴۴۲؛ مجلة معهد المخطوطات، ۳۳۱/۶؛ معجم المطبوعات العربیة و المعریة، ۱۱۲۳/۱ - ۱۱۲۵.

۱. الاربعون حدیثاً، ص ۲۳/۵۱.
۲. ریاض العلماء، ۱۵/۴، ۱۷، ۱۹ و ۲۰؛ الدرجات الرفیعة، ص ۴۵۸.
۳. ریاض العلماء، ۱۹/۴.
۴. همان، ۲۲/۴؛ روضات الجنات، ۲۹۶/۴.
۵. عمدة الطالب، ص ۲۰۴.

چون کلام، فقه، اصول فقه، ادب، نحو، شعر، معانی شعر، لغت و جز این‌ها پیشگام بود. خداوند عمر وی را دراز کرد و اسلام و مسلمانان را یاری رساند.^۳

در جایی دیگر می‌گوید: ابوالقاسم، ملقب به مرتضی ذوالمجدین، علم‌الهدی سرآمد دانشمندان روزگارش در ادب و فضل بود. وی متکلمی فقیه و جامع‌العلوم بود.^۴

نجاشی دربارهٔ مقام و منزلت علمی، دینی و دنیایی سید مرتضی‌گوید: شریف مرتضی، در علوم و فنون، به پایه‌ای رسید که سرآمد روزگار خود گردید و هیچ‌کس در علم و فضل به او نمی‌رسید و هم‌تراز وی نبود. او بسیار حدیث شنید و متکلمی زبردست، شاعری ماهر و ادیبی برجسته بود و منزلتی بزرگ در علم و دین و دنیا به‌دست آورد.^۵

علوی عمری نسابه هم در وصف وی گوید: علم‌الهدی ابوالقاسم نقیب النقباء، فقیهی خالص و چیره‌دست، بقیهٔ علمای سلف و یگانهٔ روزگار خود بود. او را در سال ۴۲۵ قمری در بغداد ملاقات کردم - خداوند رحمتش کند - که شخصی فصیح‌اللسان و صاحب هوش و ذکاوت فوق‌العاده بود.^۶ عبیدلی نسابه هم در ستایش او گوید: ابوالقاسم علم‌الهدی، دارای موقعیتی بزرگ و منزلتی ارجمند در علم و فضیلت و ریاست دینی و دنیوی بود و نقابة النقباء را در بغداد و دیگر بلاد اسلامی و هم‌چنین امارت حاجیان و مظالم را به‌عهده داشت.^۷

ابن‌طقطقی حسنی نسابه نیز دربارهٔ او چنین نوشته است: وی فقیهی خالص و چیره‌دست، سرور شیعیان و پیشوای ایشان، فقیه اهل بیت علیهم‌السلام، عالم، متکلم، شاعری عالی‌رتبه و بلندمقام و بزرگوار بود و او را به نیکی و صدقه دادن پنهانی ستوده‌اند؛ آنچه پس از مرگش معلوم شد.^۸

نیز ابن‌عبنه در ستایش وی نوشته است: در علم مرتبه‌ای

علی بن محمد کاتب، ابوالحسن عطار احمد بن حسین، ابوالعباس جوهری، ابوعلی احمد بن زید ابن دارا، ابوالتحف علی بن محمد بن ابراهیم مصری، نجیح بن یهودی صائغ حلبی و گروهی دیگر، دانش آموخته، حدیث شنیده و از آن‌ها روایت کرده است.^۱

بزرگ‌ترین استاد و شیخ او، شیخ مفید است. در مورد چگونگی درس خواندن وی و برادرش سید رضی نزد شیخ مفید، حکایتی شگفت و شنیدنی وجود دارد که به آن اشاره می‌کنیم: نوشته‌اند شیخ مفید در خواب دید که فاطمه علیها‌السلام بر وی وارد شد، در حالی که شیخ مفید در مسجد خویش در محلهٔ کرخ بغداد مشغول تدریس بود و همراه حضرت فاطمه و دو فرزندش امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام خردسال بودند. به شیخ مفید سلام کرد و فرمود: به فرزندانم فقه بیاموز. وقتی شیخ مفید از خواب بیدار شد، از آن‌چه در خواب دیده بود بسیار متعجب شد و چون صبح فرا رسید و برای تدریس به مسجد خویش رفت، ناگهان فاطمه بنت ناصر، همسر حسین بن موسی و مادر شریف رضی و شریف مرتضی، به مسجد وارد شد در حالی که در اطرافش کنیزکانش فراگرفته بودند و در دو طرف او نیز فرزندانش محمد رضی و علی مرتضی قرار داشتند. شیخ به احترام وی از جای خود برخاست و بر وی سلام کرد. سپس فاطمه به شیخ گفت: ای شیخ! اینان فرزندان من هستند. آن‌ها را نزد تو آورده‌ام تا به آنان فقه بیاموزی. شیخ گریه کرد و ماجرای خواب دیدن فاطمه زهرا علیها‌السلام را برای فاطمه بنت ناصر، تعریف کرد. سپس به تربیت و تعلیم سید رضی و سید مرتضی پرداخت و خداوند درهای علوم را به روی آنان گشود.^۲

شریف مرتضی با حضور در جلسات درس شیخ مفید و سایر استادان آن روزگار، در علم و فضیلت به مقام بسیار بالایی رسید، به گونه‌ای که همگان، از موافق و مخالف، در آثار خویش او و موقعیت علمی‌اش را ستودند و اقوال وی را به‌عنوان سند نقل کردند؛ تا آن‌جا که سخنان و نظریات او را به‌عنوان سخن اصلی شیعه به‌شمار آوردند که برای نمونه به برخی از این ستایش‌ها اشاره می‌شود:

شیخ طوسی که یکی از بزرگ‌ترین شاگردان اوست، درباره‌اش گوید: سید مرتضی علم‌الهدی در علوم بسیاری، یگانهٔ روزگار خویش بود و صاحب جمیع فضایل و در علمی

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۴۸۵؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۴۳۲؛ ریاض العلماء، ۱۵/۴؛ نقد الرجال، ۲۵۵/۳.
 ۲. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ۴۱/۱؛ ریاض العلماء، ۲۳/۴.
 ۳. الفهرست طوسی، ص ۲۸۸.
 ۴. رجال طوسی، ص ۴۸۴ - ۴۸۵.
 ۵. رجال نجاشی، ۱۰۳/۲.
 ۶. المجدی، ص ۱۲۵.
 ۷. تهذیب الانساب، ص ۱۵۴.
 ۸. الاصلی، ص ۱۷۶.

والا داشت و در فقه، کلام، حدیث، لغت، ادب و جز این‌ها سرآمد همگان بود.^۱

ابن داود حلی در مدح سید مرتضی گوید: او برتر اهل روزگار خود و سید فقیهان و عالمان زمان خویش بود و صیت فضل و دانش و تصنیفاتش در همه جا پیچیده بود.^۲

در فضل و دانش وی و مقام و موقعیت علمی، اجتماعی، دینی و دنیایی‌اش، نه تنها بزرگان و عالمان شیعه سخن گفته‌اند، بلکه عالمان، محدثان، فقیهان، متکلمان و مورخان اهل سنت نیز داد سخن داده‌اند؛ برای مثال:

فخرالدین رازی در برخی از آثار و کتاب‌های خویش، پاره‌ای از فضایل و مناقب سید مرتضی را برشمرده و گفته است که فضایل وی بسیار است و در نمایش فضل و دانش و مقام علمی او، تنها کتاب الذرر و الغرر کفایت می‌کند.^۳

ابن‌اثیر جزری هم از سید مرتضی چنین می‌گوید: وی نقابت طالبیان را در بغداد به عهده داشت و عالمی فاضل و کامل و متکلمی آگاه بر مذاهب شیعه بود. سپس اظهار می‌کند که: مروج سده چهارم به قول فقیهان شافعی، ابو حامد

احمد بن طاهر اسفراینی و به نظر عالمان حنفی، ابوبکر موسی خوارزمی و به اعتقاد فقیهان مالکی، ابو محمد عبدالوهاب بن نصر و به باور دانشمندان حنبلی، ابو عبدالله حسین بن علی بن حامد و در نظر عالمان امامیه، شریف مرتضی موسوی است.^۴

ابن‌اثیر در مختصر تاریخ ابن‌خلکان نوشته است: سید مرتضی، نقیب طالبیان و امام در علم کلام و ادب و شعر بود.^۵ ابن‌سبام اندلسی در کتاب الذخیره الی محاسن اهل الجزیره خویش می‌گوید: سید شریف مرتضی، امام ائمه عراق

بین‌الاختلاف و الافتراق بود و همه عالمان عراق در این قبیل موارد به او رجوع می‌کردند و از دانش و فضائل وی بهره می‌بردند و استفاده می‌کردند و اخبار فضل و کمالش در همه جا ساری و شایع است.^۶

ذهبی، که از عالمان متعصب اهل سنت و کاملاً ضد شیعه است، با این‌که از سید مرتضی انتقاد کرده و براساس روش خود که هر عالم شیعی را به باد انتقاد می‌گیرد، نتوانسته فضائل و مناقب و کمالات علمی و عملی وی را پنهان کند و او را شاعری ماهر، متکلمی باهوش و صاحب تصنیفاتی در مذهب شیعه به‌شمار آورده و سپس با لحن خاص خود، او را رافضی خوانده و از رؤسای معتزله به‌شمار آورده و نوشته

است که وی درباره اعتزال، اطلاعات فراوانی داشت و در مجادله چیره‌دست بود. سپس به نقل از ابن‌حزم درباره وی گوید: امامیه در قدیم و حدیث، قول به تبدیل و تحریف در قرآن دارند، ولی علی بن حسین (حسن) این نکته را حاشا کرده و او امامی است که تظاهر به اعتزال می‌کرد و منکر تغییر در قرآن بود و کسانی را که قائل به تبدیل و زیاده و نقصان در قرآن هستند، کافر می‌دانست.^۷ ذهبی سپس می‌افزاید: سید مرتضی در آثار و تصانیف خویش مطالبی در سب و تکفیر صحابه آورده است.^۸

به هر حال سخنان ذهبی و ابن‌حزم هر دو کینه‌توزانه است و در حالی که همگان می‌دانند که سید مرتضی معتزلی نبوده و مذهب اعتزال را قبول نداشته، وی را از رؤسای معتزله و یا متظاهر به اعتزال به‌شمار آورده‌اند؛ به صرف این‌که وی اطلاعاتی گسترده در مورد مذهب اعتزال داشته و به فن مجادله بسیار آشنا بوده است، او را متظاهر به اعتزال و یا از رؤسای آنان دانسته‌اند.

شاگردان

به لحاظ آن‌که سید مرتضی دارای موقعیت علمی و تبحر در علوم مختلف بود، علاقه‌مندان به علم و ادب، از هر شهر و دیار برای استفاده از دانش گسترده وی به سویش آمدند و به‌ویژه عالمان و دانشجویان در بغداد در جلسات درس وی حاضر شدند تا از او بهره ببرند و دانش بیاموزند و حدیث بشنوند.

خطیب بغدادی تصریح کرده است که وی مردی لاغراندام، اما از شکل و شمایل زیبایی برخوردار بود و علوم و فنون مختلفی را تدریس می‌کرد. سپس می‌گوید خود او نیز در جلسات درس سید مرتضی حاضر می‌شده و از او استفاده

۱. عمده الطالب، ص ۲۰۴.

۲. رجال ابن‌داود حلی، ص ۲۴۰.

۳. ریاض العلماء، ۲۰/۴.

۴. جامع الاصول، ۱۲/۲۲۲ (و نک: ۱۱/۳۲۳).

۵. ریاض العلماء، ۲۷/۴.

۶. ریاض العلماء، ۵۵/۴.

۷. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۴۳۳ به نقل از ابن‌حزم در الفصل فی الاهواء و الملل و النحل، ۲۲/۵.

۸. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۴۳۴.

می‌کردند، از میوه‌های این درختان بدون هیچ مانعی می‌چیدند و استفاده می‌کردند.^۷

این نوشته‌ها نشان می‌دهد که سید مرتضی دارای ثروت و مکتب فراوان بوده است و املاک بسیاری داشته و از آن در راه حمایت از دانشوران و افراد مستمند استفاده می‌کرده است؛ چنان‌که پیش از این به برخی از آن‌ها اشاره کردیم.

وفات سید مرتضی

وی در ۲۵ ربیع الاول ۴۳۶، و یا چنان‌که منابع اشاره کرده‌اند، پنج روز مانده از ربیع الاول در بغداد، پس از هشتاد سال و هشت ماه زندگی، دیده از جهان فرو بست و ابوالحسین احمد بن حسین نجاشی همراه با ابویعلی محمد بن حسن جعفری و سلار بن عبدالعزیز، شاگردانش او را غسل دادند و کفن کردند و فرزندش بر او نماز خواند و به‌صورت موقت در خانه‌اش به خاک سپرده شد، سپس به کربلای معلی منتقل و در جوار جدش حضرت سیدالشهداء علیه السلام دفن گردید.^۸

برخی چون فخرالدین رماحی، سال درگذشت وی را ۴۲۶ قمری^۹، و بعضی مانند ابن حزم درگذشت او را در ۴۳۷ قمری^{۱۰} ثبت کرده‌اند، اما با توجه به این‌که وی در رجب سال ۳۵۵ متولد شده و هنگام مرگ هشتاد سال و هشت ماه داشته، قول صحیح در مورد درگذشت وی همان ۴۳۶ قمری است.

سید بحرالعلوم و خوانساری اشاره کرده‌اند که قبر سید مرتضی و پدر و برادرش در محل معروف به قبر ابراهیم مجاب (نیای بزرگ سید مرتضی و از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام) واقع شده و این همان مسجد واقع در پشت آستان مقدس حسینی است.^{۱۱}

۱. تاریخ بغداد، ۴۰۲/۱.
 ۲. ریاض العلماء، ۱۵/۴ - ۱۶؛ روایات الجنات، ۲۹۹/۴ - ۳۰۰.
 ۳. تاریخ بغداد، همانجا؛ الاربعون حدیثاً شهید ثانی، همانجا.
 ۴. الاربعون حدیثاً، همانجا؛ منتهی المقال، ۳۹۹/۴.
 ۵. الاصلی، ص ۱۷۶؛ جامع الاصول، ابن اثیر جزری، ۲۲۲/۱۲.
 ۶. ریاض العلماء، ۲۲/۴؛ روایات الجنات، ۲۹۶/۴.
 ۷. ریاض العلماء، ۳۰/۴ و نک: رسائل محقق کرکی، ۲۸۰/۱.
 ۸. الفهرست طوسی، ص ۲۹۰؛ رجال نجاشی، ۱۰۴/۲؛ الدرجات الرفیعة، ص ۴۵۸؛ تعلیقه الشهد الثانی علی الخلاصة، ص ۴۵؛ منتهی المقال، ۳۹۷/۴.
 ۹. ریاض العلماء، ۱۴/۴.
 ۱۰. جمهرة انساب العرب، ص ۵۷.
 ۱۱. رجال بحر العلوم، ۱۰۷/۳؛ روایات الجنات، ۲۹۸/۴.

می‌کرده و دروسش را می‌نوشته است.^۱

دیگر شاگردان برجسته وی عبارت‌اند از: شیخ طوسی، ابویعلی سلار بن عبدالعزیز دیلمی، امام ابوالصلاح تقی بن نجم حلی، قاضی سعید عبدالعزیز بن براج، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه جعفری متکلم، امام عمادالدین ابوصمصام ذوالفقار بن محمد مروزی، نجیب‌الدین ابومحمد حسن بن محمد بن حسن موسوی، تقی‌الدین بن ابوطاهر هادی فقیه و نقیب رازی، ابوالفتح محمد بن علی کراچکی، ابوالحسن سلیمان صهرشتی، محمد بن محمد بصروی، ابوعبدالله جعفر بن محمد دوریستی، ابوالفضل ثابت بن عبدالله تبانی، احمد بن حسن بن احمد نیشابوری، ابومحمد عبدالرحمان بن احمد بن حسین معروف به شیخ مفید دوم، ابوزید عبدالله بن علی کبابکی بن عبدالله بن عیسی بن زید بن علی کحی حسینی جرجانی، قاضی ابن‌قدمه، شیخ صدوق، ابومنصور عکبری معدل، شیخ ابوغانم عصبی، ابن‌روح، هبة‌الله بن وراق طرابلسی و گروهی دیگر و از جمله فرزند خود سید مرتضی.^۲

به گفته خطیب بغدادی، وی برای شاگردان خود حقوق ماهیانه‌ای تعیین و به آن‌ها پرداخت می‌کرد؛^۳ برای مثال وی به شیخ طوسی یکی از بزرگ‌ترین شاگردان خود، در هر ماه مبلغ ۱۲ دینار و به قاضی ابن براج طرابلسی، در هر ماه مبلغ هشت دینار پرداخت می‌کرد و افزون بر این، برای تأمین کاغذ فقیهان، درآمد یکی از قریه‌های تحت تیول خویش را وقف آن‌ها کرده بود.^۴

موقعیت اجتماعی

سید مرتضی پس از برادرش سیدرضی، منصب نقیب النقبایی اشراف و علویان و طالبیان را در سال ۴۰۶ قمری به‌دست آورد و تا سال ۴۳۶ قمری مدت سی سال این منصب را به‌عهده داشت.^۵ علاوه بر این، وی سال‌ها امیرالحاج و الحرمین بود و امارت حاجیان و هم‌چنین نظارت بر مظالم و قضاوت قاضیان را نیز بر عهده داشت.^۶

نوشته‌اند که سید مرتضی دارای هشتاد قریه بود که بین بغداد و کربلا قرار داشتند و بسیار آباد بودند؛ زیرا در کناره نهری قرار داشتند که از بغداد تا کربلا امتداد داشت. جالب توجه است که در کناره این نهر درختان میوه‌دار قرار داشت و شاخه‌های آن‌ها متمایل به داخل نهر بود، به شکلی که هنگام ثمر دادن، مسافران کشتی‌هایی که از آن‌جا عبور

آثار و تألیفات

سید مرتضی آثار و تألیفات بسیار داشته است. به گفته علامه حلی، نوشته‌های شریف مرتضی علم‌الهدی، از مهم‌ترین آثار امامیه است که از زمان مؤلف تا کنون (یعنی ۶۹۳ قمری) مورد استفاده آنان بوده است.^۱

شیخ طوسی که از شاگردان سیدمرتضی است در مورد آثار او گوید: وی دارای تصانیف فراوانی بوده است که بعضی از آنها را در فهرست نام برده‌ام و بیش‌تر کتاب‌هایش را از خود او شنیده و بر او قرائت کرده‌ام.^۲ و در جایی دیگر گوید: او تصانیف و تألیفات بسیاری دارد و در مورد مسائل بلدان، صاحب رساله‌های فراوان است که آنها را در فهرست معروف خود آورده و به تفصیل ذکر کرده است و من فقط در این‌جا معروف‌ترین و بزرگ‌ترین آثارش را نام می‌برم.^۳

ابن‌اثیر نیز پس از تعریف و تمجید از وی، نوشته است که او دارای آثار و تصانیف بسیار است.^۴

ذهبی هم، پس از توصیف و تکریم او گوید: وی دارای تصنیفات بسیاری در مذهب شیعه بوده است.^۵

شیخ طوسی تعداد ۳۹ عنوان از آثار سید مرتضی را ذکر کرده است.^۶ نجاشی نیز حدود ۳۳ عنوان از کتاب‌ها و آثار وی را نام برده است.^۷ افندی نوشته است که تعداد آثار سید مرتضی بسیار است که برخی از آنها را طی شرح حالش ذکر کردیم و اکنون باقی کتاب‌هایش را که خبرش به ما رسیده در این‌جا نقل می‌کنیم و گرنه شمردن تمام آنها جداً مشکل است و ما آنچه را از آثار وی در منابع معتبر یافته‌ایم یا در صورت اجازه شیخ ابوالحسن محمد بن محمد بصروی فقیه از شاگردان سید بوده - که در آن سید کتاب‌های خویش را نام برده است -

در این‌جا می‌آوریم. سپس به صورت موضوعی آثار سید مرتضی را نام برده است. از جمله: نه رساله در تفسیر برخی از آیات؛ ۲۴ رساله با عنوان مبادریات در تفسیر قرآن؛ دوازده کتاب و رساله در فقه و اصول فقه و مسائل کلامی؛ پنج رساله با عنوان المسائل المصریات الاولی؛ نه رساله با عنوان المسائل المصریة الثانیة؛ هفت رساله با عنوان المسائل الرملیات؛ ۲۰۷ رساله با عنوان المسائل الطبریة؛ چهار رساله و کتاب در مسائل کلامی؛ مسائل الموصلیة الثانیة که چند رساله است؛ المسائل المیارفاقیة (میافارقیات) که خود شامل صد مسئله است؛ المسائل البرمکیة که شامل پنج مسئله است؛ سه رساله در المسائل

النبانیة؛ هشت کتاب در اعجاز قرآن و کلام و جز آن؛ هفده رساله با عنوان المسائل الطرابلسیة الاولی؛ ده رساله با عنوان المسائل الثانیة الطرابلسیة؛ ۲۳ رساله با عنوان المسائل الطرابلسیة الثالثة؛ ۲۵ رساله با عنوان المسائل الطرابلسیة الرابعة؛ سه رساله در المسائل الحلییة الاولی؛ پانزده کتاب و رساله در موضوعات مختلف فقهی و کلامی؛ المسائل الدمشقیة که همان المسائل الناصریة است و صد مسئله با عنوان المسائل الواسطیة.

سپس می‌گوید: سید مرتضی پس از این اجازه به بصروی، کتاب‌ها و رساله‌های دیگری نیز نوشته است از جمله هشت کتاب و رساله دیگر که به تفصیل ذکر کرده است.^۸

به هر حال هرچه در منابع جست‌وجو کردم، تعداد دقیق آثار و تألیفات سید مرتضی را نیافتم و هر یک از منابع، بخشی از آثار وی را نام برده‌اند؛ اما آنچه از آثار وی اکنون باقی است و به چاپ رسیده بیش از هفتاد کتاب و رساله به این شرح است:

۱. انتصار الشیعة، به کوشش محمد علی بن محمدرضا، تهران، ۱۲۷۶ ق، همراه با کتاب جوامع الفقهیة در ۱۳۱۵ قمری به کوشش میرزا شکرالله لوسانی، تهران، به صورت مستقل.

۲. انقاذ البشر من الجبر و القدر، به کوشش علی خاقانی نجفی، ۱۳۵۴ ق و در قم به کوشش مهدی رجائی در ۱۴۰۵ ق همراه با رسائل الشریف المرتضی.

۳. احکام اهل الآخرة، تهران، ۱۳۱۵ ق و به کوشش مهدی رجائی، قم، ۱۴۰۵ ق، همراه با رسائل الشریف المرتضی.

۴. تفسیر القصیدة البائیة الحمیریة، مصر، ۱۳۱۳ قمری.

۵. تفسیر المحکم و المتشابه، تهران، ۱۳۱۲ قمری.

۶. تنزیه الانبیاء و الائمة، تبریز، ۱۲۹۰ ق، و نجف، ۱۳۵۲ و ۱۳۸۰ ق.

۷. رساله فی الغیبة، در مجموعه الدرر الفوائد فی شرح الفرائد، تهران، ۱۳۱۵ ق، ضمن کلمات المحققین.

۸. الشافی فی الامامة، تهران، ۱۳۰۱ ق، به کوشش میر

۱. خلاصة الافوال، ص ۲۲/۹۴.

۲. رجال طوسی، ص ۹۲/۴۸۴.

۳. الفهرست طوسی، ص ۱۲۹.

۴. جامع الاصول، ۲۲۲/۱۲، ریاض العلماء، ۲۰/۴.

۵. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۴۳۳.

۶. الفهرست طوسی، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.

۷. رجال نجاشی، ۱۰۳/۲ - ۱۰۴.

۸. ریاض العلماء، ۳۴/۴ - ۴۲.

ب) مجموعه دوم شامل رساله‌های ۲۱ گانه: مسأله فی المنامات؛ الرد علی اصحاب العدد؛ حکم الباء فی آیه «و امسحوا برؤوسکم»؛ وجه التکرار فی الآيتين؛ مسأله فی الاستثناء؛ وجه العلم بتناول الوعيد بكافة الکفار؛ مسأله فی العمل مع السلطان؛ نفی الحكم لعدم الدليل عليه؛ شرح الخطبة الشقشقية؛ مناظرة علی الملائكة؛ المنع من تفضيل الملائكة علی الانبياء؛ انقاذ البشر من الجبر و القدر؛ الرسالة الباهرة فی العترة الطاهرة؛ الحدود و الحقائق؛ رسالة فی غيبة الحجة؛ مسأله فی الرد علی المنجمين؛ جوابات المسائل الرسية الاولى؛ جوابات المسائل الرسية الثانية.

ج) مجموعه سوم شامل رساله‌های ۲۳ گانه: جمل العلم و العمل؛ اجوبة المسائل القرآنية؛ اجوبة مسائل متفرقة؛ مسأله فیمن يتولى غسل الامام؛ عدم وجوب غسل الرجلين فی الطهارة؛ الحسن و القبح العقلي؛ المسح علی الخفين؛ خلق الاعمال؛ مسأله فی الاجماع؛ علة خذلان اهل البيت؛ اقاويل العرب فی الجاهلية؛ قول النبی: نية المؤمن خير من عمله؛ علة مبايعة علی عليه السلام؛ الجواب عن الشبهات علی خبر الغدير؛ مسأله فی ارث الاولاد؛ عدم تخطئة العامل بخبر الواحد؛ مسأله فی استلام الحجر؛ مسأله فی نفی الرؤية؛ تفسير الآيات المتشابهة من القرآن؛ ابطال العمل باخبار الآحاد؛ علة امتناع علی عن محاربة الغاصبين؛ مسأله فی العصمة؛ الاعتراض علی من یثبت حدوث الاجسام.

در این سه مجموعه، مسائلی درباره تفسیر، کلام، فقه، اصول فقه، ادب و مسائل متفرقه دیگری مطرح شده و برخی از این رسائل، پیش از این به صورت مستقل یا در برخی مجموعه‌های دیگر، انتشار یافته است.

د) مجموعه چهارم شامل رساله‌های نه گانه: جوابات المسائل المصريات؛ جوابات المسائل الواسطيات؛ المسائل الرملية؛ شرح القصيدة المذهبة؛ الشهاب فی الشیب و الشباب؛ مسأله فی معجزات الانبياء عليهم السلام؛ مسأله فی نکاح المتعة؛ نقد

۱. فهرست کتاب‌های چاپی عربی، مشار، ص ۲۶، ۹۴، ۹۸، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۵۸، ۳۵۲، ۴۶۸، ۵۳۳، ۵۷۸، ۶۱۲، ۶۴۹، ۶۷۰، ۷۵۱، ۸۳۳، ۸۳۶، ۹۴۱؛ معجم المطبوعات العربية و المعربة، ۱/ ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵ که به اشتباه نهج البلاغة را نیز به وی نسبت داده است؛ همین اشتباه را برخی از مورخان و رجال‌نویسان دیگر نیز، مرتکب شده‌اند که: معجم المطبوعات العربية فی ایران، ص ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱ و نگاه کنید به فهرست آن، ص ۸۱۵.

۲. برخی از این آثار بارها در ایران، عراق، مصر و لبنان چاپ شده است.

ابوالقاسم بن محمد صادق خوانساری، همراه با تلخیص الشافی از شیخ طوسی، تهران، مؤسسه الصادق عليه السلام، ۱۳۶۹ ش، به کوشش سید عبدالزهراء حسین خطیب.

۹. الشهاب فی الشیب و الشباب، آستانه، ۱۳۰۲ ق، همراه با سلوة الحریف در یک جلد.

۱۰. الطیف و الخیال، به کوشش سید محمد گیلانی، مصر، ۱۳۷۴ ق.

۱۱. غرر الفوائد و درر القلائد که به امالی نیز معروف است، مصر، ۱۳۷۵ ق، تهران، ۱۳۷۲ ق، به کوشش شیخ موسی و قم، مکتبه السید المرعشی، در ۲ جلد.

۱۲. الفصول المختارة من العیون و المحاسن او المجالس، نجف در دو جلد بی تاریخ و نجف، ۱۳۶۵ ق در دو جلد.

۱۳. مسأله فی الفقه، در کلمات المحققین، تهران، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۵ ق، همراه با احکام اهل الآخرة.

۱۴. مسائل الناصريات، به کوشش محمد علی بن محمد رضا، تهران، ۱۲۷۶ ق، ضمن جوامع الفقهية. این کتاب به نام الناصرية فی الفقه نیز خوانده شده است.^۱

۱۵. الذریعة الی اصول الشریعة، به کوشش ابوالقاسم گرجی، تهران، ۱۳۴۶ هـ / ۱۳۶۳ ش.

۱۶. تمهید الاصول فی علم الکلام، شرح قسم نظری رساله جمل العلم و العمل سید مرتضی، از شیخ طوسی، به کوشش عبدالمحسن مشکاة‌الدینی، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۱۷. شرح جمل العلم و العمل سید مرتضی، از ابن براج، شاگرد وی، به کوشش کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، ۱۳۵۲ ش.^۲

۱۸. رسائل الشریف المرتضی، به کوشش سید مهدی رجائی (۱ - ۳) و مقدمه سید احمد حسینی و به کوشش سید احمد حسینی (۴)، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ و ۱۴۱۰ ق.

سه جلد از این مجموعه، شامل ۵۲ رساله را، سید مهدی رجائی و یک جلد از آن شامل ۹ رساله را سید احمد حسینی، به این شرح تحقیق و منتشر ساخته‌اند:

الف) مجموعه اول شامل رساله‌های هشتگانه: جوابات المسائل الموصليات؛ جوابات المسائل الرازية؛ جوابات المسائل الطبرية؛ جوابات المسائل الموصليات الثانية؛ جوابات المسائل الموصليات الثالثة؛ جوابات المسائل الميافارقيات؛ جوابات المسائل الطرابلسيات الثانية؛ جوابات المسائل الطرابلسيات الثالثة.



النيسابوری فی تقسیمه للاعراض؛ مسائل شتی.

در این مجموعه نیز به مسائل فقهی، کلامی و موضوعات مختلف دیگر پرداخته شده و برخی از آن‌ها پیش از این به صورت مستقل یا در برخی مجموعه‌های دیگر، چاپ و منتشر شده است.

شیفتگی سید مرتضی به کتاب

موقعیت علمی و اجتماعی سید مرتضی و این‌که وی در خاندانی پا به گیتی نهاد که از نظر اجتماعی، دینی و علمی بسیار ممتاز بود، به او این امکان را داد که از همان آغاز نوجوانی، دلبسته علم و عالمان گردد و وابستگی او به دیگر خاندان‌های علمی و رفت و آمد وی با عالمان بزرگ آن روزگار و هم‌چنین دسترسی او به آثار و تألیفات عالمان، محدثان، فقیهان و دانشوران پیشین و هم‌نشینی با بزرگ‌ترین عالمان زمان خود و وجود کتابخانه‌های درباری و دیگر کتابخانه‌های تخصصی بغداد که بسیار زیاد بودند و هم‌چنین وجود کتابفروشی‌های فراوان در آن‌جا و بازار کتاب آن روزگار، وی را به شدت واله و شیفته کتاب و آثار قدما نمود. از سوی دیگر امکانات مالی فراوان خانوادگی و شخصی نیز به او فرصت این را می‌داد که این آثار و میراث ارزنده را به تدریج گرد آورد و برای خویش کتابخانه‌ای گرانقدر فراهم آورد. از تألیفات و تصنیفات فراوانی که دارد نیز به خوبی می‌توان استنتاج کرد که او تا چه اندازه شیفته کتاب و نویسندگی و گردآوری آثار دیگران بوده است.

اتفاقاً در بسیاری از منابع به این موضوع و کتابخانه نفیس او پرداخته‌اند که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: قاضی عبدالرحمن شیبانی گوید: من با همه کسانی که مشغول گردآوری کتاب بودند، رفت و آمد داشتم و کتابخانه‌های آن‌ها را می‌دیدم، اما تنها کتابخانه‌ای که دیدم ۱۴۰ هزار جلد کتاب دارد، کتابخانه سید مرتضی بود.^۱ ابوالقاسم تنوخی گوید: پس از مرگ سید مرتضی، کتاب‌های وی را شمارش کردیم، تعداد آن‌ها به هشتاد هزار جلد کتاب می‌رسید.^۲

قاضی نورالله شوشتری نیز به نقل از تنوخی گوید: سید مرتضی پس از مرگ خویش هشتاد هزار جلد کتاب از آثاری که خود خوانده و حفظ کرده بود و نیز از تصنیفات و تألیفات خود به جا گذاشت.^۳ اختلاف بین گفته شیبانی و تنوخی را شاید بتوان با این گفته

حل کرد که شیبانی از کتابخانه سید مرتضی در زمان حیاتش و پیش از آن‌که وی بسیاری از نفایس کتاب‌های کتابخانه‌اش را به خلفا، وزرا و امیران ببخشد سخن می‌گوید که دارای ۱۴۰ هزار جلد کتاب بوده و تنوخی به تصریح خودش، از کتابخانه سید مرتضی، پس از مرگ وی و بعد از آن‌که بسیاری از کتاب‌هایش را بخشیده و هدیه داده بود، سخن به میان آورده است. اتفاقاً افندی به این نکته اشاره کرده است که این مطلب را گفته برخی از فضلا تأیید می‌کند که تعداد کتاب‌های سید مرتضی، پس از آن‌که بهترین‌ها و نفایس آن را خلیفه و وزراء و امثال آنان برداشتند، به هشتاد هزار جلد رسید.^۴

شیخ حرّ عاملی نیز اشاره کرده است که تعداد کتاب‌های سید مرتضی به هشتاد هزار جلد می‌رسید.^۵

ثعالبی گوید: کتاب‌های کتابخانه سید مرتضی را پس از مرگش قیمت گذاشتند و ارزش کتاب‌هایش به سی هزار دینار می‌رسید و البته این قیمت‌گذاری پس از آن بود که بسیاری از کتاب‌های وی به خلیفه، وزیران و امیران هدیه داده شده بود.^۶ برخی هم اشاره کرده‌اند که سید مرتضی پس از خود کتابخانه‌ای باقی گذاشت که سی هزار جزء کتاب در آن بود.^۷ به هر حال هر یک از این سه روایت را که در مورد تعداد کتاب‌های سید مرتضی بپذیریم، حکایت از علاقه شدید وی به گردآوری کتاب و آثار عالمان و میراث علمی گذشتگان دارد و ثابت می‌کند که او سخت عاشق کتاب بوده است و گرنه در آن روزگار که بزرگ‌ترین کتابخانه‌های تخصصی و شخصی و حتی دارالعلم شاپور بن اردشیر وزیر دانشمند آل بویه، بیش از ده هزار جلد کتاب نداشته، چگونه می‌توان پذیرفت کسی شیفته کتاب نباشد و این تعداد کتاب را فراهم آورد. حتی اگر بپذیریم که تعداد آثارش کم‌تر از این و به قول بعضی سی هزار جزء یا جلد هم بوده، باز چون در آن روزگار صنعت چاپ وجود نداشت، این کار دلبستگی و علاقه شدید می‌طلبد و به تعداد زیادی کاتب و استنساخ‌کننده و بودجه کلان نیاز دارد.

۱. عمدة الطالب، ص ۲۰۴؛ ریاض العلماء، ۲۱/۴.

۲. ریاض العلماء، همانجا.

۳. مجالس المؤمنین، ۵۰/۱؛ الفوائد الرجالية، ۱۳۶/۲.

۴. ریاض العلماء، ۲۱/۴ - ۲۲.

۵. امل الآمل، ۱۸۴/۲ به نقل از تعلیقة الشهيد الثاني علی الخلاصة، ص ۴۵.

۶. بیمة الدهر، ۵۳/۱؛ منتهی المقال، ۳۹۷/۴ - ۳۹۸.

۷. الاصلی، ص ۱۷۷.

تحفة الفاطميين في احوال قم والقميين

حسین بن محمد حسن قمی
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش ششم

صحن عتیق

صحن عتیق^۱ از بناهای شاه اسماعیل صفوی است که در سنه ۹۲۵ [هجری] آن را بنا نموده. فتحعلی شاه قاجار در سنه ۱۲۱۸ هجری^۲، طرف شرقی و غربی آن را که نما بوده، خراب کرده، حجرات را بنا نموده و صحن را بزرگ گردانید و آب انباری بنا نموده و درب او را میان صحن مطهر باز نموده است.

این صحن مشتمل بر ۱۹ بقعه^۳ که نه بقعه آن از بناهای فتحعلی شاه است و شش بقعه از بناهای شاه اسماعیل صفوی است و چهار بقعه از بناهای شاه اسماعیل صفوی است و چهار بقعه از بنا [ها]ی صاحبان بقاع است.

اما بقاعی که از بناهای شاه اسماعیل صفوی است، از این قرار است:

بقعه اول

بقعه فتحعلی شاه [قاجار] است که اصل بنای آن از شاه

۱. صحن عتیق را به نام صحن کوچک نیز می خوانده اند که در عین کوچکی مشتمل بر چندین اثر ارزنده تاریخی از دو دوره صفوی و قاجاری است. در آغاز به شکل مربع بوده و در دو ضلع جنوبی و شمالی آن سه ایوان وجود داشته؛ اما ضلع های شرقی و غربی آن، دیواری ساده بوده و در زمان فتحعلی شاه قاجار، به شکل هشت ضلعی مختلف الاضلاع نامنظم درآمده و جهات اصلی آن از شمال به جنوب ۳۴/۳۰ متر و از شرق به غرب ۳۳/۳۰ متر و جهات فرعی ۳/۴۰ متر و طول آن از شمال به جنوب، ۳۵/۷۰ متر و عرض آن ۳۴/۷۰ متر می باشد. در روزگار فتحعلی شاه شامل حدود بیست مقبره و حجره بوده، اما اکنون فقط دارای شانزده مقبره و حجره است و در جلو حجره ها در اضلاع شرقی و غربی، ایوانی است زیبا و با ازاره های متنوع کاشی و سنگی و بغله ها و اسپر سفیدکاری و پوشش مقرنس گچی و ایوان های شمالی و جنوبی آن از آثار شاه بیگم دختر شاه اسماعیل است که در ۹۲۵ قمری ساخته شده و ابنیه شرقی و غربی از آثار فتحعلی شاه قاجار است. (فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۲-۵۴۳).

۲. فیض نوشته است که این تخریب و تغییر در سال ۱۲۴۵ قمری روی داده است. (همان، ص ۵۴۲).

۳. چنانکه اشاره شد، این بقعه ها یا به عبارتی دیگر مقبره ها و به تعبیر سوم، حجره های اطراف این صحن، در آغاز حدود بیست عدد بوده که به مرور در طرز بنای آنها تصرفاتی صورت گرفته؛ از جمله این که مقبره اعتضادالدوله در کریاس مسجد بالای سر و مدرسه مادر شاه اساساً با کریاس جزو محوطه مسجد بالای سر درآمده و مقبره علی خان قاجار در غربی ایوان طلا، جزو رواق غربی شده است و با مقبره خاندان فیض در ضلع شرقی به راهرو و کریاس بین الصحنین تبدیل شده و قرینه آن مقبره پنج دری غربی هم مدخل مسجد اعظم شده است و دو مقبره غربی هم به یک گنبد مبدل گردیده که مقبره محمد شاه [قاجار] است. (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۳).

اسماعیل است که در سنه ۹۲۵ [هجری] آن را بنا نموده^۱ [است]. فتحعلی شاه در حال حیات خود، این بقعه را از جهت مدفن خود تعمیر فرموده و سنگ مرمری که تمثال همایون خود را در حال حیات خود، بر آن سنگ مرمر، حجاری کرده بودند، بر روی مضجع او نهاده. کتیبه‌ای بر روی آن سنگ، به خط مرحوم میرزا زین‌العابدین کاشی^۲ است که در آن کتیبه این اشعار، که از گفته‌ی میرزا علی نقی [کذا] علی‌آبادی (صاحب دیوان)^۳ است، حجاری و منقور شده و این است:

سپاس قوای پاک پروردگار

به جان اندرم تا به روز شمار

به یکتائیت هر که را رای نیست

خرد را به مغز اندرش جای نیست

پدیدار کردی پی نیک و زشت

به محشر دود را ز جحیم و بهشت

ز تو خاک، پیغمبر پاک شد

از این خاکدان بر^۴ به افلاک شد

به جای نبی بر نشاندی علی

ز نسل علی یازده تن ولی

به دل مهر ایشان چو جان پرورم

بر این هستم و هم بر این بگذرم

۱. بنای این مقبره و بقعه از شاه بیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی در ۹۲۵ قمری است و نه از شاه اسماعیل، چنانکه مؤلف اشاره کرده است؛ بلکه در زمان وی انجام گرفته است و شاه بیگم آن را برای مقبره خود ساخته بوده است. (همان، ص ۵۴۶).

۲. میرزا زین‌العابدین خان بن محمدعلی کاشانی (زنده ۱۲۴۴ ق/ ۱۸۲۸ م) خطاط و ادیب و برادرزاده فتحعلی خان ملک‌الشعراء، از تولد و زندگانی وی اطلاع زیادی نداریم، اما نوشته‌اند که وی نزد میرزا سنگلاخ تعلیم خط گرفت و نستعلیق را به شیوه میرعماد خوش و خط شکسته را نیکو می‌نوشت. او در دربار فتحعلی شاه قاجار منصب استیفا داشت. یک قطعه از سیاه مشق وی به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ، در کتابخانه ملی تهران که در ۱۲۴۴ قمری تحریر شده و کتیبه اطراف تمثال فتحعلی شاه که در روی سنگ قبر او در قم، از آثار اوست. تذکره الخطاطین سنگلاخ، ج ۱، ص ۳۶۳ - ۳۷۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۶؛ اثرآفرینان، ج ۳، ص ۱۹۴؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۵۰.

۳. میرزا محمد تقی (نقی) بن میرزا محمد زکی علی‌آبادی، متخلص به «صاحب» و معروف به «صاحب دیوان» مازندرانی، (متوفای ۱۲۵۶ ق / ۱۸۴۰ م) ادیب و شاعر و از رجال درباری روزگار فتحعلی شاه قاجار است. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست و از زندگانش نیز آگاهی زیادی نداریم، جز این‌که نوشته‌اند او در آغاز وزیر عبدالله

میرزا، حاکم خمسه و سهرورد بود و در ۱۲۳۴ قمری به تهران آمد و به حضور فتحعلی شاه قاجار رسید و شاه وی را «صاحب دیوان» لقب داد و او از آن پس تخلص خویش را «صاحب» قرار داد، در حالی که پیش از آن «ملالی» تخلص داشت؛ چنان‌که در نسخه قدیمی «دیوان» وی در مجلس به صراحت می‌توان دید. (نک: نسخه شماره ۱۰۷۲/ف، مجلس شورای اسلامی).

نام وی در همه منابع میرزا تقی یا محمد تقی آورده‌اند، برخلاف نظر مؤلف تحفه الفاطمین که نام وی را علی نقی ذکر نموده و ظاهراً همان محمد تقی درست است؛ زیرا خود مؤلف هم در دو صفحه بعد او را میرزا تقی علی‌آبادی ثبت کرده است. به هر حال علی‌آبادی به تصریح حاج میر محمد صادق، صاحب کتاب مخزن الانشاء که منشآت علی‌آبادی را در کتاب خویش آورده است، درباره او نوشته: «علی‌آبادی ... در دولت خاقان خلدآشیاں فتحعلی شاه - روح‌الله روحه - به تحریرات دولتی سرفراز بوده و ... صاحب دیوان». آقا بزرگ تهرانی هم درباره او نوشته است: «میرزا تقی علی‌آبادی از رجال دولت در عصر فتحعلی شاه قاجار بود و از آثار او تاریخ ملوک الکلام به زبان فارسی است که محمدحسن خان در کتاب المنتظم ناصری، از آن نقل کرده است.

علی‌آبادی دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است:

۱. منشآت که حاج میر محمد صادق آن‌ها را گرد آورده و در کتاب مخزن الانشاء از صفحه ۴۰۰ به بعد چاپ کرده است. نسخه‌ای خطی از آن به شماره ۸۹ در هشتاد برگ هشت سطر در دانشکده حقوق و علوم سیاسی - اقتصادی تهران موجود است.

۲. دیوان شعری که به گفته هدایت شامل شش هزار بیت است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۰۸/ف و شماره ۱۰۷۲/ف و ۷۴۲۹/۲، در ۱۸۸ برگ و ۲۴۵ برگ و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) به شماره ۲۵۹ و شماره ۲۶۰ در ۱۹۱ برگ ۱۷ سطر و نسخه‌ای دیگر از دیوانش بنام مدایح و مرثیاتی به شماره ۱۵۱۰/۱ در ۲۷۶ برگ در کتابخانه ملی ملک و نسخه دیگر از آن در کتابخانه مجلس به شماره ۹۸۵/۵ موجود است.

۳. کلام الملوک یا «رساله خاقانیه» که به شماره ۷۵۱۷ در ۲۲ برگ پانزده سطر در مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) موجود است.

۴. کلیات صاحب علی‌آبادی که نسخه‌ای از آن به شماره ۱۳۷۲۷/۱ در ۲۶۱ برگ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. کلیات وی شامل: تاریخ طائفه قاجار، حکایات به سبک گلستان، مکاتیب و مراسلات، قصائد و قطعات و غزل و مثنویات و نسخه‌ای دیگر از آن در مجلس که در ۱۳۰۳ قمری کتابت شده است: روضة الصفه، ج ۹، ص ۶۰۰؛ مخزن الانشاء، ص ۴۰۰ به بعد؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۳۲۱ - ۱۳۲۴ و ۱۵۵۰؛ الذریعة، ج ۲، ص ۵۷۶ - ۵۷۷ و ج ۲۲، ص ۲۳، ۳۳؛ اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۶۳۴؛ فهرست نسخه‌های خطی مجلس شورای اسلامی، ج ۳، ص ۳۲۷ و ۴۲۳؛ مجمع النصحاء، ج ۲، ص ۲۹۸ - ۳۱۶؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۲۴؛ فهرست سپهسالار، ج ۲، ص ۶۲۴ - ۶۲۶؛ تذکره ممیز، ص ۴۹؛ محک الشعراء، شاملو، ص ۱۶۵ - ۱۶۴؛ تذکره الشعراء، ص ۱۳۶، ۱۳۷، ۲۸۹.

۴. فیض این مصرع را چنین ثبت کرده است: «از این خاکدان پا بر افلاک شد.»

میراث شهاب

فرمودند که تمثال مبارک را بر روی آن کشیده و آقا محمدعلی حجارباشی^۵ او را بنماید و خاقان مغفور، در حال حیات خود، این بقعه را از جهت مضجع خود، تعیین و تعمیر فرموده و امر نمود که به طلا و لاجورد مزین و منقش نمایند

۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۵۱.

۲. فیض این بیت را به این صورت آورده است:

از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم

از درد رسته‌ایم و به درمان رسیده‌ایم

۳. فیض نوشته است که این رباعی، محاذی دهن شاه در تمثال، به خط نستعلیق برجسته نوشته شده است. (همان، ص ۵۵۰).

۴. عبدالله خان نقاش‌باشی اصفهانی، ملقب به «نقاش‌باشی»

و «معمار‌باشی»، از نقاشان و معماران سده سیزدهم و معاصر فتحعلی‌شاه قاجار. از تاریخ تولد و وفات وی اطلاعی در دست نیست و گویا تا اواسط نیمه دوم سده سیزدهم زنده بوده است. او هنرمندی بزرگ و پرآوازه بود و در دستگاه فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار مقام والایی داشت. از آثار او پیداست که در مواردی شیوه مهر علی نقاش‌باشی را دنبال کرده و چه بسا که شاگرد او نیز بوده است. وی در چهره‌سازی و شبیه‌پردازی پرمایه و دقیق بوده و در رنگ و روغن و آبرنگ و نقش تصویر بر روی مینا مهارت و در طراحی و آرایش داخلی و خارجی قصرهای سلطنتی و سایر عمارات دولتی نیز، مقامی درخور تحسین داشت. از آثار او تابلوی رنگ و روغنی بزرگ و طویل صف سلام فتحعلی‌شاه است که اصل آن از میان رفته و فقط نشانه‌هایی از آن به یادگار مانده است. از دیگر آثار او: تصویر تمام قد عباس میرزا با لباس سرخ‌رنگ و تاج مرصع و کنگره‌دار و تصویر آبرنگ از شاهزاده خانمی است. دیگری تصویری خیالی آقامحمدخان قاجار و فتحعلی‌شاه و جمیع شاهزادگان در قصر سلیمانیه کرج است: احوال و آثار نقاشان، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۱۱؛ مجله هنر مردم، شماره ۱۴۴؛ گلستان هنر، ص ۵۰؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، سرمدی، ص ۳۶۷-۳۶۸؛ اثرآفرینان، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۵. آقا محمدعلی حجارباشی (زنده ۱۲۵۸ ق/ ۱۸۴۲ م) نقاش و قلمدان‌ساز. تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز اطلاع بسیاری در دست نیست، جز این‌که نوشته‌اند: وی نقاش رنگ و روغن کار دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار است که در شبیه‌سازی و ارائه مجالس رزمی و بزومی مهارت بسیار داشته و گل و مرغ و پرندسازی را نیز نیکو می‌دانسته است.

از آثار او می‌توان تصویر صف سلام فتحعلی‌شاه قاجار با رقم: «عمل کم‌ترین محمدعلی فی سنه ۱۲۵۰» دانست که در موزه هنری ملت آسیا در مسکو موجود است. دیگری تصویر آبرنگ دختر زیبایی به شیوه اروپائیان با رقم: «در شب مشق شد کم‌ترین محمدعلی» و دیگر تصویر آبرنگی گل قرنفل کوچکی با رقم: «کم‌ترین محمدعلی» و دیگری قلمدان گل و مرغ زیبایی با رقم «کم‌ترین محمدعلی ۱۲۵۸» است: تاریخ اصفهان، همایی؛ مجلد هنر و هنرمندان، ص ۳۵۷؛ دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، سرمدی، ص ۷۵۳؛ احوال و آثار نقاشان، ج ۲، ص ۹۱۲-۹۱۳؛ اثرآفرینان، ج ۵، ص ۱۷۳.

مرا بر نشاندی به تخت شاهی
به رویم گشادی در فرهی

مرا ملک ایران و توران زمین
سراسر سپردی به تیغ و نگین

به آرامشم این سرای سپنج
که جای شکنج است و تیمار و رنج

چه خرم بهشتی برآراستی
بدان زیب و زینت که خود خواستی

عجب نبود از لطف ای کردگار
که در هر دو گیتی بوم شهریار

از این گفت من بخردان برخوردار
که از دانه‌ای ره به خرمن برند^۱

این رباعی از افکار خاقان مغفور است که بر تمثال روی سنگ منقور است:

از درد رسته‌ایم و به درمان رسیده‌ایم
از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم

ما را به سر توقع سامان خویش نیست
کز سر گذشته‌ایم و به سامان رسیده‌ایم^۲

تخلص آن مرحوم «خاقان» است و این دو رباعی [نیز] از خاقان مغفور فتحعلی‌شاه است:^۳

خاقانم و یک جهان گناه آوردم
در حضرت معصومه پناه آوردم

مهر نبی و حب علی را یا رب
بر درگه کبریات گواه آوردم

رباعی دیگر:
خاقانم و وامانده ز دیهیم و کلاه

ز اورنگ خلافت شده دستم کوتاه
اندر حرمت به مسکنت جسته پناه

یا فاطمة اشفعی عندالله
سنگی که تمثال فتحعلی‌شاه بر آن حجاری شده، از

سنگ‌های مرمری است که تاکنون سنگی به این صفا و خوبی
از معدن بیرون نیامده، درواقع که پارچه‌ای جواهر است. این

سنگ را عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، پسر فتحعلی‌شاه که
حکمران آذربایجان بوده، حسب‌الفرمایش خاقان مغفور، از

دارالسلطنه تبریز، به دارالخلافت طهران حمل دادند. چون به
نظر مبارک خاقان رسید، عبدالله خان نقاش‌باشی اصفهانی^۴ را

و در سنه ۱۲۵۰ [هجری] که سال آخر دولت او بود، تعمیر بقعه اتمام یافت و حجاری سنگ تمام شد.

قاید تقدیر، در همان سال موبک همایون، او را به طرف اصفهان کشانید. چون به قم نزول اجلال فرمودند، پس از التمام آستان مبارک حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در صحن مطهر، بدان بقعه درآمدند و فرمودند این بقعه از جهت مدفن من ان شاء الله مبارک خواهد بود.

هنگام بیرون آمدن که جمیع ارکان دولت صف کشیده بودند، روی خود را به حاجی علی محمد غرقی خوانساری نمود و بر زبان مبارک براند که ای غرقی! خدمات مضجع من به عهده کفایت توست. نظر به این گفتار، چون در شب جمعه شهر جمادی‌الثانیه سنه ۱۲۵۰، در عمارت سعادت آباد اصفهان به رحمت ایزدی واصل گشت، با احتشام تمام، به دستور سلطنت، شاهزادگان عظام و خوانین کرام، نعش مطهر او را حمل به قم داد، در حجره‌ای که از جهت این کار آماده داشته، در سیم شهر رجب المرجب مدفون شد:

بسی ناسزاوار و نادلکش است

جهانی که فتحعلی‌شاه کش است
نظر بدان فرمایش، خدمت مضجع منیف او را موکول به حاجی علی محمد [غرقی] نمودند و پی کار خود رفتند.

پس از آن که تاج و کمر از فر وجود پادشاه ماضی محمدشاه غازی زیور یافت، تولیت مضجع خاقان را به «غرقی» مرحمت فرمودند و قریتین بیدهند^۲ و کهک^۳ که از قراء معتبر این بلد شریف است و هزار تومان نقد و نود و سه خروار جنس مثال دیوانی آن‌هاست، تیول بدو مرحمت فرمودند که صرف معیشت خود و مخارج بقعه بنماید.

پس از این که جسد خاقان مغفور را در این بقعه شریفه دفن نمودند، حسب الامر محمدشاه، سنگ روی مضجع او را هم به قم حمل نموده و بر روی مضجع او برنهادند.

در یکی از زوایای بقعه، صفه‌ای است که سنگ بزرگی در آن منصوب است که در او «کلام الملوک» نسب‌نامه خاقان مغفور است. بر روی آن صفحه سنگ نگاشته و حجاری شده، چون خاقان از این دار فانی رخت به ملک باقی کشیدند، محمدشاه غازی مقرر فرمودند که شب خاقان مغفور را بر روی این سنگ نگاشته، به بقعه خاقان حمل دهند و در یکی از صفه‌های آن بقعه نصب نمایند.

ندبا و ادبای مملکت چنان مصلحت دیدند که میرزا تقی علی‌آبادی صاحب دیوان، نسب‌نامه فتحعلی‌شاه را بر آن صفحه سنگ برنگارند. چون ملاحظه کردند، دیدند

۱. حاج علی محمد فیض خوانساری، متخلص به «غرقی»، متوفای (۱۲۶۵/ق ۱۸۴۹م) شاعر و ادیب و از خاندان مولانا محسن فیض کاشانی و عموی آقا میرزا علی اکبر فیض، صاحب تاریخ قم که پس از غرقی عموی خود متولی بقعه فتحعلی‌شاه شد. غرقی پس از مرگ فتحعلی‌شاه بنا بر وصیت فتحعلی‌شاه و تصویب محمدشاه به تولیت بقعه فتحعلی‌شاه گماشته شد و پس از مرگ در عتبه بقعه مزبور به خاک سپرده شد. او سال‌ها ندیم و جلیس فتحعلی‌شاه بود و سمت حکومت کاشان به وی محول گردید. از زندگی وی اطلاعات بیشتری در دست نیست. (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۲۸، ۵۴۷، ۵۴۸).

۲. بیدهند در گذشته از دهات معتبر قهستان به‌شمار می‌رفت و در تیول شاهزاده محمد هادی میرزا پسر فتحعلی‌شاه بود. این روستا از بیلاقات خوب قهستان است و در کنار رودخانه خرمی قرار دارد و بسیار باصفا و معتدل است. آب آن از قنات است که از دشت قریه کرماجگان جاری است؛ از هرگونه میوه بیلاقی در آن جا یافت می‌شود و در اطراف آن تلال و جبال است و کبک و تیهو بسیار و شکار کوهی نیز دارد. در این روستا درختی است از جنس آلو که آن را «هرهریچه» می‌گویند و آن قدر بارور می‌شود که شاخه‌های آن شکسته می‌شود. در آن جا گندم و جو نیز کشت می‌شود. اکنون بیدهند از روستاهای بخش کهک به‌شمار می‌رود: راهنمای جغرافیای تاریخی قم، ج ۱، ص ۲۷-۲۸ به نقل از کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، ارباب و کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم، افضل الملک؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۸.

۳. کهک در گذشته از روستاهای معتبر قهستان بوده و در جنوب شهر قم قرار داشته و از بزرگ‌ترین قریه‌های قهستان به‌شمار می‌رفته است. پس از استان شدن قم، منطقه کهک که نوفل لوشاتو نیز خوانده می‌شود و مرکز آن شهر کهک است و از نظر جمعیتی بعد از بخش مرکزی قرار دارد، ولی بیشتر آبادی‌های آن خالی از سکنه است. دشت کهک در جنوب استان واقع شده با رودهای مختلفی مانند وشنوه، فردو و دره‌باغ مشروب می‌شود و شامل دهستان‌های کهک و نیزار است. کارخانه‌های صنعتی مهم عموماً در بخش نیزار و ناحیه صنعتی سیرو قرار دارند و رشد صنعتی در آینده این دهستان به علت قرار گرفتن بر سر راه‌های ارتباطی و وجود معادنی مانند گچ، درخشان خواهد بود.

مردم این بخش، به‌ویژه کهک، رعیت پیشه و کاسب‌اند و اهل بزم و رزم ندارند. شتوی آنجا اغلب گندم و جو است. جوزقکاری آن‌جا در نهایت اعتبار است؛ خوب نسق می‌کنند و خوب به عمل می‌آورند. هوای آن‌جا معتدل است اما نمی‌توان آن‌جا را بیلاقی قرار داد. باغ‌های آن قیسی، زردآلو، امرو و انجیر است. در گذشته در کهک قاشق‌های خوب می‌تراشیدند و کوزه‌های نازک و لطیف می‌ساختند و آهنگری می‌کردند. کهک با قم چهار فرسنگ فاصله دارد: راهنمای جغرافیای تاریخی قم، ج ۱، ص ۱۲۶ به نقل از کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، ارباب و کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم، افضل الملک؛ جغرافیای استان قم، ص ۲۸ (۱۳۷۶) و ص ۱۴، ۳۹ (۱۳۷۹).

شاعران در مدح فتحعلی شاه می سرودند، حفظ می کرد و سپس روایت می نمود؛ از این رو «راوی» تخلص می کرد. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی او را بسیار ستوده است و درباره وی گفته: «چشم چون تو فاضلی را ندیده است: لم تر عینی مثلکم فاضلاً».

او به همراه هیئت عذرخواهی به ریاست خسرو میرزا، از فرزندان عباس میرزا نایب السلطنه، که به سبب قتل گریبایدوف، وزیر مختار روسیه در ۱۲۴۴ قمری به روسیه سفر کرد و در مسیر با پوشکین شاعر معروف روسی ملاقات کرد و پوشکین پس از ملاقات با وی بسیار تحت تأثیر قرار گرفت و بعدها در سفرنامه ارزوم خود در قطعه شعری، درباره این دیدار سخن گفته است.

از فاضل خان گروسی منشأتی باقی مانده که نثر آن، نمونه عالی فصاحت در روزگار وی بوده است. از وی نامه‌ای در دست است که به آقاخان محلاتی نوشته و بهار در سبک‌شناسی آن را نقل کرده است.

از دیگر آثار وی که بسیار معروف است، کتاب تذکره انجمن خاقان است که مهارت وی را در نویسندگی نشان می دهد. در این کتاب وی معاصران خود را در یک مقدمه و چهار انجمن و یک خاتمه آورده است. این کتاب با مقدمه دکتر توفیق سبحانی در سال ۱۳۷۶ شمسی در تهران انتشار یافته است. او پس از نوشتن این کتاب بود که به روسیه سفر کرد. در اواخر عهد فتحعلی شاه مدتی در همدان و کرمانشاه به عنوان مأمور به سر برد و در اثنای آن سفر به بیماری سختی مبتلا شد؛ پس از بهبودی به عتبات رفت و پس از بازگشت به تهران مدتی در زمان محمدشاه نیز جزء منشیان دربار بود، ولی بعد کناره گیری کرد و در ۵۴ سالگی چند ماه پس از مرگ پوشکین دیده از جهان فرو بست: روضة الصفاد ج ۹، ص ۵۸۳ و ۴ و ۱۱۴/۱۰، ۱۳۷، ۱۳۱، ۱۶۹؛ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سهسالار (شهید مطهری)، ج ۲، ص ۴۶۱-۴۵۹؛ محک شعراء (خطی)، برگ ۲۴۰-۲۴۲؛ تذکره دلگشا؛ تذکره محمد شاهی، ص ۴۵۵؛ سفینه محمود، ج ۲، ص ۴۶۳-۴۶۵؛ تذکره میز، ص ۳۶؛ جام جم، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۵۰؛ مصطفی خراب، ص ۶۷-۶۸؛ مجله یغما، س ۱۱، ش ۱۱، ص ۴۹۴-۴۹۸؛ فرهنگ سخنوران، ص ۲۲۳؛ انرافرینان، ج ۳، ص ۹۳-۹۴؛ مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ الذریعة، ج ۴، ص ۲۸-۲۹ و ج ۹، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۳۴-۳۳۷؛ مجله ارمان، س ۲۴، ش ۴، ص ۱۶۸-۱۷۰؛ از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۸.

۲. فتح‌الله میرزا، ملقب به شعاع‌السلطنه، (۱۲۲۶-۱۲۸۷ ق/۱۸۱۱-۱۸۷۰ م) فرزندسی و پنجم فتحعلی شاه قاجار و پدر شکوه‌السلطنه، مادر مظفرالدین شاه که ناصرالدین شاه در ۱۲۶۸ قمری، وی را به عنوان سومین زن عقدی، به عقد خویش در آورد. او مدتی حاکم زنجان و همدان بود و در ۱۲۸۶ قمری درگذشت (نامداد رجال ایران، ج ۲، ص ۵۵).

۳. عبدالله خان حشمت‌الدوله، فرزند عبدالله میرزا یا عبدالله خان (۱۲۶۱-۱۳۲۲ ق/۱۸۴۵-۱۹۰۴ م) پسر بیست و ششم عباس میرزا نایب‌السلطنه و برادر حمزه میرزا حشمت‌الدوله است. در آغاز نامش سلطان ابراهیم میرزا بود و پس از مرگ پدرش در جوانی به امر ناصرالدین شاه به نام پدرش عبدالله میرزا، عبدالله نامیده شد و در ۱۲۹۷ قمری که حمزه میرزا در بانه وفات کرد، عبدالله میرزا ملقب به «حشمت‌الدوله» شد. او مدتی حاکم استرآباد شد و با تعدی و تجاوز به حقوق مردم، مال و منال فراوانی به دست آورد. (همان، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۱).

کلام الملوک، بر این صفحه زیادتى می نمایند و به تمامه نوشته نمی شود. از این جهت به فاضل خان گروسی^۱، که از ندمای بزم شاهی و ادبای معروف ایران بود، فرمان شاهی عز صدور یافت که مطالب کلام الملوک را موجز نموده، زواید او را ساقط کرده، به طرزى که خللی در مطالب او راه نیابد و در این صفحه سنگ گنجیده شود.

فاضل خان برحسب امر شاهی، بعضی از کلمات او را ساقط نموده، میرزا محمدحسین معروف به «ساعت‌ساز»، که از مشاهیر نویسندگان ایران بود، به خط خودش آن صفحه سنگ را برنگاشته؛ پس از اتمام کار از دارالخلافه، او را حمل به قم داده و در صفة بقعه خاقانی نصب شد و شاه‌نشینی که در این بقعه است، طرف مدرسه حساب‌الامر ناصرالدین شاه قاجار، از حجرات مدرسه گرفته و داخل در بقعه نمودند.

[قبور شاهزادگان در بقعه فتحعلی شاه قاجار]

و قبر چند نفر از شاهزادگان عظام در این بقعه واقع است که به ذکر سه نفر از ایشان پرداختیم:

قبر شعاع‌السلطنه^۲

قبر شعاع‌السلطنه فتح‌الله میرزا واقع است روی پایه‌ای که بین بقعه و شاه‌نشین است و در سنه ۱۲۸۷ [هجری] وفات نموده است.

قبر حشمت‌الدوله^۳

قبر عبدالله خان حشمت‌الدوله، در یکی از صفت‌های بقعه

۱. محمد فاضل خان گروسی (۱۱۹۸-۱۲۵۲ ق/۱۷۸۴-۱۸۳۶ م) ادیب و ندیم محمد شاه قاجار. وی از طایفه بایندر ترکمان است که در گروس، از توابع همدان، دیده به جهان گشود و در ۱۲۱۴ قمری که پدر خود را از دست داد. زندگی وی رو به سختی و عسرت نهاد و پس از مدتی به بین‌النهرین سفر کرد و مدتی در آنجا ماند و به تحصیل پرداخت. پس از سفرهای دیگر سرانجام به تهران آمد و با فتحعلی خان صبا کاشانی که ملک‌الشعرا و مقرب الخاقان بود، آشنایی یافت و او وی را به فتحعلی شاه قاجار معرفی کرد و به دستور فتحعلی شاه وزیر نظر صبا به تحصیل خود ادامه داد و پس از پنج سال به کمالات بسیاری دست یافت، تا آنجا که فتحعلی شاه او را به «فاضل خان» ملقب ساخت و منصب جارچی باشی را -که تقریباً معادل ریاست کل تبلیغات امروز است و از مناصب بزرگ دوران قاجار به است- به وی واگذار کرد.

او چندسال جزو منشیان مخصوص بود و در سفر و حضر همراه شاه بود و به دلیل خوش‌بیانی قصایدی را که فتحعلی خان صبا و دیگر

مدفون است و قطعه‌ای که ماده تاریخ اوست، بر روی سنگی حجاری کرده، مکتوب و بر دیوار آن صغه منصوب است:

چیست این نوحه که در زمزمه زیر و بم است
بر رخ خلق جهان ریخته گرد الم است
شیخ و شابند سیه‌پوش و قرین ماتم
فاش بر جبهه خلقی همه آثار غم است
شاهدان روی خراشیده ز سرپنجه غم
عارفان را به لب افسوس و به رخسار غم است
سفرای دول خارجه در حزن و ملال
هر یکی را سیه از گردش دوران علم است
امرا را ز کمر باز همه تیغ نظام
وزرا را به زمین از کف هر یک قلم است
موگنان مویه گنان مردم ایران ز چه رو
علما را به سر از چیست که دست ندم است
حشمت‌الدوله از این دار فنا کرده سفر
آن که صد حاتم از آوازه جودش اصم است
محن و یحیا به سر سفره جودش مهمان
بردن نام ز قآن بر نامش ستم است
خجل از رشک کفش آبر به هنگام بهار
بحر در نزد دلش شبنم و قلبش چه یم است
گشت مدفون به مکانی که بود رشک جهان
بهر تعظیم زمینش کمر چرخ خم است
در پناه حرم امن مهین اُخت رضا
هر که شد دفن بود ناجی و صید حرم است
غوص را طبع به دریای تفکر «یحیا»
گوهری یافت که زیننده دیهیم و جم است
دو کلام شده از مصرع دیگر تاریخ
مدفن هر که بقم شد «بیقین محترم است»^۱

قبر محمد امین میرزا^۲

قبر محمد امین میرزا، در صغه‌ای از صغه‌های بقعه واقع است که در سنه ۱۳۰۴ [هجری] وفات نموده است و قطعه‌ای که ماده تاریخ اوست، بر روی سنگی حجاری کرده و بر دیوار آن صغه منصوب است و قطعه این است:

ز دور چرخ از این گردش شهور و سنین
چرا نباشد دانا به صبح و شام غمین

عروس دنیا با هیچ‌کس نبرده به سر
ز بهر آن‌که بود بی‌وفائیش آیین
چنانکه از پس هفتاد سال نعمت و ناز
نمود عم شهنشاه را به خاک دفین
بزرگ‌زاده خاقان و افتخار تبار
فرشته خصلت و شهزاده محمد امین
چه برگذشت ز هجرت هزار و سیصد و چار
هوای قصر جنان کرد بهر حورالعین
به صحن حضرت معصومه چون پناه آورد
ملک سرو و بیاسود در بهشت برین
به زیر پای ستوده پدر چه ماوا ساخت
شدند شاد از این مسکنش بنات و بنین
نوشت «مشتری»^۳ از بهر سال تاریخش
«سزد ببقعه خاقان مقام و جای امین»^۴

۱. جمله «بیقین محترم است»، به حروف تهجی و ابجد، مساوی است با رقم ۱۳۲۲ که سال مرگ حشمت‌الدوله است.
۲. محمد امین میرزا (۱۳۳۴ - ۱۳۰۴ ق / ۱۸۱۹ - ۱۸۸۶ م) پسر چهل و پنجم فتحعلی شاه قاجار. در زمان سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه، حکومت‌های درجه ۳ و ۴ به او واگذار می‌شد. وی در ۱۲۸۵ قمری به خواست شاه نایب‌الحکومه علیقلی میرزا در ملایر و تویسرکان شد و در ۱۲۸۷ قمری حاکم کمره و در اواخر ۱۲۹۰ قمری، حاکم گلپایگان و خوانسار گردید. (همان، ج ۳، ص ۳۰۱).
۳. مشتري خراسانی، حسام الشعراء ابوسعید ابراهیم - محمد ابراهیم - (۱۲۶۴ - ۱۳۰۵ ق / ۱۸۴۸ - ۱۸۸۷ م) شاعر که نسب به میرزا طاهر وحید وقایع‌نگار صفوی می‌برد و اصلاً اهل مشهد است. در نوجوانی ساکن تهران شد و به خدمت شمس‌الشعرا محمدعلی خان سروش، از شاعران عصر ناصری رسید و شاگردی وی را اختیار کرد و اشعار استاد خود را در مناقب ائمه اطهار علیهم‌السلام با عنوان شمس المناقب گرد آورد و به هزینه خود چاپ نمود و در پایان آن مقداری از اشعار خود را نیز ذکر کرد. از آثار او: سفرنامه حاج میرزا منتری به مکه؛ رساله قمانامه؛ دیوان شعر را می‌توان نام برد: (صبح گلشن، ص ۴۱۴؛ حدیقه الشعراء، ج ۳، ص ۱۶۴۶ - ۱۶۵۲؛ الذریعه، ج ۹، ص ۱۰۴۶؛ راهنمای کتاب، س ۱۸، ش ۱ و ۳، ص ۱۶۵ - ۱۶۷ و ش ۷ و ۹، ص ۶۲۸ - ۶۳۲؛ صد سال شعر خراسان، ص ۵۳۸ - ۵۴۰؛ گنج شایگان، ص ۵۲۲ - ۵۲۸؛ مکارم الآثاء، ج ۵، ص ۱۷۵۱ - ۱۷۵۲؛ مؤلفین کتب چاپی مشار، ج ۸، ص ۹۳؛ فرهنگ سخنوران، ج ۲، ص ۸۴۵؛ اثر آفرینان، ج ۵، ص ۲۳۴).
۴. مصرع «سزد ببقعه خاقان مقام و جای امین» به حروف ابجد مساوی با عدد ۱۳۰۴ است.

قبر نایب السلطنه کامران میرزا^۱

قبر نایب السلطنه کامران میرزا خلف ناصرالدین شاه قاجار که در سنه ۱۳۴۷ [هجری] وفات نموده است و پای شاهنشین بقعه است و سنگ تاریخ او بر دیوار نصب است و این قطعه بر روی سنگ نوشته شده:

جوهر پادشاه مهر سریر

نایب السلطنه امیر کبیر

آن که دم زد همی به سر و علن

از غلامی شاه خیبرگیر

سال هفتاد و یک ز بعد دویت

آن همایون نژاد و پاک ضمیر

روز پنجم ز ماه ذی قعدة

شد فروزان چه مه ز برج منیر

کامران گشت و کامرانی کرد

سالها بانهایت توقیر

و اندرین روزگار آخر عمر

منزوی شد به احسن التدبیر

چندگاهی مریض شد ز قضا

گشت تسلیم پنجه تقدیر

رمضان سال سیصد و چهل و هفت

آمد از دور زندگانی سیر

دوم ماه ز روی شوق کشید

مرغ روحش به شاخ سدره صفیر

رحمت حق به روح پاکش باد

از خدای کریم و حی قدیر

یادگار فروغ عظمی شد

نصب این سنگ بانی و تعمیر

این قطعه در تاریخ وفات فتحعلی شاه است از گفته حاجی

علی محمد غرقی که بر روی سنگی نوشت شده، بر دیوار ایوان

بقعه نصب است:

دادگر فتحعلی شاه که بود

مظهر رحمت حق ناصر دین

تا چهل سال به عز و اقبال

بُد به اسلام نگهبان و معین

راند موکب به صفاهان از وی

به کمی تیره مه آن شاه مهین

در جمادی دوم نوزدهم

شب آدینه به هنگام پسین

تا که از هاتف غیبی بشنود

ابشروا الجنة از روی یقین

تخت و افسر به محمد شه داد

کش سزا دید به دیهیم و نگین

مرغ روحش ز سعادت آباد

کرد پرواز سوی علیین

۱. کامران میرزا نایب السلطنه (۱۲۷۲ - ۱۳۴۷ ق / ۱۸۵۵ - ۱۹۲۸ م)

سومین فرزند ناصرالدین شاه قاجار و ملقب به «نایب السلطنه» و «امیر کبیر». وی در سال ۱۲۷۷ قمری و در شش سالگی به جای فیروز میرزا نصرت الدوله (فرمانفرما) به معاونت پاشاخان امین الملک، حاکم تهران شد و در ۱۲۸۳ قمری وقتی ناصرالدین شاه عازم خراسان بود، وی را به جانشینی خویش و نایب السلطنه قرار داد، در حالی که یازده ساله بود و بعدها هرگاه ناصرالدین شاه به سفر می‌رفت، وی را نایب السلطنه قرار می‌داد. در ۱۲۸۵ قمری منصب سردار کلی (فرماندهی کل قوا) را در سیزده سالگی به او محول کرد و به امیر کبیر ملقب شد.

در ۱۲۸۷ قمری و در پانزده سالگی به عنوان وزیر جنگ انتخاب شد. پس از بازگشت به تهران از سفر اروپا در ۱۲۹۵ قمری، کارهای حکومتی را بین فرزندش کامران میرزا، مستوفی الممالک یوسف و میرزا حسین خان سپهسالار تقسیم کرد؛ در حالی که پیش از آن بین دو نفر اخیر تقسیم شده بود. از این رو حکومت تهران، قزوین، گیلان، مازندران، دماوند، فیروزکوه، قم، کاشان، ساوه، ملایر، تویسرکان، نهاوند، استرآباد، شاهرود، بسطام، دامغان و سمنان برعهده وی گذاشته شد و هم چنین رسیدگی به امور شاهزادگان، عالمان و امور مربوط به تجارت نیز به او محول شد. در ۱۳۲۴ قمری و در سلطنت مظفرالدین شاه، پس از ده سال برکناری از کار، دوباره به وزارت منصوب شد و در ۱۳۲۷ قمری و پس از فتح تهران و خلع محمدعلی شاه قاجار از روسیه تقاضای تحت‌الحمایگی کرد. کامران میرزا در زمان احمدشاه قاجار در ۱۳۲۵ قمری یک سال و اندکی به حکومت خراسان برگزیده شد و پس از بازگشت به تهران تا آخر عمر بیکار ماند و در ۱۳۰۷ شمسی در ۷۵ سالگی دیده از جهان فرو بست و در آستانه حضرت عبدالعظیم در شهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه به خاک سپرده شد. وی بام و میله دو گلدسته مزبور را با خشت‌های زرین بیاراست و در مدرسه شمالی را دارالشفای ساخته، هزینه دارو و اطعام و حقوق طبیب و پرستار آن را متکفل شد و از آن روز به بعد این مدرسه، به نام دارالشفای خوانده شد. نیز چون در قم ساکن بود، پارکی برای سکونت خویش بنا کرد که به نام پارک نایب السلطنه مشهور شد و بعدها جزو مدرسه حجتیه درآمد و محل سکونت طلاب گردید؛ از این رو بخش‌های مختلف این مدرسه را پارک می‌نامند. او بانی تذهیب و طلاکاری گلدسته‌های صحن عتیق است: (بامداد رجال ایران، ج ۳، ص ۱۴۹ - ۱۶۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۴۲۱، ۵۹۰، ۶۸۵، ۶۹۰).

باد جاوید به جنات نعیم
 خادم بارگهش حورالعین
 چون همایون تن پاکش در قم
 سیم شهر رجب گشت دفین
 کلک «غرقی» پی تاریخ نگاشت
 سنه الف و مأتین و خمسین^۱

۱. فیض در وصف گنبد فتحعلی‌شاه چنین نوشته است: «... به هر صورت قاعده گنبد هفت ترکی نامنظم مختلف الاضلاع به طول شرقی و غربی ۶/۲۰ متر و عرض ۵/۵۰ متر که جهات اصلی آن ۳/۵۰ و ۳ متر و جهات فرعی ۲ متر است. در سال ۱۲۸۰ قمری ناصرالدین شاه تزیینات آینه آن را به تزیینات گچبری تبدیل نموده و به صورت کنونی درآورد و این گچبری حدود ده سانتی متر از سطح دیوار برجسته و دارای نقوش گل و بوته و خوشه انگور است که روی زمینه آن را با طلا و لاجورد رنگ آمیزی ساخته‌اند. ازاره بقعه به ارتفاع یک متر سنگ مرمر منقش بود که اینک به الواح قبور تبدیل گردیده و نظم اولیه را از دست داده است. در جهات اصلی آن هر طرف شاه‌نشینی است که شاه‌نشین شمالی متصل به آسایشگاه و میانه آن‌ها سه درگاه دو طبقه و میانه هر دو درگاه ستونی استوانه‌ای با سر ستونی آراسته به گچبری قرار دارد. این ستون‌ها در دو مرتبه چهار تا با چهار نیم ستون می‌باشند که زیبا و خوش منظر است و در جهات فرعی صفا‌ای محرابی در دو طبقه ساخته شده است. دهانه هر صفا یک متر و سی سانت و ارتفاعش ۳ متر و قطر پوشش میانه آن‌ها نیم متر و ارتفاع صفا فوقانی ۲/۵۰ متر است.

در این مقبره چند چیز جلب توجه می‌کند، از جمله لوحی حاکی از تاریخ زندگی و خدمات فتحعلی‌شاه است که در صفا تحتانی زاویه شمال غربی نصب گردیده است؛ دیگری لوح قبر او و سومی چند زوج درب منبت است.

اما لوح مرمر زمینه طلاکوب که زیاده ممتاز و به طول ۲/۸۰ و عرض ۱/۳۰ متر روی اسپر صفا را زینت بخشیده است و تاریخچه زندگی فتحعلی‌شاه و نسب او و خدماتش به دیانت و روحانیت و جنگ وی با دولت روس و اخراج قشون آن‌ها از کشور و پرداخت سالی یک میلیون تومان به علما روی آن با کمال مهارت نوشته و حجاری شده.

و روی سردابه مرقدی است به ارتفاع ۶۰ سانتی متر از مرمر سفید صیقلی و شفاف و بر روی آن تخته سنگی از مرمر نفیس و ممتاز نصب گردیده است، به طول ۲/۲۵ و عرض ۱/۴۰ متر و قطر ۲۰ سانتی متر که در متن آن وسط تصویری از فتحعلی‌شاه در لباس تمام رسمی با حمایل و شمشیر مرصع و کمر جواهرنشان و خنجر مکمل و کمر بند ترصیع شده به دو قطعه الماسی از کوه نور و دریای نور، که این مجسمه در کمال مهارت به ارتفاع سه سانتی متر حجاری گردیده است و در دو جانب آن، تصویر دو فرشته: یکی در راست با گرز گران و دیگری در

چپ با جام جهان‌نما و در میانه آن تسبیح صد دانه‌ای که سرش در دست شاه است و نیز بر فراز سرش تصویر دو فرشته دیگر در حال هبوط، در حالی که دست به دست یکدیگر داده شاه را در پناه گرفته‌اند، حجاری شده است.

در محاذات دهن شاه به خط نستعلیق برجسته چنین خوانده می‌شود:

از نتایج افکار ابکی طبع گوهر بار شاهنشاه دین پناه - ایدالله ملکه و دولته:

از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایم

از درد رسته‌ایم و به درمان رسیده‌ایم

ما را به سر توقع سامان خویش نیست

کز سر گذشته‌ایم و به سامان رسیده‌ایم

در میانه ترنجی در گوشه آن و پایین عبارت (کمترین بنده شه عبدالله) و در ترنج دیگر (العامل محمدحسین حجارباشی) و در ترنج سوم (کاتبه زین‌العابدین کاشی) و در چهارم (ناظمه محمدتقی علی‌آبادی) و زیر تصویر شاه عبارت (السلطان فتحعلی‌شاه قاجار) حجاری شده است.

این سنگ نفیس و ممتاز را شاهزاده عباس میرزا ولیعهد در زمان حکومت خود در آذربایجان با صرف و جوه بسیار از معدن استخراج کرده و به مرکز نقل داد و عبدالله خان نقاش باشی اصفهانی تصویر پادشاه را با چهار فرشته روی آن نقاشی نموده و سپس کتیبه‌ها را میرزا زین‌العابدین به خط شیوای خود نوشته است و استاد محمدحسین حجارباشی به حجاری آن پرداخت. در مدخل مقبره و مدخل بقعه قهرمان میرزا و آبدارخانه سه درب تمام منبت از چوب ساج نصب شده است. (گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۴۸-۵۵۲).

فهرست آثار رازی به روایت بیرونی

مریم اردستانی

حاوی مطالب منحصر به فردی هستند؛ مطالبی که در دیگر مآخذ و منابع اسلامی یافت نمی‌شوند.

مخاطب ابوریحان در این رساله، شخصی است طالب دانستن نام‌های آثار رازی. به نوشته ابوریحان، این شخص هم‌چنین مشتاق بوده که بداند علم پزشکی از کجا آغاز شده و چه کسی قوانین آن را وضع کرده است.^۱ گفتنی است که ابوریحان در همان آغاز رساله مزبور، نام رازی را همراه با نام پدر و جدش به صورت «محمد بن زکریا بن یحیی الرازی» ذکر کرده است؛ و این تنها مأخذی است که درباره جد رازی خبری به دست داده است. افزون بر این، او درباره آغاز علم طب به کتاب تاریخ الاطباء اسحاق بن حنین اشاره کرده؛ و بدین ترتیب از حضور این کتاب تا تاریخ نگارش رساله خود خبر داده است.^۲ ابوریحان پس از آن که مخاطب خود را از ذکر کتاب‌های رازی که دیده یا به نام آن‌ها به راهنمایی دیگر آثار رازی دست یافته بوده، در رساله مورد بحث ما مطمئن می‌کند، خطاب به او چنین اظهار داشته که اگر محترمش نمی‌داشته، هرگز به چنین کاری دست نمی‌یازیده است؛ چرا که یاد کردن از رازی و ذکر آثار او، توهم پیرویش از رازی را پدید می‌آورد است؛ و این در حالی است که رازی به مذهب مانوی تمایل داشته و در کتاب فی النبوات (نقض الادیان) خود، به استخفاف

کتاب مورد بحث ما با عنوان رساله للبیرونی فی فهرست کتب محمد بن زکریا الرازی، رساله‌ای است به زبان عربی از ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (۳۶۲ - ۴۰۴ ق) در ذکر کتاب‌های پزشک و فیلسوف نامدار جهان اسلام، محمد بن زکریای رازی (م ۳۱۳ ق). ابوریحان، این رساله را دوازده سال پیش از مرگش به سال ۴۲۷ هجری به نگارش درآورده و فهرست آثار نگاشته خود تا این سال را نیز بدان افزوده است. او در نگارش این رساله، سنت متداول فهرست‌نویسی پیشینیان را در نظر داشته است.

می‌دانیم که در دوران پیش از اسلام، طبیب و فیلسوف پیرغامسی به نام جالینوس، فهرستی از کتاب‌های خود فراهم آورده بود. از این فهرست که به زبان یونانی «پیناکس» خوانده می‌شود و در کتاب‌های عربی به صورت «فینکس» ضبط شده، ترجمه‌ای به زبان عربی باقی مانده است. میکروفیلم نسخه‌ای از این ترجمه به شماره ۲۰۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. در دوره اسلامی نیز، حنین بن اسحاق، در رساله‌ای نگاشته به خواهش علی بن یحیی، از آثار ترجمه شده و ناشده جالینوس به زبان‌های سریانی و عربی یاد کرد. بنابراین می‌توان گفت که در دوره اسلامی، فهرست نگاشته ابوریحان بیرونی، بعد از رساله حنین بن اسحاق، دومین فهرست موجودی است که در آن، آثار دانشمندی توسط دانشمندی دیگر معرفی شده است. این فهرست، نه تنها صورتی از آثار رازی و شخص بیرونی را شامل می‌شود، بلکه بسیاری از مطالب مختلف در تاریخ علم یونانی و اسلامی را در خود دارد که با وجود اختصارشان،

۱. ابوریحان بیرونی، فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی، به تصحیح و ترجمه و تعلیق دکتر مهدی محقق، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱.
۲. همان، ص ۱-۲.

بزرگان پرداخته است. البته، اکنون از نقل قطعاتی از این اثر در اعلام النبوة ابوحاتم رازی و از رد انتساب آن آگاهیم.^۱ ابوریحان آن‌گاه از مطالعه کتاب علم الهی زکریای رازی و شیفتگی خود به مطالعه آثار مانی، به ویژه کتاب سفرالاسرار او در مدتی نزدیک به چهل سال از زندگی‌اش، و نیز از دستیابی به کتاب مذکور و خلاصه کردن آن به قصد گمراه نشدن دیگران سخن گفته است.^۲ او سپس به شرح حال رازی پرداخته است. در این شرح حال، تولد رازی به سال ۲۵۱ قمری در شهر ری یاد شده^۳ و از اشتغال او به کیمیا و رسیدن آفاتی چند به چشمش و کشانیده شدن وی به علم پزشکی در پی معالجه چشمش سخن به میان آمده است. هم‌چنین به نیازمندی شاهان بزرگ به رازی و سرانجام، به ناپیایی او در پی مطالعه مستمر در نور کم و مصرف بیش از حد باقلی، و سود نبخشیدن تلاش یکی از شاگردانش برای معالجه وی اشاره شده است. ابوریحان تاریخ وفات رازی را پنجم شعبان سال ۳۱۳ ذکر کرده و آن‌گاه اسامی کتاب‌های رازی را بر اساس یک طبقه‌بندی موضوعی به این شرح ذکر کرده است: ۵۶ کتاب در «طب»؛ ۳۳ کتاب در «طبیعیات»؛ هفت کتاب در «منطق»؛ ده کتاب در «ریاضیات و نجوم»؛ هفت کتاب در «تفسیر و تلخیص و اختصار کتاب‌های فلسفی یا طبی دیگران»؛ هفده کتاب در «علوم فلسفی و تخمینی»؛ شش کتاب در «ما فوق الطبیعة»؛ چهارده کتاب در «الهیات»؛ ۲۲ کتاب در «کیمیا»؛ دو کتاب در «کفریات»؛ ده کتاب در «فنون مختلف». مجموع این کتاب‌ها بالغ بر ۱۸۴ عنوان می‌شود.^۴

بدین سان، فهرست بیرونی، پس از فهرست به دست داده ابن‌ندیم، مهم‌ترین مأخذ برای آشنایی با آثار محمد بن زکریای رازی به شمار می‌رود؛ چرا که با وجود اکتفا کردن بیرونی به ذکر عنوان کتاب‌های رازی بدون هیچ توضیحی، مراجعه بدان ما را در آگاهی از مطالب علمی و تاریخی چندی، به ویژه در باب مباحث ملل و نحل، یاری می‌دهد. برای مثال، به مدد این فهرست درمی‌یابیم که میان رازی و ابوالقاسم کعبی بلخی - رئیس معتزله بغداد - در مسئله زمان مناظراتی رخ داده بود و همین بلخی کتاب علم الهی رازی را نقض کرده بوده است -^۵ هم‌چنین از ردیة مسمعی - از اصحاب نظام معتزلی - بر معتقدان به قدم هیولی و ردیة رازی بر او یاد شده^۶ و نیز از مناظره میان رازی و شهید بلخی در مسئله لذت و الم و ردیة رازی بر مسئله معاد از دید شهید بلخی سخن به میان آمده است.^۷ دیگر کسانی که مورد نقض رازی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: ناشی و جاحظ - از بزرگان معتزله - به سبب نوشتن ردیه بر طب؛ احمد بن طبیب سرخسی در باب مسئله

«طعم تلخ»؛ و احمد بن کبیر اسماعیلی در باب مسئله «امامت».^۸ ابوریحان پس از ذکر نام کتاب‌های رازی، در باب دومین خواهرش مخاطب خود، یعنی آغاز علم پزشکی بحث می‌کند. به نوشته او، برخی حصول علوم را توقیفی دانسته و برای هر علمی، پیامبری یاد کرده‌اند؛ در حالی که عده‌ای شناسایی علوم را غریزی آدمی، و در او بالقوه و در حیوان بالفعل می‌دانند. ابوریحان داستان حقه‌پرنده مبتلا به قولنج و نیز ماجرای نقل شده در قرآن در باب آموختن دفن‌مردگان از کلاغ را شاهد آموزه دوم آورده است. او در ادامه در مورد علم پزشکی، جدولی رسم می‌کند که از اسقلیبوس اول آغاز و به جالینوس ختم می‌شود. او در فصلی مشیع برای تعیین تاریخ این پزشکان از تاریخ‌های ایرانیان و تاریخ اسکندر و تاریخ یهود بهره گرفته تا سرانجام زمان هر یک، و به ویژه جالینوس را، البته با شک در تاریخ تعیین کرده اسحاق بن حنین معین کرده است.^۹ ابوریحان با اشاره به باور جمهور یونانیان به اختراع طب توسط اسقلیبوس اول، برخی به الهام و برخی به تجربه، خود، او را فرزند آدم ابوالبشر خوانده و علم وی را به «علم آدم من الاسماء» ارجاع می‌دهد.^{۱۰} در این قسمت، ابوریحان اطلاعات فراوانی درباره مراکز قدیم علم پزشکی و روش‌های ایرانیان و هندیان در حفظ میراث علمی خود در طبقات خاص اجتماعی به دست می‌دهد او

۱. ابوحاتم رازی، اعلام النبوة، به کوشش صلاح الصاوی و غلامرضا اعوانی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۰-۱۳؛ برای رد انتساب چنین کتاب‌هایی به محمد بن زکریا نک: محمد کریمی زنجانی اصل، «رازی، ابوبکر محمد بن زکریا»، دایرة المعارف تشیع، ویراسته احمد صدر حاج سیدجوادی و...، تهران، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۸۶.

۲. ابوریحان بیرونی، فهرست کتاب‌های دازی، پیشین، ص ۳-۴.

۳. اکنون بر اساس تحقیق استاد عبدالحسین حائری و در پی کشف رساله داه خنی محمد بن زکریا می‌دانیم که او در عهد معتضد عباسی، یعنی میان سال‌های ۲۷۹ تا ۲۸۹ قمری در بغداد بوده و با توجه به ریاستش بر بیمارستان ری پیش از سفر به بغداد، بنا به گفته ابن‌ابی‌اصیبعة و قفطی، تولد او را از ۲۴۰ قمری نیز زودتر می‌باید دانست؛ هم‌چنان که بدین ترتیب، داستان معروف آغاز تحصیل او پس از چهل سالگی هم مورد تردید قرار می‌گیرد. نک: عبدالحسین حائری، «معرفی یکی از آثار بازیافته محمد زکریای رازی و نکته‌های درباره زندگی او»، مجله وحید، سال دوم، دی ۱۳۴۳، ص ۷۸-۸۰.

۴. ابوریحان بیرونی، فهرست کتاب‌های دازی، پیشین، ص ۵-۱۸.

۵. همان، ص ۹، ۱۳.

۶. همان، ص ۹.

۷. همان، ص ۱۰، ۱۳.

۸. همان، ص ۵، ۱۱ و ۱۵.

۹. همان، ص ۲۰-۲۲.

۱۰. همان، ص ۲۴-۲۵.

و علاقه‌مندان به آثار وی از آن بهره‌می‌گرفته‌اند؛ چنان‌که دو سده بعد از وی، مردی از شهر تبریز، به نام ابواسحاق ابراهیم بن محمد، معروف به غضنفر تبریزی، با علاقه مفرطش به علم نجوم، در رساله نگاشته‌اش به نام المشاطة لرسالة الفهرست، از آشنایی خود با آثار ابوریحان یاد می‌کند و پس از بزرگداشت استاد در فصلی مشیع، به بیان و گزارش «رؤیای» نقل کرده ابوریحان در این رساله همت می‌گمارد.^۳

رساله ابوریحان در سده‌ای که گذشت مورد توجه ایران‌شناسان چندی قرار گرفته است. چنان‌که ویدمان در سال ۱۹۲۱ میلادی، بخش مربوط به آثار بیرونی از این رساله را به زبان آلمانی ترجمه کرد و شرح داد. در سال ۱۹۲۲ نیز روسکا بخش مربوط به آثار رازی از این رساله را به زبان آلمانی ترجمه کرد و بر آن تعلیقاتی نوشت. پیش از آن‌ها نیز زاخائو در مقدمه کتاب آثار الباقیة از بخش مربوط به آثار بیرونی در این رساله بهره گرفته بود. این فهرست، به دست پل کراوس در سال ۱۹۳۶ از روی نسخه منحصراً به فرد کتابخانه لیدن به شماره ۱۳۳ با عنوان رساله للبیرونی فی فهرست کتب محمد بن زکریا الرازی منتشر شده^۴ و مورد توجه محققانی چون بوآلو نیز بوده است.^۵ از محققان ایرانی نیز باید از دکتر محمود نجم‌آبادی و دکتر ذبیح‌الله صفا و دکتر پرویز اذکایی یاد کرد که در آثار خود از این رساله بهره گرفته‌اند؛^۶ احمد سعیدخان، محقق هندی‌الاصول نیز در این زمره است.^۷ این رساله به تصحیح و ترجمه فارسی و تعلیقات سودمند دکتر مهدی محقق، همراه با المشاطة لرسالة الفهرست در سال ۱۳۷۱ شمسی در تهران منتشر شده است.

۱. همان، ص ۲۶، ۳۷-۳۸.

۲. همان، ص ۲۶-۴۲.

۳. همان، ص ۷۵-۱۱۰.

۴. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیة، به کوشش ادوارد زاخائو، لایپزیک، ۱۸۷۸ م، مقدمه مصحح، ص ۳۸-۴۸؛ احمد سعید خان، کتاب‌شناسی ابوریحان بیرونی، ترجمه عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۸؛ محمود نجم‌آبادی، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۱۹.

۵. دژ. بوآلو، کارنامه بیرونی، ترجمه و نگارش پرویز اذکایی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۷-۶۴، ۷۲-۷۳.

۶. پرویز اذکایی، ابوریحان بیرونی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۵-۳۲؛ ذبیح‌الله صفا، احوال و آثار بیرونی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۶۱-۸۰؛ محمود نجم‌آبادی، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، پیشین، ص ۸۷.

۷. احمد سعیدخان، کتاب‌شناسی ابوریحان بیرونی، ترجمه عبدالحی حبیبی، پیشین، ص ۱۶، ۱۴۶-۱۴۸.

هم‌چنین از قدّم و حدوث علوم بحث و به قدیمی‌ترین کتاب هندیان در طب به نام کتاب چرک اشاره می‌کند.

ابوریحان سرانجام خطاب به مخاطبش می‌نویسد که اکنون پس از برآوردن خواهش او در ذکر کتاب‌های رازی و آغاز علم پزشکی، بحث خود را با ذکر عنوان کتاب‌های نگاشته خود تا آن هنگام (سال ۴۲۷ ق) در سن ۶۵ سال قمری و ۶۳ سال شمسی به پایان می‌برد. او از ۱۱۳ کتاب نگاشته خود نام می‌برد؛ که البته برخی از آن‌ها در آن هنگام ناتمام بوده‌اند. هم‌چنین به خوابی که در ۶۱ سالگی دیده و نیز به پیش‌بینی خوابگزاران درباره میزان عمرش اشاره می‌کند.^۱ اکنون می‌دانیم که او موفق می‌شود نگارش بسیاری از آثار نیمه تمام ذکر شده در این فهرست، مانند قانون مسعودی و آثار الباقیة را به پایان برساند.

ابوریحان آثار ذکر شده را چنین طبقه‌بندی کرده است: ۳۳ کتاب در نجوم و زیچ و تعیین مسافات و تعیین اوقات شرعی؛ هشت کتاب در علم حساب؛ چهار کتاب در شعاع‌ها و گذرگاه‌ها؛ پنج کتاب در آنچه به ابزارها و عمل‌بدان‌ها مربوط است؛ پنج کتاب درباره ستارگان دنباله‌دار و ستارگان گیسودار؛ دوازده کتاب در علوم و فنون مختلف؛ هفت کتاب درباره احکام نجوم؛ سیزده کتاب در آنچه به هزل مربوط است؛ شش کتاب درباره عقاید؛ پنج کتاب از آنچه نسخه‌هایشان از بین رفته است؛ ده کتاب ناتمام؛ دوازده کتاب نگاشته ابونصر عراق به نام ابوریحان؛ دوازده کتاب نگاشته ابوسهل مسیحی به نام ابوریحان؛ یک کتاب نگاشته ابوعلی گیلی به نام ابوریحان. ابوریحان بدین سان در پایان این رساله به کتاب‌هایی اشاره کرده است که دانشمندان بنام آن روزگار، ابونصر منصور بن عراق، ابوسهل مسیحی و ابوعلی گیلی به نام او نگاشته بوده‌اند. بیرونی این کتاب‌ها را پرورش یافتگان در دامن خود دانسته و میان آن‌ها و نگاشته‌های خود تفاوتی نمی‌نهد. تعداد این آثار ۲۵ عنوان است که با ۱۱۳ عنوان نگاشته خود بیرونی، ۱۳۸ عنوان کتاب را به دست می‌دهد. با توجه به از بین رفتن بسیاری از این آثار، آگاهی از عناوین آن‌ها نشان‌دهنده توانایی و چیره‌دستی ابوریحان در علوم و فنون مختلف است؛ هم‌چنان‌که ما را در تشخیص آثار تازه‌یاب او یاری می‌دهد.

فهرست مزبور، هم‌چنین درباره روابط ابوریحان با دانشمندان زمانه‌اش و دیدگاهش در باب آرای برخی از آن‌ها نیز اطلاعات مفیدی در اختیار ما می‌نهد؛ دانشمندانی مانند خوارزمی، ابوالحسن اهوازی، فرغانی، ابوسهل کوهی، عمر بن فرخان، بتانی، و ابومعشر بلخی.^۲

فهرست‌نگاشته بیرونی در سده‌های بعدی نیز موجود بوده

تصحیحات

شیخ آقا بزرگ تهرانی

سید حسن فاطمی

نخستین مقتل فارسی

بعضی احتمال داده‌اند که کتاب روضه الشهداء نخستین مقتل فارسی است که خواندن آن در میان فارسی‌زبانان رایج شد؛ به گونه‌ای که به قاری آن، «روضه‌خوان» می‌گفتند. سپس این عنوان توسعه یافت و به هر کس که مصیبت می‌خواند «روضه‌خوان» گفتند. اما کتاب‌های مقتل الشهدید و مقتل الشهداء تألیف ابوالمفاخر رازی که هر دو فارسی هستند، پیش از آن نوشته شده‌اند؛ حتی روضه الشهداء از دومی فراوان نقل می‌کند (ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۵ و ج ۲۲، ص ۳۲-۳۳).

زمان سرودن شاهنامه ابوالقاسم فردوسی

در کتاب سخن و سخنوران می‌خوانیم که فردوسی شاهنامه را به فرمان سلطان محمود سبکتکین از سال ۳۸۹ تا ۴۲۱ در مدت سی سال نوشت. این سخن بعید است؛ زیرا بنا به تصریح فردوسی، شاهنامه در سال ۴۰۰ به پایان رسید:

ز هجرت شده پنج هشتاد بار

که گفتم من این نامه شاهوار

از ضرب پنج در هشتاد عدد ۴۰۰ به دست می‌آید. از این گذشته، نظم آن به دستور سلطان محمود نبود؛ بلکه بخش اول آن را در عصر سامانیان سرود و به گمان قوی نظم مختصر آن را تا سال ۳۸۴ سرود و در این سال به عراق سفر و با

شیخ آقا بزرگ تهرانی از جمله کتاب‌شناسان برجسته‌ای است که در طول زندگی پربار خویش موفق به بررسی کتاب‌های فراوانی شد و نتیجه تحقیقات خود را در کتاب گران‌سنگ الذریعة الی تصانیف الشیعه آورد. یکی از اموری که از نگاه دقیق آقابزرگ پنهان نمانده، لغزش‌ها در آثار دیگران حتی آثار خود اوست و آن‌ها را در این کتاب آورده که از زوایای مختلف راه گشا هستند.

یادآوری:

۱. برخی از اشکالات آقا بزرگ درباره کتاب‌هایی است که چندان مورد توجه نیستند و چه بسا برخی از آن‌ها اکنون در دسترس نباشند؛ اما اگر توجه کنیم که پاره‌ای از لغزش‌ها از کتاب‌های دیگر حتی منابع تحقیق سردرمی‌آورند، اهمیت تذکرات وی بیشتر روشن خواهد شد.

۲. آنچه در این نوشته می‌آید عین ترجمه الذریعه نیست؛ بلکه معمولاً عبارات را تلخیص و گاه مطالب را جابه‌جا و در قالبی دیگر عرضه کرده‌ایم.

۳. روشن است که همه ایرادهای آقابزرگ را نمی‌توان بدون تحقیق مجدد پذیرفت؛ بلکه با توجه به این که ابزار تحقیق در این زمان بسیار گسترده‌تر از آن دوران است، بررسی دوباره آن‌ها بایسته می‌نماید.

در تاریخ خود، جلد ۹، صفحه ۱۲۲ شرح حال ابونصر را نوشته و او را شیخ مشایخ خود خوانده است. هم‌چنین ابونصر از محمد بن نوح جندی شاپوری (م ۳۲۱) نقل می‌کند. بنابراین وی در قرن چهارم می‌زیسته و ابن عنبه در قرن نهم بوده است. با این بیان اشتباه کشف الظنون روشن می‌شود (ج ۱۲، ص ۱۶۶).

پایان تألیف الامالی العراقية، محمود بن علی حمصی
صاحب کشف الظنون زمان پایان یافتن تألیف الامالی العراقية را سال ۷۳۵ نوشته است، در حالی که نویسنده آن در سال ۵۸۳ در گذشت. بنابراین ۷۳۵ سال کتابت است نه تألیف (ج ۲، ص ۳۱۹).

موضوع الاصباح، قطب‌الدین کیدری یا کندری
صاحب کشف الحجب آن را شرح نهج البلاغه معرفی کرده است، لیکن سید بحر العلوم در الفوائد الرجالية تصریح می‌کند که موضوع الاصباح فقه است. نام شرح کندری بر نهج البلاغه، حدائق الحقایق است (ج ۲، ص ۱۱۸ و ج ۶، ص ۲۸۵).

الانصاف فی الامامه و تعیین الفرقة الناجیه، ابو محمد بسطامی
صاحب ریحانة الادب به اشتباه دو عنوان فوق را برای دو کتاب دانسته، در حالی که آن‌ها عنوان‌های یک کتاب هستند (ج ۲، ص ۳۹۶ و ج ۱۷، ص ۱۴۴).

پایان تألیف البصائر، ظهیرالدین محمد نیشابوری
نویسنده کشف الظنون پایان تألیف البصائر را سال ۵۷۷ نوشته، اما با توجه به این که ظهیرالدین محمد نیشابوری در کهولت سن پیام بهرام شاه غزنوی (م ۵۴۷) را برای سلطان سنجر سلجوقی برد، ظاهراً زمان تألیف باید پیش از رساندن پیام باشد. بنابراین ۵۷۷ سال کتابت نسخه است (ج ۴، ص ۲۶۴).

۱. این نام‌ها در امل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی، صفحات ۱۵۴ و ۱۵۶ آمده است. دقت در آثار هر دو اسم نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها ادبی است و تمامی کتاب‌های عبدعلی بن ناصر، به عنوان آثار عبدعلی بن رحمه نیز ذکر شده است. هم‌چنین به نقل از حاشیه نسخه‌ای خطی از امل الآمل، در پاورقی آمده است: عبدعلی را فراوان به جدش نسبت می‌دهند (و نام پدر را می‌اندازند) بلکه تنها با او شناخته می‌شود.

موفق‌الدین ابوعلی حسن بن محمد اسکافی، وزیر بهاء الدولة دیلمی، ملاقات کرد و یوسف و زلیخا را برای او به نظم در آورد. سپس به خراسان بازگشت و دوباره مشغول نظم شاهنامه به اسم سلطان محمود شد (ج ۱۳، ص ۱۸-۱۹).

سراینده کنز الاسرار و تاریخ نظم آن

این مثنوی را به فریدالدین عطار نسبت داده‌اند؛ اما علامه قزوینی در مقدمه تذکرة الاولیاء آن را خطا دانسته و حق با اوست. ابن یوسف در فهرستش نظم آن را به سال ۶۹۹ نگاشته، اما ۶۸۸ درست است (ج ۱۸، ص ۱۴۴-۱۴۵).

نسبت رساله فی صلاة الجمعة به شهید ثانی

پایان تألیف کتاب، سال ۹۷۲ است، در حالی که شهید ثانی در ۹۶۶ به شهادت رسید. این امر سبب شده برخی، نسبت این کتاب به شهید ثانی را انکار کنند. اما در خور توجه است که این رساله به خط شهید در کتابخانه خوانساری موجود است و جایی برای انکار باقی نمی‌ماند، و گویا ناسخ به سهو «سبعین» را به جای «ستین» نوشته است. در نسخه مصحح تاریخ فراغ ۹۶۲ است (ج ۱۵، ص ۷۱-۷۲).

پایان تألیف مفتاح الرموز، حسن زاهد کرمانی کیمیایی

نسخه آن به شماره ۳۷۷۸ در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. در فهرست کتابخانه، پایان تألیف سال ۱۲۸۵ ضبط شده که غلط است؛ زیرا نویسنده در سال ۷۲۳ از ایران به هند رفت و این کتاب را در ۷۲۶ برای سلطان وقت هند نوشت (ج ۲۱، ص ۳۳۱).

عبدعلی بن رحمه حویزی و عبدعلی بن ناصر بن رحمه

ظاهر عبارت امل الآمل این است که شیخ حر عاملی آن دو را نام دو نفر دانسته است (زیرا آن‌ها را جداگانه معرفی کرده) در حالی که هر دو، نام یک نفرند و وی در سال ۱۰۵۳ وفات یافت.^۱ (ج ۲۳، ص ۲۶۰).

ابونصر سهل بن بخاری استاد ابن عنبه

مطلب فوق را کشف الظنون نوشته است. ابن عنبه، صاحب عمدة الطالب، متوفای ۸۲۸ است و خطیب بغدادی (م ۴۶۳)

نسبت راوی

کلینی به واسطه‌ی علی بن محمد ماجیلویه از ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴) روایت می‌کند. استنساخ کنندگان به اختصار، واسطه را «ابن ابن برقی» نوشته‌اند، حال آن که «ابن بنت برقی» درست است؛ زیرا پدر علی بن محمد - بنا به نقل نجاشی - داماد برقی است.

تصحیف دیگر در فایده‌ی سوم از خاتمه‌ی خلاصه‌ی علامه، تصحیف در نقل سخن کلینی در تعیین مراد او از عده‌ای است که به واسطه‌ی آن‌ها از برقی روایت می‌کند. یکی از آن‌ها علی بن محمد پسر دختر برقی است و دیگری احمد بن عبدالله پسر پسر برقی. اما در هر دو مورد با ضمیر به برقی اشاره می‌کند. در مورد اول می‌گوید: «علی بن محمد ابن بنته» و در مورد دوم می‌گوید: «احمد بن عبدالله ابن ابنه» اما ناسخ متوجه نشده و «ابن بنته» را به «ابن اذینه» و نیز «ابن ابنه» را به «ابن امیه» تغییر داده است.

در فهرست نیز در معرفی احمد بن خالد برقی هنگام ذکر سند به تصانیف او آمده است: «من روایة الحسن بن حمزة الطبری عن احمد بن عبدالله ابن بنت البرقی قال: حدثنا جدی احمد بن محمد.» نساخ آن را اشتباه نوشته‌اند و عبارت درست «ابن ابن البرقی» است (ج ۷، ص ۲۴۵-۲۴۶).

ابوالمحاسن علی جرجانی و ابوالمحاسن عبدالواحد رویانی

دو نام فوق برای دو شخص است، اما صاحب ریاض میان آن‌ها خلط کرده است. جرجانی صاحب تکملة السعادات است؛ چنان که در مجامیع معتبر دیده‌ام و صاحب ریاض هم در شرح حال ابوسعید حسن بن حسین سبزواری از آن یاد کرده و پایان تألیف آن را سال ۷۰۲ ذکر کرده است. تاریخ تألیف نشان می‌دهد که جرجانی معاصر علامه حلی بوده. ابوالمحاسن عبدالواحد رویانی در سال ۵۰۲ به شهادت رسید و حدود دو‌یست سال پس از جرجانی می‌زیست.

صاحب ریاض شرح حال عبدالواحد را در قسمت اسماء آورده و مشایخ و حالات او و چگونگی شهادتش را در سال ۵۰۲ نگاشته و کتاب تکملة السعادات را به او نسبت نداده است. اما در بخش کنیه‌ها شرح حال ابوالمحاسن جرجانی را به اختصار نقل و در ابتدا تصریح کرده که او معاصر علامه

حلی بوده و سپس شرح حال عبدالواحد و چگونگی شهادت وی را در سال ۵۰۲ این جا هم می‌آورد. سپس کتاب تکملة السعادات را از تألیفات او می‌شمرد که در سال ۷۰۲ پایان یافته است. صدر و ذیل شرح حال کوتاه نشان می‌دهد که صاحب ریاض می‌خواسته شرح حال ابوالمحاسن جرجانی را بنگارد، اما در اثنای آن بر اثر غفلت، ذهن او به ابوالمحاسن عبدالواحد منتقل شده و پاره‌ای از حالات عبدالواحد را نوشته است (ج ۴، ص ۴۱۴).

جابه‌جایی حلی و احسائی

در الضیاء اللامع لیان عباقرة القرن التاسع نشان دادیم که احمد بن عبدالله... بن متوج دو نفرند و معاصر هستند: یکی فخرالدین احمد بن عبدالله بن سعید بن متوج که از مشایخ ابوالمحاسن احمد بن فهد حلی است و دیگری جمال‌الدین احمد بن عبدالله بن محمد... بن متوج که از مشایخ احمد بن فهد احسائی است. سید محسن امین در جلد نهم اعیان الشیعة نیز متمایل به دو نفر بودن آن‌ها شده و شرح حال فخرالدین را در صفحه ۲۴ و شرح حال جمال‌الدین را در صفحه ۳۸ ذکر کرده و آنچه را ما در الضیاء اللامع، صفحه ۲۸ ترجیح داده بودیم از آنجا آورده است، اما در سطر نهم «حلی» چاپ شده که «احسائی» درست است و در سطر سیزدهم «احسائی» آمده که «حلی» صحیح است (ج ۹، ص ۲۸-۲۹).

مرقد امام علی علیه‌السلام در مزار شریف افغانستان!

[عده‌ای] عوام زیارتگاه واقع در شهر مزار شریف را به اشتباه به امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام نسبت می‌دهند. کتاب انساب آل ابی‌طالب، تألیف ابن عنبه - صاحب عمدة الطالب - است. گویا این کتاب ترجمه‌ی عمدة الطالب است و با آن تفاوت کمی دارد. علامه سید حسن صدر گفت که آن را در کتابخانه‌ی استاد ما علامه نوری دیده است و در آن آمده که ابن عنبه در مزار شریف، سنگ قبر مزار را در زیر صندوق دیده است که بر آن نوشته بوده: «هذا قبر أمير المؤمنين أبي الحسن علی بن ابی‌طالب بن عبیدالله بن علی بن حسن بن حسین بن جعفر بن عبیدالله بن حسین اصغر بن علی بن حسین سبط علیه‌السلام.»

از این جا به دست می‌آید که اشتراک لقب، اسم، کنیه،

میراث شهاب

عتیقی سمرقندی (م ۷۴۱) شاگرد رشیدالدین وطواط
نویسنده آتشکده آذر، در صفحه ۳۳۵ عتیقی سمرقندی را شاگرد وطواط خوانده که اشتباه است.^۲ شاید مراد او خواجه رشید همدانی باشد (ج ۹، ص ۷۰۷).

اصلاح شعر

میرزا محمد منشی، متخلص به فروغ، در سفینه الانشاء در رثای فتح علی شاه (م ۱۲۵۰) گفته است:
شمار عمر ز هفتاد و نظمش هگرتو شبخو میلنا چهارده سال است
به فرض صحت نسخه، از بیت فوق به دست می آید که وی در سال ۱۱۷۴ به دنیا آمده است و با توجه به این که وی پس از ۱۲۶۰ فوت شده، باید نزدیک به نود سال عمر کرده باشد؛ در حالی که غالباً کسی این مقدار عمر نمی کند. لذا احتمال تصحیف در شعر فوق می رود و احتمال دارد عبارت صحیح چنین باشد:

شمار عمر ز پنجاه و شش گذشت و مرا
بنابراین فرض، وی سال ۱۱۹۴ به دنیا آمده و حدود هفتاد سال عمر کرده؛ چنان که متعارف است^۳ (ج ۱۲، ص ۱۹-۱۹۴).

نویسنده الاربعون حدیثاً

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی نویسنده الاربعون حدیثاً تألیف شهید اول (م ۷۸۶)، محقق کرکی معرفی شده که

۱. نگارنده تحقیق گسترده ای درباره امام زاده مدفون در مزار شریف انجام داده که نتیجه آن به صورت مقاله ای با عنوان «مزار شریف در مزار شریف» در کتاب گنجینه شهاب (یادنامه آیت الله مرعشی نجفی)، جلد دوم به چاپ رسیده است. در آن جا آوردیم که علاوه بر تشابه هایی که آقا بزرگ ذکر کرده، شباهت های دیگری نیز این امام زاده با امام علی (ع) دارد و آن این که نام همسر او نیز فاطمه بنت محمد بن عبدالله بوده و دو پسر به نام های حسن و حسین داشته که کنیه حسن، ابو محمد، و کنیه حسین، ابو عبدالله و نام فرزند حسین، علی بوده است.

ظاهراً علت انتساب این قبر به امام علی (ع) این بوده که در سال ۸۸۵ ق شمس الدین محمد با مطالعه حالات امام زاده مدفون در مزار شریف، متوجه این تشابه ها می شود و با توجه به مخفی بودن بارگاه امام علی (ع) در اوایل دفن و با توجه به قرآنی از اخبار به این نتیجه می رسد که این مزار به امام علی (ع) تعلق دارد و چون شمس الدین محمد شخصیت با نفوذی بود، این نظریه او پذیرفته شد.

۲. رشیدالدین وطواط در سال ۵۷۳ درگذشت.

۳. آقا بزرگ در حالی این اشکال را مطرح می کند که خود او بیش از نود سال عمر کرد.

و نام پدر شخص مدفون در مزار شریف امیر مؤمنان علیه السلام سبب اشتباه عوام شده است^۱ (ج ۲، ص ۳۷۵).

حذف و تصحیف در سند

در امالی شیخ صدوق می خوانیم: «الصدوق عن المفسر عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الحسن بن علی بن الناصر عن أبيه الرضا عن أبيه موسى بن جعفر علیه السلام».

در سند فوق، سقط و تصحیف راه یافته؛ زیرا از میان فرزندان امام رضا علیه السلام تنها امام جواد علیه السلام است که از آن حضرت روایت می کند. پس «الناصر» تصحیف است و واسطه افتاده؛ چنان که در همان امالی، صفحه ۶۷ می خوانیم: «الصدوق عن المفسر عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الحسن بن علی عن أبيه عن محمد بن علی عن أبيه الرضا عن أبيه موسى علیه السلام» (ج ۴، ص ۲۸۷ پاورقی).

تاریخ رصد

صاحب لطائف الطرائف و به پیروی از او صاحب کشف الظنون نوشته اند که کوشیار جیلی در سال ۴۵۹ رصد کرده است. شاید این تاریخ اشتباه باشد؛ زیرا خطیب (م ۴۶۳) به واسطه سه تن از مشایخ خود از او روایت می کند. بنابراین وفات کوشیار در اوایل قرن پنجم اتفاق افتاده و رصد او نیز باید بسیار پیش از ۴۵۹ باشد (ج ۱۲، ص ۸۸).

آغاز اجازة سید محمد مهدی شهرستانی (م ۱۲۱۵) به سید دلدار علی نقوی (م ۱۳۲۵)

در کشف الحجب آمده است: «أولها: الحمد لله الذي شرع لنا». در واقع این متن، آغاز اجازة میرزا مهدی شهید به سید دلدار علی است و منشأ اشتباه، کاتب است (ج ۱، ص ۲۵۳).

واسطه میان محمد مهدی فتونی و علامه مجلسی

در اجازة شهید سید میرزا محمد مهدی بن هدایت الله اصفهانی خراسانی (م ۱۲۱۸) به سید دلدار علی بن محمد معین نقوی نصیر آبادی (م ۱۲۳۵) واسطه میان شیخ مهدی فتونی و علامه مجلسی دو شخص ثقه ذکر شده است؛ حال آن که فتونی از استاد و پسر عمویش ملا ابوالحسن شریف عاملی روایت می کند و او نیز از علامه مجلسی. بنابراین واسطه میان آنها یک نفر است (ج ۱، ص ۲۵۶).

آن را به سال ۹۴۴ نوشته است. مسلماً این مطلب اشتباه است؛ زیرا وی در سال ۹۴۰ وفات یافت (ج ۱ ص ۴۲۷).

تاریخ تدوین اثبات الواجب القديم، جلال‌الدین محمد دوانی (ح ۸۳۰-۹۰۸)

قاضی در مجالس می‌گوید: نویسنده، کتاب فوق را در اوایل حالش در سال ۸۹۷ نوشت. شاید این تاریخ از اغلاط چاپی باشد؛ زیرا خود نویسنده در ابتدای کتاب اثبات الواجب الجدید تصریح می‌کند که کتاب قدیم را در اوایل جوانی نوشته (در حالی که در سال ۸۹۷ حدود ۶۷ سال داشته است) (ج ۱، ص ۱۰۷).

پایان تألیف السراج المنیر، محمد شریف بن شمس‌الدین محمد
این کتاب فارسی، سال ۱۳۰۶ در بمبئی چاپ سنگی شده. در این چاپ پایان تألیف سال ۱۲۰۲ ذکر شده در حالی که این تاریخ مربوط به پایان کتابت نسخه چاپی است؛ زیرا نویسنده حدود ۱۰۰۱ به دنیا آمده و شرح حال خود را در کتاب خزان و بهار آورده و من نسخه‌ای خطی از السراج المنیر را در کتابخانه خوانساری دیدم که پایان تألیف آن ۱۰۳۲ نوشته شده بود و نسخه‌ای دیگر در مدرسه صدر در نجف ۱۰۳۰ بود. شاید کلمه «اثنین» از نسخه مدرسه صدر افتاده باشد (ج ۱۲، ص ۱۶۱).

فارسی نه عربی

در فهرست کتابخانه سپهسالار به اشتباه کتاب جنات الوصال اثر محمد علی ملقب به نور علی شاه، عربی خوانده شده در حالی که فارسی است (ج ۵، ص ۱۵۲).

خلط میان این براج و ابوکامل

قاضی عبدالعزیز بن کامل طرابلسی و استاد او قاضی عبدالعزیز بن براج هم‌نامند. از این رو صاحب ریاض حالات این دو و کتاب‌هایشان را با هم خلط کرده است (ج ۵، ص ۲۵۶).

اشتباه در تاریخ ولادت یا تاریخ اجازه

در تاریخ اولاد الاطهار آمده است که یوسف به عبدالفتاح طباطبایی در سال ۱۱۶۷ متولد شد و در سال ۱۲۴۲ وفات

یافت و در سال ۱۱۸۰ موفق به دریافت اجازه از وحید بهبهانی شد. طبق این نقل، وی در سیزده سالگی از وحید بهبهانی اجازه گرفت و این در غایت بُعد است. بنابراین در ضبط تاریخ ولادت یا تاریخ کسب اجازه، اشتباه شده است. علاوه بر این در جلد ۱، صفحه ۱۴۸ گفتیم: وحید بهبهانی در سال‌های ۱۱۷۲ و ۱۱۷۴ دو اجازه به محمد بن یوسف بن میرفتاح داده است و او غیر از یوسف بن عبدالفتاح است (ج ۵، ص ۲۹۸).

اشتباه در تاریخ یا تشخیص خط مؤلف

محمد تقی خادم انصاری، رجال نجاشی را با عنوان ترتیب النجاشی به ترتیب الفبا مرتب کرده و در سال ۱۰۰۶ به پایان رسانده است. من نسخه‌ای از آن را در کتابخانه محمدعلی خوانساری دیدم که به سال ۱۰۲۴ پایان یافته بود.

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی می‌خوانیم که نسخه‌ای از ترتیب النجاشی در آن کتابخانه به خط مؤلف به تاریخ ۱۰۷۲ موجود است. نویسنده فهرست، یا در تشخیص خط مؤلف اشتباه کرده یا اشتباهی در تاریخ رخ داده است (ج ۴، ص ۷۰).

غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نظام‌الدین اعرج نیشابوری

نویسنده این کتاب، صاحب شرح النظام است. در کشف القناع آمده است که غرائب القرآن در سال ۸۲۸ تألیف شده است. این تاریخ قطعاً غلط است؛ زیرا نویسنده شاگرد قطب‌الدین شیرازی (م ۷۱۰) بوده است. نسخه‌ای از غرائب القرآن که تاریخ کتابت آن سال ۹۹۰ است، با عنوان نظام التفاسیر، از خط مؤلف نقل کرده که کتاب در ۷۲۸ پایان یافته است (ج ۱۶، ص ۳۱-۳۲).

پایان نگارش فهرست تصانیف الفیض (م ۱۰۹۱)

فیض دو فهرست برای کتاب‌های خود نوشته و پایان نگارش فهرست دوم ۱۰۹۰ است، اما در چاپ به غلط ۱۰۸۹ چاپ شده است (ج ۱۶، ص ۳۷۹).

تعداد اجزاء تفسیر ابن جنی

ابن ندیم در صفحه ۵۱ می‌نویسد: «کتاب تفسیر محمد بن علی بن جنی منه أجزاء». ظاهراً «منه» تصحیف «سته» است؛ یعنی این تفسیر در شش جزء نگاشته شده است (ج ۴، ص ۲۴۲).

کتاب الرد علی الغلاوة و کتاب السهو عن النبی.»
نجاشی از یک سو ابوالحسین عقرانی را غالی خوانده و از سوی دیگر کتاب الرد علی الغلاة را از آن او دانسته است. میرزا ابوالفضل بن میرزا ابوالقاسم کلانتری در حاشیه رجال نجاشی از این موضوع این گونه رفع تنافی کرده است که مراد او از غلو، همان زعم قمی‌ها است که نفی سهو از پیامبر را غلو می‌دانستند و ابن بکران کتاب مستقلی در این موضوع نگاشت و نجاشی تصریح می‌کند که ابوالحسین عقرانی در این وقت غالی بود؛ یعنی وی در ابتدا چنین نبوده. بنابراین ابتدا او رد بر غالیان نوشت و بعد به دلیل غالی شدن، نجاشی سماع از او را ترک کرد.

اما این اشکال به توجیه میرزا ابوالفضل باقی می‌ماند که اگر اعتقاد به نفی سهو منشأ ترک سماع باشد، این امر اقتضا می‌کرد که نجاشی همه کتاب‌های شیخ صدوق را ترک کند؛ زیرا رساله او در نفی سهو و رد شیخ از متواترات است.

به نظر می‌رسد که «غلو» در نسخه‌های نجاشی از تصحیف نساخ و درست آن «علو» باشد؛ یعنی زمانی که نجاشی او را ملاقات کرده، ابن بکران سن زیادی داشته و ضعف قوا و فراموشی بر او مسلط بوده و نمی‌توانسته به خوبی احادیث را حفظ و ضبط کند؛ زیرا ابن بکران حدود سال ۳۰۰ تولد یافت و تولد نجاشی سال ۳۷۲ است و نجاشی که در نقل احادیث محتاط بود شنیدن روایت از او را ترک کرد.

نجاشی شبیه این عبارت را چند صفحه بعد (صفحه ۶۴) در شرح حال احمد بن عبدالواحد به کار برده است: «انه لقی ابن الزبیر و كان علواً فی الوقت». در زمان ملاقات ابن عبدالواحد نزدیک به صد سال از عمر ابن زبیر گذشته بود (ج ۱، ص ۲۱۳).

تاریخ تألیف فتوح البلدان یا فتوح الشام، ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (م ح ۳۱۴)

احمد بن محمد منوفی کتاب فتوح را در سال ۵۹۶ به فارسی برگردانده و در آغاز آن، زمان تألیف را سال ۲۰۴ گفته است. قطعاً این تاریخ اشتباه است؛ زیرا یاقوت - معاصر مترجم - می‌گوید که هر دو کتاب احمد بن اعثم به نام‌های فتوح، که وقایع را تا عصر رشید نقل می‌کند، و تاریخ را که حوادث را تا

ملقب شدن ابوطاهر محمد به «زراری» توسط امام عسکری علیه السلام سلیمان بن حسن نخستین کسی است که امام هادی علیه السلام در توقیعاتش به او لقب «زراری» داده و حفید او، ابوغالب احمد بن محمد، در نامه‌ای به فرزندش آن را ذکر کرده است. اما فرزند او ابوطاهر محمد بن سلیمان (م ۳۰۰) تأخیر زیادی از او دارد و آنچه در فهرست شیخ در شرح حال ابوغالب زراری آمده که ابوطاهر در توقیع امام حسن عسکری علیه السلام ملقب به «زراری» شده، خلط یا تصحیف است. بله، ابوغالب تصریح کرده که حضرت حجت علیه السلام به جدش محمد بن سلیمان نامه نوشته است (ج ۸، ص ۱۹۰).

تعداد مجلدات خلاصة التفسیر، قطب راوندی (م ۵۷۳)
شیخ منتجب‌الدین - شاگرد نویسنده - خلاصة التفسیر را ده جلد شمرده، اما در الشیعة و فنون الاسلام آن‌ها بیست جلد شمرده شده که از غلط نسخه است (ج ۷، ص ۲۲۰).

علی بن ادریس

در خاتمه مستدرک الوسائل (ص ۵۴۱) علی بن ادریس از رجال عده معرفی شده که از غلط نسخه است. نجاشی در شرح حال احمد بن محمد بن عیسی تصریح کرده است که وی احمد بن ادریس است؛ هم‌چنین علامه در خلاصه (ج ۲، ص ۱۵).

تقیه برای دوری از رمی به فلسفه

جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغة، جلد ۲، صفحه ۳۴۳ نوشته است: علت این که نویسندگان اخوان الصفا در حجاب، مطالب حق را می‌گفتند، ترس آن‌ها از رمی به فلسفه بوده است. این سخن درست نیست؛ زیرا مسلمانان از زمانی که فلسفه از کتاب‌های نخستین به عربی ترجمه شد تا امروز به آن رغبت نشان داده‌اند، بلکه کسانی تقیه می‌کردند که مطالبی بر خلاف عقاید عامه اظهار می‌داشتند؛ زیرا آنان را رمی به کفر می‌کردند (ج ۲، ص ۳۵۷؛ ر.ک: ج ۱، ص ۳۸۳-۳۸۵).

اصلاح عبارت نجاشی

نجاشی در معرفی ابوالحسین عقرانی تمار اسحاق بن حسن بن بکران می‌گوید: «رأیته بالكوفة و هو مجاور و كان یروی کتاب الكلینی عنه و كان فی هذا الوقت غلواً فلم أسمع منه شیئاً و له

ایام مقتدر (م ۳۲۰) می‌گوید، دیده است. با این حال چگونه ممکن است فتوح در سال ۲۰۴ نگاشته شده باشد؟!
ظاهراً مترجم به تاریخ ابن اعثم دست نیافته و تنها فتوح را دیده که حوادث را تا حدود سال ۲۰۴ ضبط کرده و مترجم، آن سال را زمان پایان تألیف پنداشته است (ج ۳، ص ۲۲۰-۲۲۲).

طرزی طرستی و طرزی افشار (م ق ۱۰۸۳)

نویسنده تذکره روشن در صفحات ۴۱۲ و ۴۱۳ نام‌های فوق را برای دو شاعر دانسته، در حالی که هر دو نام برای یک نفر است. وی طرز خاصی در تکلم و شعر داشت؛ به این صورت که مصادر و صیغه‌های جعلی را اختراع کرد و به کار برد. ایباتی از او در مجمع‌الفصحاء، جلد ۲، صفحه ۲۴ آمده و شرح حالش در دانشمندان آذربایجان، صفحات ۸۶ و ۲۴۵ و در تذکره نصرآبادی، جلد ۹، صفحه ۴۰۸ مسطور است. دیوانش در رضائیه و تهران چاپ شده است (ج ۹، ص ۶۴۷).

خلط و ویژگی‌های رافعی نیشابوری با رافعی قزوینی

رافعی نیشابوری از شاعران عصر غزنوی، معاصر ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری (م ۴۳۱) است و رضاقلی خان هدایت در مجمع‌الفصحاء، جلد ۱، صفحه ۲۲۰ یادآور مشاعره‌ها میان این دو شده است و اشعار رافعی نیشابوری را در مدح سلطان محمود سبکتکین غزنوی (م ۴۲۱) و مدح وزیرش احمد بن حسن میمندی (م ۴۲۴) آورده است. بنابراین وی از شاعران اوایل قرن پنجم است.

شرح حال رافعی قزوینی در مجمع‌الفصحاء، جلد ۱، صفحه ۲۲۱ به این صورت آمده: «امام‌الدین ابوالقاسم بن ابی سعید مؤلف شرح صغیر و کبیر (م ۶۳۳)». نویسنده این کتاب پاره‌ای از اشعار او را نیز آورده است.

بنابراین رافعی نیشابوری تقدم بسیاری بر رافعی قزوینی دارد، اما رضاقلی خان در ریاض‌العارفین آن دو را خلط کرده است. وی رافعی قزوینی را مؤلف شرح صغیر و شرح کبیر (م ۶۳۳) دانسته و پدرش را ابوسعید رافعی معرفی کرده و نیز پاره‌ای از اشعار رافعی قزوینی را به رافعی نیشابوری نسبت داده است (ج ۹، ص ۳۵۰ در کتاب توضیحات بیشتر در این زمینه آمده که برای پرهیز از اطاله سخن نیاوردیم).

تاریخ تألیف الواحد لا یصدر منه الا الواحد، نظر علی بن محمد محسن گیلانی

نسخه‌ای از آن به خط محمد بن ابراهیم بن حاج آقا رضا در کتابخانه مدرسه سید کاظم یزدی در نجف نگهداری می‌شود. تاریخ تألیف در این نسخه ۱۲۴۲ است و کاتب تصریح کرده که آن را از نسخه‌ای مغلوپ استنساخ کرده است. ظاهراً این تاریخ یکی از اغلاط آن نسخه است؛ زیرا نویسنده پیش از سال ۱۲۱۷ وفات یافت (ج ۲۵، ص ۶-۷).

سند تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام

تمام سندهای تفسیر امام عسکری علیه السلام در منابع روایی مختلف به شیخ صدوق (م ۳۸۱) منتهی می‌شود. در آغاز نسخه چاپی تفسیر پس از «بسم‌الله» و حمد الهی و رسیدن سند به شیخ صدوق آمده است: «قال [ابن بابویه]: أخبرنا أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر الأسترآبادی الخطیب - رحمه الله - قال: حدثني أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الامامية قالوا: و كان أبو انان اماميين - فكان تشيع الولدين عن أبويهما لا باستبصارهما بدواً - و كان الزيدية هم الغالبون في أسترآباد و كنا في أمارة الحسن بن زيد العلوي الملقب بالداعي الى الحق امام الزيدية و كان كثير الاصغاء الى الزيدية فخشيناهم على أنفسنا فخرجنا بأهلنا الى حضرة الامام أبي محمد الحسن بن علي بن محمد أبا القائم - عليهم السلام - و أنزلنا عيالاتنا في بعض الخانات ثم استأذنا على الامام الحسن بن علي؛ فلما رأنا قال: مرحباً بالآوين الينا الملتجئين الى كنفنا.»

حضرت پس از خطاب عام، در ادامه پدران ابویعقوب و ابوالحسن را به احترام بزرگ‌تر بودنشان مورد خطاب قرار داد: «قد تقبل الله سعيتكما و آمن روعتكما و كفاكما أعدائكما، فانصرفا آمنين على أنفسكما و أموالكما.»

فجبنا من قوله... فقلنا: فماذا تأمرنا أيها الامام أن نصنع... فقال عليه السلام: خلفا على ولديكا هذين لأفيد هما العلم الذي يشرفهما الله به... قال أبو يعقوب و أبو الحسن: فأتمرنا لما أمرا و خرجا و خلفانا هناك فكانا نختلف اليه... فقال لنا ذات يوم: اذا أتاكما خبر كفاية الله - عزوجل - أبويكما و صدق وعدى اياها جعلت من شكر الله أن أفيدكما تفسير القرآن. ففرحنا و قلنا: يابن رسول الله... .

ذکر نامشان با این جمله توصیف کرده: «کانا من الشيعة الامامية من أبويهما» یا «مع أبويهما» یا «عن أبويهما» تا بفهماند که آنان از هنگام تولد شیعه بوده و این مذهب را از پدران خود گرفته‌اند نه اینکه بعداً شیعه شده‌اند. سپس گفته: «قالا: حدثنا الامام عليه السلام» یعنی «قال الولدان». شیخ صدوق مراد او را دانسته و طبق آنچه شنیده نقل کرده اما شنوندگان، لفظ یا معنا را تصحیف کرده و پنداشته‌اند مراد او این است که فرزندان، حدیث را از پدران خود نقل کرده‌اند و فاعل «قالا: حدثنا الامام» را «أبوان» تصور کرده‌اند و هرجا اسناد شیخ صدوق را به این تفسیر دیده‌اند، لفظ «عن أبويهما» را افزوده‌اند؛ حتی در مواردی که توصیف نشده که فرزندان شیعه بوده‌اند و با این کار خواسته‌اند کلام شیخ صدوق را تصحیح کنند (ج ۴، ص ۲۸۵-۲۹۳).

پایان تألیف الحدائق الندية، سید علی خان مدنی (۱۱۱۸ یا ۱۱۲۰)

در نسخه چاپی، پایان تألیف کتاب، صبح دوشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۰۹۹ نوشته شده که «سبعین» به «تسعین» تصحیف شده است؛ زیرا نسخه‌ای دیدم که کتابت آن به عصر مؤلف باز می‌گشت و گمان می‌رود که به خط او باشد؛ با همان ساعت و روز و ماه اما به سال ۱۰۷۹ بود (ج ۶، ص ۲۹۰).

نام راوی

نجاشی از ابو عبدالله حسین بن جعفر، معروف به ابو عبدالله بن خمیری، روایت می‌کند. در مجمع الرجال قهپایی، نام او به صورت «حمیری» تصحیف شده است (ج ۶، ص ۳۲۶ پاورقی و ص ۳۲۸-۳۲۹).

وطن جمال منشی، دیوان

گفته شده که جمال منشی، کرمانی است، در حالی که اصفهانی بوده (ج ۹، ص ۲۰۴).

پایان تألیف رشح السحاب، مولی محسن نحوی

نویسنده در ماده تاریخ پایان تألیف سروده است: بلطف هادی الوری

قالا: فلم نبرح من عنده حتى جائنا فيج من عند أبوينا بكتاب فيه أن «الداعي» أرسل إلينا بعض ثقاته بكتابه و خاتمه بأمانه لنا و ضمن لنا رد أموالنا... فلما كان في اليوم العاشر جاء كتاب من أبوينا بأن الداعي قد وفالنا بجميع عاداته... فلما سمع الامام بهذا قال: هذا حين انجازي ما وعدتكما من تفسير القرآن و قد وظفت لكما كل يوم شيئاً منه، فألزمني و واضلما علي.

فاول ما أملي علينا أحاديث في فضل القرآن و أهله ثم أملي علينا التفسير بعد ذلك فكننا في مدة مقامنا عنده و ذلك سبع سنين نكتب في كل يوم مقدار ما ينشط له.

بنا به تصريح مقدمه کتاب، ابویعقوب و ابوالحسن بی‌واسطه از امام عسکری عليه السلام روایت کرده‌اند. هم‌چنین عبارات اثنای کتاب نیز به این مطلب صراحت دارد. در حاشیه صفحه ۱۶۸ چاپ ۱۳۱۵ قمری پس از ذکر هاروت و ماروت آمده است: «قال أبو الحسن: قلنا للحسن أبي القاسم عليه السلام: فان قوماً عندنا يزعمون أن هاروت و ماروت ملكان... فقال الامام: معاذ الله».

با توجه به این تصریحات، جزم می‌یابیم که پدران به فرمان امام عليه السلام به شهر خود بازگشته و فرزندان خود را نزد حضرت گذاشته‌اند تا به آن‌ها آموزش دهد و فرزندان، همان کسانی هستند که تفسیر امام عسکری عليه السلام را در مدت حدود هفت سال نوشته‌اند.

آیا مطالب مذکور قرینه نیست که عبارت «عن أبويهما» در همه سندهایی که این عبارت در آن‌ها آمده اضافه است؟ لذا طبری در آغاز احتجاج، هنگام ذکر سند خود به این تفسیر، برای نقل احادیث فراوان از آن، عبارت «عن أبويهما» را انداخته و می‌نویسد: «الصدوق عن المفسر عن الولدين عن الامام عليه السلام».

در هیچ کدام از نسخه‌های احتجاج - از جمله چاپ محقق آن در تهران به سال ۱۲۶۹ که برای تصحیح از نسخه‌هایی استفاده شده که در آن‌ها خطوط علما و تصحیحات آن‌ها وجود دارد - این عبارت دیده نمی‌شود.

جای تعجب است که با این تصریحات اکید، در اسناد پراکنده فراوان در آثار شیخ صدوق، لفظ «عن أبويهما» دیده می‌شود. در مورد منشأ عبارت اضافه به نظر می‌رسد مفسر که از دو فرزند برای شیخ صدوق روایت کرده، آن دو را پس از

شرحت نظم الحساب

قلت لتاریخه

شرحی رشح السحاب

از آن ۱۱۲۸ استخراج می‌شود، اما به اشتباه سال ۱۱۱۸ به عنوان پایان تألیف چاپ شده است (ج ۱۴، ۹۱).

(صفحه ۱۳۸) تعداد رباعیات سحابی را شش هزار و نویسنده مرآت الخیال، (صفحه ۸۴) دوازده هزار بیت نوشته‌اند. اما سرو آزاد به نقل از صبح صادق و شمع انجمن (صفحه ۱۹۸) تعداد رباعیات او را به غلط هفتاد هزار بیت نوشته‌اند (ج ۹، ص ۴۳۳).

تعداد شعرهای سیف اورنگ (م ۶۶۶)

بنا به نقل دولتشاه در طبقه دوم، دیوان سیف اورنگ دارای دوازده هزار بیت است. دو نسخه ناقص از دیوان او به کتابت قرن دهم بنا به نقل فهرست کتابخانه سپهسالار، جلد ۲، صفحات ۶۱۲ تا ۶۱۴ با یازده هزار بیت در آن جا نگهداری می‌شود. بنابراین، سخن هدایت که اشعار او را ده هزار خوانده اشتباه است (ج ۹، ص ۴۸۵).

پایان تألیف اثبات حدوث العالم، حسین بن ابراهیم تنکابنی

در متن چاپی با کتاب مشاعر، سال ۱۲۱۹ زمان پایان یافتن تألیف نوشته شده که ناشی از اشتباه ناسخ است؛ زیرا مصنف از شاگردان ملا صدرالدین شیرازی (م ۱۰۵۰) است. نسخه‌ای از آن نزد سید ابوالقاسم ریاضی خوانساری به خط یاقوت بن عبدالله است که کتابت آن در سال ۱۰۶۹ پایان یافته است (ج ۱، ص ۸۹).

کتابت اثبات الواجب تعالی، محمود نیریزی

نویسنده این کتاب، معاصر محقق فخری و مجاز از استادش میرصدرالدین دشتکی در سال ۹۰۳ است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود که تاریخ تحریر آن ۹۷۰ است، اما در فهرست کتابخانه به اشتباه، آن سال به عنوان پایان تألیف ضبط شده و منشأ آن کشف الظنون است (ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹).

تاریخ اجازة نجم‌الدین جعفر بن محمد جمال‌الدین محمد

بن حسن

سال آن در اجازات بحار از خط شهید، ۶۰۷ است، اما گمان می‌رود «سبعین» به «سبع» تصحیف شده و درست آن ۶۷۰ باشد (ج ۱، ص ۱۶۵).

خلط بین ابومحمد حسن غزنوی و جمال‌الدین حسن غزنوی

ابوالحسن بیهقی در لباب الانساب (تألیف ۵۵۵) و راوندی در راحة الصدور از ابومحمد حسن غزنوی این گونه نام برده‌اند: «مفخر اللسانین و ذوالشهادتین اشرف ابومحمد حسن بن محمد حسینی». اما جمع‌کننده دیوان او که مدعی شاگردی اوست در آغاز دیوان، وی را چنین وصف می‌کند: «ذوالشهادتین ابوالعلی (یعنی) حسن بن احمد حسینی غزنوی...»

عوفی در لباب الالباب میان وی و جمال‌الدین حسن غزنوی خلط کرده و پدر او را ناصر علوی نامیده است. این اشتباه به تذکره‌نویسان پس از او سرایت کرده؛ مانند تاریخ گزیده، صفحه ۸۱۷، تذکره دولتشاه، آتشکده آرز، صفحه ۱۰۱، هفت اقلیم و مجمع الفصحاء.

جمع‌کننده دیوان گوید که حسن غزنوی هنگام وفاتش به او وصیت کرده که دیوانش را به نام امیر محمود جمع‌آوری کند. از آن جا که امیر محمود سال ۵۵۲ جلوس کرد و در ۵۵۷ از دنیا رفت، به دست می‌آید که دیوان پیش از این تاریخ جمع‌آوری شده و نیز به دست می‌آید که وفات سید حسن نیز پیش از این تاریخ است. بنابراین آنچه در خلاصه‌الاشعار از مجمع الفصحاء، جلد ۱، صفحه ۱۹۲ نقل شده که وی در سال ۵۶۵ درگذشت درست نیست و برخی نیز مرگ او را ۵۳۵ یا ۵۳۶ گفته‌اند. اما درست، گفته بیهقی در لباب الانساب است؛ یعنی سال ۵۴۸.

دیوان مذکور با تصحیح سید محمد تقی مدرس رضوی و با مقدمه‌ای در احوال ابومحمد حسن غزنوی در تهران چاپ شده و تصحیحات دهخدا و فروزانفر نیز ضمیمه آن است (ج ۹، ص ۲۴۴).

تعداد رباعیات سحابی استرآبادی (۱۰۲۱ یا ۱۰۱۰)

نویسندگان مجمع الفصحاء (ج ۲، ص ۲۱) و ریاض العارفین

منتجب‌الدین نام و نسب نویسنده انساب آل الرسول را این گونه ضبط کرده‌اند: «عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن جعفر علیهما السلام». بنابراین وی از احفاد شاه چراغ است. صاحب ریاض اشکال کرده که با کمی واسطه نویسنده با شاه چراغ چگونه او می‌تواند معاصر شیخ طوسی یا متأخر از وی باشد و جزم یافته که سید ابوالفتح به جدش نسبت داده شده؛ چنان که شایع است.

میرزا حسین نوری در البدر المشعشع شرح حال و زمان حیات اجداد عبیدالله بن موسی را نقل کرده و نسخه فهرست شیخ منتجب‌الدین که در اختیار شیخ حر عاملی و صاحب ریاض بوده افتادگی داشته است. نسب صحیح عبیدالله بن موسی چنین است: «عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع بن ابی جعفر جواد علیه السلام بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد علیه السلام» (ج ۲، ص ۳۷۹-۳۸۰).

سال تدوین شمع المجالس

کتاب فوق، منتخبی از حدیقة الحقیقة نوشته حکیم سنایی است. انتخاب کننده در تاریخ انتخاب از حدیقة الحقیقة، به نظم می‌گوید:

پانصد و بیست و چار رفته زعام
پانصد و بیست و پنج گشت تمام

عبارت فوق غلط آشکار است؛ زیرا انتخاب، تنها باید بعد از تألیف اصل باشد نه پیش از اتمام آن. ظاهراً کاتب کلمه «بیست» را به جای «شصت» در هر دو مصراع نوشته. سنایی در ۵۵۵ درگذشت و پس از مرگش این انتخاب در ۵۶۵ صورت گرفت^۱ (ج ۱۴، ص ۲۳۲).

سال اجازة سید محمد بن شرف‌الدین جزایری به علامه مجلسی (م ۱۱۱۰)

وی این اجازة را بعد از وفات ملا محمد تقی (م ۱۰۷۰) نوشته؛ زیرا از خداوند برای او طلب رحمت کرده و او را با «مرحوم مبرور» توصیف کرده است. بنابراین ۱۰۶۴ به عنوان تاریخ اجازة در بحار جزماً غلط است و صحیح ۱۰۷۴ است (ج ۱، ص ۲۵۷).

گنجی نه کشی

در برخی نسخه‌های رجال نجاشی آمده که وی از ابوالقاسم یحیی بن زکریا کشی - که تلعبیری در سال ۳۱۸ از او روایت کرده - نقل کرده که فضل بن شاذان (م ۲۶۰) دارای ۱۸۰ کتاب بوده است. حال آن‌که «گنجی» درست است نه «کشی» (ج ۴، ص ۴۸۱).

محمد بن احمد بن یحیی عطار

در بعضی اسانید شیخ صدوق نام فوق دیده می‌شود که ظاهراً استنساخ‌کنندگان اشتباه کرده‌اند و نام درست، «احمد بن محمد بن یحیی عطار» است که شیخ صدوق فراوان از او روایت می‌کند (ج ۵، ص ۲۹).

دو کتاب

معلم ثانی ابونصر محمد بن فارابی (م ۳۳۹) دو کتاب دارد که یکی در موضوع جمع بین دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو و دیگری درباره جن است. قفطی در اخبار الحکماء، صفحه ۲۸۴ از دو کتاب پشت سرهم نام برده و برخی معاصران، آن دو را یک کتاب پنداشته‌اند (گمان کرده‌اند که فارابی میان دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو درباره جن جمع کرده است) ما هم به پیروی از آن معاصر بدون مراجعه به مأخذ سخن او، در جلد ۱، صفحه ۸۲ آن دو را به عنوان یک کتاب معرفی کردیم، در حالی که قفطی آن‌ها را دو کتاب جداگانه معرفی کرده است (ج ۵، ص ۱۳۵).

نسب سید ابوالفتح عبیدالله بن ابوالحسن موسی (معاصر شیخ

طوسی)، صاحب انساب آل الرسول

شیخ حر عاملی در امل الآمل و صاحب ریاض از فهرست شیخ

۱. شیخ آفابزرگ در الذریعة، ج ۳، ص ۱۶۵ و ج ۱۵، ص ۱۶۵ سال اتمام حدیقة الحقیقة را ۵۳۸ ضبط کرده است.

مخطوطات آیت الله سید مصطفی خمینی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی

عبدالله امینی

اصول فقه

این دوره به زبان عربی و شامل بحث‌های ذیل است:

در پی شهادت آیت الله حاج مصطفی خمینی، آثار دست
نوشته به جامانده از ایشان، شامل ۲۳ جلد و ۹ عنوان،
به ترتیب:

۱. اصول فقه	۷ جلد	(الف) مباحث الفاظ
۲. کتاب طهارت	۲ جلد	این مبحث، که جلد اول دوره به شمار می‌آید، دربرگیرنده
۳. کتاب بیع	۲ جلد	۴۴۰ صفحه است که به قلم آن مرحوم در نجف اشرف و به
۴. شرح تحریر الوسیله	۲ جلد	سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ هجری قمری نگارش شده است.
۵. حاشیه بر عروة الوثقی	۲ جلد	این کتاب دارای حاشیه است و در صفحه آن، ۱۴ تا ۱۵
۶. تفسیر القرآن	۴ جلد	سطر نوشته به خط نستعلیق تحریری وجود دارد.
۷. الدروس التي تلقيتها من اعلام النجف	۱ جلد	آغاز نسخه با عبارت «اعلم انه يجب قبل الخوض فی
۸. کتاب الصلوة	۲ جلد	مقاصد الکتاب، ان نذكر المسائل المتعارف ذکرها فی ضمن
۹. کتاب الصوم	۱ جلد	مباحث» است و پایان آن «و قال بالتوصلية فی هذه المسئلة
		والکلام يقع فی المقامين، المقام الاول حول مقتضى الدليل
		الاجتهادی و هو عندی التوصلية» است.
		شماره این نسخه در کتابخانه ۱۳۳۸۵ موقت است.

به منظور حفظ و نگه‌داری از آسیب و گم‌گشتن،
به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی واگذار شد. این
دست‌نوشته‌ها بیش از دو دهه است که در اختیار این
کتابخانه است. آثار این شهید فرزانه چاپ و منتشر شده
است. در این مقاله به معرفی و به نسخه‌شناسی این آثار
می‌پردازیم.

(ب) مباحث اوامر و نواهی

جلد دوم مانند جلد اول در تعداد صفحات، تاریخ کتابت،

ث) جلد پنجم، مبحث قطع و مباحث وابسته به آن به شماره ۱۳۵۴۳؛

ج) اصول فقه، جلد ششم، به شماره موقت ۱۳۳۸۶؛
ح) اصول فقه، مقصد هشتم استصحاب، به شماره ۱۳۳۹۹.

کتاب طهارت

این عنوان شامل دو جلد به شماره‌های موقت ۱۳۵۴۶ و ۱۳۳۹۱ است.

آغاز شماره اول، با عبارت ذیل است: «کتاب الطهارة و هو یشتمل علی مقاصد، المقصد الاول فی المیاء».

پایان آن چنین است: «المسئلة الاولى بول الحيوان غير الماکول لحمه، ذی نفس سائلة، نجس بالاتفاق و لاحاجة الى الاستدلال، والمخالف من المخالفين الحنفی حيث قال بطهارة ابوال جميع السباع و السباع».

آغاز شماره بعدی: «نجاسة البول مما لا يؤکل لحمه و يدل علیه معتبر عبدالله بن سنا...».

پایان: «بل النجاسة مقتضى الكتاب لماعرفت ان الاجزاء داخله فی حکم المیته بناء علی... الحرمة من النجاسة لاستناد الحرمة الى الذات فلا بد من ممنوعية الذات بجميع آثارها البارزة و الظاهرة فلا تکن من الغافلين».

تاریخ نگارش این کتاب، ۱۳۹۴ هجری قمری است که در پایان شماره اول نوشته شده است.

کتاب بیع

شامل دو جلد به شماره‌های ۱۳۵۴۲ و ۱۳۳۹۰ است. صورت آغاز و انجام نسخه اخیر را مشاهده می‌کنید.

آغاز شماره اول: «کتاب البیع و فيه مقاصد. المقصد الاول فی حقیقته و ماهیته».

پایان: «بناء علیه یلزم ان یورث... الواحد علی العین تعدد العین اعتباراً حسب تعدد المضمون له... و فی حد نفسه و ان کان معقولاً فی افق الاعتبار ولكنه ایضاً ممنوع فی... مندرجاً فی دلالة القاعدة...»

شماره دوم با عنوان «تتمة کتاب الخيارات الى آخره» است و با بحث «مناقشة فی اساس مستند خيار العیب» شروع می‌شود.

نوع خط، تعداد سطر، زبان و حاشیه‌نویسی است.

آغاز نسخه: «حول اقتضاء الامر، كون الفعل اختیارياً و ذلك لان القدرة و الاختیار لیس من قیود التکلیف بل هی من الموجبات لتنجز الخطاب».

انجام: «و اما ما قد یقال بأن المسئلة عقلية لعدم النظر الى الامر الصادر فی الشريعة بل النظر الى الوجوب الثابت فیها سواء کان ثابتاً باللفظ او الاجماع او العقل و ان عنوانها فی طی المباحث...».

این نسخه به شماره موقت ۱۳۵۴۰ است.

پ) مسئله ضد (جلد سوم)

این جلد دنباله دو جلد قبلی با همان مشخصات است و شماره نخستین صفحه آن ۸۸۱ و دارای تصحیحاتی در حاشیه است. شماره موقت جلد سوم، ۱۵۳۴۱ و آغاز آن چنین است:

«غالبی كما عن العلامة و ... جماعة اخرى فهي مخدوشة و ذلك لان الوجوب الثابت بالاجماع و العقل، ان کان هو المعنی الثبوتی و هو الشوق النفسانی فهو لیس من الوجوب الاعتباری».

انجام نسخه: «لانه هو ذوالملاک دون السبب و یعاقب علی ترک المأمور به لاجل المصلحة القائمة به. و بالجملة ولو کان الرد امراً دفعیاً وجوده ولكنه واجب و الاقتدار علی الخروج یکفی لذلك فلا...».

ت) جلد چهارم

با عنوان «مشبهات عقلية علی امکان ایجاب الخروج» است و در دنباله آمده: «ان قیل الخروج واجب بالوجوب المقدمی و هذا لا یمکن...».

در انجام نسخه، این عبارت به چشم می‌آید: «فیلزم ان یمکن الکلام الواحد مجملاً و مبییناً بالاعتبارین كما لا یخفی و الامر کله فی هذه البحوث سهل جداً، والحمد لله علی وفقنا لاتمام هذا الجزء من هذا السفر و ندعوه یوفقنا علی اكمال الجزء الاخر و الصلوة علی سیدنا...».

پایان نگارش این جلد، صبح سه‌شنبه سیزدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۳ ه. ق. نجف اشرف است و نزدیک به پانصد صفحه نوشته دارد و به شماره موقت ۱۳۵۳۹ شماره‌گذاری شده است. صورت آغاز و انجام این نسخه را ملاحظه می‌فرمایید.

آنچه در این شماره مهم است، عبارت پایانی این نسخه است که آیت الله شهید به مسائل ناگوار پیش آمده در ۱۳۹۶ هجری قمری اشاره می‌کند:

- به تعطیلی کشاندن حوزه و تهدید پایه‌های آن از سوی حکومت عراق؛

- جنایات و حوادث مهلکی که رخ داده است؛

- عدم رشد سیاسی مراجع نجف و همراهی نمودن آنان با امام خمینی.

صورت این نسخه دیده می‌شود.

شرح تحریر الوسيله

دو جلد کتاب طهارت، صوم، نکاح، مکاسب، متاجر و قسمتی از «الخلل فی الصلوة» به تاریخ ۱۳۹۴ هجری قمری، شماره نسخه‌ها: ۱۳۵۴۵ و ۱۳۳۹۷.

حاشیه بر عروة الوثقی

کتاب تقلید و طهارت (نسخه شماره ۱۳۳۹۲) و صلوة و ... (در نسخه شماره ۱۳۳۹۸) صورت نسخه نخست مشاهده می‌شود.

تفسیر قرآن

چاپ با عنوان «التفسیر القرآن الکریم، مفتاح احسن الخزان الالهية». در چهار جلد به شماره‌های ۱۳۴۱۳، ۱۳۴۰۹، ۱۳۴۱۲ و ۵۴۱۵ در ۱۴۴۶ صفحه با قطع بزرگ (۱۹×۲۵) و کاغذهای گاهی از سوره‌های فاتحه کتاب تا بقره، آیه ۴۶.

آیت الله حاج سید مصطفی خمینی فرصت اتمام و تصحیح و تجدید نظر در این تفسیر را نیافت. وی در تفسیر هر آیه، از لغت، صرف، نحو، اعراب، اسم، کتابت، معانی، بیان، بلاغت، تجوید، قرائت، فقه، اصول، فلسفه، کلام، عرفان، اخلاق، نصیحت، علم اعداد و اوفاق بحث می‌کند.

الدروس التي تلقيتها من اعلام النجف

آغاز این نسخه چنین است: «الدروس التي تلقيتها من اعلام النجف... منها ما القاه السيد الشاهرودى... و منها ما القاه السيد الوالد...».

این نسخه، یادداشت‌ها و برداشت‌هایی از آرا و فتاوا در موضوعات فقهی و اصولی است. نقد دیدگاه‌های حضرت آیات عظام: شاهرودی، امام خمینی، خوئی، نائینی، شیخ باقر زنجانی و آیت الله سید محسن حکیم در این کتاب، مورد نظر شهید بزرگوار آیت الله حاج سید مصطفی خمینی بوده است.

در صفحه سوم این کتاب می‌خوانیم: «و منها ما القاه الوالد - مدظله - و هو ان تمسک بعموم قوله «الناس مسلطون علی اموالهم» لاجل تصحيح المعاطاة، غير تمام؛ لان غاية ما يمكن ان يقال تحريراً هو ان مقتضى اطلاق السلطنة على الاموال، سراية الحكم الى الملازمات و اللوازم العرفيه...».

شماره موقت این نسخه ۱۳۳۹۵ است. این نسخه در هفتاد صفحه نگارش یافته است.

کتاب الصلاة

به شماره ۱۳۳۹۴ در ۱۰۳ صفحه و با خط نستعلیق تحریری. این نسخه تاریخ و محل کتاب ندارد.

آغاز: «المقصد الثاني في الامور التي تجب في الصلوة و تسهي من اجزائها...».

انجام: «فقوله لا صلوة بغير افتتاح يورث وجوب الافتتاح بعنوانه و لادخل للغة فيه، لو خلى و طبعه، و اذا تعين الوصف الخاص فهو لا يورث التقويم كما في القراءة.».

کتاب «الخلل فی الصلوة» به شماره ۱۳۳۹۳ دنباله کتاب پیشین است که چنین آغاز می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم و اللعنة على اعداء الدين. المبحث الثالث في الخلل و هو الاسم من الاختلال حسب ما هو المتعارف.».

کتاب الصوم

بیست و سومین و آخرین جلد از مجموعه آثار موجود از آیت الله مصطفی خمینی، در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - «کتاب الصوم» است که دارای شماره موقت ۱۳۳۹۶ است و به خواش جمع از طلاب و در ایام تعطیلی حوزه علمی نجف، به نگارش درآمده است. این کتاب در ۲۳۰ صفحه بر روی کاغذهای گاهی (اصطلاحاً فرنگی) وسط با قدمت حداکثر پنجاه سال) نوشته شده که هر صفحه دارای ۱۴ سطر است. این نسخه تاریخ و محل کتابت ندارد.

گزارش سفر به کشور مغرب

سید محمود مرعشی نجفی

بخش دوم

شش هزار عنوان نشریه وجود دارد.

از سی و پنج درصد از نسخه‌های خطی این کتابخانه میکروفیلم تهیه شده و حدود نیمی از آن‌ها مرمت گردیده است. در هر سال جایزه سلطان حسن دوم، به بهترین نسخه اهدایی به این کتابخانه تعلق می‌گیرد.

نسخه‌های خطی این کتابخانه از چندین مجموعه کتابخانه شخصی افراد و پژوهشگران تشکیل شده و برای هر کدام رموزی با حروف: ذ، ک، ح، ق، ج، علامت‌گذاری شده که مربوط به کتابخانه‌های شخصی استاد عبدالحی کتانی جلاوی، حجوی، ثعالبی و ... است.

در مجموعه نسخه‌های خطی این کتابخانه تعداد ۲۳ نسخه فارسی و دو نسخه ترکی وجود دارد. یک تفسیر خطی از تفسیر سوره یس به من نشان دادند و گفتند احتمالاً ترجمه آن اردوست که من اشتباه آنان را تصحیح کردم و گفتیم: این ترجمه فارسی قدیم است. متأسفانه برخی از نسخه‌های خطی نفیس این کتابخانه تا کنون مرمت نشده است. ترتیب استقرار کتابها در قفسه‌های معمولی است و آن‌گونه که بایسته است به آن کتابخانه عنایت نمی‌شود؛ زیرا در این مجموعه کتاب‌های بسیار نفیس و کهن از سده‌های سوم قمری به بعد وجود دارد که ارزش و اعتباری بسیار دارند.

در روز سه شنبه ۱۳۷۹/۱۲/۹ پس از بازدید از کتابخانه حسنیه، عازم بازدید از الخزانه العامة و یا کتابخانه ملی رباط شدیم. برپایه قرار قبلی و هماهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، با آن کتابخانه به اتفاق همراهان رهسپار آنجا شدیم. آقای دکتر احمد توفیق، رئیس آن کتابخانه، در آن ایام به مدت چهار ماه برای تدریس علوم اسلامی در دانشگاه هاروارد در بوستن در امریکا به سر می‌برد. لذا به هنگام ورود معاون ایشان و تنی چند از دیگر مسئولان کتابخانه به استقبال ما آمدند. نخست به دفتر کتابخانه رفتیم و ضمن خوش‌آمدگویی، از آنان خواستیم تا اطلاعات اندکی در مورد کتابخانه ملی رباط ارائه دهند. وی اظهار داشت: این کتابخانه و مرکز مطالعات در زمان استعمار کشور فرانسه (۱۹۱۹ - ۱۹۲۴ میلادی) بنا نهاده شد. تعداد نسخه‌های خطی آن در حال حاضر بالغ بر یازده هزار مجلد شامل سی هزار عنوان است. شمار کارکنان آن در حال حاضر بیست نفر است. هم‌چنین بخش‌های گوناگونی دارد؛ از جمله بخش مرمت و بازسازی نسخه‌ها که نسبتاً مجهز و دارای تجهیزات مدرن اهدایی از سوی کشور آلمان و اسپانیا است. بخش دیگر، آرشیو اسناد دستنویس و آرشیو مطبوعات است. در این کتابخانه تعداد نیم میلیون نشریه به زبان‌های عربی، فرانسه، انگلیسی، روسی و تعداد

هشتاد سطری ریز، عناوین مشکى، این کتاب با تحقیق استاد حجبى به تازگى در بیست جلد براساس این نسخه چاپ و منتشر شده است.

۱۰. بخشى از قرآن کریم، به خط کوفى کهن در ۱۳۹ برگ.
۱۱. حاشیه‌ى على توضیح خلیل لمختصر ابن الحاجب، از

نسخه‌هاى خطى نفیس که در گنجینه آن کتابخانه دیدم، عبارت‌اند از:

۱. قرآن کریم، خط کوفى، شش سطرى درشت، بر روی کاغذ، کتابت سده پنجم قمرى.

۲. بیاض، خطى ناقص ناشناخته بسیار کهن مورخ اوآخر سده دوم قمرى.

۳. تعلیقه على الموطأ، مهدى بن تومرت، روی پوست، نسخه ناقص مورخ سده ششم قمرى، نسخه هنرى و مذهب، خط مغربى، جلد لولادار مغربى. این نسخه در سال ۱۳۱۲ قمرى بر این کتابخانه وقف شده است.

۴. کتاب العبر ابن خلدون مغربى، نسخه بسیار نفیس و گران‌بها، که در سال ۷۷۹ قمرى بر ابن خلدون خوانده شده و تصحیح و مقابله گردیده است و خطى وی در پایان آمده است؛ دارای خط نسخ عبدالله بن حسن الشهير بولد الفاخورى، قطع وزیرى، عناوین سنگرف.

۵. ارجوزة فى الطب ابن طفیل، مورخ

سده هشتم قمرى، نسخه بسیار نفیس و چاپ نشده.

۶. ترجمه کتاب الاخلاق ارسطو به عربى، از اسحاق بن حنین، کتابت ۶۱۹ قمرى بدون جلد، قطع رقعى بسیار نفیس.

۷. قرآن کریم، شامل پنج جزء از قرآن، تمامی به خط نقره‌ای، مذهب و دارای شمس‌های زرین بر روی پارچه، جلد لولائی بسیار نفیس.

۸. مجموعه دو کتاب در یک جلد: یک: حذف من نسب قریش، خط کوفى مورخ جمعه رمضان سال ۲۵۱ قمرى، قطع وزیرى، نسخه فرسوده. نسخه در سال ۳۶۵ قمرى بر شیخ عمر بن محمد یوسف خوانده و تصحیح شده است. کاتب عبدالله بن محمد الحری الوراق. این نسخه یکی از کهن‌ترین نسخه‌هاى خطى موجود در جهان به‌شمار می‌آید. دو: النصائح المنحیه و الفصائح المخزیه للشیعة و الخوارج ابن حزم اندلسى. مورخ حدود سده هشتم قمرى.

۹. البیان و التحصیل ابن‌رشد، کتابت ۲۶ رجب ۷۲۵، به خط مغربى، احمد بن على بن احمد الصنهاجى، صفحات



در گنجینه نسخه‌هاى خطى کتابخانه سلطنتى، با دکتر احمد شوقى بنبین

ناصرالدین محمد بن حسن اللقانى المالکى، درگذشته ۹۵۸ هجرى قمرى، کتابت ذى‌الحجه ۹۹۵ هق.

۱۲. شرح دیوان ابى الطیب المتنبى، تألیف ابى‌القاسم ابراهیم بن محمد بن زکریا الإفلیلى الاندلسى، درگذشته ۴۴۱ هجرى قمرى، کتابت در اوائل ذى‌القعدة ۹۷۵ هق.

۱۳. حلیة الکمیت، تألیف شمس‌الدین محمد بن حسن بن على بن عثمان النواجى القاهرى، درگذشته ۸۵۹ هجرى قمرى، کتابت در ۱۵ شوال ۹۹۷ هق.

۱۴. نظم الدرر و العقیان فى بیان شرف بنى زیان و ذکر ملوکهم الاعیان و من ملک من اسلافهم فیما مضى من الزمان، تألیف محمد بن عبدالله بن عبدالجلیل التنسى.

۱۵. إتحاف اشرف الملا بیعض اخبار الریاط و سلا، از محمد بن على الدکالی السلاوى، درگذشته ۱۳۶۴ هق.

۱۶. الروض العاطر الانفاس فى اخبار الصالحین من اهل فاس، تألیف ابى‌عبدالله محمد بن محمد بن طاهر بن عیشون الملقب بالشرط، درگذشته ۱۱۰۹ هق، کتابت در ربیع‌الاول ۱۲۰۳ هق.

۲۵. ارجوزة الإشراف على نسب الاقطاب الاربعة الأشراف، از عبدالسلام بن الطيب القادري، اين ارجوزه در فاس سال ۱۳۰۹ هـ ق چاپ شده است.

۲۶. نتيجة التحقيق في بعض اهل الشرف الوثيق، تأليف محمد بن احمد بن المنساوي الدلائي، شامل نسب جمعي از اشراف ادريسيها و نسب اشراف قادري.

۲۷. ارجوزة في نسب الاشراف، از عبدالرحمن بن عبدالقادر الفاسي، درگذشته ۱۰۹۰ هـ ق.

۲۸. كفاية المرید في علم التوحيد، از احمد بن عبدالله الجزايري الزواوي، درگذشته ۸۸۴ هـ ق، كتابت اوائل جمادى الثاني ۹۶۶ هـ ق.

۲۹. رسالة في نسب شرفاء تافلات، تأليف محمد بن المنساوي الدلائي.

۳۰. نسب الاشراف الصقليين الكاظميين، تأليف محمد بن احمد المنساوي الدلائي.

۳۱. اجوبة فقهية فيما يثبت به الشرف للاشراف، تأليف المجيب الحسن بن علي المدعو و ليلو.

۳۲. قرآن كريم، نيمه نخست به خط مغربي قديم، روى پوست، نسخه مذهب كتابت در ۸۰۱ قمرى در تلمسان، ۱۱۲ برگ (شماره ۱۳۳۰ D).

۳۳. تفسير الكشاف، از ابى القاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر زمخشري خوارزمي، درگذشته ۵۳۸ قمرى، كتابت اوائل جمادى الآخر سال ۹۸۹ قمرى (شماره ۸۱۳ D).

۳۴. الكشف عن مشكلات الكشاف، از سراج الدين عمر بن عبدالرحمن بن عمر البهيهانى الكنانى القزوينى الفارسى، درگذشته ۷۴۵ قمرى، كتابت در صفر ۷۴۳ قمرى در عصر مؤلف، ۴۶۲ برگ (شماره ۰۸ D۶).

۳۵. الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، از قاضى ابى الفضل عياض بن موسى بن عياض اليحصبي السبتي، درگذشته در مراکش سال ۵۴۴ قمرى، كتابت در ماه صفر ۹۹۲، ۶۷ برگ (شماره ۰۹۶۳ D).

۳۶. صحيح البخارى، از ابى عبدالله محمد بن ابى الحسن

۱۷. حدائق الازهار الندية في التعريف باهل الزاوية الدلائية، از محمد بن ابى بكر اليازغى از علمای نيمه دوم سده سيزدهم هـ ق.

۱۸. كتاب في نسب الاشراف الحسينيين الصقليين والعراقيين ونسب الاشراف الحسنيين الادارسة والقادريين بالمغرب، از محمد بن احمد بن المنساوي الدلائي، درگذشته ۱۱۳۶ هـ ق.



در دفتر دکتر احمد شوقى بنين

۱۹. المظاهر السامية في النسبة الشريفة الكتانية، تأليف محمد عبدالحى الكتانى، درگذشته ۱۳۸۲ هـ ق.

۲۰. ذيل على التعلل برسم الإسناد بعد انتقال اهل المنزل والناد، از ابى عبدالله محمد بن احمد بن غازى العثمانى المكناسى، تأليف رجب سال ۸۹۶ هـ ق، كتابت شوال ۱۰۰۹ هـ ق.

۲۱. البيوتات النازحة من الاندلس بعد نكبة بنى الاحمر، وما قيل من القصائد في فقد الاندلس، مؤلف مجهول.

۲۲. تقييد في نسب السادات الاشراف الادارسة الجوطيين، تأليف محمد بن احمد المنساوي الدلائي.

۲۳. فتوى في ان النسب هو قطعى وليس بظنى لمن ثبت نسبه، تأليف مفتى على بن عيسى بن على الشريف الحسنى العلمى، از علمای سده دوازدهم هـ ق.

۲۴. ارجوزة درة التيجان ولقطة اللؤلؤ والمرجان في نسب الاشراف، از محمد بن عبدالرحمن الدلائي البكرى، درگذشته ۱۱۴۲ هـ ق.

۴۵. دیوان ابی فراس الحمدانی الحارث بن سعید بن حمدان بن حمدون، درگذشته ۳۵۷ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت ۵۸۸ قمری به خط اندلسی، ضمن مجموعه (D ۱۳۱۰) برگ ۱ تا ۷۶.

۴۶. دیوان ابی الربیع سلیمان بن ابی محمد عبدالله بن ابی محمد عبدالمؤمن بن علی الموحدی، درگذشته ۶۰۴ قمری،

اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره الجعفی البخاری، درگذشته ۲۵۶ قمری نسخه بسیار کهن و نفیس کتابت در اواخر ذیقعد سال ۴۹۲ قمری شامل پنج جزء در یک مجلد (شماره D ۱۳۳۲).
 ۳۷. مقدمه علی صحیح البخاری از محمد بن قاسم بن محمد بن قاسم بن احمد جسوس، درگذشته ۱۱۸۲ قمری، نسخه اصل به خط مؤلف ضمن مجموعه (شماره D ۲۸۳) از برگ ۲۱ تا ۲۶.

۳۸. تذکرة المحبین فی اسماء سید المرسلین، از ابی عبدالله محمد بن ابی‌الفضل قاسم الانصاری، التونسی الشهیر بالرصاع، درگذشته ۸۹۴ قمری، کتابت در ۲۰ شوال ۹۹۸، به خط مغربی ضمن مجموعه (D ۱۳۵۸) از برگ ۱ تا ۴۴.

۳۹. الاضواء البهجة فی ابرار دقائق المنفرجة لابن النحوی التوزری، تألیف ابی‌یحیی زکریا بن محمد بن احمد الانصاری الشافعی، درگذشته ۹۲۶ قمری، کتابت در ۸۸۱ قمری در عصر مؤلف ضمن مجموعه (شماره D ۱۶۴۳) برگ ۲۳۷ تا ۲۵۱.



در گنجینه نسخه‌های خطی در کتابخانه رباط

۴۰. تحفة الانفس و شعار سکان

الاندلس، از ابی‌الحسن علی بن عبدالرحمن بن هذیل الاندلسی از عالمان سده هشتم قمری، کتابت دوشنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۹۶۴ قمری، ۹۵ برگ (شماره D ۱۱۰۸).

۴۱. مختصر ابی عمرو عثمان بن عمر بن ابی‌بکر بن الحاجب، درگذشته ۶۴۶ قمری کتابت ۲۱ جمادی‌الآخر سال ۷۱۹ قمری به خط اندلسی، ۱۱۵ برگ (شماره D ۸۸۷).

۴۲. نسخه دیگر از همان کتاب مورخ ربیع‌الاول سال ۸۹۰ قمری (شماره D ۱۴۷۴).

۴۳. صحاح اللغة، از ابی‌نصر اسماعیل بن حماد جوهری فارابی، درگذشته ۳۹۳ قمری، کتابت در صفر ۷۲۷، ۳۵۰ برگ (شماره D ۱۰۰۸).

۴۴. کتاب خلق الانسان، از ابی‌اسحاق ابراهیم بن السری بن سهل الزجاج النحوی، درگذشته ۳۱۱ قمری، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت در نیمه شوال سال ۵۳۲ به خط مغربی معرب، ۱۶ برگ (شماره D ۹۲۹).

۴۵. دیوان ابی فراس الحمدانی الحارث بن سعید بن حمدان بن حمدون، درگذشته ۳۵۷ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت ۵۸۸ قمری به خط اندلسی، ضمن مجموعه (D ۱۳۱۰) برگ ۱ تا ۷۶.

۴۶. دیوان ابی الربیع سلیمان بن ابی محمد عبدالله بن ابی محمد عبدالمؤمن بن علی الموحدی، درگذشته ۶۰۴ قمری،

نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت در سوم شعبان ۵۸۸ در عصر شاعر ضمن مجموعه (D ۱۳۱۰) برگ ۷۷ تا ۱۰۱.

۴۷. دیوان شعر، مجهول، عربی، کتابت در ۶۱۱ قمری، ۱۵۷ برگ (شماره D ۱۵۹۳).

۴۸. حلبة الكمیت، از شمس‌الدین محمد بن حسن بن علی بن عثمان النواحی القاهری الشافعی، درگذشته ۸۵۹ قمری، کتابت در سوم محرم سال ۸۹۶، ۲۱۴ برگ (شماره D ۵۹۶).

۴۹. بغية المشتاق فی نوادر العشاق، مجهول، کتابت در اوائل محرم سال ۹۸۰، به خط مغربی خوش (شماره D ۱۱۳۲).

۵۰. المقامات الحریریة، از ابی‌محمد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان حریری بصری، درگذشته ۵۱۶ قمری، کتابت در رجب ۹۹۰، به خط عبدالرحمن بن احمد بن القاضی خط مغربی، برگ ۹۹ تا ۲۲۳ (شماره D ۱۰۶۶).

۵۱. نظم الدر والعقیان فی بیان شرف بنی زیان، از ابی‌عبدالله محمد بن عبدالله بن عبدالجلیل التنسی، درگذشته ۸۹۹ قمری،

۴۱. مختصر ابی عمرو عثمان بن عمر بن ابی‌بکر بن الحاجب، درگذشته ۶۴۶ قمری کتابت ۲۱ جمادی‌الآخر سال ۷۱۹ قمری به خط اندلسی، ۱۱۵ برگ (شماره D ۸۸۷).

۴۲. نسخه دیگر از همان کتاب مورخ ربیع‌الاول سال ۸۹۰ قمری (شماره D ۱۴۷۴).

۴۳. صحاح اللغة، از ابی‌نصر اسماعیل بن حماد جوهری فارابی، درگذشته ۳۹۳ قمری، کتابت در صفر ۷۲۷، ۳۵۰ برگ (شماره D ۱۰۰۸).

۴۴. کتاب خلق الانسان، از ابی‌اسحاق ابراهیم بن السری بن سهل الزجاج النحوی، درگذشته ۳۱۱ قمری، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت در نیمه شوال سال ۵۳۲ به خط مغربی معرب، ۱۶ برگ (شماره D ۹۲۹).

کتابت ۱۶ محرم ۹۹۸، به خط علی بن عبدالله ۲۰۲ برگ (شماره ۹۰۲ D).
 ۵۸. نسخه دیگر از همان کتاب، کتابت در ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۴، به خط مغربی برگ ۴۰ تا ۵۵ (شماره ۱۴۷۱ D).
 ۵۹. الانوار الحسنية، فی نسبة من بسجلماسة من الاشراف المحمدية، از احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالعزيز

بن حسن بن يوسف الحسنی برگ ۳۳ تا ۶۴ به خط مغربی (شماره ۱۳۵۱ D).
 ۶۰. الدرالسني فی بعض ما بفاس من اهل النسب الحسنی، از ابی محمد عبدالسلام بن الطیب القادری الحسنی، درگذشته ۱۱۱۰ قمری «۱۱۱ برگ» خط مغربی (شماره ۱۴۵۶ D).

۶۱. تقييد فی التعريف بالشرفاء الجوطيين، از ابی محمد عبدالسلام بن الطیب القادری، به خط عبدالمجید بن علی بن محمد بن علی الحسنی المنالی منقول از نسخه نوه مؤلف، منقول از نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۱۱۴۷ قمری، خط مغربی برگ ۱ تا ۴ (شماره ۱۶۳۲ D).

۶۲. تقييد مشتمل علی فروغ بنی عمران من القبائل الهبطية، از عیسی بن احمد بن عیسی بن موسی بن عیاد بن احمد النجار الشریف العمرانی الحینی البوشدادي من قبيلة سوماتة، به خط عبدالمجید بن علی المنالی الحسنی از نسخه نوه مؤلف، منقول از نسخه مؤلف، ۹ برگ (شماره ۱۶۳۲ D).

۶۳. تحویل فی اهل الدعاوی الباطلة الواهية علی النسبة النبوية الکریمة، مؤلف ناشناخته، ضمن مجموعه (شماره ۲۸۳ D) برگ ۱/۷۱ و ۷۱ ب.

۶۴. الانجم الزاهرة فی الذرية المطهرة، از ابی عبدالله محمد التهامی بن محمد بن احمد بن علی بن رحمون الحسنی العلمی، زنده تا سال ۱۱۳۰ قمری، از برگ ۱۹۰ تا ۲۱۸ (شماره ۱۴۸۴ D).

۶۵. شذور الذهب فی خیر نسب، از ابی عبدالله محمد التهامی بن محمد بن احمد بن علی بن رحمون الحسنی العلمی، زنده تا سال ۱۱۳۰ قمری. این کتاب را وی در ۱۹ رجب سال ۱۱۲۱ نگاشته است. خط مغربی برگ ۱ تا ۱۸۹ (شماره ۱۴۸۴ D).

کتابت ۱۶ محرم ۹۹۸، به خط علی بن عبدالله ۲۰۲ برگ (شماره ۹۰۲ D).
 ۵۲. التعريف بأل بيت النبي ﷺ، از ابی زید عبدالرحمن القيروانی، درگذشته ۳۸۶ قمری، ۲۰ برگ به خط مغربی (شماره ۱۴۹۹ D).



در گنجینه نسخه‌های خطی در کتابخانه رباط

۵۳. المقتضب من كتاب جمهرة النسب، از یاقوت بن عبدالله الحموی البغدادي، درگذشته ۶۲۶ قمری، ۱۵۸ برگ. وی کتاب جمهرة النسب ابن الكلبي را تلخیص کرده است (شماره ۱۳۱۵ D).

۵۴. بهجة الناظرين و انس العارفين، از ابی عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد الزموری، درگذشته ۷۳۱ قمری، ۱۱۹ برگ خط مغربی (شماره ۱۳۴۳ D).

۵۵. نسخه دیگر از همان کتاب در ۱۹۵ صفحه (شماره ۱۵۰۱ D).

۵۶. تواریخ الاخبار و التعريف بنسب النبي المختار، از نورالدین ابی الحسن علی بن محمد بن ابی القاسم بن محمد بن فرحون الیعمری القرطبی المالکی، درگذشته ۷۴۶ قمری، برگ ۱۳۴ تا ۱۴۲ خط مغربی (شماره ۱۳۴۸ D).

۵۷. کتاب فی انساب الشرفاء ألدین لهم شهرة بفاس، از ابی محمد عبدالقادر بن عبوالشبهی الحسنی الجوطی، درگذشته ۱۰۹۹ قمری، برگ ۷۵ تا ۱۱۴، خط مغربی کتابت سال

۶۶. جواب عن سؤال يتعلق بوفاة سيدنا الحسين بن علي، واسم زوجته، وكم ترك من البنين، وهل لحق عقب منهم الى المغرب، از ابی‌العباس یا ابی‌الفضل احمد بن عبدالقادر بن علی بن احمد بن محمد القادری الحسنى، درگذشته ۱۱۳۳ قمری، برگ ۱/۴ تا ۷/ب، کتابت در شنبه ۱۱ رمضان سال ۱۱۴۷ به خط عبدالمجید بن علی بن محمد المنالی الحسنى (شماره D ۱۶۳۲).

۶۷. رساله در نسب شرفاء علمین، از ابی‌العباس احمد بن عبدالقادر بن علی علال بن احمد بن القادری، درگذشته در شهر فاس مغرب در سال ۱۱۳۳ قمری، ۳۵ برگ (شماره D ۷۷۱).

۶۸. رساله فی نسب السادات الاشراف الادارسة الجوطیین، از محمد بن احمد بن المسناوی ابن محمد بن ابی‌بکر الدلائی، درگذشته ۱۱۳۶ قمری، کتابت در دوشنبه ۲۲ رمضان سال ۱۱۴۷، به خط مغربی عبدالمجید بن علی المنالی الحسنى، برگ ۹/ب تا ۱۱/۱ (شماره D ۱۶۳۲).

۶۹. التحقيق فی النسب الوثيق، او الاعتبار فی نسب النبى المختار والتعريف بازواجه واولاده، از احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن احمد بن عبدالرحمن بن محمد المکی العشماوی، زنده تا سال ۱۱۴۲ قمری، کتابت شب چهارشنبه ۱۲ رجب سال ۱۲۵۴ قمری، به خط مغربی عبدالقادر بن علی البویحی‌اوی الشریف الادریسی در مراکش در ۱۰ برگ (شماره D ۱۰۴۹).

۷۰. نسخه دیگر کتابت ۳ شنبه ۱۰ جمادی الاولی ۱۲۶۲، به خط مغربی محمد بن مبارک الدکالی، از برگ ۱/۱ تا ۱/۳۲ (شماره D ۱۳۵۱).

۷۱. قصیده فی نسب القادریین، از ابی‌عبدالله محمد الطیب بن مسعود بن احمد المرینی، درگذشته در فاس مغرب سال ۱۱۴۲ قمری، از برگ ۱/۳ تا ۳/ب کتابت پنجشنبه ۹ ربیع الاول ۱۱۴۹، به خط مغربی (شماره D ۱۶۳۰).

۷۲. الاشراف علی بعض من بفاس من مشاهیر الاشراف، از ابی‌عبدالله محمد الطالب بن حمدون بن عبدالرحمن بن الحاج السلمی النجار الفاسی، درگذشته ۱۲۷۴ قمری. وی در این اثر نسب اشراف را جمع آورده است. کتابت شنبه ۴ رجب سال ۱۲۶۰، در عصر مؤلف به خط مغربی، در ۱۲۴ برگ (شماره D ۶۵۳).

۷۳. یاقوتة النسب الوهاجة و فی ضمنها التعريف بسیدی

محمد بن علی مولی مجاجة او الیواقیت الثمینة الوهاجة فی التعريف بسیدی محمد بن علی مجاجة، از ابی‌حامد العربی ابن عبدالقادر المشرفی الحسنى الادریسی، درگذشته ۱۳۱۳ قمری در ۸۸ برگ (شماره D ۱۵۳۴).

۷۴. تقیید فی ذکر شرفاء المغرب وصلحائه وقبائله، از عبدالعظیم الزموری کتابت شنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری، برگ ۱۶۵/ب تا ۱۷۴/ب (شماره D ۱۵۹۵).

۷۵. ذکر نسب بعض الصحابة و نسب الاشراف الادریسیین و غیرهم، از ابی‌بکر بن محمد السیوطی، از برگ ۹۳/ب تا ۱۱۲/ب. در صحت نسبت این کتاب به ابی‌بکر سیوطی تردید وجود دارد (شماره D ۱۱۰۳).

۷۶. مختصر البیان فی نسب آل عدنان، از ابی‌العباس احمد بن ابی‌عبدالله محمد بن احمد بن محمد فتحا ابن عبدالله بن یحیی بن جزی الکلبی الاندلسی الغرناطی الجزیری. گزیده‌ای است از کتاب عبدالله بن عیسی بن محمد بن خلدون التونسی، کتابت صفر سال ۱۱۷۵ قمری به خط مغربی برگ ۳۸/ب تا ۱/۵۵ (شماره D ۱۰۹۳).

۷۷. نسخه دیگر به خط مغربی محمد بن الحسین بن سالم بن عمرو آل‌سیدی سلیمان بن محمد البوعمرانی الحسنى، برگ ۱/ب تا ۴۲/ب (شماره D ۱۱۳۳).

۷۸. نسخه دیگر کتابت دوشنبه ۲۸ ربیع الاول ۱۲۹۵ به خط مغربی از برگ ۱/۱۳۳ تا ۱۸۹/ب (شماره D ۱۴۲۸).

۷۹. زهرة الاخبار فی کنز الاسرار و معدن الانوار فی آل بیت النبى المختار، از احمد بن محمد بن عبدالله الکلبی المقری التلمسانی برگ ۱/ب تا ۲۰/ب. این کتاب در سال ۱۳۴۹ قمری، در مغرب به چاپ رسیده است (شماره D ۷۸۴).

۸۰. مناقب الابرار و محاسن الاخیار، از قاضی تاج‌الاسلام ابی‌عبدالله الحسین بن نصر بن محمد بن خمیس الموصلی الجهنی، درگذشته ۵۵۲ قمری، کتابت ۲۹ جمادی‌الآخر سال ۷۳۲، در یکی از مدارس شهر دمشق سوریه، برگ ۱/ب تا ۱۹۹/ب (شماره D ۱۰۲۷).

۸۱. اللمحات الانسیة فی شرح القصيدة المسماة بالنفحات القدسیة، از ابی‌علی الحسن بن ابی‌القاسم بن حسن بن بادیس القسنطینی، درگذشته ۷۸۷ قمری، کتابت اواخر ذیحجه سال ۷۶۰ قمری، در عصر مؤلف به خط مغربی (شماره D ۱۶۴۱).

نیمه سال ۲۷۲ قمری نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت در ۵۶۷ قمری به خط ابی الفتح بن حسن بن عمرالشعرانی المنجم، برگ ۱ تا ۷۳ (شماره ۷۶۹ D).

۹۲. الثمرة فی علم الاحکام، از بطلمیوس به ضمیمه شرح آن از احمد بن یوسف بن ابراهیم المهندس المصری، هر دو رساله به فارسی، نسخه بسیار ارزنده و کهن و نفیس، کتابت ۵۶۷ قمری به خط ابی الفتح بن الحسن بن عمر الشعرانی المنجم، برگ ۷۴ تا ۱۱۹ (شماره ۷۶۹ D).

۹۳. الاسباب والعلامات، از نجیب الدین ابی حامد محمد بن علی بن عمر السمرقندی، درگذشته در هرات سال ۶۱۹ قمری کتابت ۷۴۴ قمری به خط حسن بن محمد المجاور (شماره ۵۷۸ D).

۹۴. الاغذیه و الاشریة للمرضی، از محمد بن علی السمرقندی، کتابت ۷۴۴ قمری، برگ ۵۲ تا ۷۴ (شماره ۵۷۸ D).

۹۵. رساله فی مداواة و جمع المفاصل، از محمد بن علی السمرقندی، کتابت شنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۷۴۴ برگ ۱۳۳ و ۱۳۴ (شماره ۵۷۸ D).

۹۶. کتاب الایلاقی، از محمد بن علی السمرقندی، کتابت شنبه ۳ رجب سال ۷۴۴، به خط حسن بن محمد المجاور، برگ ۱۷۴ تا ۱۹۰ (شماره ۵۷۸ D).

۹۷. کتاب الموجز من القانون، از علاء الدین ابی الحسن علی بن ابی الحزم القرشی الشهیر بابن النفیس، درگذشته ۶۸۷ قمری کتابت شنبه ۳ رجب سال ۷۴۴ قمری، به خط حسن بن محمد المجاور برگ ۱۳۵ تا ۱۷۳ (شماره ۵۷۸ D).

۹۸. الکشف والبیان فی تفسیر القرآن، از ابی اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی النیشابوری، درگذشته ۴۲۷ قمری،

۸۲. تحفة القضاء ببعض فضائل العلماء، از احمد بابا التنبکتی برگ ۱/۳۰۲ تا ۱/۳۲۱ (شماره ۱۶۴۱ D).

۸۳. جداول فی الانساب، از شیخ المشایخ عبدالقادر الفاسی، برگ ۴۴/ب تا ۱/۶۰ (شماره ۱۳۹۴ D).

۸۴. الاغتباط بتراجم اعلام الرباط، از ابی عبدالله محمد بن مصطفی بوجندار الرباطی، درگذشته ۱۳۴۵ قمری، تألیف سال ۱۳۴۴ قمری، نسخه به خط مغربی احتمالاً به خط مؤلف در ۲۶۶ برگ (شماره ۱۲۸۷ D).

۸۵. روضة الافئدة فی وفيات الاعیان، از محمد بن احمد السوسی الجلولی الاکراری، درگذشته ۱۳۵۸ قمری، نسخه اصل به خط مؤلف در نیمه ربیع الثانی ۱۳۵۱ قمری، در ۱۲۲ برگ (شماره ۱۳۲۲ D).

۸۶. معجم ما استعجم، از ابی عبید عبدالله بن عبدالعزیز بن ابی مصعب البکری المرسی الاندلسی، درگذشته ۴۸۷ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن کتابت ۲۴ رمضان ۵۸۳ قمری به خط اندلسی مغربی در ۱۷۰ برگ (شماره ۱۲۹۴ D).

۸۷. رحلة العبدی، از ابو عبدالله محمد بن محمد بن علی بن احمد بن سعود العبدی الحیحی، درگذشته اواخر سده هفتم قمری، کتابت شنبه اول رمضان ۹۸۱ به خط مغربی حسین بن علی بن احمد بن محمد المسکالی الیرغینی، در ۱۴۸ برگ (شماره ۱۰۱۲ D).

۸۸. تحریر اصول الهندسة لافلیدس^۱ از خواجه نصیرالدین طوسی، ابی جعفر محمد بن محمد بن حسن، درگذشته در بغداد سال ۶۷۲ قمری نسخه نفیس دارای اشکال هندسی نسخه زیبا به خط مغربی در ۱۳۸ برگ (شماره ۱۱۲۷ D).

۸۹. کتاب فی کلام علی ذوات الاسماء، وما يتصل بها من الشرح والبیان بالصورة والمثال، از مؤلف مجهول کتابت اواخر شعبان ۸۴۱ به خط مغربی در مکه مکرمه، برگ ۲۵۱ تا ۲۵۸ (شماره ۱۶۷۸ D).

۹۰. کشف الاسرار عن علم حروف الفبار، از ابی الحسن علی بن محمد بن محمد بن محمد بن علی القرشی الشهیر بالقلصادی السبیطینی، درگذشته در باجه افریقا سال ۸۹۱ قمری، کتابت اواخر رجب ۸۵۲ قمری در عصر مؤلف، برگ ۱ تا ۲۰ (شماره ۱۴۱۱ D).

۹۱. الاختیارات فی الاعمال والحوادث من امور السلاطین، از ابومعشر جعفر بن محمد بن عمر البلخی منجم، درگذشته در

۱. تحریر افلیدس از خواجه نصیرالدین طوسی تاکنون چند بار به چاپ رسیده است. نخستین چاپ آن با متن عربی در سال ۱۵۹۳ میلادی در شهر رم ایتالیا چاپ شده و از آن زمان تاکنون بیش از چهارصد و هشت سال می گذرد. این کتاب و نیز برخی از آثار ابن سینا از جمله کتاب قانون در دانشگاه های آن زمان در ایتالیا تدریس می شده و دلیل آن، همان چاپ متن عربی آن است که در آن زمان انجام شده؛ در زمانی که در کشور ما و دیگر کشورهای اسلامی از چاپ خبری نبوده است. دو نسخه از همین کتاب که در سال ۱۵۹۳ میلادی در رم به چاپ رسیده در این کتابخانه موجود است و همچون نسخه های خطی ارزش بسیاری دارد.

۱۰۷. القول العلی لشرح الاثر المروی عن سیدنا الامام علی رضی الله عنه، از ابی عبدالله محمد بن احمد بن سالم بن سلیمان السفارینی النابلسی الحنبلی، درگذشته ۱۱۸۸ قمری، بدون تاریخ کتابت. از روی نسخه‌ای به خط مؤلف کتابت شده است. برگ ۱ تا ۱۱۷ (شماره ۱۰۵ ک).

۱۰۸. السیره النبویه، از ابی محمد عبدالملک بن هشام کتابت در ۶۱۹ قمری، به خط عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن الانصاری (شماره ۷۷ ک).

شامل بخشی از سوره بقره، بدون تاریخ کتابت در ۵۰ برگ ۲۴ سطری (شماره ۱۳۶ ک).

۹۹. تعلیقات علی الكشف و البیان فی تفسیر القرآن للشعلبی، از ابی محمد عبدالقادر بن ابی القاسم العراقی الحسینی الفاسی، درگذشته ۱۳۱۳ قمری. نسخه کامل نیست. برگ ۱۷۵ تا ۱۸۰ (شماره ۶۴ ک).

۱۰۰. اخلاق حملة القرآن، از ابی بکر محمد بن حسین بن عبدالله الآجری الشافعی، درگذشته ۳۶۰ قمری کتابت ۲۷ ذیحجه ۸۱۶ برگ ۶۱ تا ۷۱ (شماره ۳۷ ک).

۱۰۱. کتاب التبیان فی آداب حملة القرآن، از ابی زکریا یحیی بن شرف الحزامی الحورانی معروف به نووی، درگذشته ۶۷۶ قمری کتابت اوائل سده هشتم قمری برگ ۱ تا ۲۵ (شماره ۳۷ ک).

۱۰۲. فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الربیب یا «حاشیه علی الكشف»، از شرف الدین حسین بن محمد بن عبدالله الطیبی، درگذشته ۷۴۳ قمری کتابت اوائل جمادی الآخر سال ۹۴۱ قمری در ۱۵۸ برگ.

۱۰۳. صحیح البخاری، کتابت ۱۷ ربیع الآخر ۷۸۹ قمری (شماره ۹۳ ک).

۱۰۴. المنهل الروی فی الحدیث النبوی،



استاد صبیحی، مسؤول کتابخانه، در گنجینه نسخه‌های خطی

۱۰۹. نسخه دیگر کتابت ظهر چهارشنبه ۸۴۷ قمری (شماره ۱۰۳ ک).

۱۱۰. الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، از قاضی ابی الفضل عیاض بن موسی بن عیاض الیحصبی السبئی، درگذشته ۵۴۴ قمری کتابت جمعه ۲۰ شوال ۸۷۷. به خط ابراهیم بن احمد بن عمر بن یونس النابلسی الشافعی (شماره ۹۶ ک).

۱۱۱. المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، از شهاب احمد بن محمد بن ابی بکر القسطلانی القتیبی المصری، درگذشته ۹۲۳ قمری کتابت ظهر چهارشنبه ۲۶ جمادی الاولی ۹۸۹ (شماره ۱۸۷ ک).

از بدرالدین محمد بن ابراهیم بن سعدالله بن جماعة الکنانی الحموی الشافعی، درگذشته ۷۳۳ قمری، در تلخیص علوم الحدیث ابن الصلاح، کتابت یکشنبه ۲۱ جمادی الثانی ۸۱۱ قمری به خط احمد بن احمد بن محمد (شماره ۳۷ ک).

۱۰۵. احیاء القلب المیت بدخول البیت، از ابی الفضل عبدالرحیم بن الحسین بن عبدالرحمن الکردی العراقی المصری الشافعی، درگذشته ۸۰۶ قمری، به خط تونسلی که بر مؤلف خوانده شده، کتابت سال ۸۶۸ قمری (شماره ۹۱ ک).

۱۰۶. ایضاح البرهان فی الثناء علی السلطان، از علم الدین صالح بن عمر بن رسلان البلقینی القاهری الشافعی، درگذشته ۸۶۸ قمری کتابت سه‌شنبه ۱۲ رمضان ۸۵۹ قمری در عصر مؤلف، به خط ابی بکر بن ابراهیم بن محمد بن عمر بن فلاح. برگ ۱ تا ۵ (شماره ۲۰۳ ک).

۱. نسخه بسیار نفیس و کهن مورخ سده هفتم قمری در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود و شامل نیمی از کتاب و با نسخه اصل مقابله و تصحیح شده است.

۱۲۲. التقسیم والتبیین فی حکم اموال المستغرقین، از ابی زکریا یحیی بن محمد بن الولید الشبلی، کتابت ۲۴ ربیع الاول ۸۶۷ قمری، به خط علی بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن... برگ ۱ تا ۲۰۶ (شماره ۳۳ ک).

۱۲۳. منهاج الوصول الی علم الاصول، از قاضی عبدالله بن عمر بن محمد بن علی البیضاوی، درگذشته ۶۸۵ قمری، کتابت نیمه شعبان ۷۰۸ در ۱۸ برگ به خط نستعلیق (ش ۱۶۳ ک).

۱۲۴. شرح المختصر الاصلی لابن الحاجب، از حسن بن محمد حسین قمی نیشابوری معروف به نظام، درگذشته ۸۵۰ قمری کتابت جمعه ۲۴ شعبان ۸۷۵ در ۲۹۳ صفحه (شماره ۱۶۵ ک).

۱۲۵. العافیة، از ابی محمد عبدالحق بن عبدالرحمن بن عبدالله الازدی الخزرچی الاشبیلی معروف به ابن الخراط، درگذشته ۵۸۱ قمری کتابت سه شنبه ۶ محرم ۹۴۶ به خط سلیمان بن ابراهیم بن داود بن الیاس بن عبدالله الشافعی، نسخه را محمد بن ابراهیم بن محمد الشافعی، مالک آن، مقابله و تصحیح کرده است (شماره ۲ ک).

۱۲۶. حادی الارواح الی بلاد الأفراح، از ابی عبدالله محمد بن ابی بکر بن ایوب بن قیم الجوزیة الزرعی الدمشقی، درگذشته ۷۵۱ قمری، کتابت دوشنبه ۲۴ ربیع الاول ۸۵۵ (شماره ۶۷ ک).

۱۲۷. قوت القلوب فی معاملة المحبوب، از ابی طالب محمد بن علی بن عطیة الحارثی المکی، درگذشته ۳۸۶ قمری، کتابت سده دهم قمری به خط مغربی. این نسخه را با نسخه ای که بر آن خط شیخ ابن عباد نوشته شده بوده ابی العباس احمد بن ابی المحاسن الفاسی در سال ۹۹۲ ق مقابله و تصحیح کرده است، در ۳۴۸ صفحه (شماره ۷ ک).

۱۲۸. الرسالة القشیریة^۲ از ابی القاسم عبدالکریم بن هوزان بن عبدالملک القشیری النیشابوری، درگذشته ۴۶۵ قمری کتابت سه شنبه ۱۸ رجب ۷۳۰ به خط محمد البغدادی الطرابلسی. این نسخه با نسخه مورخ ۵۱۷ قمری مقابله و تصحیح شده است.

۱۱۲. نسخه دیگر مورخ ظهر دوشنبه ۱۱ صفر سال ۹۹۰، به خط اسماعیل بن علی بن محمد بن یحیی الغرینی الصنادیدی الشافعی (شماره ۸۵ ک).

۱۱۳. الثشوف الی رجال التصوف، از ابی الحجاج یوسف بن یحیی بن عیسی التادلی المعروف بابن الزیات، درگذشته ۶۲۷ قمری کتابت ۲۰ ذیحجه ۱۰۱۹ قمری (شماره ۵۶ ک).^۱

۱۱۴. تاج الحسن الباهر فی اهل النسب الطاهر، از ابی حامد العربی ابن محمد بن قاسم العلوی المدغری الحسینی، درگذشته ۱۳۰۹ قمری، نسخه بدون تاریخ، سال تألیف ۱۲۹۱ قمری، برگ ۳۰۱ تا ۳۷۰ (شماره ۳۸ ک).

۱۱۵. فهرست ابی عبدالله محمد بن عبدالحی الکتانی، که برای محمد صادق بن محمد طاهر بن محمد النیفر التونسی المالکی نگاشته است. ناتمام، به خط مغربی، بدون تاریخ، برگ ۴۸ تا ۱۴۴ (شماره ۴۸ ک).

۱۱۶. کتاب الارشاد فی قواعد العقائد، از امام الحرمین ابی المعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف الجونی، درگذشته ۴۷۸ قمری، کتابت شنبه ۲۶ صفر سال ۸۰۶ برگ ۱۴۹ تا ۱۹۴ (شماره ۱۶۰ ک).

۱۱۷. المنفذ من الضلال والمفصح عن الاحوال، از ابی حامد محمد بن محمد الغزالی، کتابت ۱۸ جمادی الاولى ۷۴۹ برگ ۱۲۷ تا ۱۵۷ (شماره ۱۱۷ ک).

۱۱۸. شرح المواقف لعضدالدین الایجی، از میرسید شریف جرجانی، درگذشته ۸۱۶ قمری، کتابت شوال ۸۸۹ قمری در سمرقند، به خط محمد بن محمد بن محمد بن احمد بن علی خطیب جامع الظاهر بالحسینیة در قاهره در ۳۵۸ برگ (شماره ۱۶۹ ک).

۱۱۹. کتاب الاحکام فی تمییز الفتاوی عن الاحکام و تصرفات القاضی و الامام، از شهاب الدین احمد بن ادیس بن عبدالرحمن الصنهاجی القرافی، درگذشته ۶۸۴ قمری کتابت اوائل رمضان ۸۰۶ قمری، برگ ۲ تا ۱۲ (شماره ۱۶۰ ک).

۱۲۰. المختصر الفقهی، از ابن عرفة، کتابت ۲۶ رمضان ۹۸۲، به خط حسن بن علی البوشومی المالکی، در ۵۱۵ صفحه (شماره ۷۶ ک).

۱۲۱. تحفة اولی النفوس الزکیة فی المسائل المکیة فی الموارث، مؤلف مجهول، کتابت ۱۶ ذیقعد ۸۵۲ قمری به خط عبدالقادر بن محمد بن عبدالرحمن (شماره ۱۵۲ ک).

۱. این کتاب در مغرب به چاپ رسیده است.

۲. نسخه بسیار نفیس و کهنی از این کتاب که در سده هفتم قمری کتابت شده است، در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود و در جلد سی ام فهرست نسخه های خطی معرفی شده است.

۱۲۹. شرح اسماء الله الحسنى، از ابی محمد عبدالسلام بن عبدالطالب المسراتی، درگذشته در فیروان سال ۶۴۶ قمری، کتابت جمادی الاولى ۸۴۴ به خط یوسف بن ابراهیم المغربی الحنفی، شامل ۲۲۱ صفحه (شماره ۴۴ ک).

۱۳۰. ریاض الصالحین و بستان المستمعین، از ابی زکریا یحیی النووی، کتابت سال ۹۵۶ قمری در ۷۸ برگ (شماره ۸۷ ک).

۱۴۰. سوابغ النوابع در شرح نوابع الکلم زمخشری، از جمال‌الدین محمد بن ابراهیم الحلبی الربعی الحنفی معروف بابن‌الحنبلی، درگذشته ۹۷۱ قمری، تاریخ تألیف سال ۹۶۷ قمری، خط مغربی فاقد تاریخ کتابت (شماره ۱۸۰۰ د).

۱۳۱. القول البدیع فی الصلاة علی الحبيب الشفیع، از شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن بن ابی‌بکر السخاوی المصری الشافعی، درگذشته ۹۰۲ قمری نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۸۶۱ قمری، در مسجد الغمری قاهره ۲۵۶ برگ (شماره ۱۱ ک).

۱۴۱. استدراک علی تبیان بدیعة البیان، از محمد بن عبدالله دمشقی مشهور بابن ناصرالدین، کتابت آخر ربیع‌الاول ۸۹۱ قمری، به خط نسخ محمد بن الطرابلسی الحنفی برگ ۱۵۷ تا ۱۶۲ (شماره ۱۸۰۴ د).

۱۳۲. الانوار الزکیة علی المکودی شارح الالفیة، از ابی محمد عبدالقادر العراقی نسخه اصل به خط مؤلف برگ ۱۰۴ تا ۱۲۸ (شماره ۶۴ ک).

۱۴۲. النجم الثاقب فیما لاولیاءالله من مفاخر المناقب، از محمد بن احمد بن ابی‌الفضل بن سعد الانصاری التلمسانی، درگذشته در مصر سال ۹۰۱ قمری، در دو جلد به ترتیب الفبایی در شرح احوال و تراجم اهل سنت. مؤلف این کتاب را برای خزانه سلطان المتوکل علی الله ابی‌عبدالله نگاهشته است، به خط مغربی، ج ۱، کتابت ۲۳ ذیحجه ۱۲۹۰ و ج ۲ کتابت ۲۱ محرم ۱۲۹۱. این کتاب تا کنون چاپ نشده و بروکلیمان آن را ندیده است (شماره ۱۹۱۰ د).

۱۳۳. رفع الخفاء علی منظومة البناء، از ابی محمد عبدالقادر العراقی، نسخه اصل به خط مؤلف، برگ ۱۲۹ تا ۱۳۵ (شماره ۶۴ ک).

۱۴۳. انس الجلیل فی جلو العنادیس عن سینیة ابن‌بادیس، از قاضی بجایة احمد بن محمد بن عثمان بن یعقوب بن سعید بن عبدالله المانوی الورنیدی معروف بابن‌الحاج، درگذشته ۹۳۰ قمری، کتابت شب ۴ رجب ۹۹۶ قمری به خط علی بن عبدالکریم بن عبدالقوی ابن جابر الحدادی العمرانی، برگ ۱۴۳ تا ۱۸۰ (شماره ۲۱۰۸ د).

۱۳۴. نهج البلاغة، از شریف رضی، درگذشته در بغداد سال ۶۰۶ قمری، بدون تاریخ کتابت، احتمالاً نسخه کهن و ناتمام (شماره ۲۰۲ ک).

۱۴۴. ذیل علی التعلل برسوم الإسناد بعد انتقال اهل المنزل والناد، هر دو از محمد بن احمد بن غازی العثماني المکناسی ساکن فاس مغرب، درگذشته ۹۱۹ قمری، تألیف در سال ۹۰۵ قمری، کتابت ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۱۴۸ قمری به خط علی بن محمد بن علی العکاری البلغیشی که از روی نسخه اصل به خط مؤلف کتابت کرده است. برگ ۴۷۱ تا ۴۸۴ (شماره ۲۰۰۸ د).

۱۳۵. حظ النقاب عن وجوه اعمال الحساب، از ابی‌العباس احمد بن حسین بن علی بن الخطیب ابن‌قنفذ القُسطنطینی مغربی، درگذشته ۸۰۹ قمری، کتابت سه‌شنبه غره ربیع‌الآخر ۸۰۷ در عصر مؤلف، ۱۳۱ برگ (شماره ۱۸۰ ک).

۱۴۵. اجازة، ابی‌القاسم محمد بن ابی‌القاسم بن محمد بن ابی‌النعمیم ابن‌الوزیر الغسانی الفاسی، درگذشته ۱۰۳۲ قمری که برای ابی‌محمد عبدالله بن‌المجاهد محمد‌العیاشی در ۱۸ ذیحجه سال ۱۰۳۰ نگاهشته است برگ ۲۴ تا ۳۰ (شماره ۲۲۵۴ د).

۱۳۶. کتاب الفتاوی، مؤلف مجهول کتابت پنجشنبه ۲۵ شعبان ۷۳۵ قمری، به خط عثمان بن محمد بن احمد السولی الشافعی، ۲۸۱ صفحه (شماره ۱۸۴ ک).

۱۳۷. شرح الفیه ابن‌مالک، از بدرالدین محمد بن مالک طائی، درگذشته ۶۸۶ قمری، کتابت چهارشنبه ۱۹ جمادی‌الثانی سال ۸۰۱ قمری، به خط ابی‌بکر بن محمد بن عبدالله الحکمی الشافعی، در ۳۲۲ صفحه (شماره ۱۹۵۰ د).

۱۳۸. حواشی بر توضیح جمال‌الدین عبدالله بن یوسف بن هشام الانصاری النحوی، از شهاب‌الدین احمد بن عبدالرحمن بن عبدالله بن هشام الانصاری النحوی، درگذشته ۸۳۵ قمری، کتابت ۱۹ ذیحجه ۸۶۷ در ۵۲۴ صفحه (شماره ۲۲۵۲ د).

۱۳۹. رفع السور والارائک عن مخبئات اوضح المالك

۱۵۵. فهرسة، از احمد بن محمد بن عجبیه الحسنی اللنجری التطوانی، درگذشته ۱۲۲۴ قمری، کتابت شب پنجشنبه ۳ جمادی الثانی سال ۱۳۳۷ قمری برگ ۱ تا ۳۳ (شماره ۱۸۵۴ د).

۱۵۶. اجازة الى الفقيه الطيب ابن الشليح السلوى که عبدالحفيظ بن محمد الطاهر بن عبدالکبير الفاسی الفهری^۱، درگذشته ۱۳۸۴ قمری، به خط مغربی، از برگ ۱۰۹ تا ۱۱۳ (شماره ۲۰۹۱ د).

۱۵۷. غاية الاختصار فی نسب آل البيت الاطهار عليهم السلام، از ابی محمد شمس الدین بن محمد الأتقی ابن محمد الخراز الحسنی نقيب السادة الطالبیین، درگذشته حدود سال ۶۹۸ قمری، نسخه به خط نسخ و بدون تاریخ کتابت، شامل ۶۸ برگ (شماره ۱۸۶۸ د).

۱۵۸. ذکر اولاد النبی صلى الله عليه وآله و خصائصهم و علوم مقامهم، از احمد بن علی بن محمد السوسی البوسعیدی الهشتوکی، درگذشته ۱۰۴۶ قمری به خط مغربی، بدون تاریخ کتابت برگ ۲۷۰ تا ۲۷۴ (شماره ۲۱۷۳ د).

۱۵۹. ذکر بعض مشاهیر فاس فی القديم، از عبدالرحمن بن عبدالقادر الفاسی، خط مغربی، بدون تاریخ کتابت این کتاب در شهر فاس مغرب بدون تاریخ به صورت سنگی چاپ شده است. برگ ۱ تا ۱۹ (شماره ۲۱۴۹ د).

۱۶۰. التحقيق فی النسب الوثيق = الاعتبار و التاريخ بنسب النبی المختار، از احمد بن محمد بن احمد بن عبدالرحمن بن محمد المکی العشماوی، درگذشته حدود ۱۱۴۲ قمری، به خط مغربی، بدون تاریخ کتابت، برگ ۱ تا ۸۵ (شماره ۲۲۹۹ د).

۱۶۱. درة التيجان و لقطه اللؤلؤ و المرجان، ارجوزه‌ای است در احوال مشاهیر شرفاء مغرب شامل ۵۰۰ بیت، از محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی بکر الدلائی، درگذشته ۱۱۴۲ قمری به خط مغربی فاقد تاریخ کتابت، برگ ۱۸۷ تا ۲۰۷ (شماره ۲۱۳۴ د).

۱. عبدالحفيظ الفاسی با مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - پدر بزرگوارم - حدود پنجاه سال قبل ارتباط مکاتبه‌ای داشته و برخی از نامه‌های وی که به پدرم نوشته هم اکنون نزد این جانب موجود است. وی از مشاهیر علمای مغرب به شمار می‌آید و تألیفات بسیاری دارد.

۱۴۶. اقتناء الاثر بعد ذهاب اهل الاثر = مسالك الهداية الى معالم الرواية = العجالة الموفية فی اسانيد الفقهاء و المحدثين و الصوفية، از ابی سالم عبدالله بن محمد بن ابی بکر العیاشی، درگذشته ۱۰۹۱ قمری، خط مغربی، بدون تاریخ کتابت، برگ ۲۶ تا ۶۴ (شماره ۲۱۷۳ د).

۱۴۷. الفهرسة، از ابی علی الحسن بن مسعود الیوسی، درگذشته ۱۱۰۲ قمری، بدون تاریخ کتابت، نسخه با نسخه اصل به خط مؤلف مقابله و تصحیح شده است برگ ۴۱ تا ۸۸ (شماره ۱۸۳۸ د).

۱۴۸. عذب الموارد فی رفع الاسانيد، از ادريس بن محمد بن احمد بن محمد الشریف الحسنی المنجرة، درگذشته ۱۱۳۷ قمری، بدون تاریخ کتابت، برگ ۱ تا ۳۹ (شماره ۱۸۳۸ د).

۱۴۹. الإسناد للشفيع يوم التناد و بما حضر من الذخائر عند التنقل من دار الاكابر، از عبدالرحمن بن ادريس بن محمد بن احمد المنجرة، درگذشته ۱۱۷۹ قمری، کتابت سال ۱۲۳۳ قمری به خط مغربی، در ۸۱ صفحه (شماره ۲۲۸۵ د).

۱۵۰. اجازة، از محمد بن سالم الحفنی یا الحفناوی، درگذشته ۱۱۸۱ قمری که برای محمد بن الحسن الجنوی الحسنی النظوانی درگذشته در مراکش به سال ۱۲۰۰ قمری در رجب سال ۱۱۷۵ نگاشته است. خط مغربی بدون تاریخ کتابت، برگ ۲۱ تا ۲۴ (شماره ۲۲۳۸ د).

۱۵۱. اجازة، از محمد بن قاسم حسوس، درگذشته ۱۱۸۲ قمری که برای محمد بن الحسن الجنوی التطوانی نوشته است. بدون تاریخ کتابت، خط مغربی برگ ۱۹ تا ۲۱ (شماره ۲۲۳۸ د).

۱۵۲. سلسلة الإسناد فی العلوم عن الأشياخ و الاعلام، از محمد بن الحسن بن مسعود بنانی، درگذشته ۱۱۹۴ قمری در فاس مغرب، خط مغربی یکی از شاگردان مؤلف که از روی خط استاد خود کتابت کرده است. برگ ۵۲۸ تا ۵۵۰ (شماره ۲۰۰۸ د).

۱۵۳. فهرسة، از محمد التاودی بن الطالب ابن سودة المری، درگذشته ۱۲۰۹ قمری، بدون تاریخ کتابت، برگ ۱۷۳ تا ۲۵۰ (شماره ۲۰۱۸ د).

۱۵۴. رسالة اعتذار عن الاجازة، از یک مؤلف از سده دوازدهم قمری به خط مغربی بدون تاریخ کتابت، صفحه ۶۶۴ تا ۶۶۷ (شماره ۲۰۱۰ د).



و نفیس، بدون تاریخ، به خط مغربی، برگ ۹۳ تا ۱۵۰ (شماره ۲۳۲۳د).

۱۷۲. ایضاح المعانی الزاهرات والافصاح بحقائق العبادات فی شرح الکلمات الباقیات الصالحات، از ابی‌العباس احمد بن معد التجیبی الاندلسی الشهیر بابن الإقلیشی، درگذشته ۵۵۰ قمری، ۳ جزء در یک مجلد، کتابت نیمهٔ ربیع الآخر ۷۱۱، به خط محمد بن محمد بن عقیق بن کریم بن عبدالله بن یحیی الفهری (شماره ۱۷۳۷د).

۱۷۳. اعراب القرآن الکبیر، از ابی‌اسحاق ابراهیم بن السری بن سهل معروف به زجاج، درگذشته ۳۱۱ قمری جلد اول، نسخهٔ بسیار کهن، کتابت ۳۸۲ و ۳۸۷ قمری در ۳۳۳ برگ (شماره ۳۳۳ اوقاف). این کتاب در ده جلد و تمامی آن در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم قمری کتابت شده است و از نفیس‌ترین و کهن‌ترین نسخه‌های این کتابخانه و دیگر کتابخانه‌های جهان به‌شمار می‌آید.

۱۷۴. الاتصاف فی التنبیه علی الاسباب التي اوجبت الاختلاف بین المسلمین فی آرائهم، از عبدالله بن محمد معروف به ابن سید البطلمیوسى الاندلسی، درگذشته ۵۲۱ قمری، نسخهٔ کهن، کتابت اوائل سدهٔ ششم قمری. این نسخه در سال ۵۱۵ قمری بر مؤلف خوانده و تصحیح شده است (شماره ۲۶۷۴ کتانی).

۱۷۵. التاج فی اخلاق الملوک، از ابی‌عثمان عمرو بن بحر الجاحظ، درگذشته ۲۵۵ قمری، نسخهٔ بسیار کهن بر روی پوست. این نسخه در نیمهٔ نخست سدهٔ سوم قمری در کتابخانهٔ فتح بن خاقان، درگذشته ۲۴۷ قمری قرار داشته است (شماره ۲۶۷۲ کتانی). این نسخه از معدود نسخه‌های بسیار کهن موجود در جهان به‌شمار می‌آید.

۱۷۶. سفراء فیہ جمیع شیوخ عبدالله بن وهب القرشی الذین روی عنهم وسمع منهم، نسخهٔ بسیار کهن کتابت سدهٔ سوم قمری بر روی پوست (دقیقاً مشخص نیست که این نسخه هم اکنون در این کتابخانه موجود است یا نه، زیرا این جانب در این سفر به هنگام بازدید از کتابخانهٔ رباط آن را نیافتم).

۱۷۷. شرح ما یکتب بالیاء من الاسماء المقصورة و الافعال، از عبدالله بن جعفر بن درستویه، درگذشته ۳۴۷ قمری، نسخهٔ بسیار کهن کتابت ۳۵۱ قمری در ۴ برگ، (شماره ۷/۱۰۰ق).

۱۷۸. العروض، از ابی‌بکر محمد بن السری بن سهل السراج البغدادی، درگذشته ۳۱۶ قمری، نسخهٔ بسیار کهن به خط نسخ

۱۶۲. مطالع الزهراء فی ذریة بنی الزهراء فی نسب الشرفاء الحسینین و الحسینین، از ابی‌عبدالله محمد بن هاشم العلوی الحسنی السجلماوی، درگذشته ۱۲۷۰ قمری، به خط مغربی، بدون تاریخ کتابت ۱۷۸ برگ (شماره ۱۷۶۸د).

۱۶۳. إزالة اللبس و الشبهات عن ثبوت الشرف من قبل الامتهات، از عابد بن احمد بن الطالب ابن سودة المری، درگذشته ۱۳۵۹ قمری، کتابت در صبح یکشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۲۳ به خط مغربی در ۱۴۲ صفحه (شماره ۱۵۴۹د).

۱۶۴. کتاب فی علم الرمی و صفاته و مقادیره و مداراته، منسوب به بابک بن اردشیر، کتابت شنبه ۲۴ رجب ۸۵۳ قمری به خط نسخ، برگ ۱۵ تا ۲۱ (شماره ۱۸۶۷د).

۱۶۵. الواضح فی علم الرمی و النشاب، از طبری، کتابت سه‌شنبه ۲۲ جمادی الآخر سال ۸۵۳ قمری، برگ ۱ تا ۱۳ (شماره ۱۸۶۷د).

۱۶۶. الايضاح فی علم الرمی و السبق، از ابی‌عبدالله محمد بن یوسف الإخباری الشافعی، کتابت شنبه ۲۶ جمادی الثاني ۸۵۳ قمری به خط محمد بن حجی الخیری الشافعی، برگ ۲۲ تا ۳۳ (شماره ۱۸۶۷د).

۱۶۷. بغیة المرামী و غایة المرام للمعانی فی علم الرمی، از سیف‌الدین طبیغا الاشرافی البکلمشی الیونانی، درگذشته حدود ۷۷۰ قمری، کتابت جمعه ۲۲ شعبان ۸۵۳ به خط محمد بن حجی الخیری الشافعی، برگ ۶۰ تا ۹۲ (شماره ۱۸۷۶د).

۱۶۸. کشف الحجاب عن قانون الحساب، از علی بن محمد القرشی الشهیر بالقلصادی البسطی، کتابت ۱۴ ذیقعد ۸۴۹، نسخهٔ اصل به خط مؤلف در شهر فاس مغرب، برگ ۱۸۰ تا ۲۷۰ (شماره ۲۲۶۱د).

۱۶۹. رساله فی الاسطرلاب، از ابراهیم بن احمد بن فتوح العقیلی الغرناطی، درگذشته ۸۶۷ قمری، کتابت ۹۸۱ قمری، به خط مغربی علی بن عبدالرحمن الزجینی، برگ ۹۲ (شماره ۲۳۳۲د).

۱۷۰. شرح ارجوزة أبی مرقع فی التوقیت، از علی بن محمد القرشی البسطی الشهیر بالقلصادی، کتابت ۹۸۱ قمری به خط علی بن عبدالرحمن الزجینی، برگ ۱۵۵ تا ۱۵۹ (شماره ۲۳۳۳د).

۱۷۱. التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، از ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، درگذشته ۴۴۰ قمری، نسخهٔ کهن

- کتابت ۳۵۲ قمری، ۸ برگ (شماره ۱۰/۱۰۰ ق).
۱۷۹. کتاب القلم، از ابی بکر محمد بن السری بن سهل السراج البغدادی، درگذشته ۳۱۶ قمری، نسخه بسیار کهن کتابت ۳۵۲ قمری (شماره ۲/۱۰۰ ق).
۱۸۰. مختصر فی فک دوائر العروض، مؤلف مجهول، نسخه بسیار کهن، کتابت ۳۵۲ قمری، ۳ برگ (شماره ۱۱/۱۰۰ ق).
۱۸۱. مسند ابن ابی شیبة عبدالله بن محمد بن ابی شیبة کوفی، درگذشته ۲۳۵ قمری، نسخه بسیار کهن، کتابت سده چهارم قمری بر روی پوست در ۸۰ برگ (شماره ۶۴۸).
۱۸۲. الموجز فی النحو، از ابوبکر محمد بن السری بن سهل السراج البغدادی، درگذشته ۳۱۶ قمری، نسخه بسیار کهن، کتابت ۳۵۲ قمری، ۳۴ برگ، (شماره ۱۰۰).
۱۸۳. الموفقی فی النحو، از محمد بن احمد بن کیسان، درگذشته ۲۹۹ قمری، نسخه بسیار کهن، کتابت ۳۵۲ قمری، در ۱۲ برگ (شماره ۱۰۰).
۱۸۴. النحو، از ابی علی الحسن بن عبدالله معروف به «بلکذة»، درگذشته ۲۱۰ قمری، نسخه بسیار کهن، کتابت ۳۵۲ قمری (شماره ۵/۱۰۰).
۱۸۵. الهجاء، از ابوبکر محمد بن السری بن سهل السراج البغدادی، درگذشته ۳۱۶ قمری، نسخه بسیار کهن، کتابت ۳۵۲ قمری، (شماره ۵/۱۰۰).
۱۸۶. الورقة، از ابی عبدالله محمد بن داوود بن الجراح الکاتب، درگذشته ۲۹۶ قمری، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت ۳۵۲ قمری، (شماره ۶/۱۰۰).
۱۸۷. الإقناع فی القرائات السبع، از ابی جعفر احمد بن علی بن احمد بن خلف انصاری معروف به ابن باذش، درگذشته ۵۴۰ قمری، نسخه کهن، کتابت ۶۱۸ قمری، ۱۰۰ برگ (شماره ۱۶۶ ق).
۱۸۸. إعراب القرآن، از ابی حیان، محمد بن یوسف بن علی، درگذشته ۷۴۴ قمری، جلد اول، کتابت ۲۶ شوال ۹۶۵ در ۱۷۶ برگ (شماره ۸۱۴ د).
۱۸۹. التحرير والتجیر لاقوال ائمة التفسیر فی معانی کلام السمیع البصیر، از محمد بن سلیمان بن حسن بلخی مقدسی معروف به ابن نقیب، درگذشته ۶۹۸ قمری، کتابت سده نهم قمری، ۱۹۶ برگ (شماره ۳۶ ق).
۱۹۰. التذکرة فی القرائات، از ابی الحسن طاهر بن عبدالمنعم بن غلبون، درگذشته ۳۹۹ قمری، جلد اول، نسخه کهن، کتابت سده ششم قمری، مقابله و تصحیح شده در سال ۶۰۲ قمری، ۱۹۲ برگ (شماره ۲۸۲ ق).
۱۹۱. التذکرة فی القرائات، جلد دوم، کتابت سده ششم، ۹۷ برگ (شماره ۱۱۳۴ ق).
۱۹۲. التعریف و الاعلام فیما ابهم فی القرآن من الاسماء و الاعلام، از ابی القاسم عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد بن اصبح بن ابی الحسن بن سعدون بن رضوان بن فتوح الخثعمی السهیلی^۱، درگذشته ۵۸۱ قمری، نسخه کهن (شماره ۱۲۰۲ د).
۱۹۳. فتح الرحیم لکشف ما یلبس من کلامه القدیم، از شهاب الدین احمد بن محمد بن احمد البابی. این کتاب را مؤلف برای سلطان سلیمان بن سلیم عثمانی نگاشته است. نسخه اصل به خط مؤلف، کتابت ۹۵۹ قمری، ۱۲۶ برگ (شماره ۱۲۱ ق).
۱۹۴. فرائد المعانی فی شرح حرز الامانی للشاطبی، از ابی عبدالله محمد بن محمد بن داود صنهاجی معروف بابن آجروم، درگذشته ۷۲۳ قمری، جلد ۱ و ۲، نسخه اصل به خط مؤلف نیمه نخست سده هشتم قمری و برگهایی نیز به خط فرزند مؤلف عبدالله است. جلد اول ۱۶۹ و جلد دوم ۱۷۸ برگ (شماره ۱۴۶ ق).
۱۹۵. اللباب فی علوم الکتاب، از ابی حفص عمر بن علی بن عادل الحنبلی الدمشقی، از علمای سده نهم قمری، در آخر سوره طه را آورده که در ۱۵ شعبان سال ۸۸۰، آن را نگاشته است و نسخه شامل جزءهای اول و دوم و هشتم است (شماره ۸۱۹ د).
۱۹۶. لطائف الاشارات، از ابی القاسم عبدالکریم بن هوزان بن عبدالملک بن طلحة النیشابوری القشیری، درگذشته ۴۶۵ قمری، جزء ۱ و ۲ کتابت صفر ۸۹۶ قمری،^۲ (شماره ۳۰۰ ق).
۱۹۷. مشکل اعراب القرآن، از ابی محمد مکی بن ابی طالب حموش بن محمد بن مختار الاندلس القیسی، کتابت ربیع الثانی ۷۲۵ قمری، به خط برکات بن عبدالرحمن بن حسین الفندلاوی (شماره ۲۲۰ ق).

۱. سهیل روستایی در نزدیکی مالقه در اندلس.

۲. یک نسخه بسیار نفیس و کهن از کتاب لطائف الاشارات مورخ ۵۷۵ قمری در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به شماره ۱۲۳۷۹ موجود است.

محمد بن عبدالله بن محمد الجوزقی، درگذشته ۳۸۸ قمری، نسخه کهن، کتابت ۵۸۱ قمری، ۲۸۰ برگ (شماره ۱۱۸ ق).
 ۲۰۸. الجمع بین الصحیحین «البخاری و مسلم»، از ابی محمد عبدالحق بن عبدالرحمن بن عبدالله الازدی الاشیبلی المعروف بابن الخراط، درگذشته ۵۸۱ قمری، جلد پایانی (شماره ۱۸۹ ق).

۱۹۸. معانی القرآن، از ابی زکریا یحیی بن زیاد الفراء، درگذشته ۲۰۷ قمری، نسخه بسیار کهن، کتابت ۵۷۸ قمری، در ۱۲۵ برگ (شماره ۱۸۸ ق).
 ۱۹۹. الموضح فی تعلیل وجوه القرائات، از ابی العباس احمد بن عماد المهدوی المقرئ، درگذشته ۴۴۰ قمری، نسخه کهن، کتابت ۵۶۳ قمری، در حلب، ۱۴۵ برگ (شماره ۱۳۹ ق).

۲۰۰. الهدایة الی بلوغ النهایة فی علم معانی القرآن، از ابی محمد مکی بن ابی طالب حموش بن محمد الاندلسی، درگذشته ۴۳۷ قمری، جلد اول کتابت ۹۹۸ قمری، به خط مسعود بن حسن الجزولی، ۲۲۳ برگ (شماره ۲۱۷ ق).
 ۲۰۱. الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز، از ابی الحسن علی بن احمد الواحیدی، درگذشته ۴۶۸ قمری، کتابت در ۸۲۳ قمری، به خط محمد بن عبدالرحمن النامیسی، در ۱۳۲ برگ (شماره ۵۹۰ ج).
 ۲۰۲. الإشراف علی معرفة الاطراف، از علی بن حسن بن هبة الله بن عساکر، درگذشته ۵۷۱ قمری، کتابت ۸۵۲ قمری (شماره ۶۷ ق).



در دفتر مسؤول کتابخانه عمومی رباط

۲۰۹. جمع النهایة فی بدء الخیر و غایة المعروف بمختصر ابن ابی حمزة، از ابی محمد عبدالله بن سعید بن ابی حمزة الازدی الاندلسی، درگذشته در مصر ۶۹۵ قمری، به خط مغربی، نسخه مذهب و هنری، برگ ۲۳ تا ۳۱ (شماره ۶۲۱ د).
 ۲۱۰. شعب الایمان، از ابی محمد عبدالجلیل بن موسی بن عبدالجلیل القرطبی القصری، درگذشته ۶۵۸ قمری، ۱۳۸ برگ (شماره ۲۰۸ ق).

۲۰۳. الانوار فی الجمع بین المنتقی و الاستذکار، شرح الموطأ، از ابی عبدالله محمد بن سعید بن احمد معروف بابن ذرقون، درگذشته ۵۸۶ قمری، جلد چهارم کتابت ۷۰۲ قمری، ۱۸۸ برگ (شماره ۱۴۵ ق).
 ۲۰۴. اربعون حدیثاً، تخریج ابی القاسم عبدالکریم بن هوزان القشیری، درگذشته ۴۶۵ قمری، نسخه کهن، کتابت ۵۶۹ قمری، ۱۰ برگ (شماره ۹۴۰ ق).

۲۱۱. شواهد التوضیح علی الجامع الصحیح، از سراج الدین عمر بن علی بن الملقن الشافعی، درگذشته ۸۰۴ قمری، جلد سوم، نسخه اصل به خط مؤلف و حواشی به خط حافظ ابن حجر شاگرد مؤلف، نسخه بسیار نفیس (شماره ۱۳۳ ق).
 ۲۱۲. العاقبة و الموت و النشر و الحشر و الجنة و النار، از

۲۰۵. التمهید لما فی الموطأ من المعانی و المسانید، از حافظ یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، درگذشته ۴۶۳ قمری، جلد دوم، کتابت ۷۴۲ قمری، ۱۲۸ برگ (شماره ۱۳ ج).
 ۲۰۶. جامع المسانید، از حافظ عمادالدین اسماعیل بن کثیر، درگذشته ۷۷۴ قمری، کتابت ۸۳۰ قمری، به خط محمد بن حسن بن علی البلدانی ۲۶۱ برگ (شماره ۱۵۲ ق).
 ۲۰۷. الجمع بین الصحیحین «البخاری و مسلم»، از ابی بکر

۱. یک نسخه بسیار کهن از این کتاب به تاریخ سده ششم قمری در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است.

۲۲۱. ابی محمد عبدالحق بن عبدالرحمن الازدی الاشبیلی، درگذشته ۵۸۱ قمری، کتابت در سده هشتم قمری، ۱۲۴ برگ (شماره ۲۶۷ ق).

۲۲۲. الموطأ، از امام مالک بن انس بن مالک الاصبیحی الحمیدی، درگذشته ۱۷۹ قمری، کتابت ۲۷ ربیع الثانی ۶۱۳ (شماره ۷۰۸ ج).

۲۲۳. الاربعون فی اصول الدین، از فخرالدین محمد بن عمر رازی، درگذشته ۶۰۶ قمری، نسخه کهن، کتابت ۶۱۴ قمری، ۲۵۷ برگ (شماره ۹۰۸ ق).

۲۲۴. ارشاد القاصد الی أسنی المقاصد، از محمد بن ابراهیم بن ساعد الانصاری المعروف بابن الاکفانی، درگذشته ۷۴۹ قمری، نسخه در سال ۷۲۶ قمری بر مؤلف خوانده و تصحیح شده است. ۸۰۰ برگ (شماره ۱۴۸ ق).

۲۲۵. تحریر المقال فی موازنة الاعمال و حکم غیر المکلفین فی العقبی و المال فی الرد علی الحافظ الحمیدی و شیخه ابن حزم، از ابی طالب عقیل بن عطیة القضاء، درگذشته ۶۰۸ قمری، کتابت ۶۰۳ قمری، در عصر مؤلف بر وی خوانده و تصحیح شده است. ۱۵۶ برگ (شماره ۱۰۹ ق).

۲۲۶. الجوهر النقی فی الرد علی البیهقی، از علاء الدین ابی الحسن علی بن عثمان المعروف بابن الترمذی، درگذشته ۷۵۰ قمری، کتابت ۷۹۹ قمری، ۳۳۶ برگ (شماره ۴۳۴ ق).

۲۲۷. صون المنطق و الکلام عن فن المنطق و الکلام، از جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، درگذشته ۹۱۱ قمری، کتابت سده دهم قمری، ۱۳۴ برگ (شماره ۹۲۳ ق).

۲۲۸. الفضول، از ابی جعفر احمد بن وصول المالکی، نسخه بسیار کهن، کتابت ۵۳۴ قمری، ۱۲۵ برگ (شماره ۱/۹۸ ق).

۲۲۹. کتاب فی علم الکلام، مؤلف مجهول، نسخه بسیار کهن، کتابت ۵۴۰ قمری، ۳۷ برگ (شماره ۳/۹۸ ق).

۲۳۰. النصایح المنجیة و الفضایح المخزیة فی الرد علی الشیعة و الخوارج و المعتزلة و المرجئة، از ابی محمد علی بن احمد بن حزم، درگذشته ۴۵۶ قمری، کتابت سده ششم قمری، دارای تملک به سال ۵۷۲ قمری، ۵۴ برگ (شماره ۱/۹۹ ق).

۲۳۱. اعتلال القلوب، از ابی بکر محمد بن جعفر بن سهل الخرائطی، درگذشته ۳۲۷ قمری، کتابت ۶۶۵ قمری، در بیت المقدس ۸ جزء کوچک، ۱۷۲ برگ (شماره ۲۵۹ ق).

۲۳۲. تحفة البررة فی المسائل العشرة در تصوف، از ابی سعید شرف بن المؤیدی بن ابی الفتح البغدادی الحنفی، درگذشته ۶۱۶

۲۱۳. غایة المقصد فی زوائد المسند «مسند احمد»، از ابی الحسن علی بن ابی بکر بن سلیمان الهیثمی، درگذشته ۸۰۷ قمری، کتابت ۱۱۳۳ قمری، به خط نسخ حسین الحسنی ۱۷۷ برگ (شماره ۴۸ ق).

۲۱۴. غریب الحدیث، از ابی الفرج عبدالرحمن بن علی الجوزی، درگذشته ۵۹۷ قمری، نسخه ۷ جزء در یک مجلد، نسخه اصل تمامی به خط مؤلف ابن الجوزی، کتابت ۵۸۱ قمری، نسخه بسیار ارزشمند، ۲۸۳ برگ (شماره ۱۴۰ ق).

۲۱۵. المختار الجامع بین المنقذ و الاستذکار، در شرح موطأ، از ابی عبدالله محمد بن عبدالحق بن سلیمان الیعفری التلمسانی، درگذشته ۶۲۵ قمری، جلد آخر، کتابت ۷۳۰ قمری، ۱۸۸ برگ (شماره ۱۷۶ ق).

۲۱۶. مسند البزاز، از حافظ ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق البزاز، درگذشته ۲۹۲ قمری، کتابت ۸۶۳ قمری، به خط محمد بن ابراهیم المشدالی ۱۷۲ برگ (شماره ۲۴۳ ق).

۲۱۷. مشکلات الصحیحین، از ابی الفرج عبدالرحمن بن علی بن الجوزی، درگذشته ۵۹۷ قمری، جلد اول، کتابت سده هفتم قمری، ۳۰۱ برگ (شماره ۱۷ ق).

۲۱۸. المعلم فی شرح صحیح المسلم، از ابی عبدالله بن محمد علی المازری المالکی، درگذشته ۵۳۶ قمری، نسخه کهن، کتابت ۶۲۹ قمری، ۱۹۲ برگ (شماره ۹۴ ق).

۲۱۹. المفهم لما اشکل من کتاب مسلم، از احمد بن عمر بن ابراهیم القرطبی، درگذشته ۶۵۶ قمری، جلد دوم، نسخه کهن، کتابت ۶۹۶ قمری، به خط محمود بن عبدالغفور بن یوسف العجمی، ۲۸۵ برگ (شماره ۴۱ ق).

۲۲۰. منال الطالب فی شرح طوال الغرائب، از مجدالدین ابی السعادات مبارک بن محمد بن الاثیر الجزری، درگذشته ۶۰۶ قمری، نسخه کهن، کتابت ۶۰۶ قمری، به خط برادرزاده مؤلف محمد بن نصرالله، نسخه بسیار ارزشمند، ۲۵۸ برگ (شماره ۱۸۲ ق).

۲۲۱. المذهب فی اختصار السنن الکبیر للبیهقی، از شمس الدین ابی عبدالله محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، درگذشته ۷۴۸ قمری، جلد اول، کتابت ۷۳۱ قمری، این نسخه با نسخه



- قمری، کتابت ۹۰۰ قمری، ۱۹۷ برگ (شماره ۱/۱۰۲۷ ق).
 ۲۳۳. تهذیب الاخلاق، از ثابت بن سنان بن قرة المتطبب،
 درگذشته ۳۶۵ قمری، کتابت ۸۳۴ قمری، ۱۶۱ برگ (شماره
 ۹۵۴ ق).
 ۲۳۴. الرسائل الكبرى، از محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن
 محمد النفری الرندی بن عباد، درگذشته در فاس به سال ۷۹۲
 قمری، کتابت پنجشنبه ۸ ربیع ۹۷۳ قمری، (۱۶۶۱ د).
 ۲۳۵. صلة السمط و سمة المرط فی سرح سمط الندی فی الفخر
 المحمدی، از محمد بن علی بن محمد التوزری معروف
 بابن الشباط، درگذشته ۶۸۱ قمری، جلد ۲ و ۳ کتابت ۷۱۵
 قمری، ۲۱۱ برگ (شماره ۱۱۰ ق).
 ۲۳۶. انوار الآثار المختصة بفضل الصلاة على النبي المختار، از
 ابی العباس احمد بن معد بن عیسی بن وکیل الاقلیشی، درگذشته
 ۵۵۰ قمری، کتابت سده نهم قمری، ۵ برگ (۶/۲۴۲ ق).
 ۲۳۷. فضل الصلاة على النبي، از اسماعیل بن اسحاق بن
 اسماعیل القاضي، کتابت سده نهم قمری، ۹ برگ (شماره
 ۲۴۲/۷ ق).
 ۲۳۸. القربة الى رب العالمين بالصلاة على محمد سيد
 المرسلين، از ابی القاسم خلف بن عبدالملک بن بشکوال،
 درگذشته ۵۷۸ قمری، کتابت سده نهم قمری، ۱۵ برگ (شماره
 ۵/۲۴۲ ق).
 ۲۳۹. کتاب المستغیثین بالله تعالی عند المهمات والحاجات،
 از ابی القاسم خلف بن عبدالملک بن بشکوال، درگذشته ۵۷۸
 قمری، کتابت سده نهم قمری، ۳۰ برگ (شماره ۲/۲۴۲ ق).
 ۲۴۰. محاسن التصوف، از ابی عبدالرحمن محمد بن حسین
 السلمی النیشابوری، درگذشته ۴۱۲ قمری، کتابت ۹۰۰ قمری،
 ۱۷ برگ (شماره ۲/۱۰۲۷ ق).
 ۲۴۱. المنهل العذب، از ابن الجوزی، درگذشته ۵۹۷ قمری،
 کتابت ۸۷۲ قمری، به خط ابی بکر بن زید الجراحی الحنبلی
 الدمشقی (شماره ۱۲۲ ق).
 ۲۴۲. نصیحة النساء والمسلمات و ذکر الموفقات منهن
 و العابدات، از احمد بن ابی بکر احمد الحنبلی القادری،
 درگذشته ۸۴۴ قمری، نسخه اصل به خط مؤلف در سال آخر
 حیات وی، ۱۴۸ برگ (شماره ۱۳۰ ق).
 ۲۴۳. ینایع العلوم در حدیث، از احمد بن خلیل بن سعاده بن
 جعفر الخوبی الشافعی، درگذشته ۲۳۷ قمری، کتابت ۷۰۷
- قمری، ۱۲۷ برگ (شماره ۴۳۳).
 ۲۴۴. الإشراف على مذهب الأشراف در فقه عامه، از وزیر
 یحیی بن هبیره، درگذشته ۴۰۲ قمری، نسخه کهن کتابت سده
 ششم قمری، ۷۵ برگ (شماره ۲/۹۸ ق).
 ۲۴۵. البیان و التحصیل در فقه مالکی، از ابی الولید محمد بن
 احمد بن رشد، جلد دوم، نسخه به سال ۷۴۹ قمری مقابله
 و تصحیح شده است، ۱۷۴ برگ (شماره ۹۰۶ ق).
 ۲۴۶. تحرير المقال فی موازنة الاعمال و حکم غیر المکلفین فی
 العقبی و المال فی الرد علی الحافظ الحمیدی و شیخه ابن حزم،
 از ابی طالب عقیل بن عطیة القضاعی، درگذشته ۶۰۸ قمری،
 نسخه کهن، کتابت جمادی الثانی ۶۰۳ در حیات مؤلف
 (شماره ۱۰۹ ق).
 ۲۴۷. تحفة الانفس و شعارسکان الاندلس، از ابی الحسن علی بن
 عبدالرحمن بن هذیل الاندلسی از علمای سده هشتم قمری، کتابت
 دوشنبه ۱۵ ربیع الثانی ۹۶۴، ۹۵ برگ (شماره ۱۱۰۸ د).
 ۲۴۸. التنبیها المستنبطة فی حل الفاظ المدونة، از قاضی
 عیاض بن موسی بن عیاض الیحصبی، درگذشته ۵۴۴ قمری،
 جلد اول، نسخه کهن ۱۰۲ برگ (شماره ۳۸۴ ق).
 ۲۴۹. تیسیر المرام فی شرح عمدة الاحکام، از محمد بن احمد
 بن محمد بن مرزوق، درگذشته ۸۷۱ قمری، کتابت ربیع الثانی
 ۹۹۶ قمری، به خط منصور بن علی الحاج (شماره ۳۸ ق).
 ۲۵۰. کتاب ابن یونس در فقه مالکی، جلد ۸، کتابت ۷۴۳
 قمری، ۹۱ برگ (شماره ۱/۳۵۰ ق).
 ۲۵۱. کتاب الحیل فی الحروب و فتح المدائن و حفظ الدروب،
 مجهول، کتابت نیمه ذی الحجه ۷۶۳، (شماره ۴۳ ج).
 ۲۵۲. الزکاة، از ابی بکر محمد بن عبدالله بن یحیی بن الجد
 الفهری، درگذشته ۵۸۶ قمری، نسخه کهن کتابت ۲۶
 ذی الحجه ۶۹۸ قمری، ۳۹ برگ (شماره ۷۶ ق).
 ۲۵۳. مجموعه در فقه، از تقی الدین علی بن عبدالکافی بن علی
 السبکی، درگذشته ۷۵۶ قمری، نسخه اصل به خط مؤلف سال
 ۷۵۵ قمری، برخی حواشی نسخه به خط صلاح الدین بن ایبک
 الصفدی درگذشته ۷۶۴ قمری (شماره ۳۰۶ ق).
 ۲۵۴. مناهج التحصیل و نتائج لطائف التأویل فی شرح
 مشکلات المدونة، از ابی الحسن علی بن سعید الرجرجی از
 علمای نیمه سده هفتم قمری، کتابت اواخر جمادی الاول
 ۹۸۷ قمری (شماره ۸۸ ق).

۲۷۶ قمری، نسخه کهن، کتابت ۵۹۲ قمری، ۲۲۶ برگ (شماره ۱۴۱ ق.)

۲۶۷. الکتاب، از سیبویه، درگذشته ۱۸۰ قمری، کتابت سده هفتم قمری، ۱۸۳ برگ (شماره ۴۲۶ ق.)

۲۶۸. المثلث در لغت، از مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد فیروزآبادی، درگذشته ۸۱۷ قمری، کتابت سده دهم قمری، ۶۱ برگ (شماره ۲۳۱ ق.)

۲۶۹. المحکم و المحيط الاعظم در لغت، از علی بن اسماعیل معروف بابن سیده، درگذشته ۴۵۸ قمری، جلد هفتم، کتابت سده هفتم قمری، ۱۷۱ برگ (شماره ۱۲ ق.)

۲۷۰. المحکم و المحيط الاعظم، نسخه دیگر کتابت سده هفتم قمری، ۱۹۶ برگ (شماره ۱۰۷ ق.)

۲۷۱. المذکر و المؤنث، از مفضل بن سلمة بن عاصم، درگذشته ۲۹۰ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت ۳۵۲ قمری، ۶ برگ (شماره ۸/۱۰۰ ق.)

۲۷۲. المقصور و الممدود، از ابی عمر محمد بن عبدالواحد المطرز الزاهد معروف به غلام ثعلب، درگذشته ۳۴۵ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت ۳۵۲ قمری، دو برگ (شماره ۹/۱۰۰ ق.)

۲۷۳. الموقفی در نحو، از محمد بن احمد بن کسبان، درگذشته ۲۹۹ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت ۳۵۲ قمری، ۱۲ برگ (شماره ۳/۱۰۰ ق.)

۲۷۴. النکت فی تفسیر کتاب سیبویه، از ابی الحجاج یوسف بن سلیمان بن عیسی الشنتمری، درگذشته ۴۷۶ قمری، نسخه بسیار کهن و قدیمی و نفیس، ۲۵۵ برگ (شماره ۱۴۲ ق.)

۲۷۵. الهادی فی الإعراب الی طریق الصواب، از احمد بن ابی الوفاء بن احمد موصلی معروف بابن القبیبی از علمای سده هفتم قمری، در آغاز نسخه اجازه‌ای به خط مؤلف و آخر ذی القعدة ۶۲۶ قمری آمده، کتابت ۶۱۲ قمری، (شماره ۲۲۲ ق.)

۲۷۶. الاغانی، از ابی الفرج علی بن حسین الاصفهانی، درگذشته ۳۵۶ قمری، جلد ۱۷، کتابت سده هفتم قمری، ۱۹۷ برگ (شماره ۶۶۲ ق.)

۲۷۷. دیوان ابن خطیب داریا، محمد بن احمد بن سلیمان الخزر جی الانصاری، درگذشته ۸۱۰ قمری، کتابت سده دهم قمری، ۱۳۱ برگ (شماره ۲۲۵ ق.)

۲۵۵. النکت و الفروق لمسائل المدونة، از ابی محمد عبدالحق بن محمد بن هارون الصقلی، درگذشته ۴۶۶ قمری، کتابت ۷۴۳ قمری، (شماره ۲/۳۵۰ ق.)

۲۵۶. ارتشاف الضرب من لسان العرب، از ابی حیان محمد بن یوسف بن علی الاندلسی، درگذشته ۷۴۵ قمری، جلد اول، کتابت ۷۳۹ قمری، در عصر مؤلف به خط محمد بن محمد بن احمد السلاجی، ۲۷۳ برگ (شماره ۲۲۱ ق.)

۲۵۷. الاصول فی النحو، از ابی بکر محمد بن السری السراج، درگذشته ۳۱۶ قمری، جلد اول، نسخه کهن، کتابت سده هفتم قمری، ۲۶۲ برگ (شماره ۳۲۶ ق.)

۲۵۸. البسیط فی شرح الجمل الکبیرة للزجاجی، از ابی الحسین عبدالله بن احمد بن عبیدالله الاشیبلی، درگذشته ۶۸۸ قمری، جلد اول، کتابت ۷۳۵ قمری، ۱۹۶ برگ (شماره ۲۰۶ ق.)

۲۵۹. التذیل و التکمیل فی شرح کتاب التسهیل لابن مالک، از ابی حیان محمد بن یوسف الاندلسی، درگذشته ۷۴۵ قمری، جلد چهارم، کتابت ۷۵۳ قمری، به خط محمد بن ابراهیم بن علی بن عبدالنور، ۲۹۲ برگ (شماره ۲۱۲ ق.)

۲۶۰. تهذیب اللغه، از ابی منصور محمد بن احمد الازهری، درگذشته ۳۷۰ قمری، نسخه کهن، کتابت ۶۵۳ قمری، ۲۳۵ برگ (شماره ۱۶۰ ق.)

۲۶۱. شرح تسهیل الفوائد و تکمیل المقاصد، از جمال‌الدین ابی عبدالله معروف بابن مالک، درگذشته ۶۷۲ قمری، جلد اول، کتابت سده هشتم قمری، ۱۴۶ برگ (شماره ۲۱۳ ق.)

۲۶۲. شرح جمل الزجاجی، ابی اسحاق ابراهیم بن احمد الغافقی، درگذشته ۷۱۶ قمری، کتابت ۷۱۵ قمری، ۱۱۳ برگ (شماره ۲۲ ق.)

۲۶۳. شرح جمل الزجاجی، از ابی عبدالله محمد بن الفخار، درگذشته ۷۵۴ قمری، کتابت ذی الحجه ۸۲۰ قمری، به خط عبدالرحمن بن سلیمان البستی (شماره ۳۰۴ ق.)

۲۶۴. شرح کتاب سیبویه، از قاسم بن علی بن محمد انصاری بظمیوسی الصفار، درگذشته بعد از ۶۳۰ قمری، جلد اول، کتابت سده هشتم قمری، ۱۷۸ برگ (شماره ۳۱۷ ق.)

۲۶۵. صحاح اللغه، از ابی نصر اسماعیل بن حماد الجوهری، درگذشته ۳۹۳ قمری، نسخه مورخ سده هشتم قمری، ۳۶۵ برگ (شماره ۵۴۳ ق.)

۲۶۶. الکامل، از ابی العباس محمد بن یزید المبرد، درگذشته

جلد سوم، کتابت ۷۰۷ قمری، ۱۵۴ برگ (شماره ۲۵۵ ق).
 ۲۸۹. حذف من نسب قریش، از ابن عمرو السدوسی المورخ،
 درگذشته ۱۹۵ قمری، نسخه بسیار نفیس و کهن که در سال
 ۳۶۵ قمری مقابله و تصحیح شده است. من شخصاً این نسخه
 را در آن کتابخانه دیدم. ظاهراً آنچه به یاد دارم کتابت آن

۲۷۸. دیوان عمر بن ابی ربیع، کتابت ۱۳ ربیع الثانی ۹۸۶
 قمری (شماره ۹۲۴ د).

۲۷۹. دیوان ابی الربیع سلیمان بن ابی محمد عبدالله بن
 ابی محمد عبدالمؤمن بن علی الموحدی، درگذشته ۶۰۴
 قمری، نسخه کهن، کتابت ۶۸۸ قمری در عصر شاعر (شماره
 ۱۳۱۰ د).

۲۸۰. فصل المقال فی شرح الامثال، از
 ابی عبید عبدالله بن عبدالعزیز بن محمد
 البکری الاندلسی، درگذشته ۴۸۷ قمری،
 نسخه کهن، کتابت ۶۰۸ قمری، ۱۲۲
 برگ (شماره ۱۵۸ ق).

۲۸۱. النعازی و المراثی، از ابی العباس
 محمد بن یزید الازدی النحوی المبرد،
 درگذشته ۲۷۶ قمری، کتابت ذی الحجّه
 ۷۵۷ قمری (شماره ۲۲۶ ق).

۲۸۲. السیاسة و الادب، از ابی العباس
 ولید بن محمد التدمری الکاتب. این کتاب
 را وی به سال ۶۰۴ قمری نگاشته است.
 کتابت ۹۹۹ قمری، ۷۰ برگ (شماره
 ۱/۷۷ ق).



نسخه ای کهن در کتابخانه سلطنتی رباط

حدود ۲۵۷ قمری بود و به ضمیمه یک رساله دیگر در یک
 جلد (شماره ۲/۹۹ ق). این نسخه کهن‌ترین و نفیس‌ترین نسخه
 این کتابخانه، بلکه دیگر کتابخانه‌ها به شمار می‌آید؛ در ۲۵
 برگ، به خط نزدیک به کوفی. متأسفانه برگ‌های آن پراکنده
 شده و نیاز به بازسازی دارد و این‌جانب از مسئولان آن
 کتابخانه مصرانه خواستم تا هرچه سریع‌تر آن را ترمیم کنند.
 ۲۹۰. لقطه العجلان المملخص من وفيات الاعیان لابن خلکان،
 از تاج‌الدین ابی‌المحاسن عبدالباقی بن عبدالمجید الیمانی،
 درگذشته ۷۳۴ قمری، کتابت ۷۴۲ قمری در حیات مؤلف،
 ۱۱ برگ (شماره ۶۲۳ ق).

۲۹۱. مرکز الاحاطة بادباء غرناطة در اختصار کتاب الاحاطة
 ابن‌الخطیب، از ابی‌البقاء بدرالدین محمد بن ابراهیم بن محمد
 البشتکی، درگذشته ۸۳۰ قمری، ۵۶۸ برگ (شماره ۲۶۵۰ د).
 ۲۹۲. مختصر طبقات الشافعية الکبری، از تاج‌الدین
 عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی السبکی، کتابت ۲۰
 جمادی الآخر ۸۰۸ قمری در دمشق (شماره ۱۷۹ ق).

۲۸۳. الامالی، از ابی‌بکر محمد بن حسن بن ذرید الازدی،
 درگذشته ۳۲۱ قمری، جلد هفتم کتابت شعبان ۶۴۱ قمری
 (شماره ۱۵۳ ق).

۲۸۴. الوسيط فی الامثال، از ابی‌الحسن علی بن احمد
 الواحدی، درگذشته ۴۶۸ قمری، نسخه کهن، کتابت سده ششم
 قمری، ۱۵۵ برگ (شماره ۱۰۲ ق).

۲۸۵. مختصر الاغانی لابی‌الفرج الاصبهانی، از ابوالربیع
 سلیمان بن ابی‌محمد، جلد اول، کتابت ۶۰۷ قمری، ۱۶۲ برگ
 (شماره ۱۵۴ ق).

۲۸۶. اختصار وفيات الاعیان، از قاضی ابی‌القاسم بن محمد بن
 طرکاط‌العکی کتابت ۲۶ صفر ۹۹۸، ۲۰۷ برگ (شماره ۹۵۹ د).

۲۸۷. تهذیب التهذیب لابن حجر العسقلانی، احمد بن علی،
 درگذشته ۸۵۲ قمری، کتابت سده نهم قمری، ۲۳۷ برگ
 (شماره ۲۶۱ ق).

۲۸۸. عیون الانباء فی طبقات الاطباء، از ابی‌العباس احمد بن
 قاسم معروف بابن ابی‌اصیبه خزرجی، درگذشته ۶۶۸ قمری،

۲۹۳. معرفة القراء الكبار على الطبقات والاعصار، از ابی عبدالله محمد بن احمد الذهبی، درگذشته ۷۴۸ قمری، نسخه ملوکی، در آخر خط مؤلف آمده است، ۲۸۸ برگ (شماره ۱۱۹ ق).

۲۹۴. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، از ابی عبدالله محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، درگذشته ۷۴۸ قمری، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۷۴۳ قمری، ۲۵۰ برگ (شماره ۱۲۹ ق).

۲۹۵. نصيحة النساء المسلمات وذكر الموفقات منهن والعبادات، از احمد بن ابی بکر احمد الحنبلی القادری، درگذشته ۸۴۴ قمری، نسخه اصل به خط مؤلف، ۱۴۸ برگ (شماره ۱۳۰ ق).

۲۹۶. تاج الفرق فی تحلیه علماء المشرق، از ابی البقاء خالد بن عیسی بن احمد بن احمد بن ابراهیم البلوی، از علمای سده هشتم قمری، کتابت ربیع الاول ۷۶۷ قمری، ۱۳۲ برگ (شماره ۱۲۸۸ د).

۲۹۷. رحلة العبدی، از ابو عبدالله محمد بن محمد بن علی بن احمد بن سعود العبدی از علمای سده هفتم قمری، کتابت رمضان ۹۸۱ قمری، به خط حسین بن علی بن احمد بن محمد المسکالی الیرغیتی، ۱۴۸ برگ (شماره ۱۰۱۲ د).

۲۹۸. معجم ما استعجم، از وزیر ابی عبدالله بن عبدالعزیز بن ابی مصعب البکری المرسی، درگذشته ۴۸۷ قمری، نسخه بسیار کهن، کتابت ۲۴ رمضان ۵۸۳، (شماره ۱۲۹۴ د).

۲۹۹. الادویة المضمونة المسماة بالتجربة الطیبة لجالینوس، ترجمه از حنین بن اسحاق، درگذشته ۲۶۰ قمری، کتابت ۶۸۳ قمری، ۲۲ برگ (شماره ۱/۳۲۱ ق).

۳۰۰. الادویة المفردة، از ابی جعفر احمد بن محمد بن محمد بن محمد معروف به ابن الاشعث، درگذشته حدود ۳۶۵ قمری، جلد دوم، کتابت سده نهم قمری ۱۵۲ برگ (شماره ۲۹۱ ق).

۳۰۱. مجربات درطب، نسخه کهن، کتابت ۶۸۳ قمری، ۱۳ برگ (شماره ۳۲۱ / ق).

۳۰۲. کتاب الخط، از ابی بکر محمد بن السری السراج، درگذشته ۳۱۶ قمری، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت ۳۵۲

قمری، ۱۴ برگ (شماره ۶/۱۰۰ ق).

۳۰۳. الفروسية، مؤلف مجهول، کتابت سده نهم قمری، ۱۳ برگ (شماره ۴/۳۲ ق).

۳۰۴. کتاب الکتاب، از ابی محمد عبدالله بن جعفر بن درستویه، درگذشته ۳۴۷ قمری، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت ۳۵۲ قمری، ۳۸ برگ (شماره ۱۰۰).

۳۰۵. تاریخ الضعیف، از ابی عبدالله محمد بن المرابط عبدالسلام بن احمد بن محمد الملقب بالضعیف الرباطی، نسخه اصل به خط مؤلف (شماره ۶۰۰ د).

۳۰۶. تاریخ ابن الفرات، از ناصرالدین محمد بن عبدالرحیم بن علی معروف به ابن الفرات، درگذشته ۸۰۷ قمری، کتابت سده نهم قمری، ۲۴۵ برگ (شماره ۲۴۰ ق).

۳۰۷. الجمان فی اخبار الزمان، از ابی عبدالله محمد بن علی بن محمد بن حسین بن حیون الصقلی الاندلسی البرجی الشهیر بالهجاج الشطیبی، درگذشته ۹۳۶ قمری کتابت جمادی الاولی ۱۱۶۷ قمری، ۱۵۰ برگ (شماره ۵۷۹ د).

۳۰۸. حوادث الزمان و أنبائه، از شمس الدین محمد بن ابراهیم الجزری الدمشقی، درگذشته ۷۳۹ قمری، کتابت سده نهم قمری، ۱۸۰ برگ (شماره ۱۹۴).

۳۰۹. العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین (مكة المكرمة)، از تقی الدین محمد بن احمد بن علی الحسینی الفاسی، درگذشته ۸۳۲ قمری، کتابت ۸۸۸ قمری، ۳۲۱ برگ (شماره ۸۲۵ ق).

۳۱۰. عیون الروضتین فی اخبار الدولتین، از عبدالرحمن بن اسماعیل الدمشقی معروف به ابی شامة، درگذشته ۶۶۵ قمری، کتابت ۹۷۲ قمری، ۱۸۶ برگ (شماره ۱/۲۵۱ ق).

۳۱۱. نزهة المقلتین فی سیرة الدولتین، از عبدالرحمن بن اسماعیل الدمشقی معروف به ابی شامة، درگذشته ۶۶۵ قمری، کتابت ۹۷۲ قمری، ۵۳ برگ (شماره ۲/۲۵۱ ق).

۳۱۲. نظم الدر والعقیان فی بیان شرف بنی زیان، از ابی عبدالله محمد بن عبدالله بن عبدالجلیل التنسی، درگذشته ۸۹۹ قمری، شامل ۵ جزء، نسخه مورخ ۱۶ محرم ۹۹۸، به خط علی بن عبدالله ۲۰۲ برگ (شماره ۹۰۲ د).

بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار

که بر دفتر یادبود کتابخانه نقش بسته؛ دفتری که آیینه‌سان عشق و شیفتگی به این گنجینه ماندگار را می‌نمایاند:

در تابستان سال جاری (۱۳۸۱ خورشیدی) ۶۲ گروه که مجموعاً ۱۰۴۴ نفر مهمانان داخلی، ۳۷ گروه به تعداد

۷۴۱ نفر و میهمانان خارجی ۲۵ گروه به تعداد ۳۰۳ نفر از کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته بازدید کردند.

در رویدادهای داخلی این فصل، از شهرهای اهواز، دزفول، زابل، مشهد، تهران، قم، رودسر، زرین‌شهر اصفهان و دیگر شهرهای ایران، گروه‌هایی برای دیدار به کتابخانه آمدند. بازدیدکنندگان از علما و طلاب حوزه‌های علمیه، معاونان وزارت‌خانه‌ها، رؤسا و معاونان کتابخانه‌ها، استادان و دانشجویان از دانشگاه‌های گوناگون ایران، نیروهای نظامی ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی - اعم از افسران و درجه‌داران -

خبرنگاران و اعضای کانون‌های علمی و فرهنگی بودند.

دیدارهای خارجی این فصل از کشورهای آلمان، سوریه، عمان، یمن، دبی، فلسطین، امریکا، فرانسه، بوسنی و هرزگوین، آذربایجان، الجزایر، ژاپن و عراق بودند که اهم عناوین بازدیدکنندگان عبارت است از: نماینده دبیر کل سازمان ملل در گفتگوی تمدن‌ها، رؤسا و معاونان دانشگاه‌ها، محققان و اندیشمندان، نمایندگان مجلس و علمای مذاهب گوناگون، پزشکان، معاونان وزارتخانه‌ها، جوانان پیرو اهل‌بیت علیهم‌السلام و دیگر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی.

آنچه در پی می‌آید اظهارات برخی از بازدیدکنندگان است



عمر الطاهر و همراهان

عمر الطاهر، دبیر کل مؤسسه اسلام عرب

«قرأ باسم ربك» چنین است که کتاب آسمانی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد. آیا شریف‌تر و مهم‌تر از کتاب و نگاهبانی از آن وجود دارد؛ آنچه را در این کتابخانه دیدم، زبان از بیان مراتب افتخار و ستایش آن، که به نام مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته است و آن را بنیان‌گذاری نموده، قاصر و الکن است.

درود بر دست‌اندرکاران و حافظان این گنجینه عظیم که صدقانه برای حفظ و اعتلای علم و دانش تلاش می‌کنند.

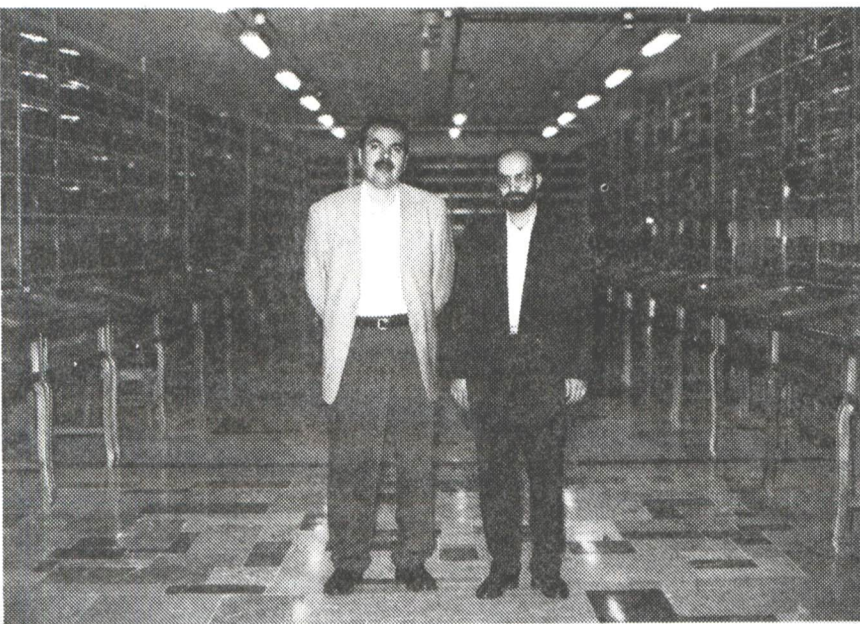


ژرمی جی استونی، رئیس دایرة ارتباطات کتابخانه کنگره امریکا

ژرمی جی استونی، رئیس دایرة ارتباطات کتابخانه کنگره امریکا کتابخانه کنگره ایالات متحده امریکا از حضرت آية الله مرعشی نجفی رحمته الله و کتابخانه ایشان سپاس گزار است؛ زیرا این کتابخانه مرکزی تحقیقاتی برای دانشمندان جهان است که در طی سالیان طولانی، با مشقت و زحمت گردآوری شده. امیدواریم که روابط فرهنگی و مبادله کتابخانه‌ای با ما نیز ادامه پیدا کند.

دکتر قیس جواد غراوی، رئیس تحریریه مجله پژوهش‌های شرقی در پاریس

بازدید از این کتابخانه بزرگ و بی نظیر مایه افتخار این جانب است که نمونه آن را در جای دیگر نیافتم. این کتابخانه بحق نمادی از تفکر اسلامی نوین می‌باشد. مشاهده نسخه‌های خطی عربی در ادبیات و غیر آن برای این جانب مسرت بخش بود. نسخه‌های این گنجینه به روشی نوین حفظ و برای ارائه به محققان و دانش پژوهان عرضه می‌شود. خداوند رحمت کند بنیان‌گذار این کتابخانه را که بی شک نام وی تا ابد الدهر ماندگار خواهد ماند. درود بر جمهوری اسلامی و مسؤولان بلند پایه آن و تولیت محترم این



حمید موحدی لنگرانی، استاد دانشگاه‌های امریکا

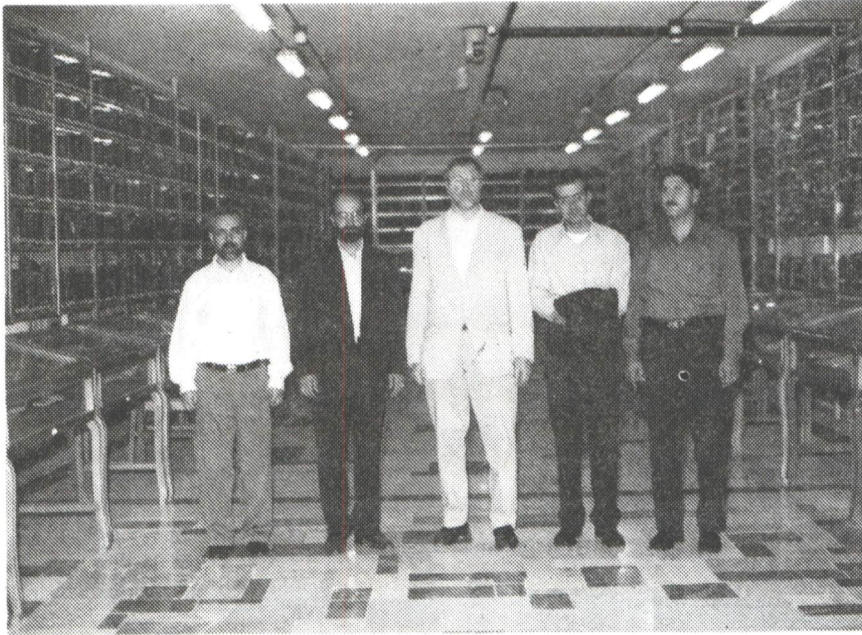
کتابخانه ارزشمند و مدیریت محترم آن که در چنین طرح‌های بزرگی انجام وظیفه می‌کنند.

حمید موحدی لنگرانی، پرفسور و استاد ممتاز دانشگاه‌های بزرگ امریکا

کتابخانه حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله گوهری

است نادر و پرارزش، نه تنها برای تمام شیعیان، بلکه تمام مسلمانان جهان. باعث افتخار این جانب است که هم چنین گوهری را از آن پدر بزرگ خود بخوانم.

محمد عیسی ولی، متخصص فارسی در کتابخانه ملی انگلستان بنده با این‌که از چگونگی کتابخانه حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی -رضی الله عنه- آگاه بودم، واقعاً زیارت آن تجربه‌ای حیرت‌انگیز بوده است. البته جمع کردن این مجموعه بی‌نظیر را می‌توان گفت که یکی از کرامات اولیاء الله بوده است. با عرض تبریک و سلامات صمیمی و دعای توفیق الهی برای جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی و همه همکاران -ایدهم الله تعالی- در کتابخانه. از طرف این خادم دانش‌پژوه و طالب علم، محمد عیسی ولی، متخصص فارسی در کتابخانه ملی انگلستان.



محمد عیسی ولی، از کتابخانه بریتانیا

رابرت شیران، رئیس دانشگاه نیوجرسی امریکا از جناب آقای دکتر مرعشی به سبب حسن توجه و لطف و محبت ایشان و کلیه کارکنان کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی،

ناصر بن راشد بن ناصر المنذری، سلطان نشین عمان

به فضل خداوند از کتابخانه ارزشمندی که حاوی هزاران گنجینه نفیس دانش انسانی است، دیدن کردیم. استقبال بسیار خوبی از ما شد، شرح کاملی از کلیه قسمت‌های کتابخانه داده شد که دال بر عظمت این امت و علاقه فراوان آن‌ها به حفظ تراث اسلامی است. در برابر این تلاش بزرگ، که به همت مرحوم مغفور آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته با همه وجود خود آن را جمع‌آوری نموده است، مراتب تحسین و ستایش خود را اعلام می‌دارم. از خداوند متعال مسألت دارم که این عشق و علاقه را، که خدمت به اسلام



رابرت شیران و همراهان

که مخلصانه فعالیت می‌کنند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم. با آرزوی پیشرفت روزافزون کتابخانه.

و مسلمانان و نسل‌های آینده امت اسلامی است، محفوظ دارد.

محمد جواد حق شناس، معاون امور مجلس و هماهنگی استان‌ها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خداوند بزرگ را سپاسگزارم که در آستانه تولد دخت گرامی رسول اکرم ﷺ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام توفیق دیدار و تشرّف به شهر مقدّس قم را یافتم و امکان بازدید از کتابخانه بزرگ مرحوم حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی - اعلی الله مقامه الشریف - فراهم گردید.

بحق این یادگار بزرگ را می توان از افتخارات جهان اسلام نامید؛ کتابخانه‌ای که با ابتکار و سخت‌کوشی ایشان به بهره‌برداری رسیده است و خوشبختانه پس از رحلت ایشان نیز از سوی فرزند برومند ایشان، جناب آقای حجة الاسلام و المسلمین دکتر مرعشی، به درستی پی گرفته شده است. از خداوند سبحان، برای روح پرفتوح حضرت آیه الله مرعشی نجفی علو درجات و برای مدیران و کارکنان کتابخانه، مخصوصاً جناب آقای دکتر مرعشی، آرزوی توفیق و تداوم راه آن بزرگوار را دارم.

جیان دومینکو، نماینده دبیر کل سازمان ملل در گفتگوی تمدن‌ها از شما به خاطر فرصتی که در اختیار بنده گذاشتید تا از مخزن و گنجینه نفیس چنین کتابخانه عظیمی دیدار کنم، تشکر می‌کنم. در این عصر، که عصر دانش و علم است، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است، در عصری که بشارت‌دهنده صلح و امنیت است.

خانم مارلین دی جیاکوب، معاون ارتباط سیاسی دانشگاه امریکا کتاب هدیه عظیمی برای انسان است. ما شیفته عظمت این کتابخانه، که به همت حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی جمع‌آوری گردیده، شدیم. من بار دیگر از حضرت عالی به خاطر زحماتتان در همراهی و نشان دادن قسمت‌های گوناگون کتابخانه بسیار مهم به نمایندگی از دانشگاه «استن هال» از شما سپاس‌گزاری می‌نمایم.

کلی کنستاتو، رئیس دانشکده دیپلماسی و روابط دیداری امریکا ما عمیقاً از حضرت عالی به خاطر زحمات شما در حفظ و نگهداری کتب نفیس این کتابخانه بزرگ قدردانی می‌کنیم و به پاس مهمان‌نوازی و لطف شما و زحمات کارکنان کتابخانه، آرزوی توفیق بیشتر داریم. امیدواریم که همه شما را در دانشگاه «استن هال» ملاقات کنیم. با تشکر مجدد از شما.

مصطفی کمال، استاد کشور بوسنی من از طرف گروه «کوثر» مدرسه

فارسی بوسنیایی، از همه مسؤولین قسمت‌های کتابخانه، که برای ما توضیح دادند، تشکر می‌کنم. همه کتاب‌هایی که در این جا (کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی) نگهداری می‌شود نه تنها برای ایران، بلکه برای تمامی مسلمانان جهان پراهمیت است. با آرزوی موفقیت بیشتر برای شما



محمد جواد حق شناس و همراهان

پروفسور واحم محمد علی اف، رئیس دانشکده الهیات باکو ایشان پس از بازدید کل بخش‌های کتابخانه حضرت آیه الله مرعشی نجفی اظهار داشتند: در برابر این چنین انسان کاملی سر تعظیم فرود می‌آورم و از تمام کارمندان این کتابخانه عالی‌قدر سپاس‌گزاری می‌کنم.

یحیی احمد النجار، قائم مقام
وزارت اوقاف و ارشاد یمن

در روز یکشنبه ۲۳ جمادی الثانی
۱۴۲۳ ق، برابر با ۱ سپتامبر
۲۰۰۲ م، هیأتی بزرگ متشکل از
نمایندگان مجلس و وزارت اوقاف
و ارشاد یمن، شرفیاب بازدید از
کتابخانه بزرگ مرحوم مغفور آیه‌الله
العظمی مرعشی نجفی شدیم. در این
بازدید، نفائیسی از نسخه‌های خطی در
علوم گوناگون را، که برخی از آنان
مربوط به سده دوم هجری قمری بود،
دیدیم. این کتابخانه مایه افتخار
و مباهات، نه فقط برای ایرانیان، بلکه
برای کل امت اسلامی است. خداوند



یحیی احمد النجار و همراهان

جمعی از استادان دانشگاه‌های سوریه

شرفیاب بازدید از این کتابخانه عظیم (کتابخانه بزرگ
حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی) که به‌عنوان بنای
بی‌نظیر تمدن اسلامی تلقی می‌شود، شدیم. امیدواریم که این
مجموعه عظیم همواره چون مناری استوار برای تمدن اسلامی
ماندگار بوده و در پیشبرد اهداف خود موفق و پیروز باشد.

بنیانگذار این کتابخانه عظیم را غریق رحمت و اسعه، و بهشت
را منزلگاه او قرار دهد. خداوند فرزند خلف وی
و دست‌اندرکاران این مجموعه عظیم را، که با تلاش مستمر در
محافظت از آن، برای استفاده مسلمانان در سراسر جهان،
انجام وظیفه می‌کنند، موفق و سربلند قرار دهد.
در خاتمه باید گفت: این کتابخانه عظیم را زینده شهری
عظیم، که صاحب انقلابی عظیم است، یافتیم.

دکتر میتسوونا کامورا، استاد دانشگاه ژاپن

بسیار خوش‌بخت شدیم که از کتابخانه آیه‌الله مرعشی
و کتاب‌های بسیار نفیس و ارزشمند آن، که یکی از
گنجینه‌های عظیم علم و دانش و برای تمام انسان‌هاست
و به‌وسیله مسلمانان به‌وجود آمده، دیدن کردیم. با ادای
احترام، به پاس سعی و تلاش و علاقه شدید شما در حفظ این
آثار، احترام بسیاری قایلیم.
در پایان از لطف و مرحمت شما، که اجازه بازدید از
کتابخانه را به ما دادید، تشکر می‌کنم.



آمار بهار کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی

گنجینه کتب خطی

۱. مجموع کتب خطی خریداری شده ۶۱ مجلد
۲. مجموع کتب خطی اهدا شده به کتابخانه ۴۰ مجلد

ریزنگاری

۱. مجموع کتب خطی ریزفیلم شده ۲۲۹ عنوان
۲. مجموع ریزفیلم‌های المثنی و پردازش شده ۲۲۹ حلقه
۳. مجموع عکس‌های گرفته شده برای بایگانی ۱۶۹ حلقه

مرمت و آفت‌زدایی

۱. مجموع اسناد ترمیم شده یک طومار
۲. مجموع کتب ضد عفونی شده ۲۸۸ جلد
۳. مجموع کاغذهای رنگ شده برای ترمیم ۵ ورق
۴. مجموع کتب مرمت، دوخت، جلدسازی و صحافی شده ۷۵ مجلد

ویژه محققان

۱. مجموع کارت‌های صادر شده ۱۳ مورد
۲. مجموع خدمات اطلاعاتی رایانه‌ای ۲۰۰۰ مورد
۳. مجموع نسخه‌های خطی تصویربرداری شده ۲۳۹۱ برگ
۴. مجموع کتب تعمیر شده ۶۰۵ جلد

اطلاع‌رسانی و خدمات فنی

۱. مجموع کتب و نشریات ثبت شده ۱۱۶۵۶ شماره
۲. مجموع کتب (غیر لاتین) آماده سازی شده ۹۷۸۵ مجلد
۳. مجموع کتب چاپی فهرست‌نویسی شده ۹۷۰۰ مجلد

۴. مجموع نشریات فهرست‌نویسی شده ۱۳۰ عنوان
۵. مجموع نشریات بررسی شده ۱۱۸۶۸ شماره
۶. مجموع داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌های گوناگون ۲۱۸۷۹ مورد
۷. مجموع تصحیح داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌های گوناگون ۴۱۰۰ مورد

دائرة المعارف

۱. مجموع منابع شناسایی و تهیه شده ۳۰۰ عنوان
۲. مجموع شناسه‌های بررسی و تفکیک شده ۲۲۵۰ شناسه
۳. مجموع مقاله‌های تألیف شده چندین مقاله
۴. مجموع مقاله‌های ترجمه شده ۷۲۰۰ کلمه

گنجینه کتب چاپی

- مجموع کتب تعمیر شده ۹۲۲۰ جلد

گنجینه کتب عکسی

۱. مجموع کتب تعمیر شده ۸۰ جلد
۲. مجموع کتب وارد شده ۸۳ جلد

گنجینه کتب لاتین

- مجموع کتب تعمیر شده ۱۶۸ جلد

رایانه

۱. مجموع اطلاعات داده شده رایانه‌ای ۲۶۴۳۳ مورد
۲. مجموع سفارش‌های رایانه‌ای کتاب ۸۸۱۱ مورد
۳. مجموع کارت‌های عضویت صادر شده رایانه‌ای ۱۰۹۲ مورد

پذیرش میهمانان (تشریفات)

۱. مجموع مهمانان داخلی ۷۶ گروه ۱۸۵۹ نفر
۲. مجموع مهمانان خارجی ۲۲ گروه ۷۸ نفر

صحافی کتب چاپی و روزنامه‌ها و مجلات

۱. مجموع کتب صحافی شده ۲۱۶ جلد
۲. مجموع نشریات صحافی شده ۱۴ مورد

آمار تابستان

گنجینه کتب خطی

۱. مجموع کتب خطی خریداری شده ۹ مجلد
۲. مجموع کتب خطی اهدا شده به کتابخانه ۲۴ مجلد

ریزنگاری

۱. مجموع کتب خطی ریزفیلیم شده ۳۶ عنوان
۲. مجموع ریزفیلیم‌های المثنی و پردازش شده ۳۶ حلقه
۳. مجموع عکس‌های گرفته شده برای بایگانی ۱۲ قطعه

مرمت و آفت‌زدایی

۱. مجموع کتب ضدعفونی شده ۳۸۸ جلد
۲. مجموع کاغذهای رنگ شده برای ترمیم ۲ ورق
۳. مجموع کتب مرمت، دوخت، جلدسازی و صحافی شده ۷۱ مجلد

ویژه محققان

۱. مجموع کارت‌های صادر شده ۱۲ مورد
۲. مجموع خدمات اطلاعاتی رایانه‌ای ۱۰۰۰ مورد
۳. مجموع نسخه‌های خطی تصویربرداری شده ۷۰۰ برگ
۴. مجموع کتب تعمیر شده ۶۹۵ جلد

اطلاع‌رسانی و خدمات فنی

۱. مجموع کتب و نشریات ثبت شده قریب ۱۱۷۹۸ شماره
۲. مجموع کتب (غیر لاتین) آماده سازی شده ۱۲۳۰۰ مجلد
۳. مجموع کتب چاپی فهرست‌نویسی شده قریب ۱۰۰۰۰ مجلد
۴. مجموع نشریات بررسی شده ۶۴۰۰ شماره
۵. مجموع داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌های گوناگون ۱۸۶۱۹ مورد

دائرةالمعارف

۱. مجموع شناسه‌های بررسی و تفکیک شده ۲۵۰۰ شناسه
۲. مجموع مقاله‌های تألیف شده ۳ مقاله
۳. مجموع مقاله‌های ترجمه شده ۷۲۰۰ کلمه
۴. مجموع مقاله‌های بررسی، مقابله و غلط‌گیری شده ۱۰۱ صفحه

گنجینه کتب چاپی

- مجموع کتب تعمیر شده ۶۳۹۸ جلد

گنجینه کتب عکسی

۱. مجموع کتب تعمیر شده ۷۶ جلد
۲. مجموع کتب وارد شده ۸۲ جلد

گنجینه کتب لاتین

- مجموع کتب تعمیر شده ۸۳ جلد

رایانه

۱. مجموع اطلاعات داده شده رایانه‌ای ۱۶۱۱۹ مورد
۲. مجموع سفارش‌های رایانه‌ای کتاب ۵۳۷۳ مورد
۳. مجموع کارت‌های عضویت صادر شده رایانه‌ای ۱۱۲۴ مورد

پذیرش میهمانان (تشریفات)

۱. مجموع مهمانان داخلی ۳۷ گروه ۷۴۱ نفر
۲. مجموع مهمانان خارجی ۲۵ گروه ۳۰۳ نفر

صحافی

- مجموع نشریات صحافی شده ۵۵۳ مورد

توافق‌نامه همکاری

این توافق‌نامه با عنایت به تداوم اجرا و تکمیل زمینه‌های پیشین همکاری مشترک موضوع توافق‌نامه مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۶ و در جهت تعمیق همکاری‌های بیش‌تر میان معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی)، که از این پس «مرکز» و کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، که از این پس «کتابخانه» نامیده می‌شوند، در ۱۰ ماده به تاریخ ۸۱/۱/۱ برای یک دوره سه ساله منعقد می‌شود.

● تعهدات مرکز:

۱. براساس توافق پیشین برعهده کتابخانه می‌باشد.
 ۲. کتابخانه متعهد خواهد شد تا به جهت اجرای توافقات دفتر با مرکز خارجی، تعداد ۵۰ نسخه از فهرسی که به صورت مشترک انتشار خواهد یافت را به صورت رایگان در اختیار معاونت برای ارسال به مراکز خارجی طرف توافق قرار دهد.
 ۳. کتابخانه متعهد می‌گردد تا نسبت به ویروس‌زدایی آن دسته از اسناد و مخطوطات دفتر (تا حداکثر ۵۰ نسخه)، که نیاز به آفت‌زدایی دارند، بدون دریافت هزینه اقدام نماید.
 ۴. کتابخانه متعهد می‌شود تا نسبت به در اختیار نهادن میکروفیلم خام و ظهور آن دسته از میکروفیلم‌هایی که توسط مرکز در خارج کشور تهیه می‌شود، بدون اخذ هزینه اقدام کند و در عوض، از این اجازه برخوردار است تا یک نسخه پشتیبان از این آثار را در قبال پرداخت هزینه‌های خود در اختیار داشته باشد.
 ۵. کتابخانه متعهد می‌گردد تا پذیرای میهمانان و هیأت‌های خارجی اعزامی از سوی «مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی» طی مدت اقامت در شهر قم برای بازدید از کتابخانه و صرف نهار باشد.
- سید محمود مرعشی نجفی
متولی و ریاست کتابخانه بزرگ
حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته
- سید صادق خرازی
معاون آموزش و پژوهش
وزارت امور خارجه

درگذشت همکاری دانشمند

حسین رفیعی

با کمال تأسف ماهی که گذشت، جامعه علمی ما دانشمندی فرزانه، و کتابخانه همکاری دلسوز را از دست داد. حضرت حجت الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ محمدعلی حائری خرم‌آبادی به سال ۱۳۲۶ شمسی در شهر خرم‌آباد زاده شد. وی از خردسالی و همزمان با تحصیل در دبستان تحت تأثیر ارشادات مرحوم آیت الله کمالوند به علوم دینی و تحصیلات حوزوی علاقه‌مند شد و به همین منظور در سیزده سالگی جهت فراگیری و تحصیل در حوزه‌های علمیّه عازم شهر مقدس قم گردید و در کنار تحصیل در دبیرستان به فراگیری علوم حوزوی نیز پرداخت. هفده سال بیشتر از سن او نمی‌گذشت که عازم حوزه‌های

۱. معاونت متعهد می‌شود تا براساس توافقات پیشین، کلیه امور مربوط به مقابله، تصحیح و تعلیقات پروژه‌های مشترک فهرست‌نویسی خود در حوزه کشورهای خارجی را به منظور چاپ و انتشار در اختیار کتابخانه قرار دهد و نسبت به پرداخت کلیه هزینه‌های این بخش از تعهد (اعزام کارشناس) عمل نماید.
۲. معاونت متعهد می‌گردد تا نسبت به مأموریت‌های خارجی متولی و ریاست کتابخانه، که در جهت انجام امور رسمی صورت می‌پذیرد، هم‌چون سابق (اخذ گذرنامه سیاسی، اخذ روادید و در صورت لزوم، اعزام کارشناس مطلع از دفتر) همکاری و همیاری نماید.
۳. معاونت متعهد می‌گردد تا نسبت به هماهنگی‌های لازم و ارائه تسهیلات، به ویژه روادید و اقامت، برای دعوت میهمانان یا شخصیت‌های خارجی کتابخانه از پشتیبانی دریغ نرزد. لازم به ذکر است کلیه هزینه‌های میهمانان کتابخانه برعهده آن مرکز خواهد بود.
۴. معاونت متعهد می‌گردد تا نسبت به ارسال ۱۰۰ نسخه از فهرسی که به صورت مشترک انتشار خواهد یافت، به مراکز خارجی طرف قرارداد اقدام نماید. توضیح این‌که تمام هزینه‌های ارسال برعهده دفتر خواهد بود.
۵. معاونت متعهد می‌گردد تا با مشارکت کتابخانه نسبت به توسعه امر فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی و دست‌نویس حوزه تمدن اسلام و ایران موجود در مراکز خارجی اقدام نماید.

● تعهدات کتابخانه:

۱. کتابخانه متعهد می‌گردد تا آن مجموعه از فهراس ارائه شده «حوزه آسیای مرکزی و یمن توسط معاونت را در اسرع وقت با ذکر نام «مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی»، «کتابخانه» و نام مرکز ثالث خارجی در روی جلد، حداکثر تا پانصد نسخه منتشر سازد. کلیه هزینه‌های انتشار و حق‌الزحمه‌های فهرست‌نگاران و کارشناسان مربوط به این پروژه، براساس ترتیب زیر:

- سال ۱۳۸۱ تا سقف حداکثر ۱۲ هزار دلار معادل به ریال؛
- سال ۱۳۸۲ تا سقف حداکثر ۶ هزار دلار معادل به ریال؛
- سال ۱۳۸۳ تا سقف حداکثر ۶ هزار دلار معادل به ریال؛

علمیه در عتبات عالیات شد و از محضر اساتید بزرگوار آن سامان بهره‌ها برد. چندی نگذشته بود که اولین کتاب خود را به زبان عربی و با عنوان الصهیونیه، در سال ۱۳۴۳ شمسی در کربلا منتشر کرد که باعث برآشفستگی رژیم وقت عراق و زندانی شدن وی شد. ایشان پس از مدتی توقف و تحصیل در آن دیار به ایران و حوزه علمیه قم بازگشت و ادامه تحصیلات و تحقیقات خود را در این شهر مقدس از سر گرفت و از محضر بسیاری از اوتاد استفاده نمود و در اقصی نقاط کشور، به تبلیغ و ارشاد و نشر علوم اسلامی پرداخت.

وی از حدود بیست سال پیش همکاری علمی خود را با کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی آغاز نمود. حاصل این همکاری چند کتاب، رساله و مقاله علمی است که از او به جا مانده است. تعدادی از آثار منتشر شده ایشان عبارتند از:

۱. الصهیونیه، کربلا، ۱۳۴۳ ش (عربی)، ۱ جلد.
۲. المشاهد المشرفه و الوهابیون، نجف، ۱۳۴۵ ش (عربی)، ۱ جلد.
۳. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۱ ق / ۱۳۶۹ ش (فارسی)، جلد اول.

۴. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش (فارسی)، جلد دوم.

۵. مرآة الکتب، ثقة‌الاسلام تبریزی، تحقیق محمدعلی حائری، قم، ۱۴۱۴ ق (عربی)، جلد اول.

۶. مرآة الکتب، ثقة‌الاسلام تبریزی، تحقیق محمدعلی حائری، قم، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش (عربی)، جلد دوم.

۷. مرآة الکتب، ثقة‌الاسلام تبریزی، تحقیق محمدعلی حائری، قم، ۱۴۱۹ ق / ۱۳۷۷ ش (عربی)، جلد سوم.

۸. مرآة الکتب، ثقة‌الاسلام تبریزی، تحقیق محمدعلی حائری، قم، ۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸ ش (عربی)، جلد چهارم.

۹. مرآة الکتب، ثقة‌الاسلام تبریزی، تحقیق محمدعلی حائری، قم، ۱۴۲۲ ق / ۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ م (عربی)، جلد پنجم.

۱۰. مقاله «خاندان مرعشی و سلاطین صفوی»، گنجینه شهاب، زیر نظر دکتر سید محمود مرعشی نجفی، قم،

۱۳۸۰ ش / ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م

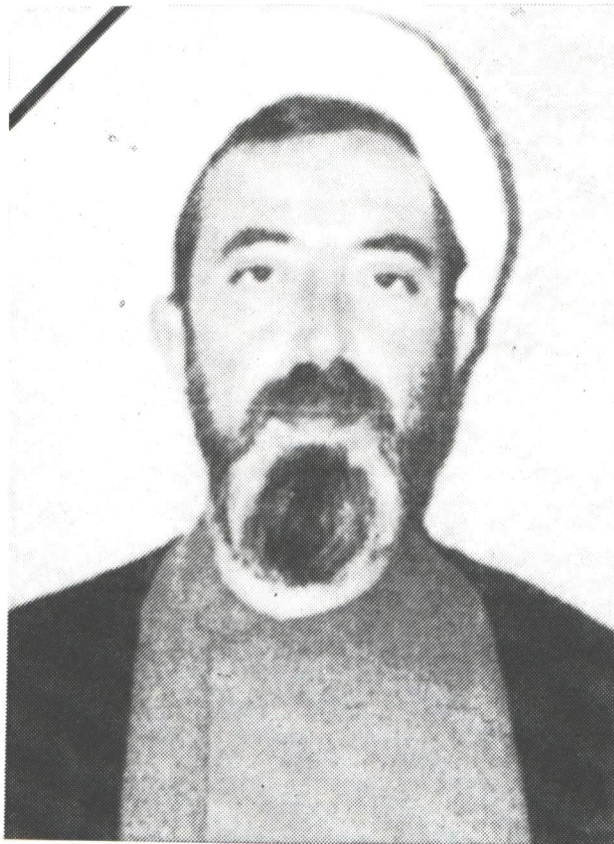
(فارسی)، ص ۹۵-۱۱۰.

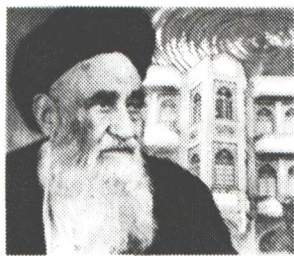
از دیگر آثار آن فقید، هشت جلد رساله در مورد فرق مختلف اسلامی است که به وسیله سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منتشر شده و هم‌چنین مقالات متعددی که در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

ایشان سرانجام پس از تحمل مدتی رنج بیماری، در روز سه‌شنبه دوم مهرماه ۱۳۸۱ برابر با ۱۶ رجب ۱۴۲۳ در ۵۵ سالگی در شهر مقدس قم به رحمت ایزدی پیوست و در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه (س)

و در قبرستان نو رخ در نقاب خاک کشید. روانش شاد و قرین رحمت باد.

یادآور می‌شود که از سوی تولیت و ریاست محترم کتابخانه، مجلس ترحیمی برای آن فقید سعید، با حضور دانشوران حوزه علمیه قم و کارکنان کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در حسینیه معظمه برگزار شد.





ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN



نامه‌ها

حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمود مرعشی نجفی - دامت برکاته -

با سلام و تحیت و درود فراوان به بنیادگذار جاوید یاد آن کتابخانه بزرگ که به مدیریت شایسته حضرت عالی، خلف سراپا شرف آن بزرگوار، به شایستگی و بصیرت تمام اداره می‌شود.

دریافت شماره سوم و چهارم پیاپی ۲۵ و ۲۶ مجله جامع آداب شهاب و فهرست انتشارات موجب گردید ادای تشکر قلبی خود را به آن یادگار بنام آية الله العظمی نجفی مرعشی - رضوان الله تعالی علیه - تقدیم دارم.

این مجله، که امروز یکی از بهترین مجلات تحقیقی در جهان اسلام و کشور عزیز ما ایران، به‌ویژه در مسائل کتب فرهنگ درخشان اسلامی و شیعی است، همه مشتاقان تحقیقات اسلامی و ایرانی را شیفته خود ساخته است. در این شماره یاد شده مقالات تحقیقی بسیار سودمند آمده است؛ از آن جمله:

۱. میراث اسلامی در کتابخانه اسکوریال؛

۲. نویافته‌های گنجینه‌های دست‌نویسی اسلامی؛

۳. نخستین‌های کتاب؛

۴. کشف کاشف المشکلات.

اینها نشانی زنده و برهانی ارزنده از تلاش‌های تحقیقی و ارتقای سطح علمی این مجله است، به‌ویژه شماره‌های ۳ و ۴ فوق که به‌خامه آن جناب نگارش یافته که خود تافته نکوبافته‌ای از پرنده بلاغت و سخنوری است.

مزید توفیق آن جناب و همه نویسندگان این مجله را از خداوند خواستارم.

تهران - دانشگاه تهران

جلیل تحلیل

۸۰/۴/۱۰

جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی

ریاست محترم کتابخانه بزرگ آية الله مرعشی نجفی رحمته

با سلام

نظر به دعوت جناب آقای سید صادق خرازی از آقای المالک فیصل الصباح، مدیر تشریفات دیوان ولیعهد و نخست‌وزیر کویت، برای دیدار از کشورمان، نام‌برده هفته آینده به تهران سفر خواهد نمود. با توجه به ابراز رضایت سایر هیأت‌های بازدیدکننده از بازدید آن کتابخانه، ضمن تشکر از همکاری‌های قبلی، موجب امتنان خواهد بود چنان‌چه دستور فرمایید هماهنگی‌های لازم جهت بازدید این هیأت از آن کتابخانه نیز انجام پذیرد.

در صورت صدور دستور جناب عالی، هیأت فوق روز شنبه ۸۰/۰۴/۲۹ ساعت ۹ صبح عازم قم خواهد بود.

سید علی موجانی

مدیرکل اسناد و تاریخ دیپلماسی

*

جناب آقای دکتر مرعشی

رئیس محترم کتابخانه حضرت آية الله مرعشی نجفی رحمته

با سلام

نظر به این‌که آقای فتحی ابوبکر المرآغی، مربی زبان فارسی در دانشگاه «عین شمس» قاهره، در قالب فرصت مطالعاتی اعطایی از سوی این مرکز، جهت تحقیق و تکمیل رساله تحصیلی خود، تحت عنوان «خطبه‌های نماز جمعه در ایران معاصر»، نیاز به بهره‌برداری از منابع و مآخذ آن کتابخانه دارد، مساعدت آن کتابخانه به مشارالیه موجب امتنان خواهد بود.

حمید محمدی

مدیرکل آموزش و توسعه همکاری‌های علمی - فرهنگی

*

*

جناب آقای دکتر مرعشی

مدیر محترم کتابخانه آیت‌الله مرعشی

با سلام

نظر به اینکه یک هیأت فرانسوی از تاریخ ۱۵/۴/۸۱ لغایت ۲۲/۴/۸۱ میهمان این «مرکز» می‌باشند و قصد ملاقات با حضرت عالی را دارند، خواهشمند است دستور فرمایید هماهنگی‌های لازم صورت پذیرد.

محمد صادق حسینی

مدیر ارتباطات و بین‌الملل

*

مدیریت محترم کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی نجفی مرعشی
- قدس سره -

جناب حجة الاسلام و المسلمین مرعشی نجفی - دامت برکاته -
با سلام و تحیت

احتراماً به استحضار می‌رساند گروهی از مسلمانان از کشور بوسنی و هرزگوین به تعداد ۱۹ نفر (۱۳ نفر خواهر و ۶ نفر برادر) در نظر دارند در تاریخ ۴/۶/۸۱ از آن کتابخانه معظم بازدید نمایند. لطفاً دستور فرمایید مقدمات این بازدید فراهم آید.

معاونت بین‌الملل جامعه الزهراء (س)

*

حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمود مرعشی نجفی
متولی و رئیس محترم کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی
مرعشی نجفی

با سلام

نامه‌های شماره ۱۳۵۵ و ۱۳۷۸ مورخ ۱۶/۴/۸۱ جناب عالی به همراه دو نسخه مجله شهاب واصل گردید. ضمن تشکر و آرزوی موفقیت، سعادت و سربلندی جناب عالی و همکارانتان را از درگاه ایزد سبحان مسألت می‌نمایم.

سید علی خاتمی

*

جناب آقای حجة الاسلام و المسلمین دکتر نجفی

ریاست محترم کتابخانه آیت‌الله‌العظمی نجفی رحمته‌الله

با سلام و تحیت

احتراماً به استحضار می‌رساند آقای مهندس معزالدین، معاونت محترم وزیر و ریاست سازمان ایران‌گردی و جهان‌گردی، بنا دارند در روز یکشنبه، مورخ ۱۰/۶/۸۱ رأس ساعت ۷ بعد از ظهر از آن کتابخانه بازدید نمایند. لذا خواهشمند است هماهنگی‌های لازم را مبذول فرمایید. ضمناً یک نسخه از فیلم جاذبه‌های استان، که به صورت CD به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی تهیه شده است، که در بخشی از آن به معرفی کتابخانه می‌پردازد، اهدا می‌گردد.

محمد علی فیاضی

مدیر سازمان ایران‌گردی و جهان‌گردی استان قم

*

دفتر حفاظت منافع جمهوری عربی مصر در تهران، با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اداره کل تشریفات، احتراماً به استحضار می‌رساند کتابخانه بزرگ اسکندریه مصر از حضرت آیت‌الله سید محمود مرعشی نجفی، متولی و ریاست محترم کتابخانه آیت‌الله مرعشی و گنجینه جهانی

محضر مبارک حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج آقای

محمود مرعشی نجفی - زید عزه -

احتراماً ضمن عرض تبریک ولادت باسعادت حضرت زهرا (س) به استحضار می‌رساند همایش دو روزه مدیران کل بهزیستی سراسر کشور با حضور ریاست محترم این سازمان، جناب آقای دکتر راه‌چمنی، در روز ۱۴ شهریورماه در استان قم برگزار می‌گردد. خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایید تا مدیران کل بهزیستی کشور در روزهای مذکور از کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی بازدید نموده، با این گنجینه عظیم جهان اسلام آشنا شوند.

سید مهدی سید محمدی

مدیر کل سازمان بهزیستی استان قم

*

دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی

رئیس محترم کتابخانه آیت‌الله‌العظمی نجفی - رضوان‌الله

تعالی علیه -

با سلام و احترام

عطف به نامه شماره ۱۶۹۱ مورخ ۲۳/۵/۸۱ بدین وسیله، وصول تصاویر دو عنوان نسخه خطی را به شرح زیر اعلام و از الطاف جناب عالی سپاس‌گزاری می‌نمایم.

۱. آفرینش ارواح و اجسام، عزیز نسفی، به شماره ۲۶۴۴؛

۲. اصطلاحات صوفیان، عبدالرزاق کاشی، به شماره ۳۹۳۰

و ۷۲۹۷.

با احترام و تشکر

مهدی محقق

رئیس هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

*

حضور ارجمند حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمود نجفی مرعشی

با سلام

پیرو مذاکره همکار این اداره کل با دفتر جناب عالی، به استحضار می‌رساند آقای رابرت شیران، رئیس دانشگاه «سیتون هال» نیوجرسی، به همراه هیأتی شامل آقایان جیان دومینیکو پیکو نماینده دبیر کل سازمان ملل در امور گفت‌وگوی تمدن‌ها، کلی کنستانتیو رئیس، و مادلین دی جیا کوب معاون دانشکده دیپلماسی و روابط بین‌الملل دیداری از کشورمان دارند. نظر به علاقه هیأت مذکور به ملاقات با جناب عالی و دیدار از کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، خواهشمند است دستور فرمایند برای بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۱۳۸۱/۵/۲۲ برنامه لازم تنظیم و نتیجه را جهت اقدامات بعدی اعلام فرمایند.

امیرحسین زمانی‌نیا

مدیرکل امور سیاسی بین‌المللی

✽

حجة الاسلام و المسلمین آقای مرعشی نجفی

ریاست محترم کتابخانه بزرگ آیه الله مرعشی نجفی

با سلام

به پیوست، فراخوان واصله از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - برلین درباره اولین کنگره جهانی مطالعات خاورمیانه دانشگاه «مانیس» و آمادگی آن جهت پذیرش شرکت محققان در کنگره مذکور در باب موضوعات متنوع باستان‌شناسی مطالعات اسلامی و دیگر موضوعات عنوان شده در بند ۲ فراخوان جهت اقدام لازم ایفاد می‌گردد.

سید علی موجانی

مدیرکل مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

✽

جناب آقای دکتر مرعشی

ریاست محترم کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی

سلام علیکم

به پیوست، تصویر یادداشت شماره ۶۴۶ مورخ ۷۸/۹/۱۵ سفارت ازبکستان در تهران در خصوص دعوت از جناب عالی جهت شرکت در کنفرانس بین‌المللی «ادیان دنیا در راه فرهنگ صلح» ایفاد می‌گردد.

محمد مسجدجامعی

مدیرکل هماهنگی‌های امور فرهنگی

✽

سفارت جمهوری ازبکستان در تهران با اظهار تعارفات خود به اداره محترم کل تشریفات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، احتراماً پیرو یادداشت شماره ۶۴۴ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱

مخطوطات اسلامی دعوت به عمل آورده است جهت شرکت در مراسم افتتاحیه کتابخانه بزرگ اسکندریه حضور به هم رسانند. موجب افتخار خواهد شد چنانچه ایشان دعوت را پذیرفته و در مراسم فوق شرکت نمایند.

تاریخ این مراسم از ۲۳ آوریل ۲۰۰۲ به ۱۶ اکتبر ۲۰۰۲ برابر با ۲۴ مهرماه ۱۳۸۱ تغییر یافته است.

دفتر حفاظت منافع جمهوری عربی مصر در تهران موقع را مغتنم شمرده، احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

✽

عالی جناب حجة الاسلام دکتر محمود مرعشی نجفی

استاد گرانمایه، با درود و تحیت و بعد؛

به همراه همسر خود و در معیت سفیر جمهوری مجارستان، بازدید از انستیتوی اعجاب‌برانگیز (کتابخانه بزرگ) شما در آغاز همین سال (۲۰۰۲ م) داشتیم. این سفر برای ما همراه با خاطراتی بسیار خوش بود؛ به دلیل نتیجه مثبتی که این بازدید به همراه داشت.

خواهشمند است دعوت ما را برای بازدید از مجارستان و به طور خاص، از انستیتوی ما، که مختص بررسی فرهنگ و علوم اسلامی می‌باشد، پذیرا باشید.

با علاقه فراوان، منتظر اجابت دعوت با یک نفر همراه، به هنگام سال تحصیلی جدید هستیم، و با توجه به تخصص حضرت عالی در علم الاجتماع، خواهشمندیم در هنگام سفر، دو سخنرانی با عناوین:

۱. تطورات اجتماعی در ایران؛

۲. تطور پیش‌بینی شده برای اسلام در قرن جدید.

داشته باشید. در خاتمه، بهترین درودها را پذیرا باشید.

با احترام کامل پروفیسور میکلوش ماروت

✽

جناب آقای دکتر محمود مرعشی نجفی

ریاست محترم کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی - قم

این جانب ضمن اظهار بهترین تعارفات خود به ریاست محترم کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، بدین وسیله افتخار دارم تا دعوت‌نامه آقای پروفیسور میکلوش ماروت، استاد دانشگاه پازمانی پیترو ریاست مرکز تحقیقات اسلامی مجارستان را به پیوست ارسال دارم.

شایان ذکر است که این جانب به همراه آقای پروفیسور ماروت و همسر ایشان در بهمن ماه ۱۳۸۱ از کتابخانه بازدید کرده و همواره خاطرات خوش مصاحبت با جناب عالی در ذهنمان نقش بسته است.

با تشکر دکتر ایشتوان و اشاری

سفیر جمهوری مجارستان تهران - ایران

✽

به اطلاع می‌رساند:

کنفرانس بین‌المللی تحت عنوان «ادیان دنیا در راه فرهنگ صلح» در تاریخ ۲۵ الی ۲۸ آوریل سال ۲۰۰۰ میلادی در شهرهای تاشکند، سمرقند و بخارا برگزار می‌گردد.

بدین وسیله، همزمان با دعوت از داوطلبان مذکور در یادداشت ۶۴۴ از جناب آقای آیه‌الله دکتر مرعشی، ریاست محترم کتابخانه قم، نیز دعوت به عمل می‌آورد تا در این کنفرانس حضور به عمل آورند.

سفارت جمهوری ازبکستان در تهران فرصت را مغتنم شمرده و مراتب احترامات فائقه را به آن اداره محترم تجدید می‌دارد.

اداره محترم کل تشریفات وزارت امور خارجه

جمهوری اسلامی ایران

✽

استاد اندیشمند جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی

سلام علیکم

احتراماً با آرزوی توفیق و سعادت روزافزون الهی، بدین وسیله به استحضار می‌رساند نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری منطقه ۳ در راستای تبیین اندیشه اسلامی و شناساندن بنیان‌گذاران عرفان اسلامی شیعی، با استعانت از درگاه احدیت و با تکیه بر همفکری و همکاری اصحاب قلم و اندیشه، خصوصاً در قلمرو عرفان، اقدام به برگزاری کنگره ملی «بزرگداشت علامه سید حیدر آملی رحمته‌الله علیه» به مدت دو روز (۲۰ و ۲۱ آذر ماه سال جاری) می‌نماید. لذا، از حضرت عالی، که از صاحب‌نظران و آشنایان با مبانی فکری و اصول بنیادین عرفان اسلامی می‌باشید، تقاضا می‌گردد ضمن حضور و ایراد سخنرانی در این کنگره، با عنایت به موضوعات پیشنهادی کمیته علمی کنگره (به پیوست پوستر فراخوان مقاله کنگره و ویژه‌نامه‌های تخصصی آن تقدیم حضور می‌گردد)، اثر تحقیقی خویش پیرامون علامه سید حیدر آملی را جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات و ویژه‌نامه‌های تخصصی کنگره به دبیرخانه کنگره ارسال و ما را در نیل به اهداف عالی آن یاری فرمایید.

پیشاپیش از بذل عنایت حضرت عالی کمال تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

دکتر سید حسین ابراهیمیان

✽

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرة الأخ الفاضل حجة الاسلام والمسلمين الدكتور السيد

محمود مرعشي - حفظه الله -

الأمين العام لمكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي - قم - إيران

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته و بعد؛

فقد كانت ندوة المخطوطات العربية في إيران التي عقدت في

دمشق، في ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ من شهر أيار ۲۰۰۲ مناسبة طيبة للقاء بكم والتشرف بمعرفتكم والاطلاع على نشاطاتكم في خدمة تراثنا الاسلامي عموماً، و في حقل المخطوطات العربية على الخصوص، و التي نسعي جميعاً للحفاظ عليها و تحقيقها و نشرها، لأنها تمثل الدعامة الثقافية و الأسس الفكرية التي يمكن أن تبني عليها الأجيال عزاها و مستقبلها. أخي الفاضل، أتمنى أن تتكرر لقاءاتنا في مناسبات أخرى، و أن يتحقق التعاون المشترك بيننا في خدمة تراثنا الذي نفخر بخدمته و بالانتماء إليه؛ و يسعدنا أن نبلغكم استعدادنا الدائم لتبليغ آية دعوة لتبادل الخبرات أو للقيام بعمل مشترك فيه إحياء لتراثنا العربي و الإسلامي.

نرجو أن تستمر الاتصالات بيننا لنبقى على صلة باخباركم و نشاطكم متمنياً لكم دوام التوفيق و النجاح في أعمالكم، و الصحة و السعادة في حياتكم.

و السلام عليكم و رحمة الله
د. محمود مصطفی حلاوي

✽

الأخ الدكتور السيد محمود المرعشي

رئيس المكتبة العامة لآية الله العظمى المرعشي النجفي في قم

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته ... و بعد؛

يسعدني أن أبعث اليكم بخالص شكري و تحياتي و تقديري لحفاوتكم البالغة بوفد مركز البحوث و الدراسات الكويتية لدي زيارته لكم، و اسمحوالنا بأن نعرب لكم عن إعجابنا و تقديرنا للجهود التي بذلها المغفور له بإذن الله والدكم في إنشاء هذه المكتبة المتميزة. هذه التي كان لزيارتها أثر طيب في نفوسنا، حيث اطلعنا على المخطوطات النفيسة و الكتب النادرة، و ظفرنا بهدايا مختلفة من الكتب التي احتلت مكانها الآن في مكتبة مركز البحوث و الدراسات الكويتية إلى جانب أختاتها من المصادر و الكتب العربية و الأجنبية. كما نود أن نعبر عن تقديرنا لسيادتكم على الجهود التي ما زلتم تبذلونها لتطوير هذه المكتبة و الحفاظ عليها، أنتم و مساعدتكم.

نكرر اعتزازنا بهذه الزيارة، و شكرنا لكم على ما قمتم به نحونا، و أملنا أن تكون هذه الزيارة فاتحة لمزيد من التواصل و التعاون في المجالات ذات الاهتمام المشترك بيننا.

هذا، و سنكون سعداء في الكويت بزيارتكم لها في ضيافة مركز البحوث و الدراسات الكويتية، و حتى نلتقاكم لكم منا و من أعضاء الوفد الكويتي المرافق أطيبت التحية.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

رئيس المركز

أ.د. عبدالله يوسف الغنيم

MIIRAS-E

SHAHAB

Journal of

The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

The world Treasur of Islamic Manuscripts

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 7741970-8

Fax: + 0251 - 7743637

www.marashilibrary.com...or net or org

E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

under the supervision of the Editorial Board Reza

Chief editor: Mohammad Esfandiary

Typesetting and Layout: Mohammad Mohammadi

- **Miras-e Shahab**, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:
- To introduce Manuscripts of the Library.
- To introduce the incunabuals kept in the Library.
- To introduce the Publications of the Library.
- Reports from tours by Library's researchers.
- Articles on Criticism and Authorship.
- Articles on Librarianship and Bibliography.
- Articles on introducing various Libraries.

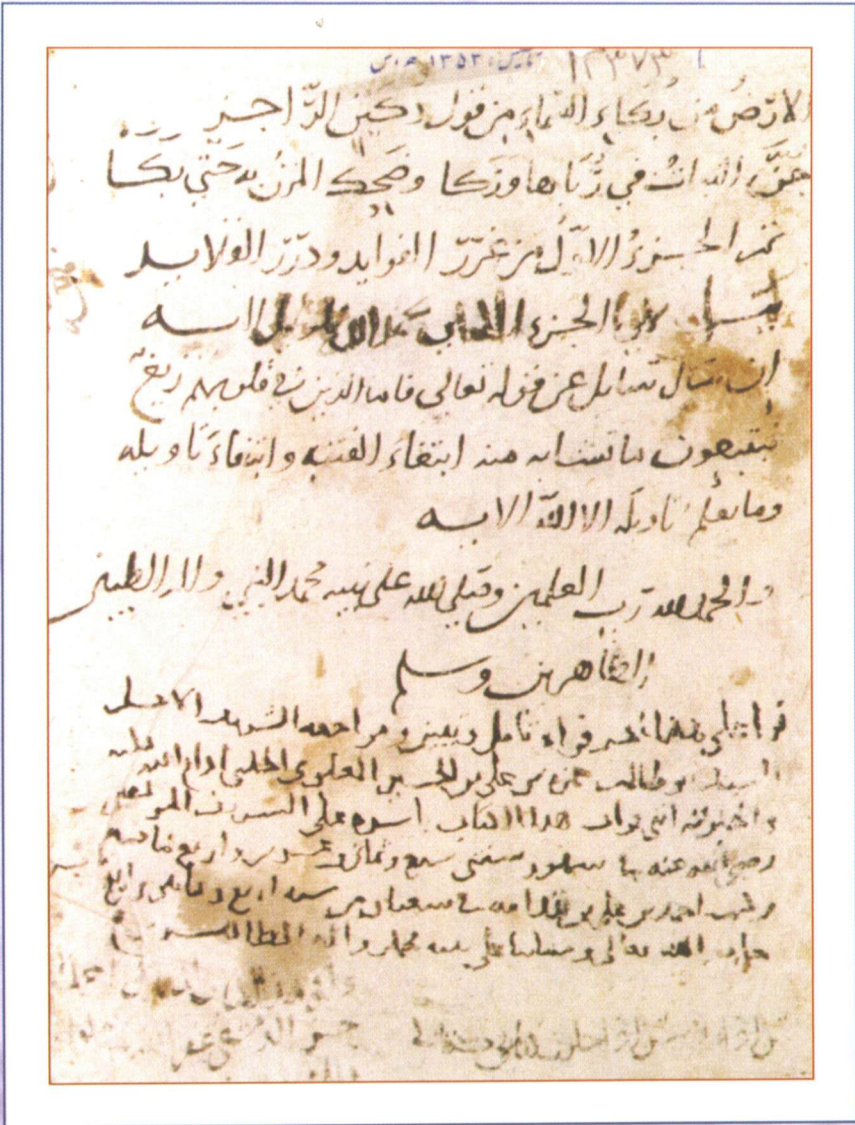
- The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.
- The views presented in this journal are those of the authors.
- No article received will be sent back to the sender.
- The received articles will be edited technically by the editorial board.
- **Miras-e Shahab** is published quarterly at the end of each season.



The Journal of The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

The World Treasur of Islamic Manuscripts

Vol. 8, No. 2, Summer 1381/2002



The End page of *Amāly* by saýed-e- Mürtezā, the oldness Manuscript in the world of this book, who corrected in the 1091 / 484 A.H. by Ibn Qūddāmeḥ ((Ibn Anbāri)), Registered by No. ((12373)) of this Library